





فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مرکز تحقیقات معماری
دانشگاه علم و فرهنگ
دانشکده هنر



دانشگاه بوعلی سینا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه تبریز - مرکز تحقیقات معماری



دانشگاه حرم‌مکان

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سر دبیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندری

ویراستار علمی - ادبی: سپیده سیدفرجی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

• دکتر مجتبی انصاری

• دکتر مصطفی بهزادفر

• دکتر جهان‌شاه پاکزاد

• دکتر بهنام جلالی

• دکتر کرامت‌اله زیاری

• دکتر محسن سرتیپی پور

• دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

• دکتر یعقوب محمدی فر

• دکتر محمد مسعود

• دکتر احمد نوحه گر

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ

استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استاد جهاد دانشگاهی، گروه معماری و منظر

استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت



نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی،

پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۰۲-۶۶۹۷۰۹۰۱ نمابر: ۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>



فهرست مطالب

- ۵ واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان شهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی؛ مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش محمد مهدی عزیزی، اسفندیار زبردست، رضا اکبری
- ۲۳ مقایسه تطبیقی محله های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق پذیری با شاخص های ایرانی - اسلامی جمال محمدی، سیدرضا آزاده
- ۳۵ بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دلپستگی به مکان؛ مطالعه موردی: محله ساغر یسازان شهر رشت علی اکبر سالاری پور، حمیدرضا رمضان، نادر زالی، مریم صفای کارپور
- ۴۹ تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی ایمان قلندریان، مجتبی رفعیان
- ۵۹ تحلیل نقش بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در توسعه گردشگری شهری علی شماعی، حسن رضا پور میر صالح، علی موحد
- ۷۳ تحلیل تاریخ ساخت، کاربری و ساختار معماری دروازه توپخانه در گستره تحولات میدان نقش جهان در دوره قاجار نیما ولی بیگ، نگار کورنگی



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|-------------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) | • دکتر بهرام امین زاده |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی | • دکتر کاوه بذرافکن |
| عضو هیأت علمی دانشگاه هنر تهران | • دکتر هادی پندار |
| عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز | • دکتر سارا دانشمند |
| عضو هیأت علمی دانشگاه یزد | • دکتر علی شهابی نژاد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز | • دکتر علیرضا صادقی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی | • دکتر علی طیبی |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی | • دکتر حسین کلانتری خلیل آباد |
| عضو هیأت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی | • دکتر ایرج قاسمی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز تهران | • دکتر نفیسه مرصوصی |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی | • دکتر مهشید منزوی |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می شود.

واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان‌شهری اسلامی جهت کاربری شهرسازی اسلامی مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش

محمد مهدی عزیزی*^۱ (نویسنده مسئول)، اسفندیار زبردست^۲، رضا اکبری^۳

^۱ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ عضو هیات علمی گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰)

چکیده

با بررسی ادبیات نظری موجود در زمینه شهر اسلامی، این اطمینان حاصل گردید که «عدالت» - در کنار برخی اصول دیگر، نظیر وحدت، احترام به مالکیت‌ها، قاعده لاضرر و لاضرار و ... - یکی از اصول قطعی شهرسازی اسلامی است. موضوع عدالت محیطی در آرمان‌شهر اسلامی در حالی که یکی از موضوعات مهم در جامعه و شهر اسلامی است، موضوعی کاربردی نیز هست که به برخی نیازهای کنونی شهرسازی کشور پاسخ خواهد داد. از جمله بافت‌هایی که این رویکرد را در آن با تأکید بیشتر می‌توان پی جست محله‌هایی از شهر هستند که با بنیان روستایی شکل گرفته‌اند و به دلیل طی نشدن فرایند صحیح ادغام در شهر، به صورت محله‌ای مسئله‌دار در شهر درآمده و به تدریج انواع نابرابری‌های محیطی در آنها بروز پیدا می‌کند. در این باره، به منظور بررسی امکان توسعه اصل شیعی عدالت در نظام شهرسازی ایران، محله روستا بنیان سفین جزیره کیش به عنوان نمونه‌ای از محدوده‌های شهری که به نظر می‌رسد در معرض بی‌عدالتی محیطی است، انتخاب و بررسی شد. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی با ابزار مطالعات اسنادی و همچنین روش تحلیلی است که به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع در نمونه موردی از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. بر اساس مطالعات نظری و تجربی عوامل مشترک عدالت محیطی از منظر اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی و نظریات شهرسازی در قالب برابری اجتماعی اقتصادی، برابری زیست محیطی و برابری رویه‌ای احصا گردید. برای پی‌جویی مؤلفه‌های احصا شده در چارچوب نظری، شواهد و مدارک برآمده از نتایج پرسشنامه در نمونه موردی با ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۲۸ در محدوده حاکی از آن است که بیشترین بی‌عدالتی در عامل اجتماعی اقتصادی از منظر توزیع هزینه - فرصت‌ها با امتیاز استاندارد ۲٫۶۵ است. در نهایت با توجه به تأکید ویژه اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی بر برابری اجتماعی اقتصادی و تدقیق در نمونه موردی، عوامل عدالت محیطی از منظر آرمان‌شهرهای اسلامی احصا، تدقیق و معرفی شدند که عبارت‌اند از: عدالت در توزیع هزینه - فرصت‌ها؛ عدالت در به رسمیت شناختن افراد؛ عدالت در توجه به ظرفیت‌ها و توانایی افراد و عدالت در رویه سیاسی و مشارکت ساکنان در تمامی مراحل تهیه و اجرای طرح‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های شهری.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، شهرسازی اسلامی، عدالت، عدالت محیطی، سفین کیش.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری رضا اکبری با عنوان «تبیین فرآیند ادغام روستاها در شهر با رویکرد عدالت محیطی» است که در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحت راهنمایی دکتر محمد مهدی عزیزی و مشاوره دکتر اسفندیار زبردست به انجام رسیده است.

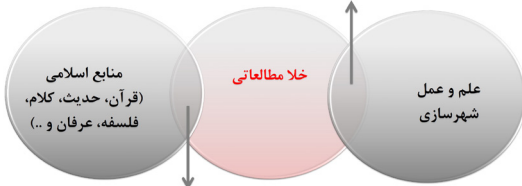
** E-Mail: mmazizi@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ زندگی بشر گواه آن است که سودای نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه‌ای عاری از کاستی، همواره ذهن اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول داشته است. سودای ساختن جامعه‌ای بسامان و یک آرمان‌شهر پاسخ به چنین وضعیتی است. گاه این آرمان‌شهر در زمین و گاه در آسمان جسته می‌شود. از افلاطون یونانی در کتاب جمهوریت، فرانسیس بیکن در کتاب آتلانتیس، کامپانلا در کتاب شهر آفتاب، جیمز هرینگتون در کتاب اوسئانیای، وتر در کتاب شهر زین، توماس مور در کتاب یوتوبیا، اتین کابه در کتاب سفر به ایکاری، گرفته تا کارل مارکس همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمانی شهری ایده آل یا همان آرمان‌شهر مطلوبشان بپردازند. بزرگانی چون فارابی، امام محمد غزالی، خواجه نظام‌الملک، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی، عطار نیشابوری و بسیاری از متفکران مسلمان نیز در پی آرمان‌شهر خود بوده‌اند؛ مدینه فاضله‌ای که بر آموزه‌های دین مبین اسلام استوار بود. در تمامی این آرمان‌شهرها، اصل «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین شروط حکمروایی در شهر دیده می‌شود (امین زاده و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۲). تحقق عدالت، دستیابی به حقیقت، طرح جامعه آرمانی، مفاهیم خیر و شر، برابری و برادری، مفاهیم عقلانی، شیوه‌های رستگاری آدمیان، مشخصات حکمران و حاکم آرمان‌شهر، تحقق بهشت این جهانی و... همگی در اندیشه‌های آرمان‌خواهانه آرمان‌شهری ذکر گردیده است.

نگارش این مقاله از دغدغه اصلی نگارندگان در خصوص تمایز شهر در سرزمین‌های اسلامی از شهر اسلامی نشأت گرفته است. وضعیت کنونی حاکم بر شهرهای داعیه‌دار اسلام نشان از آن دارد که علم و عمل شهرسازی سمت‌وسویی متمایز از آموزه‌های اسلامی داشته و تنها اشتراک اندکی با منابع دین مبین (قرآن، حدیث و کلام) دارد. این حوزه اشتراک نیز پوسته و پوششی ظاهری در این وادی است که جز در کلام منجر به شکل‌گیری دانش کاربردی عملی در شهرسازی اسلامی نشده است. لازمه خروج از این خلأ ایجاد شده و رسیدن به یک شهرسازی واقعی اسلامی بر کردن خلأیی است که خود موضوعات متفاوتی را در بر می‌گیرد (شکل ۱). در صورتی که فاصله یاد شده ترمیم گردد و در این‌باره از آموزه‌های تاریخی شهرسازی سرزمین ایران نیز بهره جسته شود، نظریه‌های کاربردی در حوزه شهرسازی متناسب با هنجارها و ارزش‌های اسلامی تولید خواهد شد که می‌تواند با همراهی نظریه‌های کاربردی مبتنی بر مکان (شهر در ایران)، دانش پایه پارادایم بومی شهرسازی را فراهم آورد. این پارادایم بومی شهرسازی اندوخته‌ای فراهم خواهد آورد که تحقق شهرسازی اسلامی را میسر می‌سازد.

پوسته ای ظاهری تحت عنوان شهرسازی اسلامی



آموزه های اسلامی مرتبط با حوزه های شهر و شهرسازی

شکل شماره ۱: خلأ مطالعاتی در شهرسازی اسلامی
مأخذ: نگارندگان

پژوهش در حوزه شهرسازی اسلامی در ایران در دو دهه اخیر به لحاظ کمی به سطح بالایی رسیده است. این نگاه، گاه با مذاقه در منابع دینی، گاه با رجوع به مستشرقان غربی و گاه با کندوکاو در مطالعات پژوهشگران دینی و فلسفی شرقی آمیخته شده و با عنوان شهر اسلامی مطرح شده است. می‌توان دو رویکرد غالب در پژوهش‌های کنونی شهرسازی اسلامی را چنین معرفی کرد: برخی مؤلفه‌های کالبدی که بیشتر محققان غربی و غالباً از شهرهای شمال آفریقا استخراج کرده و نظر به اشتراکات و تکرار این مؤلفه‌ها در نمونه‌های موردی متعدد در قالب الگو و شمایی از شهر اسلامی معرفی شده است. در این مقاله، نگرش اخیر، حداکثر در قالب الگویی از شهر در سرزمین‌های اسلامی و نه شهرسازی اسلامی دیده خواهد شد. برخی مباحث معنایی نیز در کلام و نوشتار بزرگانی چون فارابی، ابن سینا، امام محمد غزالی، رودکی، فردوسی، خواجه نصیر، ابن رشد، ناصر خسرو، عطار، شیخ اشراق، شیخ بهایی، میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا، سورآبادی، ابوالفتوح رازی، و بعدها در کلام شیخ طوسی، علامه نائینی، آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله خوانساری، مدرس، آیت‌الله کاشانی، نواب صفوی، آیت‌الله خمینی و امروز در حوزه‌های علمیه، کارگروه فقه نظام و همچنین بیانات آیت‌الله خامنه‌ای تبلور یافته که فاصله زیادی تا تحقق کالبدی در شهرها دارند.

فاصله مذکور معلول دو عامل اساسی است: نخست، عدم ورود متفکران و محققان متخصص حوزه‌های مذهبی در زمینه نزدیک نمودن دیدگاه‌های متفکران یاد شده به حوزه‌های شهری؛ دوم، عدم ورود پژوهشگران حوزه شهرسازی که می‌بایست دیدگاه‌های یاد شده را که متأثر از قرآن و حدیث و فرانظریه‌های دینی، فلسفی و اجتماعی است، در قالب نظریه‌های کاربردی شهرسازی که قابل کاربست در حرفه و عمل شهرسازی باشد، ارائه دهند؛ عامل دوم خود به نوعی معلول عامل اول است. در سال‌های اخیر، بزرگانی نظیر آیت‌الله محسن اراکی در حوزه علوم دینی، پروفیسور داوری اردکانی در حوزه فلسفه و هنر و آقایان دکتر نقره‌کار و دکتر نقی‌زاده در حوزه معماری و شهرسازی تلاش‌های بسیاری کرده‌اند تا این خلأ پوشش داده شود، اما هنوز جای کار بسیار است. یک سؤال اساسی این است که شهرسازی اسلامی باید پاسخگوی چه

روستابنیان سفین قدیم جزیره کیش است. بخشی از جزیره کیش که بررسی عدالت محیطی در آن، به دلایلی نظیر نژاد، سطح درآمد و اقلیت دینی، می‌تواند قابل تأمل باشد.

تبور نهضت عدالت محیطی در شهرسازی

از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، فشار مشکلات ناشی از بی‌عدالتی محیطی منجر به بروز جنبش‌های عدالت محیطی در آمریکا و در دیگر کشورها از جمله هند، آفریقای جنوبی، نیجریه، مکزیک و غیره شد. در جنبش‌های عدالت محیطی، مدافعان عدالت محیطی بر سیاست‌ها و قوانین محلی، منطقه‌ای و ملی که منجر به تبعیض محیطی می‌شد، تأکید می‌ورزیدند و علل بسیاری از مشکلات موجود در جوامع فقیر و اقلیت را ناشی از اعمال زور و قدرت گروهی خاص می‌پنداشتند. توزیع نابرابر منابع و خدمات، تخصیص زمین‌های موجود در برخی نواحی به کاربردهای مغایر با سلامتی بشر و غیره نمونه‌های کوچکی از پیامدهای این گونه سیاست‌ها بود (Khosravani nezhad & Akbari, 2014: 57).

نهضت عدالت محیطی شامل حرکات چندوجهی، تنازعات جوامع و مباحثاتی در جامعه معاصر است که در تلاش است تا خطرهای محیطی را کاهش دهد و اقداماتی که در جهت پشتیبانی از کیفیت محیط انجام می‌پذیرد را افزایش دهد و به طور کلی نابرابری‌های محیطی که جوامع اقلیت و کم‌درآمد متحمل می‌شوند را کاهش دهد. این مفهوم به ارزش‌ها و تصوراتی اشاره دارد که به منازعات جوامع محلی در برابر نمایندگان مؤسسات و دولت‌ها سمت‌وسو می‌دهد، نمایندگانی که جوامع اقلیت و کم‌درآمد را در معرض سطوح نامناسبی از خطرهای محیطی قرار می‌دهند (Oboler & González, 2015: 160). همچنین عدالت محیطی به یک عرصه چندانتظامی از مطالعه اشاره دارد که میزان در معرض نابرابری‌های محیطی قرارگرفتن این جوامع را بررسی می‌کند و آن را در راه حل‌های کوتاه و بلندمدت سهیم می‌کند. در نهایت، این انگاشت، تلاش‌های دولت‌های ملی و محلی که به منظور کاهش تبعیض محیطی، پیشبرد توسعه جوامع و دنبال کردن محیط‌های سالم و پایداری اکولوژیکی (بوم-شناختی) است، را شامل می‌شود (Carruthers, DV., 2008:12).

با مطالعه متون و منابع معتبر جهانی و بررسی آرا و نظریات نظریه‌پردازان اندیشه‌های بنیادین عدالت، می‌توان عدالت را از نظر ماهیتی در چهار رویکرد تعریف کرد: عدالت از منظر توزیع (عدالت توزیعی)^۱، عدالت از منظر به رسمیت شناختن افراد، عدالت از منظر قابلیت‌ها^۲ و ظرفیت‌ها^۳، عدالت از منظر روبه (عدالت روندکاری)^۴ و عدالت اکولوژیکی (زیست محیطی) که در نهایت ۳ اصل عدالت محیطی احصا می‌گردد:

نخست - برابری زیست محیطی: توجه به موقعیت مکانی مخاطرات محیطی با در نظر گرفتن جوامع متمایز نژادی و فقیر.

چیز باشد؟ پارادایم‌های علمی در پاسخگویی به نیازهای بشری که علوم موجود در پاسخگویی به آن نیازها عاجز هستند، شکل می‌گیرند. پارادایم شهرسازی نیز به طور کلی به دنبال پاسخگویی به نیازهای جوامع شهری است که از سده گذشته در غرب و به ویژه دانشگاه‌های آمریکا و اروپا شکل گرفته و در طول زمان متناسب با تغییر نیازها؛ تغییر، تصحیح و تکوین یافته و در مقیاس جهانی عرضه می‌شود. اما تفاوت نیازها در جوامع مختلف و همچنین لزوم تفاوت در پاسخ‌ها متناسب با باورها، هنجارها و ارزش‌های متفاوت جوامع در پاسخگویی به نیاز همسان و واحد، عاملی است که ضرورت بومی‌سازی پارادایم شهرسازی را روشن می‌کند. در جامعه شهری ایرانی، باورها و ارزش‌های برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام و نظام سیاسی منتخب حاکم، ضرورت تولید پارادایم بومی مذکور را بر مبنای آموزه‌های اسلام روشن می‌کند. بر این اساس، موضوع شهرسازی اسلامی باید نیاز جوامع شهری ایران امروز را مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در دستور کار قرار دهد.

مقاله حاضر با هدف تلاش برای بهبود خلأ مطالعاتی یاد شده، این رویکرد را با تأکید عام بر اصل عدالت و تأکید خاص بر عدالت محیطی پی‌جویی می‌کند. پرداختن به اندیشه‌های فلاسفه حول محور عدالت خود نیاز به تحقیقی مستقل دارد و از آنجا که هدف اصلی پژوهش حاضر تمرکز بر اندیشه‌های معطوف به عدالت و عدالت محیطی است، با مروری گذرا بر مفهوم عدالت، تمرکز اصلی بر آرای حکمای شیعه و ائمه معصومین است. اهمیت و ضرورت انجام چنین تحقیقی با توجه به اهمیت حق‌الناس در اسلام و فقدان سازوکارهای روشن در شهرسازی برای در نظرگرفتن حقوق شهروندی، و همچنین تأثیر مستقیم رعایت عدالت به طور عام و عدالت محیطی به طور خاص در افزایش رضایت عمومی و به تبع آن پایداری و مطلوبیت محیطی، قابل تبیین است. بر این اساس، سؤال‌هایی که مقاله حاضر در پی پاسخگویی به آنها به نگارش درآمده است به صورت ذیل قابل تدقیق است:

- اصل عدالت به طور عام و عدالت محیطی به طور خاص در آرمان‌شهرهای اسلامی چگونه متبلور شده است؟
- مفهوم عدالت محیطی در شهرسازی به طور عام و در شهرسازی اسلامی به طور خاص از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟
- بر اساس مؤلفه‌های عدالت محیطی در شهرسازی اسلامی، مهمترین پاسخ‌ها برای کاهش سطوح بی‌عدالتی محیطی در محله روستابنیان سفین کیش چیست؟

بر این اساس، ابتدا، مفهوم عدالت محیطی در ادبیات شهرسازی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس، اصل عدالت و عدالت محیطی در اندیشه دینی و سیاسی اسلام و آرمان‌شهر اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در انتها، با مطالعه یک نمونه موردی تلاش می‌شود تا با رویکردی کاربردی، به مفهوم عدالت محیطی در شهرسازی اسلامی پرداخته شود. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، محله

و کم درآمد به اطلاعات عمومی است که به سلامتی بشر و برنامه ریزی، مقررات و اجرای محیطی مربوط می شود.

سوم - عدالت محیطی تضمین می کند که هیچ جمعیتی، خصوصاً سالخوردگان و کودکان، را مجبور نکنند تا هزینه ای غیرمعقول از آثار منفی سلامتی و محیطی بشر ناشی از آلودگی و یا دیگر مخاطرات محیطی را متحمل شوند.

اما به منظور دسته بندی ماهوی تعاریف عدالت محیطی، سه دیدگاه ارائه می شود. این دیدگاه ها عبارت اند از:

نخست - عدالت محیطی به عنوان یک سیاست.

دوم - عدالت محیطی به عنوان یک جنبش اجتماعی متشکل از موضوعات عدالت اجتماعی و دغدغه های فعالان محیط باور.

سوم - عدالت محیطی به عنوان یک نیاز برای دسترس برابر به فرآیند تصمیم سازی (جدول ۲).

دوم - برابری اجتماعی - اقتصادی: در نظر گرفتن راهی که در آن عوامل اجتماعی از قبیل: نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی و قدرت سیاسی در تصمیم سازی محیطی اثر می گذارند و بازتاب دارند.

سوم - برابری روند کاری: پاسخ به مشکلات مربوط به به کار بردن قوانین و مقررات حکومتی، معیارهای ارزش گذاری شده و اقدام براساس یک رفتار بدون تبعیض (جدول ۱).

در یک جمع بندی از تعاریف مطرح شده، می توان چنین بیان کرد که:

نخست - عدالت محیطی به دنبال درگیری معنادار و منصفانه همه مردم صرف نظر از نژاد، رنگ، ملیت، سطح تحصیلات یا درآمد در توسعه، پیاده سازی و انجام قوانین و مقررات و سیاست های محیطی است.

دوم - عدالت محیطی به دنبال تضمین دسترس جوامع اقلیت

جدول شماره ۱: تعاریف و اندیشه های بنیادین عدالت از نظر ماهوی و موضوعی

تعاریف	عدالت
تخصیص برابر مزایا و هزینه های اجتماعی از قبیل: ثروت، موقعیت اجتماعی، تحصیلات، انباشت زباله های سمی، هوای آلوده و مانند آن در میان افراد یک جامعه است.	توزیعی
رویکرد تمامی افراد جامعه جدای از ویژگی های فردی و جمعی دارای حق برابر در استفاده از منابع و مزایای موجود دارند.	به رسمیت شناختن افراد
تمرکز بر ظرفیت هایی است که دارا بودن آنها باعث می شود تا این افراد به درستی در زندگی که خود انتخاب کرده اند عمل کنند.	قابلیت ها و ظرفیت ها
مشارکت کلید دستیابی به یک قابلیت سیاسی است که برای اطمینان افراد از عملکردها در جامعه ضروری است.	روند کاری
فرصت برابر در برخورداری از یک محیط امن و سالم	برابری اجتماعی
وضعیتی در اقتصاد که در آن سهم منابع یا کالاها در میان مردم برابر و منصفانه محسوب می شود.	برابری اقتصادی
وضعیتی که در آن هزینه ها و مزایای ناشی از توسعه فناورانه به طور برابر و منصفانه بین همه گروه ها در جامعه تقسیم می شود که غالباً از مشکلات زیست محیطی نشئت می گیرد	برابری زیست محیطی
نابرابری محیطی به یک واقعیت جغرافیایی برمی گردد، الگویی که در آن سایت های انباشت زباله های سمی، صنایع آلوده کننده، و دیگر تهدیدات زیست محیطی غالباً در درون یا همجوار با محل سکونت جوامع رنگین پوست یا فقیر قرار می گیرند.	نابرابری محیطی
وجود تفاوت بین ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی مسکونی یک شهر و بررسی عوامل موثر در ایجاد و تشدید آن	نابرابری فضایی
بهره برداری برابر و منصفانه همه از محیط طبیعی	اکولوژیکی
عدالت فضایی مستقل از دیگر فرم های عدالت (اجتماعی، اقتصادی و محیطی) نیست و از آنجا که فضا عنصر مشترک و پیوند دهنده آنهاست، عدالت فضایی می تواند به عنوان، مرکز انواع مفاهیم عدالت عمل کند.	فضایی

جدول شماره ۲: جمع بندی و دسته بندی دیدگاه های مطرح شده در مورد عدالت محیطی در تعاریف مختلف

تعاریف	دیدگاه
تعریفی از عدالت محیطی که بر مفاهیم انصاف و برابری در یک چارچوب منظم تأکید دارد: عدالت محیطی رفتار منصفانه و درگیری معنادار همه مردم صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، ملیت، یا درآمد نسبت به توسعه، پیاده سازی و اجرای قوانین، مقررات و سیاست های محیطی است.	عدالت محیطی به عنوان یک سیاست
تعریفی که مورد استفاده بسیاری از مدافعان جنبش عدالت محیطی است و بر ارائه جامع موضوعات عدالت محیطی تأکید دارد. در این تعریف عدالت محیطی هم در محیط کالبدی و هم در محیط انسانی مطرح است: عدالت محیطی حقیقی است برای همه، حق بهره مندی از یک محیط امن، سالم، مولد، و پایدار، که «محیط» در کلیت خودش جایی در نظر گرفته می شود که شامل محیط های اکولوژیکی، فیزیکی (طبیعی و انسان ساخت)، اجتماعی، سیاسی، زیباشناختی، و اقتصادی است. عدالت محیطی به وضعیتی برمی گردد که در آن شرایط چنین حقیقی قابل اعمال و اجراست، که از طریق آن هویت، نیاز و شایستگی شخص یا گروه به گونه ای حفاظت شود که زمینه خودکشفایی و توانمندی فرد یا جامعه را فراهم کند.	عدالت محیطی به عنوان یک جنبش اجتماعی متشکل از موضوعات عدالت اجتماعی و دغدغه های فعالان محیط باور
تعریفی که تمرکز بیشتر بر قوانین محیطی و حفاظت محیطی دارد و مستلزم عدالت برابر، حفاظت برابر و دسترسی برابر به فرآیند تصمیم سازی است: عدالت محیطی به عنوان دنباله و ادامه عدالت برابر و حفاظت برابر تحت عنوان قانونی که تمامی قوانین و مقررات محیطی در لوای آن ملزم به مانع از تبعیض بر اساس نژاد، قومیت، و یا وضعیت اجتماعی/اقتصادی اند. این مفهوم بر تمامی فعالیت های حکومتی و در تمامی سطوح محلی، منطقه ای و کشوری اعمال می شود.	عدالت محیطی به عنوان یک نیاز برای دسترسی برابر به فرآیند تصمیم سازی

جمع‌بندی این مطالب نشان می‌دهد که پژوهشگران و متخصصان امر از عدالت محیطی دو استفاده متمایز داشته‌اند: نخستین و رایج‌ترین استفاده عدالت محیطی را جنبشی اجتماعی توصیف می‌کند که بر توزیع منصفانه هزینه و فایده محیطی تمرکز دارد. دومین استفاده از عدالت محیطی به گونه‌ای است که بخشی میان‌رشته‌ای از ادبیات علوم اجتماعی دانسته می‌شود که شامل نظریه‌های زیست‌محیطی، نظریه‌های عدالت، قوانین محیطی و حکمرانی، سیاست‌های زیست‌محیطی و برنامه‌ریزی، توسعه، پایدار و بوم‌شناسی سیاسی است (جدول ۳).

جدول شماره ۳: تعریف عدالت محیطی از منظر مفاهیم مختلف

مفهوم	سه گستره تعریفی	توضیح
عدالت محیطی	برابری رویه‌ای	پاسخ به مشکلات مربوط به انصاف، به کار بردن قوانین و مقررات حکومتی، معیارهای ارزش‌گذاری شده و اقدام بر اساس یک رفتار بدون تبعیض
	برابری زیست محیطی	توجه به موقعیت مکانی مخاطرات محیطی با در نظر گرفتن جوامع رنگین پوست و فقیر
	برابری اجتماعی	در نظر گرفتن راهی که در آن عوامل اجتماعی از قبیل: نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی، و قدرت سیاسی در تصمیم‌سازی محیطی اثر می‌گذارند و بازتاب دارند.

تبلور اصل عدالت و عدالت محیطی در اندیشه دینی و سیاسی اسلام

عدالت از دیدگاه‌های مختلف به عنوان منشأ و مبنای ایجاد محیط مطلوب و عاملی مهم در تعریف شهری ایده آل مطرح بوده است. از عدالت تعابیر و برداشت‌های مختلفی ارائه شده و در طول تاریخ نظریه‌های گوناگون درباره مفهوم عدالت بیان گردیده است؛ اما نگاه اسلام به عدالت با همه مکاتب بشری متفاوت است. اهمیت عدالت در اسلام از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بنابر آموزه‌های اسلامی، خداوند عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت‌اند. عدل و عدالت در مذهب شیعه اهمیتی ویژه دارد؛ به طوری که از اصول دین به شمار می‌آید (خطیبی کوشک، ۱۳۸۵: ۳۳۳). در ادامه به چگونگی نگرش به اصل عدالت به طور عام و عدالت محیطی به طور خاص در مدینه فاضله یا آرمان‌شهر اسلامی از نگاه قرآن و معصومین و علمای مسلمان پرداخته شده است و در پایان سعی شده معیارهای آرمان‌شهر اسلامی از این نظریات استخراج شود.

انعکاس عدالت و عدالت محیطی در شهر اسلامی از منظر قرآن
ریشه اصلی مباحث مربوط به عدل را باید در اصلی‌ترین منبع تعالیم اسلام «قرآن» جست‌وجو کرد. با عنایت به انواع عدل مطرح شده در

تعالیم قرآنی یعنی عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی، می‌توان به این اصل اساسی دست یافت که پایه جهان‌بینی قرآنی را عدل تشکیل می‌دهد (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۵).

خداوند آفرینش جهان هستی را براساس عدالت استوار می‌کند؛ عدل الهی چون صفت حق تعالی است در عین واقعی بودن و کامل بودن، یکی از اصول آفرینش نیز هست. علاوه بر اینکه خلقت جهان هستی بر اساس عدل است ایجاد قوانین و سنن و کلمات جهان هستی نیز بر پایه عدل و داد تحقق یافته است.^۵

استقرار عدالت یکی از مهم‌ترین اهداف انبیاء الهی: در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «مانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات (به حق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند»؛^۶ و چون وجود جامعه‌ای عادل هم نیاز به قدرت معنوی دارد و هم قدرت مادی، در آیه فوق به هر دو قدرت اشاره شده است.^۷

مساوات و عدم تبعیض نژادی اصل اساسی‌ای که خداوند جامعه اسلامی را بر آن استوار می‌داند: با ظهور اسلام، تمام آمل و آرزوها و منافع اشرف با چالش مواجه شد؛ یکی از این منافع، تبعیض نژادی و به بند کشیدن افراد سیاه پوست بود. لذا قرآن با تفاخرها و امتیازات نژادی به شدت مقابله کرده است. خداوند در آیه ۱۳ حجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را به صورت زن و مرد آفریدیم، و شما را گروه‌گروه گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید».

انعکاس عدالت و عدالت محیطی در شهر و آرمان‌شهر اسلامی از منظر معصومین

به غیر از آیات قرآن، توجه به عدل در احادیث نبوی و روایات ائمه معصومین نیز دیده می‌شود. نبی اکرم در این خصوص می‌فرماید: «یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن روزه و شب‌های آن احیا داشته باشید بهتر است» (نراقی، ۱۳۸۴: ۲۲۳) اقدامات نخستین پیامبر(ص) در مدینه انسجام و وحدت را ایجاد کرد و محدودیت‌های طبقاتی را حذف نمود و بازارها و میادین و فضاهای عمومی را در ارتباطی معنوی با خود قرار داد. پیامبر(ص) با اقطاع و وقف زمین و چاه‌های آب و تقسیم ثروت بین مهاجر و انصار^۸ و تدوین نخستین پیمان‌نامه عمومی اسلام بین طبقات مختلف موجود در مدینه، و تقسیم افراد به حضری و بدوی و تبیین الگوهای رفتاری مناسب دو شعار اساسی تقسیم ثروت‌ها بین مردم و تعالی ارزش‌های انسانی را محقق نمود (پاک، ۱۳۸۷: ۱۳۸) که این اقدامات مظاهر عدالت محیطی است. همچنین عدم تبعیض نژادی در سیره (رسول خدا(ص) همواره مورد توجه و تأکید بوده است.^۹

ائمه معصومین (ع) نیز عدالت همه جانبه را مدنظر داشته‌اند. امام علی(ع) حکومت خویش را بر پایه عدالت گسترده بنیان نهاد. خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار ایشان به ویژه عهدنامه مالک اشتر، که با تفصیل تمام چگونگی رفتار عادلانه حاکم اسلامی

با صنف‌های گوناگون جامعه را بیان می‌کند، گواهی روشن بر این حقیقت است^{۱۳} (کلینی، ۱۳۵۰: ۴۱۱). بنابراین معتقدات اسلامی و شیعی، عدالت‌راستین و جهانگیر در آرمان‌شهر مهدوی تحقق خواهد یافت. در خصوصیات حکومت امام زمان (عج)، هیچ ویژگی به اندازه «عدالت» و «قسط» روشنی ندارد. آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت‌گستری آن حضرت تأکید شده، بر سایر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور و آرمان‌شهر مهدوی دارد (ترانه‌ای، ۱۳۸۳: ۴۸۴).

انعکاس عدالت و عدالت محیطی در شهر و آرمان‌شهر اسلامی از منظر حکما و علمای مسلمان

کلام الهی (وحی)، کلام معصومین (ع) (احادیث)، عقل و اجماع خبرگان، به عنوان چهار مرجع و سرچشمه قابل اعتماد - در دو مورد بی‌انحراف و بی‌نقص (کلام الهی و معصومین) که در بالا بررسی شد و در دو مورد دیگر به طور نسبی و اعتباری (عقل و اجماع) وجود دارند که در ادامه به بررسی نظر اندیشمندان مسلمان پرداخته می‌شود. شهر آرمانی اسلام و شهر خدا که اندیشمندان بزرگی چون فارابی، اخوان‌الصفاء، سهروردی، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه نظام‌الملک و... در اندیشه سیاسی خود، از آن سخن گفته‌اند، می‌تواند در کنار حقیقت اعتقادی و ایمان واقعی به اسلام، معیاری برای ارزیابی شهر اسلامی باشد. مفهوم عدالت در کانون هر اندیشه فلسفی درباره سیاست قرار دارد. به جرئت می‌توان گفت که اختلاف در آرای بسیاری از اندیشمندان سیاسی به اختلاف دریافت آنان از این مفهوم باز می‌گردد، و اگر بتوان این اختلاف دریافت را به درستی توضیح داد، راه تبیین اختلاف آراء نیز به طور عمده هموار می‌شود^{۱۴}. در اندیشه سیاسی دوره اسلامی، به طور کلی، سه دریافت متفاوت از عدالت را می‌توان تمیز داد: ترجمه آثار یونانی^{۱۴}، سیاست‌نامه‌نویسی^{۱۵} و شریعت‌نامه‌نویسی^{۱۶} (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۶۹ و ماوردی، ۱۳۶۵: ۶۶۸). بر این اساس، در ادامه دریافت‌های علما و فیلسوفان مسلمان از عدالت و عدالت محیطی با توجه به این سه رویکرد بررسی می‌شود.

فارابی (معلم ثانی)

فارابی از جمله فیلسوفانی است که با کندوکاو در آثار فلاسفه یونانی آرمان‌شهر یا مدینه فاضله خود را معرفی کرده است^{۱۷}. در اندیشه سیاسی فارابی عدالت از مفاهیم کلیدی است و حتی در محتوایی بسیار متنوع تر و گسترده تر از فلاسفه یونان طرح می‌شود. موضوع اصلی اندیشه وی برعکس افلاطون، عدالت نیست، بلکه سعادت است. بحث او با خداشناسی، نبوت و مسائل مربوط به آن دو آغاز می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) و به عدالت می‌انجامد. در بحث عدالت از دید فارابی، نکته مهم این است که ابتدا، عدالت و توازن و اعتدال را می‌توان در روش عقلی و روش علمی او مشاهده کرد. برخی متفکران موضوع عدالت از دید فارابی را «عدالت عقلی به عنوان عدالت ایده‌آل» نامیده‌اند و نقش

فارابی را علاوه بر تلخیص و بازگویی نظریات افلاطون و ارسطو، در ارائه نظریه مختص عدالت وی که مبتنی بر هماهنگی بین عقل و دین بود، می‌دانند (Khadduri, 1984: 84-85) در آثار فارابی، چند تعریف برای عدالت قابل شناسایی است (URL1):

- عدالت، خصیصه ماهوی نظم حاکم در کائنات

- عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها

و سلسله مراتب، و عدم ترداد با برابری مطلق

- عدالت، به معنای فضیلت و ملکه اخلاقی در فرد برای عمل

به فضایل اخلاقی نسبت به دیگران

- عدالت و نظریه اعتدال و ملکات متوسطه

- عدالت، به معنای تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی

- عدالت، هدف قوانین مدینه

شاید این نوع نگرش به اصل عدالت در مدینه فاضله فارابی ناشی از عصر فارابی، عصر هرج و مرج، تشتت و زوال بنیادهای سیاسی و اجتماعی جهان اسلامی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در جمع‌بندی آرا و نظرهای فارابی در خصوص فلسفه عدالت می‌توان چنین بیان داشت که او به خوبی به دو رویکرد از رویکردهای چهارگانه عدالت محیطی توجه کرده است:

۱- عدالت از منظر توزیع (عدالت توزیعی): عدالت، به معنای

تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی

۲- عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها: عدالت به معنای

ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب، و

عدم ترداد با برابری مطلق.

ابوعلی سینا (شیخ الرئیس)

آرمان‌شهر در آراء ابن سینا به تصریح معرفی نشده اما اندیشه‌های فلسفه اجتماعی ابن سینا، توصیفاتی از آرمان‌شهر فلسفی این فیلسوف مشایی دارد (فکوهی، ۱۳۸۱: ۷۷). ابن سینا همانند فارابی و افلاطون و... که آراء خود را بدون کرده و نام «اتوپیا» (مدینه فاضله، آرمان‌شهر) بر آن نهادند، اثر و مشرب فلسفی خاصی ابداع نکرد، لیکن برابند اندیشه‌های خود را به شکل جامع در پایان کتاب الشفاء آورده و در دو فصل به تشریح آنها پرداخته است. از نگاه او شهرها سه گونه‌اند: گمراه شهر- که باید آن را به راه حق فراخواند، ناسازشهر- که دارای سنت‌هایی برخلاف سنت فرهی (کریمه) است، آیین شهر- که سنت گذار آن خداست، و همین مدینه، «دادشهر» است. در این دادشهر (= مدینه عادلانه)، سزاست که عوام از اخلاق و عاداتی که شریعت نهاده است پیروی کنند تا آنکه کردارهای نیک با تکرار پیوسته و بسیار و طی زمانی طولانی آیین شود. ابوعلی سینا درباره عدالت بیش از فارابی به واقع‌گرایی معتقد است. وی عدالت را به معنای برابری مطلق نمی‌داند بلکه آن را در زمینه استحقاق‌های متساوی و نفی تبعیض لازم می‌داند. ابن سینا به جای «برابری مطلق» قائل به تفاوت در بین انسان‌هاست. برخی اندیشمندان، عدالت مورد ادعای ابن سینا را «عدالت عقلی

به عنوان تجلی و تعبیری از قرارداد اجتماعی» عنوان نموده اند (Khadduri, 1984: 88). در آرای ابن سینا لزوم وجود مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها قابل مشاهده است، اما نکته قابل توجه در آن ژرفای نگرش این فیلسوف به این موضوع است. ابن سینا در ده قرن پیش، به بروز بحران کثرت‌گرایی^{۱۸} در صورت مشارکت حداکثری مردم در جامعه اشاره می‌کند. راه حل مقابله با این کثرت‌گرایی در آرا و نظرها را تعریف مبنایی مشخص می‌داند. مبنا و مقیاس، سنت و عدل است و برای تشریح سنت و عدل نیز، قانون‌گذار عادل نیاز است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

با این شواهد عدالت محیطی در نظرگاه ابن سینا در بعدی دیگر نسبت به فارابی دیده می‌شود. ابن سینا علاوه بر توجه به عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها به عدالت از منظر رویه و مشارکت همه‌جانبه مردم در جامعه اشاره دارد؛ که یکی از مهم‌ترین وجوه برقراری عدالت محیطی در جامعه و به طور ویژه در تدوین سیاست‌های شهرسازانه، در قالب مطالبات فعالان نهضت عدالت محیطی است.

محمد بن احمد بن رشد اندلسی (ابن رشد)

نظریه ابن رشد این است که فرد باید با توجه به توانایی‌هایی که دارد دارای حرفه‌ای باشد که در آن تبحر دارد و حق اشغال موارد دیگر را ندارد. ابن رشد معتقد است که در این موارد همه افراد مساوی‌اند و میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. او برای حق مالکیت اهمیت زیادی قائل است، بدین ترتیب که فرد باید مالک دسترنج خود باشد و توان تصرف در آن را داشته باشد. آرمان‌شهر فلسفی ابن رشد نیز مانند آرمان‌شهر فلسفی افلاطون، فارابی و ابن سیناست، هرچند اندکی وجه تمدنی و علم‌اجتماعی آن، افزونی یافته است به صورت کلی برخی شاخصه‌های آن عبارت‌اند از (آکوچکیان، ۱۳۸۷: ۲۶):

- سعادت معنوی در گفتمان ترقی شهر، اصالت دارد؛
- حاکمیت در شهر با عقل و شیوخ است؛
- عدالت اجتماعی عقل‌مدار، اصل در نظام اجتماعی شمرده می‌شود؛
- دفاع از حقوق زنان مورد توجه است.

ابن رشد به پیروی از ارسطو در موارد حقوق اساسی در جامعه این دیدگاه را دارد که فرد و همه فراد اجتماع از مشی معتدل باید پیروی نمایند. او به حق برای مداخله در تعیین سرنوشت و حق آگاهی برای عموم اهمیت درجه یک قائل است که باید به آن توجه شود. او به عدالت سیاسی در فرد و حکومت توجه نموده آن را از همدیگر جدا نمی‌داند (ابن رشد، ۱۹۹۸: ۱۸۵۲). او رعایت مصالح عمومی، تأمین امنیت و توجه به استعدادها و نخبگان را ضروری می‌داند که باید از همه موارد مضر در امان بماند (سلمان، ۱۳۹۰). در عرصه اقتصادی، حاکمیت باید به فردی توجه نماید که به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خود نیست. برای رفع نیازهای

عمومی اتباع با در نظر داشتن توزیع عادلانه مشاغل و مالکیت‌های عمومی امکان تأمین وجود دارد. گذری کوتاه در آثار و آرای ابن رشد توجه وی به تحقق عدالت محیطی در سه اصل را آشکار می‌کند: عدالت از منظر توزیع برابر، عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و عدالت از منظر رویه و مشارکت.

خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی از جمله متفکرانی است که در جریان سیاست‌نامه‌نویسی عدالت را تعریف می‌کند^{۱۹}. خواجه در بحث مدینه فاضله و سیاست مدن، پیرو فارابی است. خواجه پیرو و شارح آثار ابن سینا و مسکویه رازی نیز هست. نظریات خواجه در مبحث عدالت گرچه همانند اغلب فلاسفه مشایی متأثر از اندیشه افلاطون و ارسطو است؛ ولی عمدتاً ریشه قرآنی و اسلامی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی به مانند سایر فلاسفه و بنا به نظریه اعتدال، معتقد است که عدالت به دنبال سه فضیلت دیگر که عبارت است، از حکمت و شجاعت و عفت، حاصل می‌گردد. عدالت حد وسط و حالت تعادل بین ظلم و انظلام و شامل جملگی اعتدالات است و هر دو طرفش، جور است. عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب است نه تساوی مطلق. خواجه نصیر همانند فارابی و بوعلی، به تعاریفی از عدالت از جمله «اعطاء کل ذی حق حقه»، «وضع کل شیء فی موضعه» اعتقاد داشته و با رد برابری مطلق، تساوی و رفع تبعیض در زمینه استحقاق‌های مساوی را لازم می‌دانسته است. این تعبیر از عدالت که از شایع‌ترین تعابیر اسلامی و افلاطونی از این مفهوم است، در نزد خواجه نیز بسیار مهم و اساسی است و او تعریف این مفهوم را با بررسی معنای تساوی آغاز می‌کند. برخی از مؤلفان نیز این معنا از عدالت را نزد خواجه تمیز داده و وجه ممیزه شمرده‌اند و از جمله معتقدند: «عدالت در مدینه فاضله خواجه نصیرالدین طوسی، همان عدالت افلاطونی و فارابی است و تحقق آن، وابسته به این است که هر کس بر حسب شایستگی در پایگاه راستین خود جای گیرد و به کاری بپردازد که با سرشت و استعداد او سازگار است. هیچ کس نباید بیش از یک پیشه داشته باشد؛ زیرا طبایع مردم اقتضا می‌کند که به کاری که شایسته آنند، بپردازند» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۲۰). با توجه به مطالب ذکر شده تعاریف عدالت و مقام آن در فلسفه سیاسی خواجه نصیر طوسی می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

- ریشه الهی داشتن عدالت و اینکه عادل اصلی ذات الهی است و ضرورت دارد همه در عدالت به عدل وی تأسی نمایند.
- عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب است نه تساوی مطلق.
- عدالت در مدینه، تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی است.
- عدالت، هدف قوانین مدینه است (جدول ۴).

جدول شماره ۴: عدالت و عدالت محیطی در نظرگاه حکما و علمای مسلمان

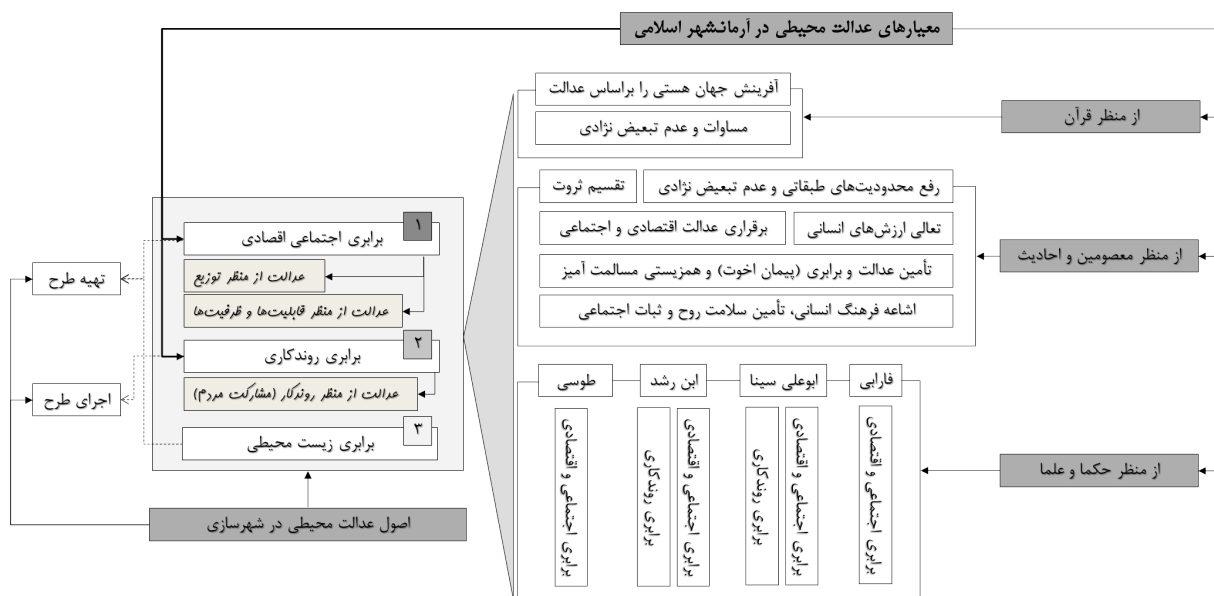
نام و تاریخ	نام اثر	نام جامعه آرمانی	ویژگی	هدف	اصول عدالت	اصول عدالت محیطی
فارابی (۲۵۹-۳۳۹ هـ.ق)	آرای اهل مدینه فاضله و السیاسه	مدینه فاضله	نگاه اندامگرا به شهر	سعادت معنوی	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	برابری اجتماعی و اقتصادی
ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق)	الشفاء	داد شهر (آیین شهر)	عدالت	ارائه سنت فرهی (کریمه) بر پایه شریعت	عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار (مشارکت مردم)	برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری
ابن رشد (۵۲۰-۵۹۲ هـ.ق)	-	اجتماع فضیلت محور	شریعت اسلامی	رسیدن به فضیلت، کمال و کمال یابی	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار (مشارکت مردم)	برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری
خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۸-۶۷۲ هـ.ق)	اخلاق ناصری	-	نابرابری آدمیان و تقسیم کار اجتماعی	ایجاد اشتراک در آرا و افعال	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	برابری اجتماعی و اقتصادی

چارچوب نظری و روش پژوهش

عدالت محیطی به عنوان یک اصل شهرسازی اسلامی

شهر اسلامی تجلی‌گاه عدل به عنوان ویژگی بارز فعل الهی و اصل اساسی اسلام است. رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه زیستی عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه، به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد. بر این اساس از شاخص‌ترین اصول اسلامی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه تعاملات اجتماعی می‌توان به عدالت محیطی اشاره نمود. به این ترتیب، می‌توان گفت که عدالت محیطی همان گونه که پایه‌ای برای روابط اجتماعی جامعه اسلامی است، مبنایی برای شهرسازی و اجرای طرح‌های شهری در شهرهای سرزمین‌های اسلامی نیز می‌تواند باشد؛ زیرا شهرسازی در بنیاد خود فعالیت اجتماعی برای شکل دادن به فضای زندگی است. مطابق مطالعات انجام شده بر مفهوم عدالت محیطی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن، حدیث و آرای

حکما و علما، اولین معیار عدالت محیطی در آرمان‌شهر اسلامی با تأکید و اهمیت ویژه «برابری اجتماعی اقتصادی» از منظر توزیع و قابلیت‌ها و ظرفیت‌هاست. دومین معیار «برابری روند کاری» (رویه‌ای) ناظر بر روند کار و مشارکت مردم در امور زندگی خویش است. از آنجایی که این معیارها تلویحاً بر برابری زیست محیطی تأثیرگذارند، سومین معیار را که ناظر محیط زندگی و کیفیت آن است را می‌توان «برابری زیست محیطی» در نظر گرفت. هر سه قسم از این برابری‌ها از اصول اساسی و اولیه تحقق عدالت محیطی در شهرسازی‌اند که در اندیشه شهر و آرمان‌شهر اسلامی بر آنها مؤکداً اشاره و تأکید شده است (شکل ۲). اصول عدالت محیطی با هدف ایجاد محیط برابر برای همه، محیطی که در آن همه مردم صرف نظر از رنگ پوست، سطح درآمدی، نژاد و سطح تحصیلات در کنار هم به نسبت برابر از خدمات و امکانات محیطی بهره‌برند و از مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی متضرر شوند، ایجاد شده است. محیطی که در آن درگیری معنادار



شکل شماره ۲: معیارهای عدالت محیطی در شهر احصا شده از اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی؛ مأخذ: نگارندگان

دو سیستم روستا و شهر را بر روی یکدیگر نشان می‌دهد. به منظور شناسایی و تحلیل نابرابری‌های ناشی از بی‌عدالتی‌های محیطی در محله روستابنیان سفین کیش (از بعد تهیه طرح)، از دو روش تحلیل کمی و کیفی استفاده شده است در روش تحلیل کمی از پرسش‌گری و ابزار پرسشنامه استفاده شده است^{۲۰}. بدین منظور شاخص‌ها، متغیرها و سنج‌های برابری اجتماعی اقتصادی و زیست محیطی حاصل از مطالعات تجربی روشمند در حوزه عدالت محیطی استخراج و متناسب با ویژگی‌های آرمان‌شهر اسلامی تدقیق شدند (جدول ۵). همچنین با حضور در محل و برداشت میدانی فضاها و فعالیت‌ها با کمک ابزار نقشه و محاسبه سطوح و سرانه‌ها، همجواری‌ها و... و تطابق نتایج حاصل از تحلیل کمی و کیفی سطح تحقق عدالت محیطی سنجیده می‌شود. به منظور سنجش کمی برابری اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی، بعد از جمع‌آوری مقدار عددی هر شاخص (حاصل از پرسشنامه‌ها و محاسبات نگارندگان)، امتیاز استاندارد مجموع برای هر معیار محاسبه می‌شود تا در نهایت بیشترین بعد بی‌عدالتی محیطی در محله آشکار شود.

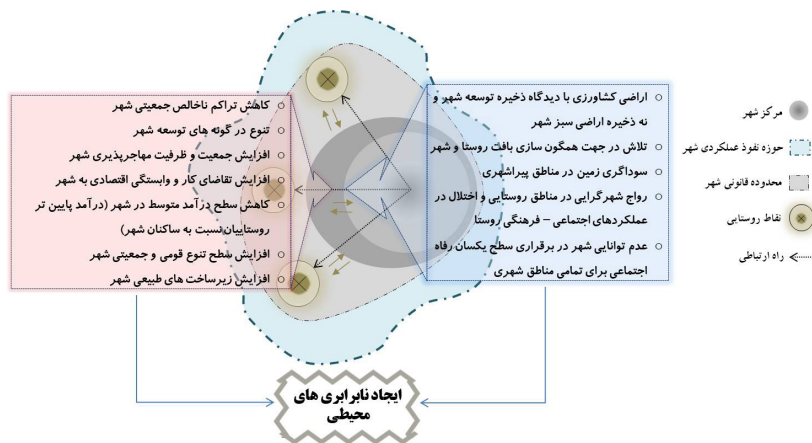
جامعه آماری ساکنان محله روستابنیان سفین هستند که حجم نمونه مطالعاتی با توجه به تبعیت از توزیع نرمال به همراه افزایش تعداد نمونه برای افزایش دقت پرسشگری جهت پوشش ریزش احتمالی پرسشنامه به جهت نوع پاسخگویی با شیوه نمونه‌گیری تصادفی تعیین گردید. با توجه به معیارهای عدالت محیطی پرسشنامه‌ای در قالب ۲۵ گویه متناسب با سنج‌ها و متغیرهای عدالت محیطی تنظیم شد. بررسی کیفی روایی پرسشنامه از طریق پرسش ۱۰ پرسشنامه آزمایشی و مصاحبه با متخصصان زمینه پژوهش، سوالات نهایی پرسشنامه را به ۲۰ پرسش کاهش داد. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰٫۹۲۸ تأیید شده است که عدد قابل قبول در سطح عالی است. در ادامه تلاش می‌شود با تحلیل آمار و اطلاعات و نتایج حاصل از تحلیل برابری‌های اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی از طریق

و منصفانه همه در فرایند تصمیم‌سازی و اتخاذ سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و راهبردهای محیطی فراهم آید. از سوی دیگر در شهرسازی، عدالت محیطی در دو بُعد تهیه طرح و اجرای آن قابل بررسی است:

عدالت در بُعد تهیه طرح عمدتاً شامل: مکان‌یابی مناسب کاربری‌ها، تجانس و هماهنگی و توازن بین فعالیت‌ها و کالبد، حفظ روابط اجتماعی پویا و کارآمد گذشته، ممانعت از تبعیض و نژادپرستی محیطی و مشارکت شهروندان است.

عدالت در بُعد اجرای طرح شامل: توجه به حق مالکیت، سکونت و کسب و کار ساکنان و نیز وجود سازوکار منظم، روشن و مؤثر برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات، مشارکت مردم در اجرای طرح و مراحل مختلف تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. بر اساس دو بعد مذکور و ماهیت اصول مطرح در عدالت محیطی، می‌توان برابری اجتماعی - اقتصادی و برابری زیست محیطی (محیطی) را در بعد تهیه طرح و برابری رویه‌ای را در بعد اجرای طرح دسته‌بندی نمود (شکل ۲). در این مقاله به رعایت اصل عدالت محیطی در تهیه طرح و اندیشه‌های حاکم بر تهیه طرح از نظر برابری‌های اجتماعی اقتصادی و محیطی یعنی تعادل بین انسان و فضا، فعالیت و فضا و نیز انتخاب و جانمایی کاربری‌ها، مشارکت مردم در تمامی مراحل تصمیم‌گیری بدون توجه به نژاد، اقلیت و یا سطح درآمدی و... پرداخته می‌شود. بدین منظور، محله روستا بنیان سفین قدیم جزیره کیش به عنوان نمونه‌ای از محدوده‌های شهری که در معرض بی‌عدالتی محیطی قرار گرفته، معرفی می‌شود. روستا و شهر به عنوان دو نظام عملکردی مجزا بعد از ادغام در یکدیگر پیامدهای مختلفی که بازتاب اثر نیروهای مختلف و جریانات مؤثر بر آنها در گذر زمان است، را موجب می‌شوند که گستره وسیع این پیامدها (مثبت و منفی) صرفاً به ابعاد فضایی - کالبدی محدود نمی‌شود. در واقع مهم‌ترین عامل ظهور این آثار (مثبت و منفی) رویارویی این دو نوع نظام سکونتگاهی متفاوت با ساختار و کارکرد ناهمگون و متمایز

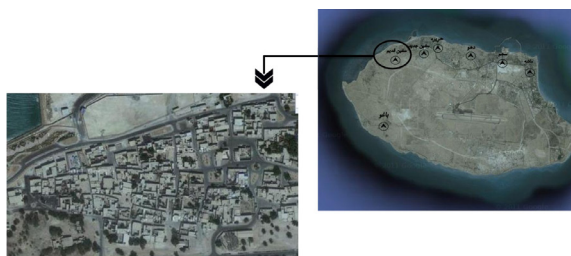
است. اگرچه بیشترین اثرگذاری مربوط به نظام غالب (نظام شهری) است، اما نظام مغلوب (نظام روستا) نیز منفعل نخواهد ماند و آثار خود را بر شهر خواهد گذاشت. حاصل ادغام دو سیستم ایجاد و یا افزایش سطح نابرابری‌های محیطی در شهر است. نابرابری‌هایی که در مرحله آغاز ادغام شهر و روستا پایه‌گذاری شده و متناسب با میزان ادغام روستا در شهر کاهش می‌یابند و یا تشدید می‌شوند و آثار خود را بر محیط زندگی ساکنان تحمیل می‌کنند. شکل ۳ تأثیر و تأثرات



شکل شماره ۳: تأثیر و تأثرات شهر و روستا بر یکدیگر و ایجاد نابرابری‌های محیطی

جدول شماره ۵: معیارهای عدالت محیطی و عوامل متناظر آن برگرفته از بازخوانی اندیشه‌های آرمانشهری اسلامی و سنجه‌ها و متغیرهای آنها

بُعد	معیار عدالت محیطی	عامل متناظر در آرمانشهر اسلامی	عامل متناظر عدالت محیطی در شهرسازی	سنجه‌ها	متغیرها	تعداد گویه‌ها	منابع
توجه طرح	برابری اجتماعی اقتصادی	عدالت از منظر توزیع	آسیب پذیری اجتماعی اقتصادی (ناشی از عدم توزیع متناسب هزینه - فرصت‌ها)	میزان اشتغال	- میزان اشتغال و بیکاری (مطابق تعاریف رسمی)	۲	-Wander et al, 2014 -Anderson, 2011 -Schulman, 2010 -S.Adams, 2010 - EPA, 2017 - نقی‌زاده، ۱۳۷۸ - حکیم، ۱۳۸۱ - تحقیقات نویسنده
				ارزش مسکن	- متوسط ارزش مسکن	۱	
				اجاره نشینی	- % اجاره نشینان	۱	
				رفاه اجتماعی	- دسترسی به منابع حمایت از زندگی مانند موقعیت‌های گذران زندگی - دسترسی به خدمات بهداشت و درمان	۴	
				سطح درآمد	- متوسط درآمد خانوارها	۱	
	عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	برابری از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	پتانسیل در معرض خطر بودن (ناشی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جمعیتی)	سطح سواد	- % افراد بالای ۲۴ سال بدون مدرک دیپلم	۱	
				تبادل جنسیتی	- نسبت تعداد مردان به زنان	۱	
				گروه‌های جمعیتی	- % خانوارهای در اقلیت (قومی، مذهبی)	۲	
				جمعیت حساس	- % افراد بالای ۶۵ سال - % کودکان زیر ۵ سال	۲	
				تراکم جمعیتی	-	-	
برابری زیست محیطی	مکان‌یابی مطلوب و مجاورت متناسب	نزدیکی به خطر و کاربری‌های حساس	نزدیکی به کاربری‌های مرتبط با صنعت	- کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، تعمیرات خودرو، مصالح ساختمانی، پمپ بنزین، انبار و توزیع کالا	۱		
			کاربری زمین حساس	- فاصله تا راه آهن / فرودگاه / سواحل - % خانه‌های قدیمی و مخروبه	۲		
			تاب‌آوری در برابر خطرات محیطی	- میزان تاب‌آوری محیط در برابر خطرات محیطی مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی و...	۱		
			مواجهه با آلودگی‌های محیطی	- همجواری با انواع آلودگی‌های محیطی آسیب‌رسان به سلامت عمومی ساکنان	۱		



Ⓐ سایت مورد نظر

تصویر شماره ۱: موقعیت قرارگیری محله روستا بنیان سفین قدیم در جزیره کیش

از مهمترین عناصر پیرامون محله سفین قدیم می‌توان به بندر صیادی میر مهنا اشاره کرد. همچنین تجارت خانه جنوب که ساختمانی اداری مربوط به بازاریان کیش است. آرامستان مشهور به محشره السفین در غرب محله که در حال حاضر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد اما همچنان دست نخورده باقی مانده است. واحد

پرسش‌گری و برداشت میدانی دلایل بروز بی‌عدالتی محیطی و تبعات ناشی از آن بر پیکره محله اصیل سفین قدیم کیش ریشه‌یابی گردد و در نهایت درآمدی بر جست‌وجوی راهکارهایی برای کاهش این نوع از بی‌عدالتی ارائه گردد.

یافته‌های پژوهش

محله روستا بنیان سفین قدیم در جزیره کیش

تنها سه آبادی از کیش قدیم باقی مانده است که قدیمی‌ترین و پرجمعیت‌ترین آن، سفین قدیم است. محله روستا بنیان سفین قدیم که در قسمت غربی جزیره کیش قرار گرفته است از شمال به دریا و بندر صیادی، از جنوب به آرامستان، از غرب به نخلستان‌های کیش و از شرق به محله سفین جدید محدود می‌شود. وسعت این محله حدوداً ۱۶ هکتار است (تصویر ۱).

بخش جنوبی ایران انتخاب شد و این انتخاب سرآغاز بی‌عدالتی در ارتباط با ساکنین بومی جزیره بود. مناسب‌ترین مکان برای احداث ساختمان‌های جدید سواحل شمالی و شرقی جزیره بود که بومیان در آن سکنی گزیده بودند. پس بومیان به زور تهدید از روستای ماشه به روستای سفین منتقل گردیدند و علاوه بر از دست دادن خانه‌های خود ساختار اقتصادی، اجتماعی و... آنها نیز دچار مشکل گردید (URL2). امروزه با گذشت بیش از ۴۰ سال از آن تاریخ هنوز آثار این جدایی به وضوح قابل رؤیت است.

تحلیل برابری اجتماعی - اقتصادی

سفین قدیم پرجمعیت‌ترین محله بومیان در جزیره کیش است. بررسی روند تغییرات جمعیت محله نشان می‌دهد که این میزان در یک برهه ۲۵ ساله رشد ناچیزی داشته است (نرخ رشد ۰/۰۴۴) که بر خلاف ساختار مهاجر پذیر جزیره کیش و با وجود مبین خروج جمعیت بومی و مهاجر فرستی محله است که متأثر از عدم مطلوبیت سکونت در این محله است. بعد خانوار کاهش ناچیزی داشته است و هنوز نسبت به میانگین کشوری بالاتر می‌باشد که علت آن را می‌توان مسائل فرهنگی محدوده دانست. فرزندان در این محله به عنوان نیروی کار محسوب می‌شوند و به ندرت تحصیلات بالا دارند (جدول ۶). تراکم ناخالص جمعیتی در این محله ۴۶ نفر است که حدوداً دو برابر تراکم جمعیتی کل جزیره (۲۵ نفر در هکتار؛ طرح جامع مقصد کیش) است.

جدول شماره ۶: بررسی روند تغییرات خصوصیات جمعیتی محدوده

سال	تعداد خانوار	تعداد جمعیت
۱۳۶۵	۱۲۹	۶۳۵
۱۳۹۵	۱۵۴	۷۴۰

ماخذ: افشار سیستمی، ۱۳۷۰

نسبت جنسی محدوده به ازای هر ۱۰۰ مرد ۸۶ زن است که نشان دهنده عدم تعادل جنسی در محله است. دلیل این امر را می‌توان اسکان مهاجران مجرد از اقشار کم درآمد در سفین قدیم دانست که به قصد کار به جزیره کیش مهاجرت می‌کنند. بررسی نسبت‌های جنسی مبین عدم تعادل به ویژه در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ است که مرید اسکان مهاجرین اشتغال در این محله است که بر مواردی نظیر امنیت اجتماعی و به طور کلی مطلوبیت سکونت در محله تاثیر منفی دارد. هرچه هرم سنی به گروه‌های سنی بالاتر نزدیک می‌شود تعداد مردان بیشتر از زنان می‌شود که نشان‌دهنده بالاتر بودن نرخ مرگ و میر زنان در محدوده است. به طور کلی می‌توان گفت که عدالت جنسیتی در محدوده برقرار نیست (نمودار ۱). بنابراین، زنان به ویژه سالمندان، به عنوان یکی از گروه‌های جمعیتی حساس در این محله در معرض بی‌عدالتی قرار دارند. از سوی دیگر پایه هرم یعنی جمعیت کودکان

آموزشی که در جنوب سفین قدیم قرار دارد، دبیرستان پسرانه غیرانتفاعی که وابسته به دانشگاه کیش است. از جمله عناصر دیگری که می‌توان نام برد، محله سفین جدید است. این مکان که تقریباً ۵۰ سال قدمت دارد، محل سکونت بومیان منتقل شده در دهه ۴۰ است (تصویر ۲). این محله به جز مسجد هیچ عنصر شاخص دیگری ندارد. این محله تنها محله دارای نشان‌های فرهنگی و ارزشی کیش قدیم است و این امر موضوع توجه به این محله را ضروری می‌سازد (تصویر ۳).



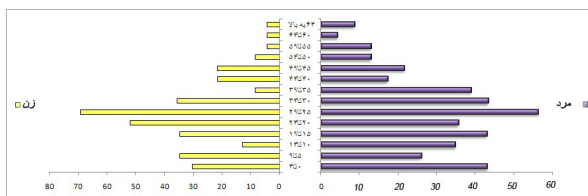
تصویر شماره ۲: همجواری‌های محله سفین قدیم



تصویر شماره ۳: مساجد به عنوان تنها عناصر شاخص در محله سفین قدیم

جزیره مرجانی کیش که به نگین خلیج فارس معروف است سالانه گردشگران زیادی را برای مقاصد مختلف از جمله تفریح و گذران اوقات فراغت، تجارت، شرکت در همایش‌ها و جشن‌ها و... به خود جذب می‌نماید^{۳۳} (پورا احمد و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰). اما اکثر گردشگران یا از بومیان چیرزی نمی‌دانند یا آنان را به عنوان تهدیدی برای موقعیت جزیره به حساب می‌آورند. این جمعیت فراموش‌شده که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت جزیره را تشکیل می‌دهند، سال‌ها میزبان مهمانانی بوده‌اند که نگاهی تبعیض‌آمیز به این مردمان داشته‌اند (URL4). مردم کیش قبل از دهه ۴۰ مانند سایر همسایگان خود زندگی آرامی داشتند، در مسکن متناسب با نیاز خود زندگی می‌کردند و به شغل آبا و اجدادی خود (صید ماهی و مروارید، کشاورزی و دامداری) مشغول بودند. در اواخر دهه ۴۰ جزیره کیش برای ایجاد یک منطقه تفریحی زمستانه در

محله (به عنوان دومین گروه حساس جمعیتی) تعداد قابل توجهی را نشان می دهد که به دلیل محرومیت از خدمات مورد نیاز این گروه و یا ناکافی بودن آن، آنها نیز از گروه های مهم در معرض بی عدالتی هستند. به طور کلی ۲ درصد از جمعیت بالای ۶۵ سال و ۱۰ درصد زیر ۵ سال هستند که این گروه ها جزء گروه های حساس جمعیتی از نظر عدالت محیطی هستند.



نمودار شماره ۱: هرم سنی - جنسی محله روستابنیان سفین

سطح سواد در محدوده پایین است به طوری که ۱۴,۴۱ درصد جمعیت بی سواد هستند، ۲۷,۱۲ درصد جمعیت تا دوره ابتدایی تحصیل کرده و تنها ۴ درصد جمعیت تحصیلات بالای دیپلم دارند. دلیل این امر را می توان مسائل فرهنگی و اقتصادی محدوده دانست. در بیشتر خانواده ها فرزندان مخصوصاً فرزندان پسر نیروی کار محسوب می شوند و برای کمک به اقتصاد خانواده به همراه پدر شاغل هستند. عدم دسترسی به امکانات آموزشی و رای عوامل فرهنگی مزید بر علت است. از نظر گروه های اقلیت قومی و یا مذهبی در محله روستابنیان سفین، ۵۳,۴۹ درصد از ساکنین محدوده شیعه و ۴۶,۵۱ درصد سنی هستند. از دیرباز شیعیان و اهل تسنن بدون کمترین مشکلی با هم زندگی کرده اند و با وجودی که هر گروه مسجد و مراسم مذهبی خاص خود را دارند؛ اما از نظر تعاملات اجتماعی مشکل خاصی با یکدیگر ندارند. سکونت این گروه اقلیت در محله از جمله عوامل موثر در بروز بی عدالتی محیطی متأثر از کم توجهی مسئولان است.

۷۴٪ جمعیت محله به عنوان جمعیت فعال (۱۴ تا ۶۴ سال) محسوب می شوند که ۳۲,۲۴٪ شغل آزاد، ۳۴,۲۴٪ کارگر، ۱۷,۶۵٪ صیاد و ۱۵,۸۷٪ بیکار هستند. این ارقام نشان دهنده این است که بومیان جزیره که صاحبان اصلی آن هستند، از خوان نعمت گردشگری به عنوان مهمترین منبع درآمدی جزیره و رونق اقتصادی آن، بی بهره اند و به حاشیه رانده شده اند و این امر باعث بروز بی عدالتی محیطی در ابعاد مختلف در مناطق بومی نشین شده است. بر اساس نتایج پرسشنامه به جز اشتغال تعداد کمی از ساکنین در بخش خدمات آن هم مشاغل رده پایین فعالیت خاص دیگری در زمینه گردشگری انجام نمی دهند به طوری که بیش از ۵۰ درصد ساکنین محله در بخش های خدماتی گردشگری جزیره شاغل نیستند و درصد ناچیزی هم که شاغل اند بیشتر به عنوان کارگر و خدمه در هتل ها و مراکز اقامتی فعالیت می کنند. با نظر به چنین ترکیب اشتغالی، درآمد ساکنین نیز در سطح پایین قرار دارد به طوری که ۷۴٪ از مصاحبه شوندگان در سطح درآمدی پایین و بسیار پایین قرار دارند.

جدول شماره ۷: توزیع فعالیت های بخش گردشگری در میان ساکنین محله روستابنیان سفین کیش

نوع فعالیت در ارتباط با گردشگری	راینده تا کسبی	فعالیت در هتل ها و مراکز اقامتی	فعالیت در مراکز تفریحی	فعالیت در فروشگاه بندرگاه	فعالیت در مراکز تفریحی	فعالیت مرتبط انجام نمی شود
درصد	۹,۲۵	۱۲,۵۰	۱۲,۵۰	۲,۹۱۳	۹,۳۸	۵۹,۲۵

بی بهره بودن از عواید گردشگری باعث بی اعتنایی و گاه سوء رفتار بومیان با گردشگران می گردد و در مقابل گردشگران نیز بومیان را عامل ناامنی در محدوده می دانند و به نوعی مناطق بومی نشین به جزایری در دل حوزه های گردشگری تبدیل گردیده اند و به وضوح عدالت در مورد آنان زیر پا گذاشته شده است. با وجود درآمدهای بالای اقتصادی جزیره که ناشی از ورود گردشگران است، بومیان جزیره به علت سطح تحصیلات و قدرت اقتصادی پایین از این درآمد بی بهره اند و حتی حق شهروندی آنان چندان به رسمیت شمرده نمی شود. ارزش مسکن در محله نسبت به جزیره به علت فرسودگی بالا و کیفیت نازل محیط زندگی در سطح بسیار پایینی قرار دارد و به علت مهاجرپرستی بومی و جذب کارگران غیربومی میزان اجاره نشینی در محله نسبتاً بالا است (۴۷,۸٪ از حجم نمونه).

مهمترین عامل تمایل به مهاجرت از محله سفین و سکونت در دیگر محلات جزیره و یا خارج از آن کمبود امکانات و خدمات بیان شده است. از سویی مهمترین عامل تمایل به مهاجرت در میان مهاجرین به سایر محلات کیش عدم دسترسی به امکانات مطرح شده است که نشان دهنده عدم توزیع متناسب خدمات در محله در مقایسه با جزیره است. در مرتبه بعدی عواملی مانند دوری از محل کار و فرسودگی بالا مطرح است. عامل دوری از محل کار نشان دهنده اشتغال در سایر مناطق جزیره است که مبین نابرابری در بهره مندی از فرصت های برابر در سطح جزیره است. در حالی که ۸۵,۷۱ درصد پرسش شوندگان بومی تمایلی به مهاجرت از محله سفین ندارند و شدت این حس در مهاجرین کمتر است (۶۱,۱۱ درصد پرسش شوندگان عدم تمایل به مهاجرت و ۳۸,۸۹ درصد مایل به رفتن از محله) که مبین حس تعلق بالای بومیان به محدوده است اما از کمبود خدمات به ویژه خدمات مورد نیاز کودکان و نوجوانان محروم می باشند به طوری که سرانه دبستان و فضای سبز و بوستان کودک در محله صفر است.

تحلیل برابری زیست محیطی (محیطی)

با در نظر داشتن عامل تناسب و تجانس کاربری های همجوار به عنوان یکی از اصول اولیه آرمان شهر اسلامی، به علت نقش غالب سکونت محدوده بیشترین سطح در محله روستابنیان سفین

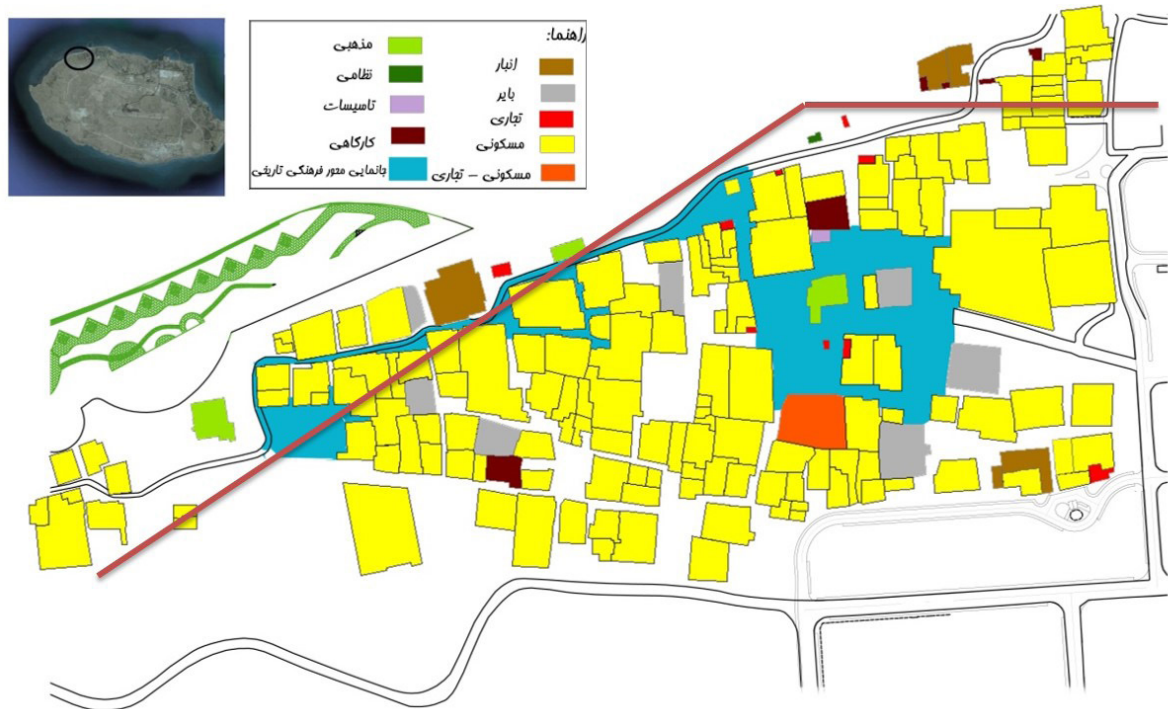
تاب‌آوری آن در برابر این خطرهای محیطی نزدیک به صفر است. به دلیل پیشینه‌ای که ذکر شد، بومیان ساکنان فعلی را غاصبان جزیره می‌دانند و حاضر به ضابطه‌پذیری و همکاری نیستند و این مسئله روزه‌روز بیشتر به فرسودگی این بافت دامن می‌زند.^۴ به منظور جمع‌بندی مطالب فوق و ارائه شمایی کلی از وضعیت تحقق عدالت محیطی در محله، جدول ۸ ارائه می‌شود. به طور کلی وضعیت محله روستابنیان سفین کیش نسبت به شهر کیش در موقعیتی بسیار پایین‌تر قرار دارد. این محله تقریباً در همه شاخص‌های تعریف شده عدالت محیطی از سطح شهر پایین‌تر است که این امر ابعاد گوناگون بی‌عدالتی محیطی را در این محله آشکار می‌سازد. با محاسبه امتیاز استاندارد هریک از سنج‌های عوامل عدالت محیطی، بیشترین سطح بی‌عدالتی در عامل آسیب‌پذیری اجتماعی اقتصادی متناظر با عامل توزیع متناسب از دیدگاه آرمان‌شهر اسلامی با امتیاز استاندارد ۲٫۴۵ است. در رتبه بعدی نابرابری زیست محیطی ناشی از عدم مکان‌یابی مطلوب و مجاورت‌های متناسب با امتیاز ۲٫۲۵ قرار می‌گیرد. در رتبه آخر عامل پتانسیل در خطر بودن ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جمعیتی آنچنان که مدنظر آرمان‌شهر اسلامی است با امتیاز ۱٫۷۱ قرار دارد.

بررسی جایگاه اصل عدالت محیطی در تهیه طرح شهری در محدوده

در حال حاضر سه ارگان با نگرش‌های متفاوت شرح وظایف تعریف شده‌ای در جزیره دارند. معاونت عمرانی منطقه آزاد که بیشتر وظایفی نظیر تهیه نقشه و تفکیک املاک محدود را دارد،

به کاربری مسکونی اختصاص دارد. از سوی دیگر سطح قابل توجهی از اراضی منطقه به کاربری کارگاهی و انبار اختصاص یافته است که این دو کاربری هیچ هماهنگی با سایر کاربری‌ها به خصوص مسکونی ندارند. ۷۴٫۵٪ از ساکنین به این همجواری‌های نامتناسب و مشکلات ناشی از آن اذعان داشته‌اند (نقشه ۱). از سوی دیگر با توجه به قرارگیری محله در مجاورت ساحل دریا رعایت حریم ساحل ضروری است. حریم درجه یک ساحلی ۱۲۰ متر است که اجازه هیچ‌گونه ساخت و ساز مسکونی در آن وجود ندارد. همان‌طور که نقشه ۱ نشان می‌دهد بخش‌هایی از کاربری مسکونی در این بخش قرار دارد. ۳۲٫۳٪ از پرسش‌شوندگان در این حریم درجه یک ساحلی ساکن هستند.

بهداشت و آلودگی‌های محیطی از جمله شاخص‌های تعیین‌کننده برابری زیست محیطی هستند. در محله روستابنیان سفین این دو شاخص به علت فرسودگی بالای کالبدی و بهداشت عمومی پایین در سطح محله به شدت آسیب‌پذیر هستند. تنها ۱۰٫۳۴٪ از مسکن محله از نظر سازه مقاوم هستند و عدم توجه به نیاز بومیان در ساخت‌وساز مسکن باعث ایجاد تغییرات بدون مجوز در کالبد محدوده و اغتشاش در بافت شده است (تصویر ۵). ۹۳٫۶٪ از ساکنین به انواع آلودگی‌های محیطی از قبیل زباله و بوی تعفن، نخاله و ضایعات، حیوانات و حشرات موزی، مخروبه‌ها و آب‌های سطحی و... اشاره کرده‌اند (تصویر ۴). از سوی دیگر به دلیل مجاورت با خط ساحلی و عدم رعایت حریم آن نیز این محله در معرض آسیب و خطرهای زیست محیطی نظیر سیل و طغیان قرار دارد که با در نظر گرفتن شرایط کالبدی محله،



نقشه شماره ۱: کاربری اراضی و حریم ساحلی محدوده



تصویر ۴: بهداشت عمومی پایین در سطح محله و تجمع زباله و نخاله در فضاهای باز



تصویر ۵: فرسودگی کالبدی شدید در محله

طرح بهسازی توسط سازمان میراث فرهنگی جزیره صورت گرفته است. این سازمان پیشنهاد یک محور تاریخی فرهنگی در بافت دارد و در مرحله اول مرمت جداره و کف سازی در دستور کار است. در مرحله بعدی یکی از بناهای موجود در بافت که به عنوان دفتر میراث فرهنگی مکان گزینی شده مرمت می شود تا انگیزه نوسازی و بهسازی در ساکنین تقویت شود (URL4).

طبق اصل عدالت و عدالت محیطی در آموزه های اسلامی، مداخله شهرسازی در بافت شهری موجود بایستی ۱- به نیت ارتقای شرایط زندگی برای ساکنین فعلی محل باشد، ۲- اگر منافی از

معاونت گردشگری منطقه آزاد بخش میراث فرهنگی که سفین را تنها بخش باقی مانده از کیش قدیم همراه با وجود جریان زندگی می داند و در جهت حفظ و اعتلای این محدوده تلاش می کند و معاونت زیباسازی شرکت عمران خدمات شهری. سابقه اقداماتی که این سه ارگان برای محله انجام داده اند به دهه گذشته برمی گردد. تا ۵ سال پیش حتی املاک منطقه فاقد سند بوده اند. در حال حاضر اقدامات موضعی در بافت مانند آسفالت برخی معابر، نصب تابلو نام معابر و... صورت گرفته است. هنوز هیچ طرح مدونی در مورد محله روستابنیان سفین وجود ندارد. اقدامات مقدماتی تهیه یک

جدول شماره ۸: امتیاز خام، استاندارد و مجموع هریک از سنجه های پژوهش

معیار عدالت محیطی	عوامل	سنجه ها	مقایسه با سطح شهر	امتیاز خام	امتیاز استاندارد	امتیاز کل
برابری اجتماعی اقتصادی	آسیب پذیری اجتماعی اقتصادی (ناشی از عدم توزیع متناسب هزینه - فرصت ها)	میزان اشتغال	-	۸۴,۱۳	۱	۲,۴۵
		ارزش مسکن	-	*۰,۰۴	۰	
		اجاره نشینی	+	۴۷,۸	۰,۵۷	
		رفاه اجتماعی	-	**۰,۰۵	۰	
		سطح درآمد	-	۷۴	۰,۸۸	
برابری زیست محیطی	پتانسیل در معرض خطر بودن (ناشی از قابلیت ها و ظرفیت های جمعیتی)	سطح سواد	-	۸۶	۱	۱,۷۱
		تعادل جنسیتی	-	*۱,۱	۰,۰۱	
		گروه های جمعیتی	+	۴۶,۵۱	۰,۵۴	
		جمعیت حساس	=	۱۲	۰,۱۴	
برابری زیست محیطی	نزدیکی به خطر و کاربری های حساس (مکان یابی مطلوب و مجاورت متناسب)	تراکم جمعیتی	+	*۱,۸۴	۰,۰۲	۲,۲۵
		نزدیکی به کاربری های مرتبط با صنعت	+	۷۴,۵	۰,۸	
		کاربری زمین حساس	+	۳۲,۳	۰,۳۴	
		تاب آوری در برابر خطرات محیطی	-	۱۰,۴	۰,۱۱	
		مواجهه با آلودگی های محیطی	+	۹۳,۶	۱	

توضیحات: (+): بالاتر از سطح شهر (-): پایین تر از سطح شهر (=): برابر با سطح شهر

* نسبت به سطح شهر (محاسبه بر اساس طرح جامع شهر کیش)

** خدمات شهری به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ میانگین مجموع خدمات شهری (محاسبه بر اساس طرح جامع شهر کیش)



جمع‌بندی تحلیلی مباحث نمونه موردی

به طور کلی در محله روستابنیان سفین در سطح کلان سه نوع نابرابری و بی‌عدالتی وجود داشته است:

نخست - عدالت در سطح ملی: قرارگیری این محدوده در جزیره کیش؛ با توجه به نقشی که برای جزیره کیش از پنج دهه پیش تعریف شده است بهره‌مندان از پتانسیل‌های بی‌بدیل جزیره بیشتر گردشگران و مهاجران اشتغال و ... هستند و ساکنان بومی به ویژه ساکنان سفین از این خوان نعمت کم بهره‌اند و حتی در مقاطعی تلاش برای مهاجرت اجباری آنان نیز صورت گرفته است.

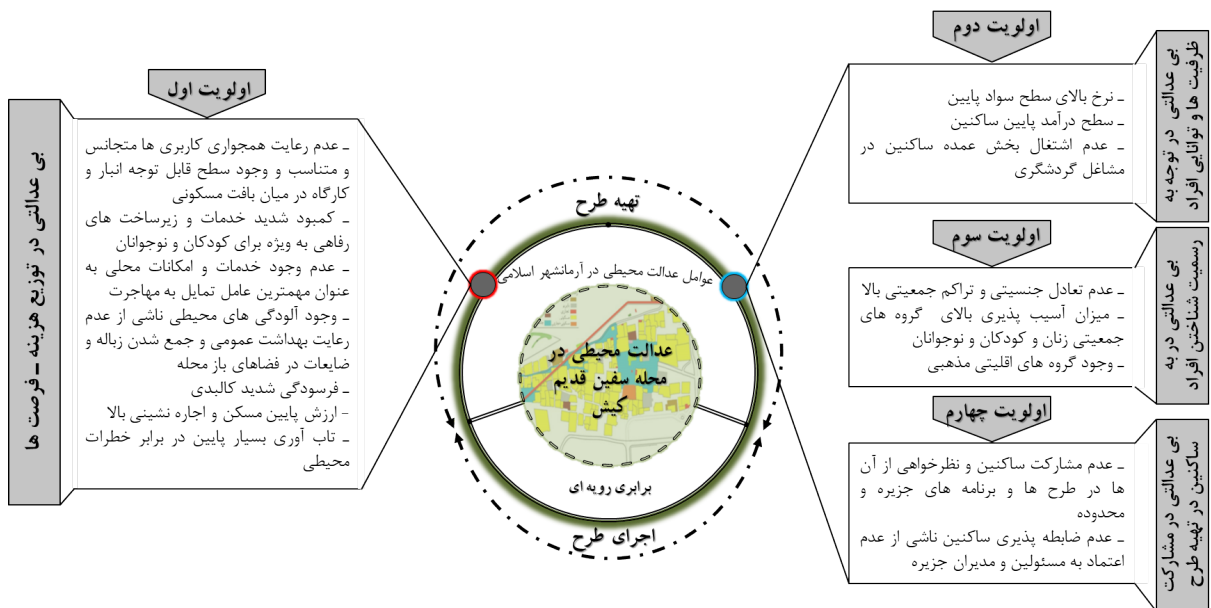
دوم - عدالت در سطح جزیره: محله روستابنیان سفین در سال‌های گذشته به واسطه سیاست‌های غلطی که بعضاً غیرمغرضانه و گاهی از روی منفعت طلبی بوده در معرض بی‌عدالتی محیطی قرار گرفته است. پتانسیل‌های گردشگری موجود در جزیره بیش از آنکه در خدمت ساکنین بومی جزیره باشد، بیشتر منجر به سوء استفاده برخی افراد سودجو، اتخاذ سیاست‌های همراه با تبعیض و بروز بسیاری از مشکلات شهری دیگر که ناشی از این نوع نگرش است، شده است.

سوم - عدالت در سطح محدوده: محله روستابنیان سفین به واسطه وجود طایفه‌ای بزرگ با عقاید سنی که بیش از نیمی از جمعیت این محدوده را تشکیل می‌دهند دارای دو قطب متفاوت از هم است. بدین معنا که اقلیت سنی عملاً در معرض بی‌عدالتی بیشتری نسبت به شیعیان ساکن در محدوده هستند.

با در نظر داشتن این مهم که روابط اجتماعی بین ساکنین تعیین‌کننده چگونگی شکل‌گیری کالبد شهر/محله است، طبق احکام اسلامی عدالت باید در «روابط اجتماعی» مسلمین مبنا قرار گیرد و به طور قطع چنین روابطی در کالبد شهر نیز منعکس خواهد شد. این موضوع در تأکید ویژه برابری اجتماعی - اقتصادی در اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی نیز نمود دارد. مطابق نتایج پژوهش، بیشترین بی‌عدالتی محیطی در محله روستابنیان سفین نیز

محل اجرای طرح حاصل می‌شود، ساکنان قدیمی محل که سال‌ها در آن زندگی کرده‌اند، بیش از سایرین برای بهره‌مندی از مزایای حاصل از اجرای طرح، مُحِق هستند. چنانچه اصل عدالت مبنا قرار گیرد ساکنین محلی که املاکشان در طرح شهری واقع است، انتظار بهبود شرایط را خواهند داشت که منجر به رضایتمندی ساکنان از انجام آن طرح خواهد شد. چنانچه از این انتظار منطقی نیز عدول گردد؛ حداقل عدالت این است که اگر ملک شهروندی در یک طرح شهری قرار گرفت، تملک به گونه‌ای صورت گیرد که آن فرد آنچه در گذشته داشته را از دست ندهد. طبق آموزه‌های اسلامی و نیز راهبردهای مقبول شهرسازی، عدالت مطلوب آن است که وضع شهروندانی که در طرح است، بهتر شود؛ ولی حداقل عدالت که رعایت نکردن آن، ظلم محسوب می‌گردد، این است که وضع شهروندانی که املاکشان در طرح است، از وضع کنونی‌شان بدتر نشود. این موارد بخشی از توجه به آموزه‌های اصل عدالت در تهیه و اجرای طرح‌های شهری است که عملاً ساکنان محله روستابنیان سفین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته از آن بی‌بهره بوده‌اند.

با وجود اقدامات مثبتی که کم و بیش در چند سال اخیر در محله صورت گرفته است هنوز اختلافات منطقه آزاد و بومیان حل نشده است. با توجه به پیشینه‌ای که بومیان از مدیریت جزیره دارند و اختلافاتی که از گذشته بر سر املاک بومیان پیش آمده، اعتماد بومیان به مدیریت جزیره کمرنگ شده و هر اقدام منطقه آزاد را حرکتی برای تصاحب املاک خود می‌دانند. این بی‌اعتمادی ناشی از عدم مشارکت و نظرخواهی از ساکنان در طرح‌های تأثیرگذار بر روند زندگی آنها و عدم توزیع منصفانه هزینه و فایده طرح‌ها برای تمامی مناطق جزیره است، به طوری که تاکنون طرح‌های توسعه جزیره برای ساکنین بومی روندی تحمیلی و اجباری را به همراه داشته است.



شکل شماره ۳: بی‌عدالتی محیطی محله روستابنیان سفین کیش

در عامل برابری اجتماعی - اقتصادی ظهور یافته است. مهمترین بعد و نقطه آغاز کاهش بی‌عدالتی محیطی کاهش «نابرابری اجتماعی - اقتصادی» با اولویت توزیع متناسب هزینه - فرصت‌ها در میان ساکنین است. با لحاظ کردن این امر و تدقیق در معیارها و عوامل عدالت محیطی می‌توان عوامل عدالت محیطی از منظر اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی را بدین صورت دسته‌بندی نمود:

- عدالت در توزیع هزینه - فرصت‌ها
- عدالت در توجه به ظرفیت‌ها و توانایی افراد
- عدالت در به رسمیت شناختن افراد
- عدالت در رویه سیاسی و مشارکت ساکنان در تمامی مراحل تهیه و اجرای طرح‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های شهری. شکل ۳ این عوامل را با توجه به نتایج به دست آمده در محله روستابنیان سفین کیش نشان می‌دهد. در این دسته‌بندی چگونگی مکان‌یابی و توزیع مناسب کاربری‌ها با فرض اینکه آن‌ها هزینه - فرصت‌هایی را بر ساکنین تحمیل می‌کنند، در دسته عدالت در توزیع هزینه - فرصت‌ها قرار داده شدند. دیگر دسته‌بندی‌ها با توجه به امتیاز و میانگینی که از نتایج پرسشنامه حاصل شد در دسته‌بندی فوق جایگذاری شدند.

با توجه به عوامل تعریف شده فوق و نمودهای بی‌عدالتی در محله روستابنیان سفین، رهنمودهای کلی ذیل به منظور تحقق سطوح بالاتر عدالت محیطی برگرفته از اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی قابل طرح است:

- ایجاد تعادل میان عملکردهای پاسخگو به نیاز ساکنین از طریق توزیع و جانمایی متناسب خدمات شهری و زیرساخت‌های رفاهی به عنوان نقطه آغاز کاهش نابرابری‌های محیطی
- توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نهفته (در کنار ضعف‌های موجود) در جمعیت ساکن و برنامه‌ریزی جهت شکوفایی و بهره‌برداری از آنها

- به رسمیت شناختن حقوق تمامی ساکنین و عدم تبعیض گروهی و توجه ویژه به گروه‌های جمعیتی حساس (سالمندان، زنان و کودکان) در بهره‌مندی یکسان از مواهب سکونت و توسعه آن
- جلب اعتماد و مشارکت ساکنین به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای تحقق و پیشبرد برنامه‌ها

نتیجه‌گیری

انسان همواره در پی آرمان‌شهری است که رؤیاهای دست نیافته جهان واقع را محقق کند. این فلسفه آرمان‌شهر خواهی در تمامی ادیان و در بین تمامی فلاسفه دنبال شده است. در این میان اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی در پی ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع، محیط و خود است و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد و هم به ساختار شهر توجه دارد و اهمیت حیات معنوی هماهنگ با خلقت را به تصویر می‌کشد و به ورای ظاهر شهر، شکل و چهره آن می‌رود تا به روح و معنا و

جوهر آن دست یابد. یکی از ارکان اصلی دین مبین اسلام توجه به اصل عدل است. اصلی که نه تنها در متون دینی و احادیث و روایات معصومین بلکه کراراً در آرمان‌شهر متفکرین مسلمان مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان عدالت محیطی نیز به عنوان یکی از رهیافت‌های تکاملی فلسفه عدالت که از دهه ۱۹۹۰ در ادبیات جهانی شهرسازی وارد شده است؛ بیش از ۱۰۰۰ سال قبل از این تاریخ در اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی مطرح بوده است. مدینه فاضله فارابی و آرمان‌شهر ابن سینا نمونه‌های بارزی از توجه به این اصل مهم هستند.

آنچه در این مقاله پی‌جویی شد استخراج آموزه‌های تبلور اصل عدالت و عدالت محیطی در آرمان‌شهر اسلامی و به کارگیری آن در نظام شهرسازی ایران است. به منظور به کارگیری این اصل دینی محله سفین قدیم جزیره کیش به عنوان نمونه‌ای از محدوده‌های شهری که در معرض سه سطح از نابرابری و بی‌عدالتی (ملی، منطقه‌ای و در سطح محدوده) واقع شده است انتخاب و با توجه به هدف نگارندگان در نشان دادن این نابرابری‌ها مورد بررسی قرار گرفت. این محله نمونه کوچکی است که می‌تواند نشان‌دهنده فاصله زیاد محلات و شهرهای کشور از یک آرمان‌شهر اسلامی حقیقی باشد. بر اساس شواهد و مدارک برآمده از تحلیل نمونه مطالعاتی، مهمترین جنبه عدالت محیطی از دیدگاه آرمان‌شهر اسلامی برابری اجتماعی اقتصادی است که بر این اساس می‌توان مهمترین عوامل عدالت محیطی در آرمان‌شهر اسلامی را به ترتیب اولویت بدین گونه تعریف نمود: عدالت در توزیع هزینه - فرصت‌ها، عدالت در توجه به ظرفیت‌ها و توانایی افراد، عدالت در به رسمیت شناختن افراد و عدالت در رویه سیاسی و مشارکت ساکنین. تعریف دقیق معیارها و شاخص‌های این عوامل چراغ راه مطالعات آتی در این زمینه خواهد بود. به کارگیری اصول عدالت محیطی برگرفته از ارزش‌های اسلامی و زمینه‌ای در ساماندهی و برنامه‌ریزی محلات با مسائل خاص مانند محلات شهری روستابنیان و توجه به حقوق فراموش شده ساکنان آنها در بهبود شرایط زندگی و ارتقاء کیفیت محیط زندگی آنها راهگشا است. در این مسیر تدوین فرآیند قابل کاربست عدالت محیطی در نظام شهرسازی ایران متناسب با محلات هدف برنامه‌ریزی در جهت بکارگیری اصول، معیارها و شاخص‌های عدالت محیطی از دیگر اقداماتی است که زمینه‌های نزدیکتر شدن به تحقق اصل عدالت در شهرها و محلات را فراهم می‌سازد. عدالتی که در ایران منجر به حرکت دانش و حرفه شهرسازی در مسیر اندیشه‌های آرمان‌شهری اسلامی شود.

پی‌نوشت

1. Distribution
2. Capabilities
3. Capacities
4. Procedural

۵. چنانکه در آیه ۱۱۵ سوره انعام آمده است: «عدالت به حد کمال رسید و هیچ کس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او خدای شنوا و دانا (به گفتار و کردار خلق) است». در این آیه سخن از اتمام کلمه حق بر اساس صدق (راستی) و عدل (اعتدال و برابری) است و در آن تردید و تبدیلی نیست. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: مفیدی کلاتری، محبوبه (۱۳۸۷)، عدالت در قرآن، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.
۶. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ.
۷. «بینات و کتاب و میزان» هر یک قدرت و پشتوانه معنوی است برای استقرار عدل و جمله «و انزلنا الحديد» اشاره به قدرت مادی می کند. بنابراین، هدف انبیاء آن است که چنان ایمان به خدا و معاد را در مردم زنده کنند و چنان اخلاق و طرز تفکر الهی را در تار و پود فرد و جامعه به وجود آورند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عدلی تشکیل دهند (منصوری، ۱۳۸۷: ۲۵).
۸. بدون شک بهترین و گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: «اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی را که موجب تفاخر می شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴۸۷).
۹. عَدَلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً، قِيَامٌ لَيْلَهَا، وَصِيَامٌ نَهَارَهَا.
۱۰. بخشی از آیات ناظر به عدالت، عدالت اقتصادی است. اینکه ثروت در دست عده‌ای محدود نچرخد و رانت خواری نباشد، از اصول اقتصاد قرآن است. قرآن در تعبیری در استدلال به اینکه چرا باید اموال عمومی تقسیم شود، می گوید: «این تقسیم بدان جهت است که این اموال میان توانگران شما دست به دست نشود/ ما آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷).
۱۱. پیامبر(ص) در طول رسالت ۲۳ ساله خود، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف، اعراب را از بالیدن به تفاخرات نسبی و قبیلگی برحذر می داشت و می فرمود: «سب-های خود را نزد من نیاورد بلکه عمل‌های خود را آورید» (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱۱۰ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۷).
۱۲. در غررالحکم از مولای متقیان، علی (ع)، چنین آمده است: «علیکم بالإحسان بالعباد و العدل فی البلاد تامنوا عند قیام الأشهاد / بر شما باد احسان به بندگان و عدالت در شهرها تا در نزد ایستادن حاضران [در قیامت] ایمن گردد». (شیخ الاسلام، ۱۳۸۷).
۱۳. بنگرید به «مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون» به نگارش سید جواد طباطبایی به نقل از مجله سیاسی صلح جاویدان. URL
۱۴. عدالت در فلسفه سیاسی به معنای دقیق کلمه که بر پایه ترجمه آثار یونانی توسط فارابی تدوین شده است، هرچند فیلسوفان دوره اسلامی نتوانستند همه ظرافت بحث بر اهمیت دفتر پنجم اخلاق نیکوماخسی را به اندیشه خود منتقل کنند. کتاب اخلاق نیکوماخسی ارسطو در جریان نهضت ترجمه به عربی ترجمه شد، اما نویسندگان دوره اسلامی با سیاست ارسطو آشنایی مستقیمی نداشتند و این اثر به عربی ترجمه نشد!
۱۵. دومین جریان مهم بحث درباره مفهوم عدالت در دوره اسلامی، عنصر بسیار مهمی از اندیشه سیاسی سیاست‌نامه‌نویسی است که در تداوم با اندیشه سیاسی ایران شهری تدوین شده است و خود شباهت‌هایی با مفهوم عدالت در نزد برخی از فیلسوفان و نویسندگان یونانی دارد. ساختار و عملکرد این مفهوم از عدالت را باید با توجه به اندرنامه‌های دوره ساسانی و به ویژه نامه تنسر و نیز سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی به عنوان مثال، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک طوسی، به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.
۱۶. شریعت‌نامه‌نویسی جریانی از اندیشه سیاسی دوره اسلامی است که می‌کوشد تا بر پایه نشر و عمل دوره اسلامی به تدوین اندیشه‌ای سیاسی بپردازد. از پر اهمیت‌ترین ویژگی‌های شریعت‌نامه‌ها این است که بر خلاف

- فلسفه سیاسی در دوره یونانی و اسلامی و سیاست‌نامه‌های ایرانی که بر پایه اندیشه‌ای منسجم و نظام یافته درباره عدالت تدوین شده‌اند، فاقد مفهومی از عدالت‌اند. در شریعت‌نامه‌ها، عدالت نه به عنوان یک مفهوم دقیق فلسفی، بلکه چونان یکی از صفات‌های امام و قاضی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ با این قید که ماوردی در احکام السلطانیة عدالت را نخستین شرط امامت می‌داند، بی آنکه توضیحی بر آن افزوده باشد و حال آنکه توضیح مطلب در اشاره به پنجمین شرط مقام قضاوت می‌آید که عبارت است از درستی سخن، امانت‌داری، عدم عمل به حرام، پرهیز از گناه و ربا، به دنبال این سخن، ماوردی می‌افزاید: «اگر تمامی این صفات در یک شخص به کمال رسد همان عدالت است و بدین ترتیب شهادت وی جایز و انتساب وی به عنوان مأمور دولتی درست می‌گردد.» (ماوردی، ۱۳۶۵: ۶۶۸).
۱۷. اندیشه مدینه فاضله فارابی در میانه آرای افلاطون و ارسطو با آرا و عقاید دینی وی، در دو کتاب آرا اهل المدینه الفاضله و السیاسة، با اصولی چند و تنها از منظری فلسفی و بدون لحاظ تجربه شهروندی پیشنهاد شده است (فاخوری، ۱۳۷۳: ۲۹۹-۲۹۳). انسان موجودی اجتماعی است، و بالاترین هدف در دست‌یابی به سعادت معنوی است؛ شهر، سازه‌ای اندامگون دارد؛ ریاست شهر سازگار با نظریه افلاطون، یک امام فیلسوف است؛ آرمان‌شهر، شهری فلسفی است و تجربه شهروندی بر خلاف فیلسوفان یونانی در آن نقشی ندارد (فلامکی، ۱۳۶۷: به نقل از آکوچکیان، ۱۳۸۷: ۲۵). از نظر فارابی، بهترین اجتماعات اجتماعی است که مردم در کارها با یکدیگر تعاون داشته باشند که آن کارها وسیله رسیدن به سعادت باشد. چنین اجتماعی را فارابی مدینه فاضله می‌نامد، مردمی که در آن زندگی می‌کنند و برای رسیدن به سعادت می‌کوشند امت فاضل‌اند، و شهر و دیاری که چنین امتی در آن به سر می‌برند معموره فاضله است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴: ۲۶۹).

18. Pluralism

۱۹. اصلی‌ترین مأخذ بررسی نقطه نظرات خواجه در حول مبحث عدالت، کتاب اخلاق ناصری و به ویژه فصل هفتم از مقاله اول آن است که «شرف عدالت بر دیگر فضایل و شرح احوال و اقسام آن» نام دارد. مأخذ مهم دیگر بحث عدالت در اخلاق ناصری، مقاله سوم کتاب مزبور تحت عنوان «سیاست مدن» است.
۲۰. پرسشگری در روزهای سه شنبه تا شنبه در بعد از ظهرها انجام گردیده است. ۸۳ درصد پرسش شونده‌گان مردان سرپرست خانوار و ۱۷ درصد از زنان تشکیل داده‌اند. به علت سطح پایین سواد زنان در محدوده پرسش‌گری از مردان سرپرست خانوار و با مصاحبه نیز همراه بوده است. با توجه به عدم همکاری بومیان در پرسشگری تنها ۳۵ درصد پرسش شونده‌گان بومیان بوده‌اند. به همین دلیل در استخراج نتایج بومیان از مهاجران تفکیک شده‌اند. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها با شمردن فراوانی هر یک از گزینه‌ها پرسشنامه‌ها استخراج گردیده و با ترسیم جدول و نمودار متناسب با هر سوال نتایج ارائه گردیده است. بخشی از اطلاعات میدانی به کوشش سرکار خانم مهندس کارآموز حاصل شده است لذا لازم است از زحمات ایشان قدردانی و سپاسگزاری شود. تعداد گردشگران ورودی به جزیره در سال ۱۳۹۲ برابر با ۱،۶۲۶،۳۷۰ در سال ۱۳۹۳ برابر با ۱،۶۲۸،۸۶۲ در سال ۱۳۹۴ برابر با ۲،۰۱۵،۹۲۰ و در نیمه اول سال ۱۳۹۵ برابر با ۸۴۲،۳۷۷ نفر بوده است.
۲۲. پایین درآمد کمتر از ۲ میلیون و بسیار پایین درآمد کمتر از یک میلیون تمام در ماه
۲۳. تا اواخر دهه چهل، بومیان کیش، به زندگی سنتی و معیشتی خود مشغول بودند تا اینکه در سال ۱۳۴۹ جزیره کیش مورد بازدید هیئت‌های کارشناسی ایرانی و آمریکایی قرارگرفت و کیش را بهترین نقطه، برای ایجاد یک جزیره توریستی دانستند و با تأسیس سازمان عمران کیش در سال ۱۳۵۱ کیش، عملاً به یک قطب توریستی تبدیل شد و بومیان، به مناطقی کوچانده شدند که هیچ سنخیتی با راههای معیشتی آنها نداشت. آبادیهایی که آنان، در طی سال‌ها بر اساس تجربه و آگاهی در بخش‌های مناسب جزیره، بنا کرده بودند

محل های مناسبی برای هتل ها، کازینوها و مراکز توریستی شناخته شد و از آنان گرفته شد. خانه ها، مساجد، حسینیه ها و قبرستان ها همگی تخریب شدند. نخلستانها ویران و زمین های کشاورزی، تصرف شدند باغها، تخریب شدند. بندرگاه های مناسب صیادی، از آنان گرفته شدند و بسیاری از بومیان، فرصت های معیشتی خود را از دست دادند. این مسئله، آنچنان بر دوش برخی از بومیان، سنگینی کرد که آنان مجبور به مهاجرت، به شیخ نشین ها شدند. دیگر بومیان، هم اینک نیز، شرایط مهاجرت به آن سوی آب ها را دارند اما آنها ترجیح می دهند با همه کاستی ها، در وطن خود باشند.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات دارالقرآن کریم (۱۳۷۶)، تهران.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۴)، **اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون**، تهران، سروش.
۳. آکوچکیان، احمد (۱۳۸۷) «از آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه ای»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان.
۴. ابن رشد (۱۹۹۸ م)، **الضرورة فی السياسة**، بیروت، مرکز الدراسات العربیه.
۵. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «نظریه عدالت در فلسفه سیاسی بو علی سینا، فلسفه، کلام و عرفان»، **نامه فلسفه**، بهار- شماره نهم، ص ۱۳۴-۱۲۱.
۶. اصیل، حجت الله (۱۳۸۱)، **آرمان شهر در اندیشه ایرانی**، تهران، نشر نی.
۷. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۰)، «نگرشی بر فرهنگ ساکنان محلی جزیره کیش»، **نشریه مناطق آزاد**، سال اول، شماره ۴، صفحه ۵۱-۴۸.
۸. امین زاده، بهناز و محمد نقی زاده (۱۳۸۱)، «آرمان شهر اسلام: شهر عدالت»، **مجله علمی - پژوهشی صفا**، پاییز و زمستان، دوره ۱۲، شماره ۳۵، صص ۳۱-۲۱.
۹. پاک، محمدرضا (۱۳۸۷)، «پارادیم شهرسازی اسلامی، وقف و حفظ محیط زیست»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان.
۱۰. پوراحمد، احمد؛ رحمت الله فرهودی و آیدا برادران نیا (۱۳۹۶)، «ارزیابی نقش فناوری اطلاعات در ارتقاء صنعت گردشگری جزیره کیش»، **نشریه گردشگری شهری**، مقاله ۲، دوره ۴، شماره ۴، زمستان، صفحه ۱۳-۳۴، تهران.
۱۱. ترانه ای، مجتبی (۱۳۸۳)، **موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)**، نشر مشهور، قم.
۱۲. حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)، **شهرهای عربی- اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی**، ترجمه محمد حسین ملک احمدی، عارف اقوامی مقدم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۳. خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۵)، **فرهنگ شیعه**، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، قم.
۱۴. سلمان، محمد (۱۳۹۰)، **اندیشه سیاسی ابن رشد**، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۵. شیخ الاسلام، سید حسن (۱۳۸۷)، **غررالحکم**، به نقل از هدایه العلم و غررالحکم (ج ۱)، قم، انتشارات انصاریان قم.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵)، **المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۸، چاپ پنجم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۱۷. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶) «مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون» نگارش به نقل از **مجله سیاسی صلح جاویدان**، انتشار در سایت تصور به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۶.
۱۸. فاختوری، حنا (۱۳۷۳)، **تاریخ فلسفه در جهان اسلام**، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

۱۹. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، **تاریخ اندیشه ها و نظریه های انسان شناسی**، انتشارات نی، تهران.
۲۰. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۶۷)، **فارابی و سیر شهروندی در ایران**، نشر نقره، تهران.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰) **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامی، تهران.
۲۲. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۶۵)، **الاحکام السلطانیة، مکتبه مصطفی البابی**، قاهره ۱۹۷۳، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق) **بحار الانوار**، موسسه الوفاء، ج ۴۶، بیروت.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، **عدل الهی**، انتشارات صدرا، قم.
۲۵. مفیدی کلاتری، محبوبه (۱۳۸۷)، **عدالت در قرآن**، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.
۲۶. منصوری، خلیل (۱۳۸۷)، **قرآن و مسأله عدالت اقتصادی**، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.
۲۷. نراقی، مولی مهدی (۱۳۸۴)، **جامع السعادت**، ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبی، موسسه انتشارات حکمت، جلد ۲، تهران.
۲۸. نقی زاده، محمد (۱۳۷۸)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۴ و ۵، دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. یعقوبی، محمد بن ابی یعقوب (بی تا) (۱۳۴۲)، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، نشر دارصادر، بیروت.
30. Anderson, Steve (2011) **"The Cumulative Health Impacts of Toxic Air Pollutants on Sensitive Subpopulations and the General Public"**, Status of Cumulative Environmental Impact Methods Development in New Jersey, New Jersey Clean Air Council.
31. Carruthers, David V. (2008), **"Environmental Justice in Latin America: Problems, Promise, and Practice"**, Massachusetts Institute of Technology, London.
32. Khadduri, Majid, (1984), **"The Islamic Conception of Justice"**, Johns Hopkins University Press, London and Baltimore.
33. Khosravani N. Samaneh, Akbari, Reza (2014), "Application of Environmental Justice Concept in Urban Planning, the Peri-Urban Environment of Tehran as the Case Study" - **International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning**, Volume 24, Number 1, Tehran.
34. Oboler, Suzanne; González J. Deena (2015), **"The Oxford Encyclopedia of Latinos and Latinas in the United States"**, Oxford University Press.
35. S. Adams, Linda (2010), **"CUMULATIVE IMPACTS: BUILDING A SCIENTIFIC FOUNDATION"**, California Environmental Protection Agency.
36. Schlosberg, David. (2007), **"Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature"**. Oxford University Press.
37. Schulman, Andrew. (2010) **"EJSEAT: A Screening Tool for EJ Concerns"**, Strengthening Environmental Justice Research and Decision Making Symposium, March 18, 2010.
38. United States Environmental Protection Agency, **"Environmental Justice"**. U.S. EPA. Retrieved 2017-03-29.
39. Wander, Madeline. (2014) **"Measuring Environmental Justice to Create Sustainable Regions"**, USC program for Environmental and regional equity.
40. URL1: <http://www.sra-philosophy.com/politicfaraby.htm>
41. URL2: <http://kishguide.com/Views/AboutKish/KishParts>
42. URL3: <http://www.nasour.net/1386.12.14/108.html>
43. URL4: <http://dana.ir/1090573>

مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی مطالعه موردی: محله‌های جویباره و شهرک نگین*

جمال محمدی^{۱*} (نویسنده مسئول)، سیدرضا آزاده^۲

^۱ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان
^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰)

چکیده

امروزه در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، توجه به مقیاس‌های فضایی کوچک همچون محله‌های شهری به عنوان مهم‌ترین مکان سکونت شهروندان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه توجه به ارزش‌ها و اصول دین اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت طراحی و ویژگی‌های محله‌های شهری دارد. این پژوهش ویژگی‌های طراحی شده در محلات را با کمک شاخص‌های مستخرج از اصول دین مبین اسلام مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این راستا دو محله (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) در شهر اصفهان انتخاب شد. سپس شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی بر اساس اصول دین اسلام استخراج شد. در این زمینه ۲۵ شاخص در سه بعد کالبدی - محیطی، اقتصادی و اجتماعی انتخاب شد. در گام بعدی، با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه و مطالعات میدانی، داده‌های پژوهش گردآوری شد. در مرحله بعد، اطلاعات جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار SPSS شد. نهایتاً وضعیت دو محله مورد مطالعه از حیث شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی با استفاده از آزمون تی دو نمونه‌ای مقایسه شد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که میانگین‌های دو گروه در دو محله مورد مطالعه، در ۲۰ شاخص تفاوت معناداری دارند و همچنین میانگین شاخص‌ها در محله جویباره بسیار بالاتر از شهرک نگین است. بیشترین اختلاف بین دو محله مورد مطالعه به ترتیب در بخش‌های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی است. نکته حائز اهمیت آنکه این دو محله در بخش اقتصادی، اختلاف بسیار ناچیزی دارند.

واژگان کلیدی: طراحی، محله مسکونی، شهر اسلامی، شاخص، جویباره، شهرک نگین، اصفهان.

* E-Mail: j.mohammadi@geo.ui.ac.ir

مقدمه:

شهر به مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل‌پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه‌های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می‌دهد (مردانی، ۱۳۹۴: ۶۶). دین اسلام به عنوان یک دین جامع که دارای احکام، قواعد و رهنمودهای معین و روشن است، در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی و در همه عرصه‌های مربوط به حیات مادی و فضاهای سکونتگاهی از جمله در نحوه شهرنشینی و شکل شهرها نقش مؤثر و قاطعی ایفا نموده است (سقائی، ۱۳۸۶: ۱۲). در واقع حاکمیت تفکر آیینی بر شهر و فعالیت‌های جاری در آن، موجب گردید تا ساختار شهری جدید با عنوان شهر اسلامی شکل گیرد (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲). رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله مستشرقین آغاز شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

پیدایش مفهومی همچون «محلّه» دارای تاریخچه‌ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی دارد (نقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴). محلات در شهر به عنوان کوچک‌ترین واحدهای مدنی محسوب شده که شامل تمامی ویژگی‌های شهر هستند (کاشانی‌جو و فتح‌العلومی، ۱۳۹۴: ۲). مقیاس‌هایی نظیر محلّه، به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهر، همواره بخش مهمی از دغدغه‌های فکری و حرفه‌ای اندیشمندان و مدیران حوزه شهری را به خود اختصاص داده است. (موقر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶). نکته‌ای که باید توجه کرد آن است که، با رواج مفهوم شهرسازی اسلامی، مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌بایست در جست‌وجوی تعیین شاخص‌های طراحی محلّه‌های اسلامی در شهرها باشند.

در ساخت مرفولوژیک سکونتگاه‌های شهری کشورهای مختلف، عامل دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام‌های حاکم نقش مهمی بر عهده دارند (رحیمی، ۱۳۸۶: ۹۱). چنانکه فضاهای جغرافیایی کشورهای غربی، سوسیالیستی و اسلامی با همدیگر تفاوت دارد. بر این اساس در کشورهای اسلامی همچون ایران، ساخت فضاهای جغرافیایی بایستی تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به صورت قوانین متخذ از قرآن، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع صورت گیرد. بنابراین جست‌وجو و پژوهش در فلسفه شهر اسلامی و اجزاء این شهر از ضرورت‌های امور جامعه است.

طراحی محیط مسکونی، تنها یک مسئولیت اجتماعی نیست، بلکه فرایندی اجتماعی است (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۷). محلّه‌ها و واحدهای همسایگی، به عنوان محیطی که بیشترین وقت افراد در آنها سپری می‌شود، پلی بین جنبه اجتماعی و زیستی زندگی آنها

بوده و تأثیر بسیار عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی افراد دارند. بسیاری از محلّه‌های شهری معاصر با ویژگی‌های جسمی و روانی ساکنان خود سازگاری کافی ندارند. محدودیت سرانه فضاهای سبز و باز و دیگر فضاهای عمومی، محدودیت کمی و کیفی خانه‌های مسکونی، کیفیت پایین محیط شهری، آلودگی هوا و مدیریت نامناسب، ضایعات شهری، آلودگی صوتی و دیگر مشکلات محیطی عوامل تهدید سلامت انسان شهری امروزی را تشکیل می‌دهند (شیعیه و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). در شهرهای سنتی ایران، تقسیم محلّه‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی بود. وحدت درونی محلّه‌ها کمتر به وحدت در سطح شهر می‌انجامید و اغلب در هنگام دفاع از شهر، نوعی وحدت بین محلّه‌های شهر به وجود می‌آمد (لطیفی و صفری‌چابک، ۱۳۹۱: ۴). در شهر سنتی، هر محلّه دارای مرکزی بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان شکل می‌گرفت. مراکز محلّه علاوه بر تأکید بر عدالت و برابری در دستیابی به خدمات، سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی می‌شدند.

امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است (کلاتری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸). در کشور ایران بر خلاف سنت شهرسازی ایرانی-اسلامی، عناصر جدید الگو گرفته شده از مغرب زمین همچون خیابان‌ها، بزرگراه‌های سواره، آپارتمان‌های مسکونی، برج‌های تجاری و اداری و ... مورد توجه مسئولان و مدیران شهرهای امروزی قرار گرفته و هر روز گسترده‌تر از قبل باعث تخریب بافت محلات موجود گردیده‌اند؛ روندی که سبب گسست روابط اجتماعی و ایجاد بی‌هویتی در ساکنان شهرها گردیده و ادامه آن تبعات مخاطره‌آمیز مادی و معنوی فراوانی به همراه خواهد داشت (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). این روند اهمیت و ضرورت رویکرد دوباره به متون اصیل اسلامی و واکاوی و احیای اندیشه‌های ناب اسلام را ضروری می‌سازد. در این چارچوب، این پژوهش ویژگی‌های طراحی شده در محلات را با کمک شاخص‌های مستخرج از اصول دین مبین اسلام مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای رسیدن به این هدف دو محلّه در کلاتشهر اصفهان برای مطالعه انتخاب شد. در این چارچوب ابتدا شاخص‌های طراحی محلّه‌های مسکونی بر اساس اصول پنجگانه دین اسلام، استخراج گردید. برای این شاخص‌سازی، از مبانی نظری مکتب اصفهان در شهرسازی، تحلیل پژوهش‌های پیشین و همچنین تحلیل جداگانه هر کدام از اصول استفاده شد. در نهایت با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تحلیل‌های آماری (آزمون تی دو نمونه‌ای) ویژگی‌های دو محلّه مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های مستخرج، مقایسه شد.

سوالات اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بر اساس اصول دین مبین اسلام، با کدام معیارها و شاخص‌ها می‌توان ویژگی‌های طراحی شده در محلات را مورد ارزیابی قرار داد؟
- ۲- وضعیت شهرک‌نگین و محله جویباره از لحاظ معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ در این راستا فرضیه‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:
- ۱- به نظر می‌رسد با تحلیل اصول پنجگانه دین اسلام می‌توان معیارها و شاخص‌هایی را تدوین و در طراحی محله‌های شهرهای جدید از این شاخص‌ها استفاده کرد.
- ۲- به نظر می‌رسد در طراحی محله‌های جدید مسکونی در کلانشهرها، به معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی توجهی نشده است.

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

شهرهای اسلامی شهرهایی هستند که با توجه به اصول و سنت قرآن توسعه یافته‌اند، در حالی که شهرهای مسلمان، شهرهایی هستند که تنها توسط مسلمانان اشغال شده است (Rozhan et al, 2016: 70). در تعریف دیگر، شهر اسلامی یک الگوی منحصر به فرد از سازمان فضایی است که منعکس کننده یک ایدئولوژی اساسی است. در واقع این شهر تعریف همبستگی انسان و محیط زیست در داخل شهر است (Daher, 2006: 162). دین اسلام توصیه‌هایی در باب حقوق، معیشت، معاملات، جزاء، روابط اجتماعی، اخلاقی و معماری دارد و شهر اسلامی که براساس این ارزش‌ها و توصیه‌ها شکل می‌گیرد، شهر مطلوب الهی است (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد. عنصر اول، فضای فکری است. طبق این عنصر، شهر اسلامی فقط کالبد نیست بلکه انسان اصلی‌ترین نقش را به عهده دارد و فضای فکری یا به عبارتی جهان‌بینی توحیدی و ایمان، مهم‌ترین عامل تعریف کننده شهر اسلامی است. در عنصر دوم که مربوط به فضای عمل و رفتار می‌شود، عمل و رفتار مسلمانان، مطابق دستوراتی که از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود، شکل می‌گیرد. از جمله رفتارهای اهل شهر می‌توان به عدالت، امنیت، رعایت حقوق شهروندان، تعاون و مشارکت اشاره کرد. سومین عنصر، فضای عینی یا کالبدی است. بر این اساس کالبد شهرهای اسلامی با احداث مسجد جامع، رنگ و بوی اسلامی به خود می‌گیرد و پس از آن بناهای دیگری مانند مدرسه، پل و کاروانسرا نیز به عنوان عناصر اصلی سازنده شهر احداث می‌شود (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۵).

محله در لغت‌نامه دهخدا به «کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر» معنا شده است. این تعریف برای محله نشان می‌دهد که استقلال محله به گونه‌ای است که قادر است نیازها و

خواسته‌های مردم را تأمین کند. تعاریف موجود از محله، تأکید بر عنصر فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی محله دارد. برخی معتقدند که محله مفهومی انتزاعی داشته، که ریشه در رفتار مردم نسبت به خیابان‌ها و ساختمان‌ها دارد (Sattari et al, 2014: 297).

در ادبیات جهانی واژه محله به دو صورت Neighborhood و Township ترجمه شده است. واژه اول جمعیتی بالغ بر دو هزار نفر تا ده هزار نفر را شامل می‌شود و همچنین به عنوان یک محله مسکونی با هویت خاص تعریف شده است. واژه دوم جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر تا چهل هزار نفر را شامل شده و به محدوده‌ای گفته می‌شود که علاوه بر وسعت، دارای فرصت‌های شغلی متنوع و همچنین دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپرمارکت و مراکز تفریحی است (Barton et al, 2003: 24).

در ایران محله کالبد سکونت و اشتغال ۱۲۵۰-۷۰۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰-۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۶). همچنین یک محله قسمتی از فضای یکپارچه شهر است که مرزهای فیزیکی آن مبتنی بر درک یا نشانه عینی و همچنین همبستگی اجتماعی است. در واقع برای اینکه یک منطقه منحصر از شهر را محله بنامیم، می‌بایست آن منطقه، رضایت ساکنان برای تعاملات چهره به چهره و برطرف کردن نیازهای روزانه از طریق راه رفتن را فراهم آورد. در مطالعه و فهم محله چهار عامل شامل مرزهای سمبولیک و فیزیکی، روابط اجتماعی، امکانات و خدمات محله و نهایتاً هویت و احساس تعلق به محیط زندگی باید در نظر گرفته شود (Mirzabaki, 2015: 241).

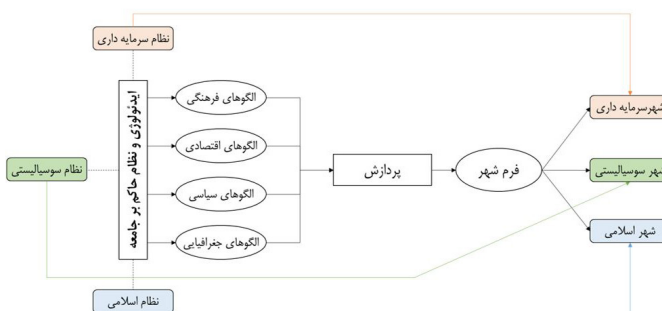
محله در شهرهای اسلامی همان مکان‌های تشکیل شبکه‌های اجتماعی است. چنین ساختاری بیش از آنکه تنها یک فضا باشد، یک تجربه است. این مکان شامل فضایی برای تحقق سکونت افرادی است که در آن محله زندگی می‌کنند و یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آنجا مراجعه می‌کنند. محله در شهرهای اسلامی معمولاً یک مرکز دارد که این مرکز عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله را در خود جای داده و همچنین مسجد و بازارچه عناصر اصلی مرکز محله است (پیربابایی و سجاذاده، ۱۳۹۰: ۱۹). از سوی دیگر روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی-اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم شمردن حریم‌ها شده است.

مدل مفهومی تحقیق: رابطه شکل شهر و ایدئولوژی حاکم

در پیدایش و شکل‌گیری شهر عوامل متعددی نقش دارند. حسین پاپلی یزدی به نقل از پروفسور هومر می‌گوید: «شهر نتیجه ارتباط میان شش جنبه است: ساختار اقتصادی، ساختار اجتماعی، ساختار کالبدی، موقعیت جغرافیایی، موقعیت قانونی و حیات سیاسی» (کریم‌پور، ۱۳۹۳: ۲). در یک تعریف جامع، می‌وان گفت شکل شهر، تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی-اجتماعی شهر و

فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان است که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت، ماهیتی ترکیبی و فرادوبعدی می‌یابد (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۴۹). از سوی دیگر بریملی معتقد است شکل شهر با الگوهای جدید توسعه که بازتاب شرایط اقتصادی، تکنولوژیکی و حمل و نقلی است در یک چارچوب رقابتی در حال تغییر است (Bramley, 2005: 355)؛ بنابراین می‌توان گفت فرم خاص هر شهر به فراخور ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲).

مکان تحت تأثیر فرهنگ و اجزا و عناصر آن همچون اعتقادات دینی، هنری، فناوری، ارزش‌ها، سیاست و اقتصاد ساخته می‌شود. اینکه انسان خانه را از چه مصالحی بسازد، در قسمت‌های گوناگون آن چه نمادهایی به کار ببرد، اعتقادات و ارزش‌های خود را چگونه در کالبد و در فضای درون آن به کار گیرد و از چه هنرهایی برای تزئین فضای داخلی یا بیرونی آن استفاده کند، نمونه‌ای از اثر فرهنگ بر مکان و بستر زندگی است (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳). این آثار برگرفته از فرهنگ جامعه، متناسب با زمان و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، تغییر می‌کنند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت که در دوره‌های گوناگون تاریخی، مکان‌های متفاوتی متناسب با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم ساخته شود. همان‌گونه که در شکل شماره ۱، مشاهده می‌شود، هر ایدئولوژی حاکم بر جامعه، الگوهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی خاص خود را دارد. این الگوها در جامعه مورد پردازش و بررسی قرار گرفته و در نتیجه نمود خود را در فرم کالبدی شهر بروز می‌دهند.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق، نحوه تأثیر ایدئولوژی بر فرم کالبدی شهر

به طور کلی، فرم شهر نتیجه فرایندها و الگوهای حاکم بر شهر است؛ لذا برای تحلیل، شناخت و بررسی فرم شهر در هر دوره باید الگوها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن دوره را شناخت. بدین معنا که ایدئولوژی روی فرم شهر تأثیر می‌گذارد. در این زمینه می‌توان به ایدئولوژی سرمایه‌داری، ایدئولوژی سوسیالیستی و بالطبع ایدئولوژی اسلامی اشاره کرد. همان‌طور که رفا، آزادی و دموکراسی اصول ایدئولوژیک شهر سرمایه‌داری و برابری، عدالت و مالکیت دولتی اصول ایدئولوژیک شهر سوسیالیستی

است، شهر اسلامی نیز باید اصول دین مبین اسلام را داشته باشد. در این زمینه باید گفت، تشکیل شهرهای اسلامی به عنوان یک ایدئولوژی کامل، در ارتباط مستقیم با اسلام است. به عبارتی، شهر اسلامی را باید به عنوان یک ایدئولوژی کامل مورد بررسی قرار داد (Sattari et al, 2014: 297)؛ بنابراین برای شناخت شهر اسلامی ابتدا باید ایدئولوژی و اصول دین مبین اسلام را بررسی و مطالعه کرد.

معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی

برای تدوین معیارها و شاخص‌های محله‌های اسلامی از سه طریق اقدام شده است: ابتدا مکتب اصفهان به عنوان آخرین مکتب موجود در ایران بررسی شد. در گام بعدی معیارها و شاخص‌هایی را که نویسندگان و پژوهشگران در مطالعات پیشین مورد مطالعه قرار داده‌اند، بررسی گردید. در گام سوم، اصول پنج‌گانه دین اسلام و تأثیری که این اصول بر کالبد شهر دارند، به طور جداگانه تحلیل و نهایتاً معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر جمع‌بندی شد.

مکتب اصفهان آخرین مکتب موجود در ایران پس از اسلام است که می‌توان در آن تأثیرات ناشی از اعتقادات مردم و حکومت به اسلام را دریافت (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴). در نتیجه زوال دولت مغول، جنبش‌های مردمی به وجود آمد، تا اینکه دولت صفوی به قدرت رسید. شهر صفویه، شهر قدرت، شهر نمایش، شهر بازار و شهر دیوان بود. شهر در ایدئولوژی صفویه با حومه روابط درونی دارد (متولی و شیخ‌اعظمی، ۱۳۹۲: ۵۷). شهر اصفهان عرصه کالبدی این تفکر است. ترکیب‌بندی عناصری که تا این زمان در نظام شهرسازی ایران سابقه نداشته است، باعث گردید تا مفهوم منطقه‌بندی شهری بر اساس نظام محله‌بندی و تمایزات اجتماعی در کل شهر تبلور یابد (میره‌ای و کلاتری خلیل آباد، ۱۳۹۰: ۳۵).

مکتب اصفهان در شهرسازی از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می‌کند. انکشاف فضا، اصل و مفهومی است که از ذره تا کلان فضای این سبک، رخساره می‌نماید و سیالیت و تداوم فضایی از دیگر مفاهیمی هستند که در این مکتب به کار گرفته می‌شوند (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴). مکتب اصفهان به تبع جهان‌بینی حاکم، به وحدت بیان دست می‌یابد. سلسله مراتب فضایی از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین مقیاس کالبدی به کار گرفته می‌شود و هر مقیاس بر آن است که بازتابی از اصل وحدت بخش جهان باشد. این مکتب در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن اصلی است که جهان بر آن قرار دارد، یعنی اصل تعادل و توازن؛ تعادل فضایی و توازن کالبدی (متولی و شیخ‌اعظمی، ۱۳۹۲: ۵۹). همه این عناصر به منزله یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می‌شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، بازگشت به آهنگ و باز آمدن به تباین، مقدمه، موخره، پیش درآمد، اوج و فرود در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می‌نماید (کریمی، ۱۳۹۱: ۸۷).

جدول شماره ۱: اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان

اصول و قواعد	تعریف و تبیین
سلسله مراتب	بر مبنای این اصل هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
وحدت و کثرت	فضای شهری روی به کثرت و تنوع دارد. در این کثیر شدن و گوناگونی، در مجموعه همبسته‌اش روی به وحدت و یکپارچگی دارد.
تمرکز	متمرکز شدن فضای شهری، اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند.
عدم تمرکز	توزیع متوازن فضاهای شهری، علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاهای آن می‌شود.
تباین	ناهمگونی عناصر و فضاهای شهری و در عین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر.
تجمع	جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد.
اتصال	هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست.
تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و بناها، نسبت فضاهای انباشته و فضاهای تهی.
تداوم	فضای شهری چون نسیمی از میان فضاها می‌گذرد، از این به آن می‌شود و در این شدن، نه این است، نه آن، این «شدن» اصلی را مطرح می‌کند که تداوم نامیده می‌شود.
قلمرو	قلمرو مکانی می‌شود که در آن خودی و بیگانه تعریف می‌شوند، حرمت نگاهداشته می‌شود و عبور از آن جز با اجازه میسر نخواهد بود.
سادگی	خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می‌آورد. بی‌پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می‌سازد.
پیچیدگی	کاربرد غیر معمول واژه و فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند.
ترکیب	ترکیب اعداد می‌تواند فضایی متفاوت از آنچه معمول است را سبب شود.
استقرار	اصل استقرار در مفهوم ساخت کلام با شهر معنا می‌یابد، در این مفهوم، ساخت یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به گونه‌ای که هر واحد بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا دارد.
توازن	شهر در موزونی فضاها و روابط فضایی اشکال و فعالیت‌ها تعریف می‌شود.
ایجاز	فضای شهری از اسلوبی تبعیت می‌کند که گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.
زمان	بنا و فضای شهری تعریف خود را در متن شهر می‌یابد؛ معنایی که در بیان مقید به زمان می‌شود، آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است و نه محتوا.

مأخذ: لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۷

شاخص‌های کالبدی می‌توان به پیوستگی فضایی، وحدت و تنوع فضایی و سلسله مراتب اشاره کرد. (باستانی‌راد، ۱۳۹۱) در رابطه با شاخص‌های اجتماعی نیز می‌توان به مشارکت مردمی، توجه به اصل عفاف در طراحی فضاهای شهر و زندگی مسالمت‌آمیز اشاره داشت (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۲).

در گام سوم از فرایند تعیین معیارها و شاخص‌های محله‌های اسلامی، اصول دین مبین اسلام و تأثیراتی که این اصول بر کالبد، شکل شهر و محله‌ها می‌توانند داشته باشند، بررسی شد.

اولین اصل در دین اسلام «توحید» است. توحید به معنای یگانگی خداوند متعال است. به تصدیق اکثریت قریب به اتفاق محققان، اصل توحید که صفت متمیزه بنیادین اسلام با سایر ادیان و مکاتب است، منبع الهام مسلمین در کلیه فعالیت‌هایشان از جمله هنرها، معماری و شهرسازی‌شان است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۰).

اصل توحید در بعد اجتماعی همان مفهوم «مشارکت» است. قرآن صریحاً می‌فرماید: «اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». در این زمینه، اصل توحید در شهر اسلامی، از طریق به وجود آمدن وحدت در جامعه و یا شکل‌گیری امت واحده تحقق می‌یابد. در حقیقت به تبع تأکید اسلام بر جماعت و امت واحده، شهر اسلامی، شهری است که با وحدت جامعه پیوندی ناگسستنی دارد. در این چارچوب، نظریه مدیریت واحد شهری که امروزه در غرب به عنوان نظریه‌ای نو در محافل علمی مطرح شده، در واقع همان مفهوم برگرفته از توحید است که قرن‌ها قبل، اسلام بر آن تأکید داشته است. توحید دارای معانی مختلفی مانند وحدانیت، یگانگی، یکتاپرستی، یکرنگی، واحد بودن و یک شکل بودن است. در بعد کالبدی، یکی از مهم‌ترین اصول در طراحی شهری، «هماهنگی» است که همان معنای برگرفته از اصل دین یعنی توحید است. از سوی دیگر، وحدت در بعد فیزیکی همان سازگاری و انطباق کاربری‌ها با یکدیگر است. در نتیجه، ناموزونی در کاربری‌های شهری، ناشی از عدم توجه به اصل وحدانیت و یگانگی است. از این رو رعایت نظم و هماهنگی یکی از مهم‌ترین اصول در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است که متأسفانه در هیچ‌یک از شهرهای ما رعایت نمی‌شود. از دیگر تجلیات توحید در شهر اسلامی، وحدت شهر با طبیعت است. این وحدت، نه به معنای همسانی، بلکه به این معناست که شهر اسلامی اولاً در شکل-گیری و گسترش خویش از قوانین حاکم بر عالم وجود همچون عدالت، نظم، تعادل، توازن، هماهنگی، سلسله مراتب و ... بهره بگیرد و ثانیاً شهر اسلامی بر ضد طبیعت و مخرب آن و در یک کلام عامل فساد در طبیعت و جهان نبوده و بالعکس عامل و وسیله اصلاح و عمران زمین است.

دومین اصل از اصول پنج‌گانه دین مبین اسلام، عدل است. شاید بتوان گفت عدل بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین اصلی است که در مقیاس جهانی روی آن نظریه پردازی شده است. در این باره

در گام دوم از فرایند تدوین معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی، به بررسی مطالعات پیشین پرداخته شد. نتایج این بررسی‌ها در جدول شماره ۲، ارائه شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت عمده معیارها و شاخص‌هایی که پژوهشگران مورد مطالعه قرار داده‌اند، در بخش‌های کالبدی و اجتماعی و تا حدودی در بخش‌های اقتصادی است. در زمینه

جدول شماره ۲: معیارها و شاخص‌های پیشنهادی در مطالعات محققان برای طراحی محله‌های اسلامی

ردیف	معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه		مآخذ
	معیار	شاخص	
۱	کالبدی	مسجد/ میدانگاه‌ها در هسته مرکزی محله	باستانی راد، ۱۳۹۱
	اقتصادی	بازار	
۲	کالبدی	پیوستگی فضایی/ وحدت و تنوع فضایی/ سلسله مراتب/ اهمیت دادن به مفهوم محله	لطیفی و چابک، ۱۳۹۱
	اجتماعی	تأکید بر روابط اجتماعی	
۳	اجتماعی	ارزش‌های فرهنگی/ همبستگی اجتماعی/ مدیریت محله‌ای	نقه‌الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲
	کالبدی	مسجد/ قلمرو / سلسله مراتب/ هم‌پیوندی	
۴	اجتماعی	ارتقای مشارکت مردمی/ توجه به شعائر در فضاهای شهر/ نهی ضرر به دیگران در ساخت و ساز/ توجه به اصل عفاف در طراحی فضاهای شهر/ زندگی مسالمت‌آمیز	نقره کار و دیگران، ۱۳۹۲
۵	اجتماعی	بهداشت / حریمیت / عدالت اجتماعی / مشارکت مردمی / امنیت / تعاملات مردمی / آرامش و آسایش	کلاتتری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳
۶	کالبدی	تفکیک حریم‌های فضایی / خوانایی / بوم‌گرایی و سازگاری با طبیعت	موقر و دیگران، ۱۳۹۴
	اجتماعی	وحدت در کل / همبستگی اجتماعی / غنای حسی / کارایی / پرهیز از بیهودگی و اسراف / ایمنی و امنیت / مردم‌واری و تناسب انسانی فضا / آسایش و رفاه / هویت / خودکفایی / آسایش و رفاه	
۷	اجتماعی	اصل هم‌پیوندی / اصل تجمع / اصل تمرکز و مرکزیت / اصل استقرار / پویایی و ایستایی	غلامی و دیگران، ۱۳۹۴
	کالبدی	اصل محصوریت / اصل تباين / اصل مقیاس انسانی	
۸	اجتماعی	مسیر ویژه عابران پیاده / حریم خصوصی / طراحی و الگوی گردش	Safae et al, 2016
	کالبدی	مسجد/ حق همسایگی / فضای باز برای فعالیت و رویداد	
۹	اجتماعی	مرکزیت / انسجام اجتماعی / مدیریت محله / استقلال محله	Khazaei & Babajani, 2016
	کالبدی	قلمرو / سلسله مراتب / پیوستگی	
۱۰	اجتماعی	ایده خلیفه و حاکم / مشارکت همگانی / آموزش برای نسل جوان / ایده برادری و وحدت / مراقبت از خود و جامعه	Rozhan et al, 2016
	کالبدی	کیفیت محیط زندگی / مسجد به عنوان مرکز فعالیت	

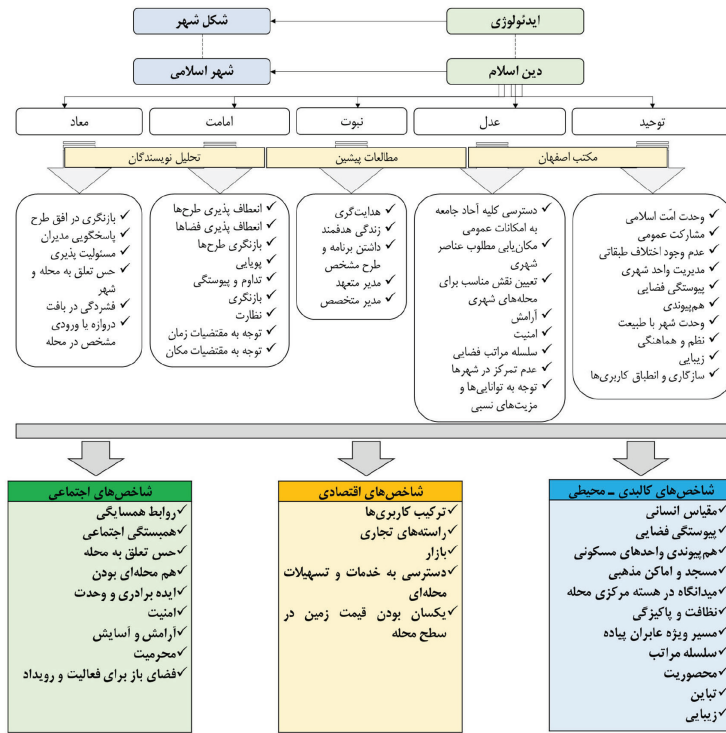
می‌توان به کتاب عدالت اجتماعی و شهر نوشته دیوید هاروی اشاره کرد. رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه زیستی عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد. در این صورت است که اهمیت این اصل در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مشخص می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۵). در حقیقت عدل یعنی هر چیزی را سر جای خود قرار دادن یا به عبارت دیگر «وضع شئی فی موضعها». این اصل در واقع به همان مفهوم مکان‌یابی اشاره دارد. بنابراین در شهر اسلامی عدالت از بسیاری جهات همچون تنظیم ارتباطات اجتماعی و نظارت بر رعایت آن، دسترسی مناسب کلیه آحاد جامعه به امکانات عمومی، از طریق مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آنها، تناسب مطلوب بین ابعاد فضا و ... تحقق می‌یابد. رعایت این شاخص‌ها در طراحی محله‌های شهری باعث آرامش و افزایش امنیت در شهرها می‌شود. به عبارتی آرامش به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری از نتایج توجه به اصل عدالت است. تمرکزگرایی به عنوان یکی از اصول مطرح شده در شهرها مخالف عدالت و عدل است. تمرکززی که در بخش‌های مرکزی شهرها وجود دارد، تمرکززی که در برخی از شهرها در سطح کشور وجود دارد و عدم رعایت سلسله مراتب

سکونتگاهی و همچنین عدم وجود نقش واحد در شهرها، همگی ناشی از عدم توجه به اصل عدالت است. سومین اصل دین مبین اسلام، نبوت است. فلسفه و هدف نبوت، هدایت‌گری است. در این زمینه مقوله نبوت را می‌توان در زمینه رسول‌ظاهری و رسول باطنی مورد بررسی قرار داد. رسول‌ظاهری همان دین اسلام است که بر مبنای دستورات قرآن و سیره نبوی حرکت می‌کند و رسول باطنی، مقوله عقل بشری است که اصل نبوت با بهره‌گیری از این دو مقوله به تدوین قوانین و احکام بنیادی می‌پردازد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در این راستا، نبی یا رسول برای هدایت جامعه نیاز به قانون و برنامه دارد. این قانون همان دین اسلام است. با توجه به اصل نبوت، اگر می‌گوییم شهر اسلامی، یعنی شهری که دارای «برنامه‌ریزی و هدایت‌گری» به سمت «اهداف مشخص و روشن» است. بر اساس اصل نبوت برای هدایت‌گری نیاز به برنامه، هدف مشخص و مدیریت سالم داریم. مدیر سالم باید متعهد (التزام عملی به اسلام و احکام اسلامی) و متخصص (مسلط بر شهر و اصول برنامه‌ریزی شهری) باشد. در صورتی که یکی از این دو ویژگی وجود نداشته باشد، هدایت جامعه با مشکل مواجه می‌شود. چهارمین اصل از دین اسلام، امامت است. امامت پیرو نبوت و

دنباله‌رو آن است. بنابراین روند مدیریت نمی‌تواند متوقف شود. یعنی مدیریت یک امر مستمر و مداوم است. بر این اساس اولین شاخص و تجلی این اصل در شهر اسلامی را می‌توان در «تداوم مدیریت شهری» دانست. موضوعی که در بسیاری از شهرها اتفاق نمی‌افتد. به عبارتی عدم ثبات مدیریت و تعویض نابهنگام مدیران، زبان‌های بسیاری سنگین به نظام شهری وارد می‌کند. از تجلیات دیگر اصل امامت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، پیوستگی طرح‌های شهری است. اگر این مسئله رعایت شود، نتیجه‌ای پیوسته و مرتبط حاصل می‌شود. پیوستگی و تداوم یک طرح، نیازمند استراتژی‌های از پیش تعیین شده است. عدم پیوستگی طرح‌ها، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به پیکره نظام شهری وارد می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۶). باید اشاره شود که اصل نبوت و امامت مفاهیم مشابهی دارند؛ اما آنچه که امامت را از نبوت جدا می‌کند آن است که امام آوزنده شریعت نیست، بلکه

بر طبق شریعتی عمل می‌کند که قوانین جامعه بر اساس آن شریعت تنظیم و مدون شده است؛ بنابراین نبی، قوانین ثابتی را در شریعت خود وضع و آنها را از طریق وحی الهی دریافت می‌کند، اما امام در چارچوب قوانین ثابت با توجه به مقتضیات زمان و مکان درصدد صدور احکام برمی‌آید. بر این اساس اصل بازنگری، انعطاف‌پذیری، و پویایی در طرح‌ها و برنامه‌های شهری اثبات می‌شود.

نهایتاً پنجمین اصل دین اسلام، معاد است. قریب به یک سوم آیات قرآن در رابطه با معاد متذکر گردیده است. خداوند متعال با بیان این آیات، در واقع وجود عالم آخرت را به بشر گوشزد می‌کند و با الفاظ صریح، محکم و بیدار کننده در مقابل منکران و کفار وعده عذاب می‌دهد. تأکید بر معاد از طرف خدای متعال، این موضوع را می‌رساند که این اصل نیز همچون توحید از نوامیس انکارناپذیر عالم حقیقت است و ایمان و اعتقاد به معاد، آثار ارزنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی داشته است. تفکر معادی در شهر باعث ایجاد امنیت روحی، روانی و جسمانی در حوزه‌های خصوصی و عمومی جامعه مسلمانان می‌گردد که ناشی از یاد مرگ در تمامی امور است که البته این عامل باعث تأثیرات کالبدی، همچون فشردگی در بافت، استفاده از قلعه و دروازه و موارد دیگر در شهر گردیده است (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵ و ۴۶). از سوی دیگر، معاد به معنی میعادگاه بوده که همان مفهوم یوم‌الحساب یا یوم‌الجزاست. از این رو باید به نتیجه کار هر برنامه‌ای که در شهر تدوین و اجرا می‌شود، توجه کرد



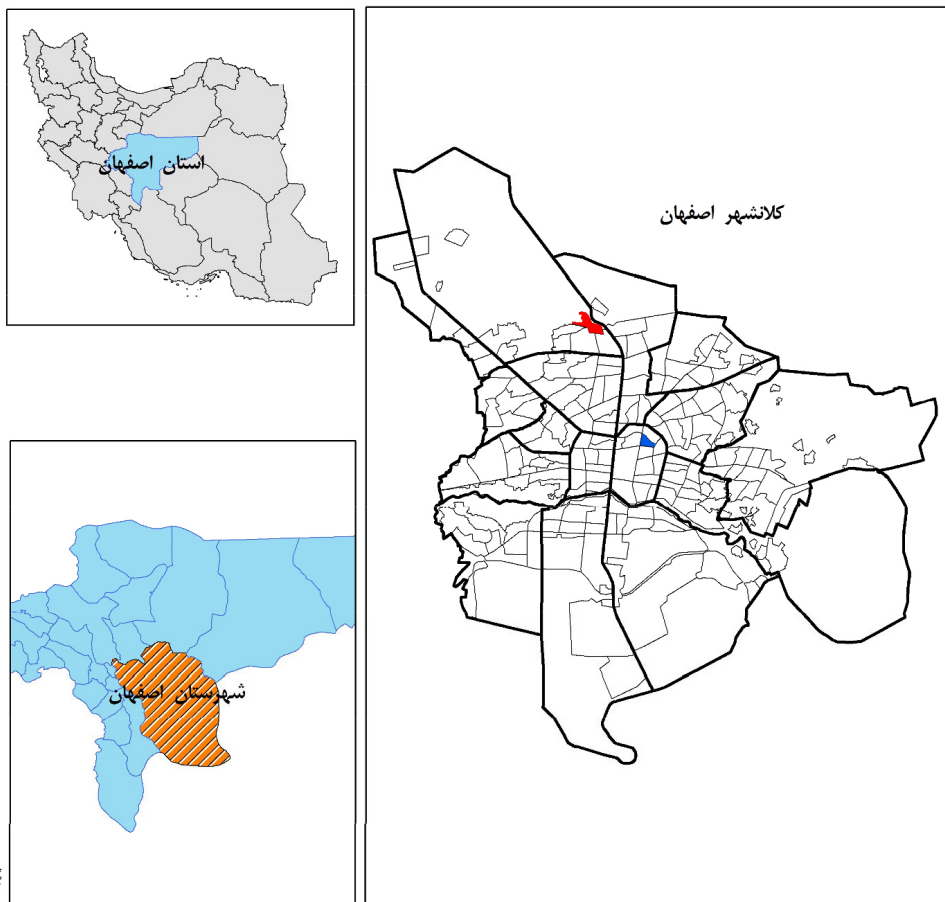
شکل شماره ۲: فرایند و مدل تبدیل اصول دین اسلام به شاخص‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری

(حاسبوا قبل ان تحاسبوا). معاد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به این معنی است که مدیران شهری بعد از گذشت یک دوره زمانی مشخص گزارش عملکرد خود را ارائه نمایند. به عبارت دیگر در شهر و محله‌های اسلامی باید همه پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشند (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت). بنابراین می‌توان گفت اصل معاد در بعد اجتماعی محله‌های شهری در شاخص‌هایی همچون «مسئولیت‌پذیری ساکنان محله، حس تعلق به محله، هدفمند زیستن و...» انعکاس می‌یابد.

نهایتاً بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده، در شکل شماره ۲، فرایند و مدل تبدیل اصول پنج‌گانه دین اسلام به شاخص‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری نشان داده شده است. بنابراین در این پژوهش بر اساس مدل پیشنهادی و شاخص‌های مستخرج، وضعیت دو محله مورد مطالعه (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) از لحاظ انطباق با شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی مقایسه شد.

روش تحقیق

هدف اصلی از انجام این پژوهش سنجش ویژگی‌های طراحی شده در محله‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های مستخرج از اصول دین اسلام است. برای رسیدن به این هدف دو محله (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) در شهر اصفهان انتخاب شد. در شکل شماره ۳، موقعیت محله‌های مورد مطالعه در شهر اصفهان نشان داده شده است.



شکل شماره ۳: موقعیت محلات مورد مطالعه در شهر اصفهان

بحث و یافته‌ها

این بخش از پژوهش به بررسی و بحث در مورد یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. در واقع در این بخش، نتایج بررسی‌های انجام شده در محله‌های جویباره و شهرک نگین تحلیل شده است. برای مقایسه دو محله مذکور بر اساس شاخص‌های معرفی شده در جدول شماره ۳، از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شد.

آزمون تی دو نمونه‌ای

در راستای مقایسه وضعیت محله جویباره و شهر نگین از حیث شاخص‌های شهر اسلامی، در بخش اول از پژوهش، پرسشنامه‌ای بر اساس شاخص‌ها تدوین شد. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شد تا به وضعیت هر یک از شاخص‌ها در محله خویش از یک تا ده نمره بدهند. لازم به ذکر است با توجه به فرمول کوکران، حداکثر اندازه نمونه در هر جامعه‌ای برابر با ۳۸۴ خواهد بود؛ بنابراین تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در هر یک از محلات توزیع شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها در محله جویباره تعداد ۳۴۶ پرسشنامه کامل و بدون خطا و در شهرک نگین تعداد ۳۲۹ پرسشنامه کامل و بدون خطا جمع‌آوری شد. سپس این پرسشنامه‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد. برای بررسی پایایی و اعتبار پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفا استفاده شد. نتایج این بررسی نشان داد که ضریب آلفا برای اطلاعات گردآوری شده در محله جویباره برابر با ۰/۷۴ و در شهرک

در مرحله بعد شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی بر اساس اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی با استفاده از مطالعات انجام شده در بخش نظری پژوهش جمع‌بندی شد (جدول شماره ۳). در نهایت با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه با ساکنان محلات و همچنین مطالعات میدانی، وضعیت دو محله مذکور از حیث شاخص‌های پیشنهادی با استفاده از آزمون تی دو نمونه‌ای مقایسه شد.

جدول شماره ۳: شاخص‌های مورد بررسی در قلمرو مکانی پژوهش

شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های کالبدی - محیطی
۱. روابط همسایگی	۱. ترکیب کاربری‌ها	۱. مقیاس انسانی
۲. همبستگی اجتماعی	۲. راسته‌های تجاری	۲. پیوستگی فضایی
۳. حس تعلق به محله	۳. بازار	۳. هم‌بیوندی واحدهای مسکونی
۴. هم‌محله‌ای بودن	۴. دسترسی به خدمات و تسهیلات محله‌ای	۴. مسجد و اماکن مذهبی
۵. ایده برادری و وحدت	۵. یکسان بودن قیمت زمین در سطح محله	۵. میدانگاه در هسته مرکزی محله
۶. امنیت		۶. نظافت و پاکیزگی
۷. آرامش و آسایش		۷. مسیر ویژه عابران پیاده
۸. محرمت		۸. سلسله مراتب
۹. فضای باز برای فعالیت و رویداد		۹. محصوریت
		۱۰. تباین
		۱۱. زیبایی

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های کالبدی - محیطی

شاخص	میانگین گروه اول محلّه جویباره	میانگین گروه دوم شهرک نگین	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
مقیاس انسانی	۸/۸۹	۵/۵۶	۰/۰۰۰	۸/۲۶	۳/۰۳۹
پیوستگی فضایی	۸/۹۱	۴/۶۲	۰/۰۰۰	۶/۴۵	۴/۲۱
هم پیوندی واحدهای مسکونی	۹/۰۶	۶/۱۳	۰/۰۰۰	۷/۸۹۵	۲/۲۱۱
مسجد و اماکن مذهبی	۹/۵	۷/۳۸	۰/۰۰۰	۸/۱۳	۲/۱۴۱
میدانگاه در هسته مرکزی محلّه	۸/۷۴	۵/۴۳	۰/۰۰۲	۶/۲۹	۳/۲۶۱
نظافت و پاکیزگی	۶/۴۸	۶/۳۹	۰/۵۴	+۶/۵۶	-۶/۰۴
مسیر ویژه عابران پیاده	۸/۳۴	۷/۶۸	۰/۰۳۴	۷/۷۶۵	۲/۱۱۲
سلسله مراتب	۹/۵۱	۴/۵۱	۰/۰۱۴	۶/۶۶	۳/۲۱۳
محصولیت	۷/۴۱	۳/۳۹	۰/۰۰۰	۷/۸۹	۴/۶۵
تباین	۷/۰۹	۴/۳۱	۰/۰۳۱	۷/۳۴	۳/۳۵
زیبایی	۸/۵۳	۶/۴۹	۰/۰۰۰	۸/۲۹	۴/۱۳

نگین برابر با ۰/۷۹ است که نشان از پایایی بالای پرسشنامه‌ها دارد. برای تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها و مقایسه میانگین شاخص‌ها در دو محلّه مورد مطالعه، از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شد. آزمون تی دو نمونه‌ای، میانگین دو گروه از پاسخگويان را با یکدیگر مقایسه می‌کند. به عبارتی دیگر در این آزمون، میانگین‌های به دست آمده از نمونه‌های تصادفی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. بدین معنی که از دو جامعه مختلف، نمونه‌هایی اعم از اینکه تعداد نمونه مساوی یا غیر مساوی باشند، به طور تصادفی انتخاب و میانگین‌های آن دو جامعه با هم مقایسه می‌شوند. در این آزمون فرض صفر مبنی بر این است که تفاوت معناداری بین میانگین دو نمونه وجود ندارد. در حالی که فرض یک بر تفاوت معنادار در میانگین دو نمونه دلالت دارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 \quad H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

جدول شماره ۴، نتایج مقایسه میانگین شاخص‌های کالبدی را در دو محلّه مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات مندرج در این جدول، می‌توان دریافت که بر اساس مقدار sig که کمتر از ۰/۰۵ است، برای تمام شاخص‌ها به غیر از شاخص نظافت و پاکیزگی فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود. به این معنا که در ده شاخص کالبدی تفاوت معنادار بین میانگین‌های دو محلّه جویباره و شهرک نگین وجود دارد؛ اما در رابطه با شاخص نظافت و پاکیزگی تفاوت معناداری بین میانگین دو نمونه وجود ندارد. با توجه به حد بالا و پایین که در جدول مشاهده می‌شود، می‌توان تشخیص داد که کدام یک از محلّه‌ها دارای میانگین بالاتری است. در این مورد باید بیان کرد که:

- ۱- اگر حد بالا و پایین هر دو مثبت باشند، در این صورت میانگین گروه اول از میانگین گروه دوم بزرگ‌تر است.
 - ۲- اگر حد بالا و پایین هر دو منفی باشند، در این صورت میانگین گروه دوم از میانگین گروه اول بزرگ‌تر است.
 - ۳- اگر حد بالا و پایین یکی مثبت و یکی منفی باشد، در این صورت میانگین‌های دو گروه با هم تفاوت معناداری ندارد.
- در این پژوهش محلّه جویباره به عنوان گروه اول و شهرک نگین به عنوان گروه دوم در نظر گرفته شده است. براساس مندرجات جدول شماره ۴، در ده شاخص کالبدی، حد بالا و پایین مثبت است که نشان می‌دهد میانگین شاخص‌ها در محلّه جویباره نسبت به شهرک نگین بالاتر است و تأیید می‌شود که این اختلاف از نظر آماری معنادار است. در مورد شاخص نظافت و پاکیزگی با توجه به آنکه حد بالا مثبت و حد پایین منفی است، می‌توان گفت میانگین این شاخص در دو محلّه مورد مطالعه تفاوت معناداری ندارد.

مطابق با جدول شماره پنج که نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای را در رابطه با شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهد، می‌توان گفت از مجموع نه شاخص، تنها در یک شاخص یعنی شاخص «امنیت»، سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با توجه به شاخص مذکور فرض صفر تأیید شده و باید گفت دو محلّه جویباره و شهرک نگین از لحاظ شاخص مذکور تفاوت معنادار ندارند. در رابطه با هشت شاخص دیگر سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است که فرض صفر رد شده و فرض یک تأیید می‌شود و می‌توان گفت دو محلّه مورد مطالعه با توجه به این شاخص‌ها تفاوت معناداری دارند. بر اساس حدود بالا و پایین شاخص‌ها نیز باید گفت که میانگین شاخص «فضای باز» برای فعالیت و رویداد در شهرک نگین بالاتر از محلّه جویباره است. در مورد هفت شاخص دیگر میانگین شاخص‌ها در محلّه جویباره نسبت به شهرک نگین همواره بالاتر است.

برای تحلیل بعد اقتصادی، پنج شاخص انتخاب شد. جدول شماره ۶، نتایج بررسی‌ها را در این زمینه نشان می‌دهد. در رابطه با سه شاخص اول، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بوده و همچنین حد بالا و پایین نیز مثبت است. این به معنای آن است که میانگین این شاخص‌ها در دو محلّه متفاوت بوده و همچنین میانگین گروه اول یعنی محلّه جویباره بالاتر از میانگین شهرک نگین است. در رابطه با شاخص «دسترسی به تسهیلات و خدمات محلّه‌ای»، سطح معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد میانگین دو گروه تفاوت معناداری ندارند. در رابطه با شاخص «یکسان بودن قیمت زمین» در سطح محلّه، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است. این

به معنای آن است که میانگین دو گروه تفاوت معناداری دارند. همچنین حدود بالا و پایین در رابطه با شاخص مذکور منفی است که نشان می‌دهد میانگین گروه دوم بیشتر از گروه اول است.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های اجتماعی

شاخص	میانگین گروه اول (محلّه جوّیباره)	میانگین گروه دوم (شهرک نگین)	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
روابط همسایگی	۷/۹۸	۲/۳۲	۰/۰۰۰	۷/۶۱	۲/۱۹
همبستگی اجتماعی	۸/۷۶	۳/۱۲	۰/۰۰۰	۸/۹۰	۳/۲۱
احساس تعلق به محلّه	۸/۵۴	۴/۱۱	۰/۰۱۱	۸/۳۷۶	۴/۰۱
هم محلّه‌ای بودن	۹/۱۴	۲/۴۶	۰/۰۰۰	۹/۷۹	۳/۲۳۱
ایده برادری و وحدت	۸/۳۶	۵/۱۲	۰/۰۰۰	۷/۳۲	۵/۴۱
امنیت	۷/۳۸	۷/۱۰	۰/۷۲۹	+۷/۱۶	-۷/۱۳
آرامش و آسایش	۷/۲۴	۵/۳۹	۰/۰۱۴	۷/۱۱	۳/۳۳
محرّمیت	۹/۲۱	۵/۱۵	۰/۰۰۰	۹/۰۱	۵/۵۴
فضای باز برای فعالیت و رویداد	۴/۰۱	۸/۱۲	۰/۰۰۰	-۸/۱۹	-۳/۷۶
تباین	۷/۰۹	۴/۳۱	۰/۰۳۱	۷/۳۴	۳/۳۵
زیبایی	۸/۵۳	۶/۴۹	۰/۰۰۰	۸/۲۹	۴/۱۳

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های اقتصادی

شاخص	میانگین گروه اول (محلّه جوّیباره)	میانگین گروه دوم (شهرک نگین)	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
ترکیب کاربری‌ها	۷/۳۲	۴/۳۶	۰/۰۰۰	۷/۰۱	۴/۱۱
راسته‌های تجاری	۶/۶۸	۳/۷۴	۰/۰۰۳	۶/۲۱	۳/۰۴
بازار	۸/۱۲	۵/۱۳	۰/۰۲۸	۸/۱۳	۵/۱۹
دسترسی به خدمات و تسهیلات محلّه‌ای	۷/۵۹	۷/۷۶	۰/۰۸۹	+۷/۴۳	-۶/۱۸
یکسان بودن قیمت زمین در سطح محلّه	۴/۰۳	۷/۶۱	۰/۰۰۰	-۷/۳۲	-۴/۱۷

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف سنجش ویژگی‌های طراحی شده در محلّه‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های مستخرج از اصول اسلامی انجام شد. در بخش اول مبانی نظری و ادبیات تحقیق بررسی شد. در فرایند انجام تحقیق با بررسی مبانی نظری مکتب اصفهان در شهرسازی، تحلیل پژوهش‌های پیشین و همچنین تحلیل جداگانه هر یک از اصول پنج‌گانه دین مبین اسلام، شاخص‌های طراحی محلّه‌های مسکونی بر اساس اصول دین

مبین اسلام استخراج شد. در ادامه با استفاده از آزمون آماری تی دو نمونه‌ای وضعیت دو محلّه جوّیباره به عنوان یک محلّه قدیمی و شهرک نگین به عنوان یک محلّه جدید بر اساس شاخص‌های پیشنهادی، مقایسه شد. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که از مجموع ۲۵ شاخص مورد مطالعه تنها در دو شاخص «فضای باز برای فعالیت و رویداد» و «یکسان بودن قیمت زمین در سطح محلّه» میانگین شاخص‌ها در شهرک نگین بالاتر از محلّه جوّیباره است. در سه شاخص «نظافت و پاکیزگی»، «امنیت» و «دسترسی به خدمات و تسهیلات محلّه‌ای» وضعیت دو محلّه مورد مطالعه یکسان است. در بقیه شاخص‌ها مانند «مقیاس انسانی»، «پیوستگی فضایی»، «سلسله مراتب»، «زیبایی»، «روابط همسایگی»، «همبستگی اجتماعی»، «احساس تعلق به محلّه»، «آرامش و آسایش»، «ترکیب کاربری‌ها» و «راسته‌های تجاری» میانگین محلّه جوّیباره بیشتر از شهرک نگین است. نتایج به طور کلی نشان داد که بیشترین اختلاف بین دو محلّه مورد مطالعه به ترتیب در بخش‌های اجتماعی و کالبدی است. نکته حائز اهمیت آنکه در بخش اقتصادی، دو محلّه مورد مطالعه اختلاف بسیار ناچیزی دارند. این موضوع نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی و طراحی محلات جدید، بیشترین توجه به شاخص‌های اقتصادی شده و شاخص‌های کالبدی و اجتماعی محلّه‌های اسلامی، مورد غفلت واقع شده‌اند.

در پایان پژوهش باید اذعان کنیم که فضای شهری از کوچک‌ترین مقیاس یعنی محلّه تا خود شهر، یک محصول اجتماعی است که به یک بستر فیزیکی برای فعالیت‌های انسانی تبدیل شده است. در واقع فضاها و محلّه‌های شهری، ظاهراً فیزیکی هستند، اما براساس اصول اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر هر محیط، هر فضا و هر پدیده‌ای، نگرشی از ایدئولوژی حاکم بر جامعه است. در این راستا برای حل مشکلات شهرها باید ایدئولوژی و اصول حاکم بر شهرها را شناخت. اگر گفته می‌شود محلّه و یا شهر اسلامی، می‌بایست در این محلّه و شهر، اصول دین مبین اسلام تجلی و انعکاس یابد. اگر فرایندها، اصول، فعالیت‌ها و نگرش‌ها در یک شهر اسلامی باشد، می‌توان به شهر اسلامی نیز دست پیدا کرد. بنابراین برای مطالعه شهر اسلامی باید اصول دین اسلام را شناخت و در گام بعدی این اصول را با اصول برنامه‌ریزی و طراحی شهری منطبق کرد. در این پژوهش سعی شد تا گامی هر چند کوچک در این راستا برداشته شود. در قالب یک مقاله شاید نتوان تمامی شاخص‌ها را مورد مطالعه قرار داد، بنابراین ارزیابی ویژگی‌های محلّه‌های شهری با شاخص‌های اسلامی نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در قالب طرح‌ها و مطالعات پژوهشی گسترده، اصول پنج‌گانه دین اسلام و همچنین تطبیق این اصول با اهداف برنامه‌ریزی و طراحی

۸. رحیمی نژاد، فرزاد؛ محمد تیموریان و محمد پیرمحمدی (۱۳۹۵)، «بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی»، **مطالعات هنر و معماری**، سال دوم، شماره ۴ و ۵، پیاپی: ۱۱ و ۱۲، جلد ۴، ۲۰۱-۱۹۵، تیر و مرداد.
۹. رضوانی، محمدرضا و علی احمدی (۱۳۸۸)، «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، **نامه پژوهش فرهنگی**، سال ۱۰، شماره ششم، ۶۸-۴۵. تابستان ۱۳۸۸.
۱۰. سقائی، محسن (۱۳۸۶)، «ایدئولوژی اسلام و تأثیر آن بر ساخت شهرها»، **فصلنامه مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۰، ۲۱-۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
۱۱. شیعه، اسماعیل؛ زهره السادات سعیده زربادی و ملیسا یزدان پناهی (۱۳۹۲)، «بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران؛ مطالعه موردی: محله امام‌زاده یحیی تهران»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال ۵، شماره ۱۷، ۲۰-۱، تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. غلامی، سعید؛ ابوالفضل مشکینی و اسماعیل دویران (۱۳۹۴)، «طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی؛ مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان»، **هویت شهر**، شماره ۲۲، سال ۹، ۵۲-۴۱، تابستان ۱۳۹۴.
۱۳. کاشانی جو، خشایار و ایل ناز فتح‌العلمی (۱۳۹۴)، «بازشناسی نقش محلات در شهرهای ایرانی - اسلامی»، **همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، مرکز رشت، بهار ۱۳۹۴.
۱۴. کریم‌پور، لیلیا (۱۳۹۳)، «مفاهیم و فرم‌ها در طراحی شهرهای قدیم»، **نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی**، ۹-۱، آبان ۱۳۹۳، مشهد.
۱۵. کریمی، باقر (۱۳۹۱)، «تأثیر معماری قدیم بوشهر بر فرهنگ و معماری کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ مطالعه موردی: محله البستک شهر دبی»، **هویت شهر**، شماره یازدهم، سال ششم، ۹۶-۸۵، پاییز ۱۳۹۱.
۱۶. متولی، صدرالدین و علی شیخ‌اعظمی (۱۳۹۲)، «سیر تحول فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی-اسلامی؛ قبل از مدرنیسم تا پست مدرن»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره چهاردهم، ۶۲-۵۱، زمستان ۱۳۹۲.
۱۷. کلاتری خلیل‌آباد، حسین؛ مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳)، «مولفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، **مجله نقش جهان**، دوره ۴، شماره ۱، ۲۶-۱۷، بهار ۱۳۹۳.
۱۸. لطیفی، غلامرضا و ندا صفری چابک (۱۳۹۱)، «بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی»، **فصلنامه مطالعات شهری**، شماره هفتم، صص: ۱۲-۳، پاییز ۱۳۹۱.
۱۹. محمدی، جمال؛ مهدی جمالی نژاد و سیدمحمدرضا طلاکش (۱۳۹۱)، «مفهوم فلسفه شهرهای اسلامی بر مبنای اصول پنج‌گانه اسلام و قرآن»، **فدک سبزواران**، سال ۳، شماره ۹، ۱۲۳-۱۰۹، بهار ۱۳۹۱.
۲۰. مردانی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، «طبقه‌بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی»، **باغ نظر**، شماره ۳۵، سال دوازدهم، ۷۴-۶۵، مهر و آبان ۱۳۹۴.
۲۱. مروتی، سهراب و فرشته دارابی (۱۳۹۳)، «ارائه مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر شاخص‌های بارز شهر اسلامی در قرآن کریم»، **مدیریت شهری**، شماره ۳۴، صص: ۱۶۹-۱۵۳، بهار ۱۳۹۳.
۲۲. موقر، حمیدرضا؛ احسان رنجبر و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران؛ نمونه مطالعاتی: محله‌های شهر ناین»، **مطالعات معماری ایران**، شماره ۸، ۵۶-۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۳. میره‌ای، محمد و حسین کلاتری خلیل‌آباد (۱۳۹۰)، «آشنایی با طرح‌های توسعه شهری (طرح‌های هادی، جامع و تفصیلی)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، معاونت آموزشی پژوهش‌گده مدیریت شهری و روستایی، مستان ۱۳۹۰.

- شهری مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی اسلامی تدوین و به عنوان یک دستورالعمل از طرف مراجع ذیصلاح ابلاغ شود تا در طراحی محله‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادات خردتر و در سطح محله‌های شهری نیز به شرح زیر ارائه می‌شود:
- ۱- طراحی فضاهایی برای تجمع و مشارکت همگانی مردم در امور محله خویش؛
- ۲- ارتقاء حس مسئولیت‌پذیری در بین ساکنان محله؛
- ۳- تعیین مدیر و شورای محله،
- ۴- تعیین نقش واحد برادر برای محله‌های شهری؛
- ۵- برنامه‌ریزی محله مبنای باید به صورت یک دستورالعمل برای مدیران شهری باشد.
- ۶- توجه ویژه به طراحی فضاهای مذهبی در محله‌های شهری مانند مسجد که باعث افزایش همکاری و تعاملات می‌شود.
- ۷- سهولت دسترسی ساکنان محله به تمامی امکانات و خدمات عمومی؛
- ۸- رعایت سلسله مراتب در طراحی فضاهای شهری،
- ۹- برقراری نظم و هماهنگی در طراحی جداره و نمای خیابان‌های محله؛
- ۱۰- مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری در محله‌ها؛
- ۱۱- طراحی محله‌های جدید در شهرها، هماهنگ با طبیعت و اقلیم منطقه؛
- ۱۲- افزایش سازگاری و انطباق کاربری‌ها با یکدیگر در محله‌های شهری.

فهرست منابع و مراجع

۱. باستانی راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره ۱۰، ۳۰-۱، بهار و تابستان.
۲. پیربایبی، محمدتقی و حسن سجادزاده (۱۳۹۰)، «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، **باغ نظر**، شماره ۱۶، سال ۸، ۲۸-۱۷، بهار ۱۳۹۰.
۳. ثقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام و بهناز امین‌زاده (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، **هویت شهر**، شماره سیزدهم، سال هفتم، ۴۴-۳۱.
۴. حبیبی، محسن؛ مهدی تحصیلدار و محمدرضا نویدپور (۱۳۹۰)، «شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۳۵، صص: ۲۲-۳، پاییز.
۵. دانشپور، عبدالهادی؛ مریم روستا (۱۳۹۱)، «خوانش ساختار شهر؛ گامی به سوی شکل‌شناسی شهری»، **انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**، شماره ۴، ۵۴-۴۵، بهار و تابستان.
۶. دانشپور، عبدالهادی؛ راضیه رضاداده؛ فرزاد سجودی و مریم محمدی (۱۳۹۲)، «بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، **نامه معماری و شهرسازی**، شماره ۱۱، ۸۷-۷۱، پاییز و زمستان.
۷. رحیمی، حسن (۱۳۸۶)، **در جستجوی شهر اسلامی پایدار**، پیک نور، سال پنجم، شماره دوم، ۹۸-۹۰.

۲۴. نقره کار، عبدالحمید؛ مهدی حمزه نژاد و صدیقه معین مهر (۱۳۹۲)، «راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط زندگی از منظر اسلامی؛ مطالعه موردی: بررسی بافت کهن کرمان در دو مقیاس محله-خانه»، **مطالعات شهری**، شماره ۳، صص: ۴۶-۳۱، تابستان ۱۳۹۲.
۲۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، دوره اول، شماره اول، ۱۴-۱، پاییز ۱۳۸۹.
۲۶. نقی زاده، محمد (۱۳۷۷)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **هنرهای زیبا**، شماره ۴ و ۵، ۶۱-۴۷، زمستان ۱۳۷۷.
۲۷. نوذری، شعله (۱۳۸۳)، «رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی»، **صفه**، شماره ۳۹، دوره ۱۴، صص: ۶۶-۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
28. Bramley, G., & Kirk, K. (2005). "Does planning make a difference to urban form? Recent evidence from Central Scotland". **Environment and Planning**, 37(2), 355-378.
29. Barton, H., Grant, M., & Guise, R. (2003). **Shaping neighborhoods: a guide for health, sustainability and vitality**. Taylor & Francis.
30. Daher, R. F. (Ed.). (2006). **Tourism in the Middle East: Continuity, change and transformation** (Vol. 9). Multilingual Matters.
31. Khazaei, M., & Babajani, M. (2016). "Historical analysis of the concept neighborhood in Iranian-Islamic city and comparing it with neighborhood in West (Presenting a new model in accordance with the Charter of the New Urbanism)". **International Journal of Advanced Biotechnology and Research (IJBR)**, 7, 539-548. <http://www.bipublication.com>
32. Mirzabaki, M. (2015). "Restoration of Urban Identity in Historical Neighborhoods of Islamic Metropolises (Case Study: The Noghhan Neighborhood of Holy City of Mashhad)".
33. Rozhan, A., Yunos, M. Y. M., Isa, N. K. M., Ariffin, N. F. M., Kamil, S. M., Azmee, N., & Abas, A. S. (2016). "Analysis of Islamic Safe City Planning Concept for a Better Living Environment". **RESEARCH JOURNAL OF FISHERIES AND HYDROBIOLOGY**, 11(3), 69-73.
34. Safee, F. A., Yunos, M. Y. M., Isa, N. K. M., Kamil, S. M., & Hussain, M. A. (2016). "Principle of Islamic Neighborhood Planning in Order to Create a Better Neighborhood Community". **RESEARCH JOURNAL OF FISHERIES AND HYDROBIOLOGY**, 11(3), 218-222.
35. Sattari, M. H., Rajabi, A., & Jahangiri, B. (2014). "A STUDY ON THE CONCEPT OF DISTRICT OR NEIGHBORHOOD IN ISLAMIC CITIES". **Indian J. Sci. Res**, 5(1), 296-304.

بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت*

علی اکبر سالاری پور** (نویسنده مسئول)، حمیدرضا رمضانی^۱، نادر زالی^۳، مریم صفای کارپور^۴

^۱ استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

^۲ عضو هیئت علمی گروه پژوهشی معماری و منظر شهری پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

^۳ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

^۴ مدرس گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۲)

چکیده

با گسترده‌گی و پیچیدگی ابعاد زندگی شهری به خصوص در کلان‌شهرها محلات نقش کمتری در شکل دهی به روابط اجتماعی و دل‌بستگی مکانی پیدا نموده‌اند. در حالی که بیشتر تحقیقات بر سنجش کمی تأثیر همسایگی بر دل‌بستگی به محله تمرکز داشته‌اند، تلاش کمتری در زمینه ایجاد تصویری مدون از کیفیت، عمق و چگونگی روابط همسایگی درون محله‌های شهرهای ایرانی اسلامی و رابطه آن با دل‌بستگی مکانی صورت گرفته است. مقاله حاضر با اتخاذ روش کیفی و کل‌نگرانه به دنبال توصیف کیفیت روابط همسایگی درون این محله‌ها و برهم‌کنش آن با دل‌بستگی به محله است. برای این منظور محله ساغریسازان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شهر رشت برای مطالعه انتخاب شده است. این محله در بافت مرکزی شهر رشت واقع شده است و علیرغم وقوع تغییرات زیاد، همچنان تا حد زیادی توانسته ساختار کالبدی و اجتماعی یک محله سنتی را حفظ نماید. برای دستیابی به تصویری تاریخی از روابط همسایگی و دل‌بستگی مکانی به محله سنتی باید خاطرات و تجربیات ساکنین قدیمی این محله را مورد تحلیل قرار داد. پژوهش حاضر با استفاده از روش مورد پژوهی کیفی برای توصیف عمیق این تصویر تاریخی از خلال روایت‌های ساکنین محله است. به این منظور با ۱۷ نفر از ساکنین قدیمی محله ساغریسازان مصاحبه عمیق با استفاده از تکنیک ترسیم نقشه - روایت صورت گرفته است. ترسیم نقشه از محله در زمان گذشته و تغییرات آن در طول زمان به مصاحبه شونده در بازخوانی بهتر خاطرات و تجربیاتی که برخی از آنها متعلق به بیش از نیم قرن گذشته است، کمک شایانی می‌نماید. در مرحله بعد اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها مورد تحلیل محتوا کیفی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در محله سنتی همسایگی یک نقش اجتماعی بسیار مهم بوده که همراه با خود حس تعهد عمیقی نسبت به هم محله‌ای‌ها به وجود می‌آورده است. حمایت همسایه از همسایه به عنوان عضوی از خانواده، وابستگی احساسی شدید به همسایگان، مراقبت از یکدیگر و تعهد به تربیت فرزندان همسایه از جمله کیفیاتی در روابط همسایگی درون محله سنتی است که در حال حاضر به چشم نمی‌خورد. عناصر محیطی نقشی مهم در فراهم‌سازی بستر شکل‌گیری فرهنگ همسایگی در محله سنتی داشته‌اند. مسجد به عنوان مهم‌ترین مرکز اجتماعی، تراکم پایین ساختمانی و سبک سکونت اشتراکی در خانه‌های ویلایی و خاطره‌انگیزی محیط محله سنتی از مهمترین عناصر محیطی تسهیل‌کننده روابط همسایگی هستند. حضور در چنین محیطی منجر به شکل‌گیری زندگی اجتماعی پررنگی در محله سنتی شده و ساکنین مشارکتی فعال در امور محله خود دارند. بنابراین، دل‌بستگی به مکان‌ها در محله سنتی بیش از هر چیز تحت تأثیر معانی اجتماعی آن مکان‌ها است. همچنین دل‌بستگی ساکنین به محله سنتی از نوع دل‌بستگی فعال است که دارای ارزش و اثراتی به مراتب بیشتر از دل‌بستگی غیرفعال به محله‌های شهری است.

واژگان کلیدی: محله ایرانی اسلامی، روابط همسایگی، دل‌بستگی به مکان، دل‌بستگی فعال، ساغریسازان.

* این پژوهش در قالب طرح پژوهشی به شماره ۱۶۸۲۸۷/پ ۱۵ و با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه گیلان انجام شده است.

** E-Mail: salaripourali@gmail.com

مقدمه

محلّه جایگاه بسیار مهمی در شهرهای اسلامی داشته و واحدهای منسجم اجتماعی درون مرزهای مشخص محلّه شکل گرفته است. زندگی ساکنین در محلّه و روابط اجتماعی منبعت از آن در گذشته بر مبنای فرهنگ ایرانی اسلامی بوده است. یکی از موارد مؤکد در این فرهنگ انجام فرائض دینی به صورت اجتماعی و همچنین توصیه به ایجاد رابطه حسنه با همسایگان و رعایت حقوق آنها است. همسایگی در این محلّه‌ها به معنای مجاورت یا هم زیستی نبوده، بلکه در معنایی بالاتر همسایگان حامی و پشتیبان یکدیگر بوده‌اند. در حال حاضر رابطه فرد با محلّه در جامعه ایرانی اسلامی کاملاً متحول شده است. ساکنین کلان‌شهرها ادراک مناسبی از محلّه خود ندارند، روابط آنها با همسایگان بسیار محدود شده، پیوندهای احساسی آنها به محلّه‌شان بسیار کاهش یافته و مشارکت آنها در امور محلّه بسیار ضعیف شده است. مقایسه مفهوم محلّه ایرانی اسلامی به عنوان مهم‌ترین مکان بعد از خانه برای اجتماعی کردن و تربیت نسل آتی، با عملکرد فعلی آن در جامعه نشان می‌دهد که کاهش روابط همسایگی در این محلّه‌ها نه تنها ساکنین فعلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه منجر به ایجاد آسیب‌های جدی اجتماعی هویتی برای نسل‌های آتی خواهد شد. به منظور جلوگیری از چنین آسیب‌هایی و همچنین بهره‌مندی از نقش مهم محلّه در شکل بخشی به حیات اجتماعی درون شهرهای کشور باید به بررسی و تحلیل چگونگی روابط همسایگی درون محلّه‌های سنتی پرداخته شود. به رغم تعدد مطالعات کمی در مورد اندازه‌گیری روابط همسایگی و متغیرهای پیش‌بینی‌کننده آن، توصیف ابعاد کیفی روابط همسایگی درون محلّه‌های سنتی و نحوه تأثیر آن بر ایجاد دل‌بستگی به محلّه تا کنون کمتر مورد توجه بوده است. مقاله حاضر با پرداختن به مسئله فوق در تلاش است به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ابعاد کیفی و عمق روابط همسایگی در محلّه سنتی به چه شکل بوده است؟ محیط کالبدی و اجتماعی محلّه سنتی چگونه بستر مناسبی را برای شکل‌گیری این روابط پدید می‌آورد؟ کیفیت دل‌بستگی ساکنین به محلّه سنتی به چه شکل تحت تأثیر روابط همسایگی آنها درون محلّه بوده است؟

با توجه به سوالات فوق می‌توان گفت مهم‌ترین هدف این مقاله توصیف کیفیت روابط همسایگی در محلّه‌های سنتی و رابطه آن با دل‌بستگی به محلّه از طریق تفسیر روایت‌های ساکنین از خاطرات و تجربیات زندگی روزمره در محلّه است. تصویر ارائه شده از محلّه ساغرپسازان در این مقاله می‌تواند دانش مفیدی درباره ماهیت محلّه ایرانی - اسلامی فراهم نماید. درک وجوه معنایی و ماهوی محلّه ایرانی اسلامی ضرورتی مهم برای هدایت تلاش‌های متخصصین در جهت تحقق آن بوده و معماران و شهرسازان را از کالبدی‌نگری صرف در این حوزه برحذر می‌دارد.

چارچوب نظری

دل‌بستگی به مکان

در تحقیقات کیفی اکتشافی محقق نباید فرضیه‌ای برای انجام تحقیق داشته باشد. بنابراین، بررسی پیشینه تحقیق در اینجا با هدف ایجاد چارچوب نظری صورت نمی‌گیرد، بلکه هدف اصلی در این قسمت استفاده از مطالعات قبلی برای معرفی مفاهیم اصلی و ایجاد چارچوبی برای روشن نمودن مسئله است.

مرور تحقیقات صورت گرفته در حوزه دل‌بستگی به مکان و عوامل مرتبط با آن بیانگر تعدد مفاهیم و رویکردهای مختلف تبیینی در این حوزه است که علاوه بر آنکه نشانگر گستردگی مفاهیم نظری در این حیطه است، خود نوعی سردرگمی در میان واژه‌ها و پیچیدگی ذهنی را نیز به همراه دارد که بسیاری از محققان (Patterson and Williams, 2005: 5; Hidalgo and Hernandez, 2001: 10; Lewicka, 2011a: 12) از آن به عنوان فقدان وضوح مفهومی^۱ یاد کرده‌اند. با وجود این، در این قسمت تلاش می‌گردد ابعاد مختلف دل‌بستگی به مکان بر اساس مطالعات قبلی مرور گردد. دل‌بستگی به مکان، مفهومی پیچیده و چند سطحی است که آلتمن آن را نیروی گرانش مؤثر میان مردم و مکان تعریف می‌کند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، اساس تفکر دل‌بستگی به مکان است (Low & Altman, 1992: 9). محققین علوم طراحی، شهرسازی و روان‌شناسی محیطی، عواملی چون طول مدت سکونت، ویژگی‌های کالبدی مکان، ویژگی‌های جمعیت شناختی چون سن، وضعیت اجتماعی، تحصیلات، تحرک‌پذیری، اندازه جامعه، قدرت روابط همسایگی و ویژگی‌های محیط انسان ساخت و طبیعی محلّه را در دل‌بستگی به مکان مؤثر می‌دانند (Lewicka, 2011a: 6). کایل و همکاران دل‌بستگی به مکان را متشکل از ابعاد هویت مکانی، وابستگی مکانی و پیوندهای اجتماعی می‌دانند. در این مدل، هویت مکانی دارای مؤلفه‌هایی چون حس تمایز، حس تداوم، حس عزت نفس و حس خودکارآمدی است. وابستگی مکانی نیز به عواملی چون حس رضایت، حس مالکیت و توانایی محیط کالبدی در تأمین نیازها و امکان وقوع طیفی از فعالیت‌های مورد نظر فرد در مکان اشاره می‌کند و پیوندهای اجتماعی به امکان تعاملات اجتماعی اشاره دارد (Kyle et al, 2005: 11).

در ایران نیز پژوهشگران مختلفی بر روی عوامل سازنده دل‌بستگی به مکان در محیط‌های شهری مطالعه نموده‌اند. دانشپور و همکاران در تبیین مدلی برای فرایند دل‌بستگی به مکان استدلال می‌کنند که در روند شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان دو عنصر انسان و مکان از طریق عنصر سوم تعامل انسان و مکان به لحاظ شناختی، عاطفی و عملکردی، وارد طی یک فرایند می‌گردند که در این فرایند عامل چهارم یا زمان نیز قابل طرح می‌گردد. همچنین از منظر یک طراح می‌توان از مشارکت در طراحی به عنوان عامل پنجم و پایانی نگریست (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۰).

ریشه‌داری ایدئولوژیک یا همراه با اندیشه است که به صورت بالقوه بر مبنای انتخاب آگاهانه مکان زندگی (یا ماندن در یک مکان) شکل می‌گیرد (Lewicka, 2011b: 9). تشابه مفاهیم فوق با مفاهیم سکونت و دل‌بستگی انتخابی که توسط سویج (Savage, 2010: 123) مطرح شده، مشهود است. همان‌گونه که مشهود است دل‌بستگی فعال یا انتخابی به یک محله تنها بر اساس سابقه سکونت طولانی مدت در آنجا و برحسب عادت به دست نمی‌آید بلکه این نوع دل‌بستگی ناشی از تطابق محله مورد دل‌بستگی با اعتقادات و فرهنگ و سبک زندگی فرد است. تمامی این مطالعات اظهار می‌کنند که مکان‌ها به دلایل مختلف برای افراد مختلف معنی دار بوده و در نتیجه منجر به گونه‌های مختلفی از دل‌بستگی به مکان می‌گردند. در طرح‌های تحقیقی که دل‌بستگی به مکان را تک بعدی تلقی می‌کنند، این تفاوت‌های کیفی آشکار نمی‌گردند. پژوهش حاضر به دنبال نشان دادن تفاوت‌های کیفی در دل‌بستگی به محله سنتی است.

روابط اجتماعی و دل‌بستگی به مکان

مکان به عنوان موقعیتی دارای معنا، دربردارنده ابعاد مهم اجتماعی است. بسیاری از ساختارگرایان بر ابعاد اجتماعی مکان تاکید بیشتری داشته‌اند. آنها معتقدند که ابعاد اجتماعی و کالبدی مکان دارای رابطه همزیستی هستند و ابعاد کالبدی تنها به این دلیل دارای معنا هستند که از لحاظ اجتماعی می‌توان آنها را تفسیر نمود (Burley et al., 2007: 7). به گمان اندیشمندان عدم توجه به معانی اجتماعی مکان از سوی طراحان و صرفاً پرداختن به شاخص‌های فرمی، ممکن است به ایجاد مکان‌هایی منجر گردد که مردمان آنها را دوست نخواهند داشت (Gifford, 2007: 311). مطالعه رابطه دل‌بستگی با عوامل اجتماعی در محله‌های شهری نشان می‌دهد که درک فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، شبکه ارتباطات غیر رسمی و مشارکت در امور اجتماعی از عوامل عمده دل‌بستگی به محله‌های شهری است (Weijs-Perrée et al., 2017: 4). روابط همسایگی به عنوان مولفه اصلی روابط اجتماعی درون مرزهای محله تأثیر مهمی بر دل‌بستگی به محله دارد. همسایگی عبارت است از پشتیبانی و کمک غیر رسمی که ما به همسایگان خود ارائه می‌دهیم و یا خودمان از آنها دریافت می‌کنیم. رفتار همسایگی دارای سه مؤلفه اصلی است که هر سه آنها با دل‌بستگی به مکان در ارتباط هستند.

۱- حمایت اجتماعی و پیوندهای شبکه‌ای،

۲- شکل‌دهی به نقشه شناختی از محیط کالبدی بر اساس

معانی اجتماعی مکان‌ها،

۳- دل‌بستگی احساسی به همسایگان که در نهایت منجر به ایجاد دل‌بستگی به مکان سکونت می‌گردد (Mihaylov and Perkins, 2014: 10).

روابط همسایگی ممکن است تحت تأثیر عوامل محیطی و

محققین دیگر نیز با مطالعه دل‌بستگی به مکان در میدان‌های شهری، عوامل دل‌بستگی را به سه بعد احساسی شامل شاخص‌های آسایش و آرامش، خاطره‌انگیزی، حس مردم‌واری و مباحثات، عملکردی شامل شاخص‌های ارضای نیازهای روزانه، ارضای نیازهای زیست محیطی، امکان فضایی برای مکث و بعد معنایی شامل شاخص‌های هویت مندی فضا، موقعیت استقرار و کیفیت فضایی و معماری، تقسیم بندی می‌نماید (سجاذاده، ۱۳۹۲: ۷۳). مطالعه دیگری بر روی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی به تبیین مدلی مفهومی برای ارزیابی دل‌بستگی به مکان منجر شده است. بر اساس این مطالعه خانه‌های امروزی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های انسان سنتی ایرانی را ندارند. از طرفی بریدن از ارزش‌های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر ارتباط مستحکم با طبیعت و تعاملات اجتماعی در دراز مدت منجر به نارضایتی می‌گردد (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۸). دانشپور و سالاری‌پور در بررسی عوامل دل‌بستگی کودکان به محله‌های شهری این گونه استدلال نمودند که مکان‌های مناسب برای بازی، تسهیل ارتباط با طبیعت و همچنین مشارکت کودک در محله مهم‌ترین عواملی است که منجر به دل‌بستگی او به محله‌اش می‌شود (دانشپور و سالاری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳۲). مطالعه دیگری کیفی به بررسی عوامل دل‌بستگی به مکان در ۴ محله اصفهان پرداختند. آنها این عوامل را در ۸ زمینه شامل صمیمیت اجتماع محلی، هویت اجتماعی، مذهب، شأن، تداوم فضا- زمان، حظ بصری، پاسخ‌دهندگی و طول مدت سکونت صورت‌بندی نمودند (زمانی و هنرور، ۱۳۹۶: ۱۶۸). سایر محققین نیز در هنگام مطالعه محله‌های شهری بر عوامل کالبدی و نحوه شناخت و ایجاد تصویر ذهنی از محله (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱۵)، تاکید داشته‌اند.

اغلب مطالعات فوق به سنجش یا ارزیابی دل‌بستگی به مکان اختصاص یافته‌اند اما یکی از خطوط نظری جدید که در سال‌های اخیر در حوزه تحقیقاتی دل‌بستگی به مکان مطرح شده است بحث کیفیت دل‌بستگی به مکان است. آنچه تا الان مرور شد عمدتاً مطالعات کیفی و اکتشافی بدون نمونه‌های آماری (که نماینده کل جامعه باشند) بودند. لویکا در مقاله‌ای (Lewicka, 2011b: 7) در نشان دادن تفاوت‌های کیفی در دل‌بستگی به مکان گامی رو به جلو برداشته است. او با استفاده از اطلاعات پیمایش عمومی جمعیت لهستان به بررسی دل‌بستگی به مکان می‌پردازد. در تحلیل او ۵ گرایش مختلف نسبت به مکان مشاهده می‌شود- دو گونه دل‌بستگی به مکان و سه گونه عدم دل‌بستگی به مکان- که شباهت‌های مهمی با گونه شناسی هامون دارد (Hummon, 1992: 265).

دل‌بستگی به مکان هم ممکن است سنتی و هم ممکن است فعالانه باشد. دل‌بستگی به مکان سنتی، ریشه‌داری و تداوم بدون نیاز به اندیشه است در حالی که دل‌بستگی به مکان فعال

اجتماعی مختلفی قرار داشته باشند. اما نکته مهم این است که این عوامل با یکدیگر هم افزایی داشته و جداسازی این عوامل از یکدیگر برای شناخت تأثیرشان در روابط همسایگی منجر به درک ناقصی از ماهیت این پدیده خواهد شد (Lewicka, 2005: 6). در نتیجه در مورد عوامل تعیین کننده کیفیت روابط همسایگی در این محله زمانی می توان به نتیجه رسید که روایت های ساکنین از تعامل اجتماعی شان در محله شنیده شود.

اهمیت روابط همسایگی در اسلام

در متون اسلامی از مسائل مؤکد در زندگی اجتماعی توجه به همسایه است؛ روایات زیادی از پیامبر و ائمه اطهار به آن توجه داشته اند؛ و چه بسا از مهم ترین توصیه های نبوی بوده است. (نقره کار و علی الحسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). اصول اسلامی که شامل روابط مستحکم همسایگی و حفظ حقوق همسایگان است می تواند موجب بالا بردن وضعیت اجتماعی محله شود. در اسلام، همواره به وارث همدیگر بودن و رعایت آسایش همسایگان از سوی یکدیگر سفارش شده است. اسلام با فردگرایی و هرگونه حرکتی که موجب آسیب و خلل در روابط اجتماعی صحیح باشد، مخالف است (هشام، ۱۳۸۷: ۴۹).

محله و پیوستگی محله ای در شهر اسلامی

به طور کلی در قلمرو اسلامی شهر عبارت است از مجموعه ای از محلات همگن و یکپارچه (Tavassoli, 2016: 14). در شهر اسلامی محله ها واحدهای کالبدی و اجتماعی مستقلی بوده اند و بسیاری از نیازهای روزمره ساکنین در محیط محله تأمین می شده است. انسجام، مقیاس و تناسب های انسانی از ویژگی های محله های ایرانی اسلامی بودند که موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباط های چهره به چهره و رابطه های متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این رابطه ها و سرانجام باعث جو صمیمی و اجتماعی و برطرف شدن بسیاری از مسایل و مشکل ها از سوی همسایگان در محله ها می گردید (پورجعفری و پورجعفری، ۱۳۹۱: ۱۸). پیوستگی اجتماعی درون مرزهای محله از عوامل اصلی شکل دهنده ماهیت اجتماعی شهر اسلامی بوده است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۵). به این ترتیب بخش عمده روابط اجتماعی فرد با افرادی شکل می گرفته است که در همسایگی او قرار داشته اند. در شهرهای امروزی نقش محله های شهری در ساختار اجتماعی شهر ایرانی اسلامی به شدت کاهش یافته است. بخشی از این موضوع به دلیل پذیرش تنوع اجتماعی در شهرهای جدید است اما بخش قابل توجه دیگر ناشی از تغییر جایگاه همسایه و همسایگی در الگوی سکونت ایرانیان در عصر حاضر است.

محیط تحقیق

ساغریسازان بخشی از محله بزرگ زاهدان است و از جمله محلات قدیمی شهر رشت محسوب می شود. در منابع معتبر

از جمله قدیمی ترین نقشه شهر رشت منسوب به ذوالفقار خان مهندس که به سال ۱۲۴۹ خورشیدی تهیه شده نام این محله وجود دارد. در این نقشه به حمام ساغریسازان، مسجد ساغریسازان، بازار ساغریسازان، گذر ساغریسازان، بقعه ای آقا سید عباس و مسجد و مدرسه ای حاج سمیع اشاره شده است. این محله از یک راسته بازار تشکیل می شود و در حقیقت دومین راسته بازار رشت است که در امتداد خیابان بحر العلوم (شهنواز سابق) قرار دارد ولی با احداث خیابان مطهری در سال های ۵۸-۱۳۵۶، از بخش اصلی بازار رشت جدا شده است. ساغریسازان در انتهای شرقی بافت قدیم رشت قرار داشته و از شمال به محله خواهر امام، از جنوب به محله ویشگاهی (گذر فرخ)، غرب به خیابان مطهری و شرق به محله سرچشمه (کوی رسالت) محدود است (گزارش طرح جامع شهر رشت، ۱۳۸۵: ۳۴).

روش تحقیق

تحقیق حاضر تحقیقی کیفی-اکتشافی است. تحقیقات کیفی متکی به استقرا بوده و با تکیه بر غنا و پیچیدگی موقعیت ها و معانی انسانی تلاش می کنند نظریه ها و توضیحاتی عمومی بر اساس تجربیات انسان ارائه دهند. (Seamon and Gill, 2016: 4). در این پژوهش برای توصیف کیفیت و محتوی روابط همسایگی در محله ساغریسازان و تأثیر آن در ایجاد پیوندهای مکانی از مصاحبه عمیق با ساکنین قدیمی این محله استفاده شده است. در مطالعات کیفی، قانون کمی مشخصی برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد. تنها قانون ثابت برای تعیین روش نمونه گیری در این نوع تحقیقات، قانون تولید نظریه است (Marshall, 1996: 523). اعتبار سنجی مطالعات کیفی نیز بر اساس میزان اطمینان آماری حاصله بر اساس روش های کمی استوار نیست بلکه اعتبار این تحقیقات نوعاً از طریق استدلال استقرایی (و نه استنتاجی) و اثبات بین الذهانی قابل تحصیل است (Golafshani, 2003: 604). حجم نمونه در تحقیقات کیفی وابسته به ویژگی های خاص هر مطالعه است اما عموماً نمونه ای بین ۱۲ تا ۲۶ نفر در مطالعات کیفی عمیق یافته های این تحقیقات را قابل اتکاء می سازد (Luborsky and Rrubinstein, 1995: 91). با توجه به نکات فوق، نمونه گیری در این پژوهش بر اساس تکنیک نمونه گیری هدفمند بوده و تعداد نمونه نیز با پیروی از اصل اشباع نظری مشخص شده است. برای دستیابی تصویری عمیق از تجربیات ساکنین نسل های مختلف در ارتباط با همسایگان و تغییرات آن در طول نسل های مختلف دو معیار اصلی برای انتخاب مصاحبه شوندهگان وجود داشته است: الف) مصاحبه شوندهگان از نسل های مختلف باشند تا مقایسه خاطرات و تجربیات در طول نسل ها امکان پذیر باشد. ب) هر مصاحبه شونده دارای سابقه سکونت در محله از زمان ۱۰ سالگی خود باشد تا هر فرد محله را به عنوان کودک تجربه کرده باشد و علاوه بر این تغییرات محله و نوع روابط همسایگی

داده‌ها، ۴. تفسیر داده‌ها، ۵. نتیجه‌گیری از داده‌ها (تصویر شماره ۲). تحلیل محتوای کیفی از گردآوری و مرتب‌سازی یادداشت‌های پژوهشگر و مجموعه داده‌های دیگر شروع می‌شود. مرحله دوم، تجزیه کردن داده‌های مرتب‌شده به قطعات کوچک‌تر است که به آن روش جداسازی داده‌ها گویند. مرحله جداسازی دارای گام‌های تکراری خواهد بود. پژوهشگر به‌طور پیوسته بین ایده‌های اولیه خود درباره‌ی نحوه جداسازی داده‌ها و داده‌های واقعی در حرکت است، که به‌طور بالقوه به اصلاح ایده‌های اولیه وی منجر می‌شود (Yin, 2015: 185).

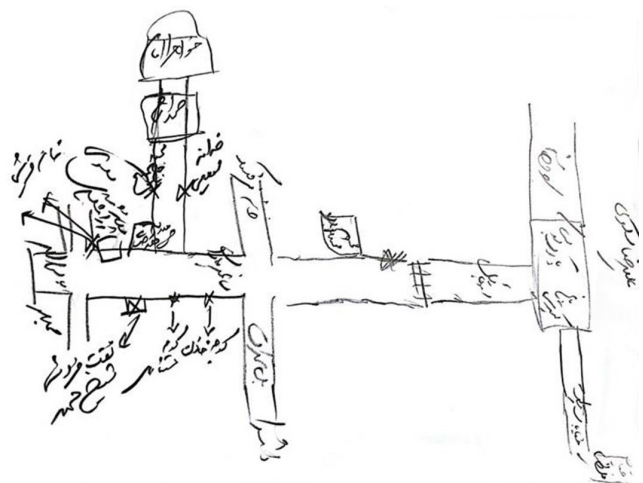


تصویر شماره ۲: گام‌های تحقیق کیفی؛ مأخذ: Yin, 2015: 206

برای جداسازی داده‌ها در این پژوهش از کدگذاری استفاده است. به طوری کلی کدگذاری در تحقیقات کیفی دارای سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (Tracy, 2012: 187). در مرحله اول در جهت تولید کدهای اولیه یا باز از طریق متن مصاحبه تلاش می‌شود. کدهای مرحله اول در بسیاری موارد کلماتی نزدیک به متن مصاحبه یا عیناً همانند آن هستند. در مرحله دوم کدگذاری محوری در جهت دسته‌بندی کدهای باز انجام می‌گردد. در اینجا کدهای باز در قالب کدهای دسته‌ای قرار می‌گیرند. گام آخر مرحله جداسازی شامل کدگذاری انتخابی است که در آن محقق تلاش می‌کند تا زمینه‌ها و الگوهای مفهومی اصلی را دریافته و آنها را بیان نماید. جدول شماره ۱ کدهای به کار رفته برای مرحله جداسازی در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

مرحله سوم به این صورت است که از زمینه‌های موضوعی (تم‌های) اصلی، به‌منظور سازمان‌دهی مجدد قطعات جداسازی شده در قالب گروه‌بندی‌ها و توالی‌های مختلف استفاده می‌شود. به این مرحله، «باز چینش» داده‌ها گویند. در طول مرحله باز چینش، پژوهشگر ممکن است از «وجود الگوهای بالقوه‌ی گسترده در داده‌ها» آگاه شود. برای مثال نقش محیط محله سنتی در نوع روابط

را نیز در طول زندگی خویش را تجربه کرده و قادر به روایت آنها باشد. بر اساس دو معیار فوق از میان داوطلبین، با تعداد ۱۷ ساکن قدیمی محله ساغریسازان که دارای سن ۴۰ تا ۷۰ سالگی هستند مصاحبه انجام شده است. هریک از این افراد حداقل ۱۰ سال در محله سکونت داشته‌اند (تعدادی از آنها علی‌رغم تغییر محل سکونت همچنان ارتباط مداومی با محله و دوستان قدیمی خود دارند) و اغلب آنها نیز تقریباً تمام زندگی خود را در این محله گذرانده‌اند. هر مصاحبه بین ۱،۵ تا دو ساعت طول کشید و متن به دست آمده از اجرای مصاحبه‌ها حدود ۱۵۰ صفحه شد. متن مصاحبه‌ها با کمک نرم افزار NVivo مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته‌اند. برای کمک به بازخوانی خاطرات به شکلی بهتر و دقیق‌تر در این پژوهش از تکنیک ترسیم نقشه-روایت^۲ استفاده شده است. از فرد خواسته می‌شود خاطرات خود از محله را در زمان ۱۰ سالگی‌اش بیان کرده و نقشه محله و موقعیت خانه‌اش در آن زمان را ترسیم نماید؛ همچنین محل تعاملات همسایگی، موقعیت خانه همسایگان و تغییرات و نقل مکان آنها و سایر تغییرات تأثیر گذار بر روابط اجتماعی درون محله را بر روی همان نقشه نشان دهد (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۱: نمونه‌ای از ترسیم انجام شده توسط یکی از مشارکت‌کنندگان در حین مصاحبه عمیق؛ مأخذ: داده‌های پژوهش

برخلاف سایر تحقیقات بصری که به‌صورت عمده بر روی خود نقشه متمرکز می‌شوند، روش حاضر از نقشه‌های ترسیم‌شده به‌عنوان لنگرگاهی برای روایت گسترده‌تر و عمیق‌تر شرح حال استفاده می‌گردد (Simms, 2008: 8). بنابراین محتوای اصلی که در این مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرد و به درک روابط همسایگی در محله ساغریسازان کمک می‌کند متن مصاحبه‌های به دست آمده در طول فرایند پژوهش است.

تحلیل محتوای کیفی شامل فرآیندی است که برای استخراج دسته‌ها یا مضامین از داده‌های خام بر اساس استنتاج و تفسیر معتبر به کار می‌رود. تحلیل محتوای کیفی شامل پنج مرحله است که عبارت‌اند از: ۱. گردآوری داده‌ها، ۲. جداسازی داده‌ها، ۳. باز چینش

جدول شماره ۱: کدگذاری در پژوهش حاضر

کدهای انتخابی (زمینه‌های موضوعی)	کدهای محوری (دسته بندی)	کدهای اولیه (کدگذاری باز)
نقش محیط کالبدی اجتماعی در تعمیق روابط همسایگی	کیفیت محیط اجتماعی	اختلاط اجتماعی فقیر و غنی، حضور مداوم مردم در محله، بازی کرن در کوچه، گذران فراغت با همدیگر، شبکه زمان - فضا شناخته شده برای همه، نظارت بر محیط محله، نظارت بر فرزندان یکدیگر، اجتماعی بودن امور مذهبی
	کیفیت محیط کالبدی	خاطره انگیزی، نوستالژیک بودن محیط، تنوع مسکن، تراکم پایین، شبکه ارتباطی ارگانیک، حضور پررنگ عناصر نشانه‌ایدر منظر، مصالح بومی، هماهنگی ارتفاع و نما ساختمان‌ها، سطح بالای باغات و درختان، تنوع فعالیتی در گذر اصلی
	مسجد به عنوان اصلی ترین مرکز اجتماعی	حضور اقشار مختلف در مسجد، یادگیری آداب اجتماعی در مسجد، مشارکت برای حل مشکلات فقرا در مسجد، هر روز مسجد رفتن، با هم مسجد رفتن، فرزند را به مسجد بردن، احترام به همه در مسجد، تعصب به مسجد، حس تعلق به مسجد
	سبک سکونت	خانه‌های حیاط‌دار، حیاط محل بازی کودکان، خانه‌های چند کوی، با هم زندگی کردن در یک خانه، صمیمیت بالای ساکنین یک خانه، بازی در حیاط سایر همسایگان، دوستی‌های عمیق بین هم بازی‌ها، خاطرات با هم بودن، تعلق احساسی افراد درون خانه به هم، برگزاری جشن‌ها در خانه، مشارکت در امور مراسم شادی و غم همسایه
نقش روابط همسایگی در کیفیت دل بستگی به محله	تنوع ابعاد و گستردگی روابط همسایگی	سلام و علیک با همه اهل محل، با هم غذا خوردن کاسب‌ها، آشنا بودن همه محله با هم، بچه محل هم بودن، تطابق مرز هویت اجتماعی با هویت کالبدی، مسافرت آکیبی، تفریحات دسته جمعی، شب نشینی دسته جمعی، عید دیدنی با همسایه‌ها، رفت و آمد با همسایه‌ها، دسته جمعی بودن فعالیت‌ها
	کیفیت عمق روابط همسایگی	آشنایی عمیق با هم، دانستن مشکلات همدیگر، مثل خانواده بودن، همدرد شدن در مشکلات، کمک کردن به هم، تعهد نسب به تربیت و آینده فرزندان همدیگر، حرمت بزرگتری، حمایت از کوچکترها، اعتماد به قدیمی‌ها، مراقبت و توجه مداوم به هم در زندگی روزمره، هم سفره شدن با هم، وابستگی شدید عاطفی به همسایه، رفت و آمد خانوادگی، نوستالژی محبت میان هم محله‌ای‌ها، غم دوری از محله، ناراحتی شدید از تضعیف روابط دوستانه و همسایگی

کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی محله

ساغریسازان محله‌ای در بافت تاریخی- مرکزی شهر رشت و نمادی از سبک زندگی سنتی- محله‌ای این شهر قبل از تغییرات سریع عصر مدرن است. در این دوران بافت محله مشابه سایر محلات سنتی ایرانی بوده است. خانه‌های ویلایی محل سکونت ساکنین بوده و بافت مسکونی محله ترکیبی از خانه‌های مردم عامه و خانه‌های اصطلاحاً «اربابی» بوده است. وجود بازارچه سنتی، مکان‌های زیارتی و مساجد، کف پوش سنگفرش در گذر اصلی، خانه‌های ویلایی با معماری سنتی و نما و ارتفاع هماهنگ، کوچه‌پس‌کوچه‌هایی با پیچ و خم‌های متفاوت و به هم آمیخته با باغات و درختان، عناصر نشانه‌ای مانند مناره و گلدسته مسجد گلدسته^۳ در مجموع محیط محله را تبدیل به محیطی جذاب و خاطره‌انگیز کرده بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان محیط کالبدی و نماهای ساختمانی را به این شکل توصیف می‌کند:

«من هنوزم که هنوزه یاد اون دوران می‌افتم وارد ساغریسازان که شما می‌شدین ساختمانای یک طبقه و به صورت اربابی دو طبقه بود و همه سقف‌ها سفال بود و همه دیوارها اکثراً آجر بود... نماها عمدتاً خشت بود یا به آستر خشتی بهش می‌زدند یا هم آجر قدیم رشت که آجر قرمز بهش می‌گفتند... ولسی اون چیزی که جالب بود همه از نظر ارتفاع تو به ارتفاع بودند یا شاید مثلاً به کم تغییر می‌کردند همه به دامنه‌ای داشتند که بارون می‌اومد سفال بود و بارون از اونجا چکه می‌کرد میومد...»

همسایگی و همچنین تفاوت عمده مفهوم روابط همسایگی به خصوص از بعد کیفیت و عمق آن با آنچه که امروز از آن تصور داریم دو الگوی اصلی هستند که بازچینش کدها و دسته‌ها حول محور آنها ممکن است.

مرحله چهارم شامل استفاده از مواد بازچینش شده با همراهی جداول و نمودارهای گرافیکی، برای ایجاد روایت جدید است. مرحله‌ی چهارم با عنوان «تفسیر داده‌های بازچینش شده» در نظر گرفته می‌شود. تفسیر ممکن است به معنای دادن نظرات خود به داده‌های بازچینش شده باشد. این مرحله، تمام تحلیل‌ها را باهم ترکیب می‌کند و در اوج آن قرار دارد. این مرحله در تحلیل، نیاز به استفاده‌ی گسترده از مهارت تفسیری پژوهشگر دارد و بخش‌های بحرانی داده‌ها و نیز عمیق‌ترین معانی را پوشش می‌دهد (Yin, 2015: 189). پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌های کیفی مبتنی بر تفسیر بوده و تصاویر ۳ و ۴ نیز برای همین گام تهیه شده‌اند. مرحله پنجم تحت عنوان نتیجه‌گیری شامل نتیجه‌گیری کلی از مطالعه است که باید منطبق بر تفسیرهای انجام شده در مرحله چهارم به دست آید.

یافته‌های تحقیق

عوامل تأثیر گذار بر کیفیت روابط همسایگی

فرض اساسی در مطالعات کیفی و پدیدارشناسانه این است که ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی یک مکان با یکدیگر در ادغام بوده و نمی‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود. مقاله حاضر نیز با چنین رویکردی به تأثیر ابعاد محیطی در روابط همسایگی می‌پردازد.

من همیشه یکی از اعتراضایی که داشتم زمانی که هوا بارونی بود از زیر دامنه رد می‌شدم اکثراً این بارون یهو می‌خورد اینجای سرم... این منو ناراحت می‌کرد... ولی خوب یه زیبایی و جذابیت خاص خودشو داشت...»

سکونت خانواده‌های سرشناس در منازل بزرگ ویلایی محله را تبدیل به محله‌ای اعیان‌نشین با سطح کیفیت محیطی بالاتر از سایر محلات رشت نموده بود. با وجود شهرتش به عنوان محله‌ای اعیان‌نشین، ساغر بسازان هیچ‌گاه نمادی از جدایی‌گزینی قشر مرفه نبوده است؛ زیرا در همسایگی این قشر، مردمی از طبقات متوسط جامعه در خانه‌های اشتراکی یا اصطلاحاً «چندکوچی» زندگی می‌کرده‌اند. تنوع اجتماعی در محله تبدیل به تضاد طبقاتی نمی‌شده است و «بزرگان» ساکن در این منازل رابطه‌ای دوستانه با سایر مردم داشته‌اند. آنها در موارد مختلف به حل مشکلات همسایگان پرداخته و فرزندان آنها به بازی و برقراری رابطه دوستی با فرزندان همسایگان می‌پرداختند.

«خانواده‌های سمیعی بچه‌هاشون خیلی خاکی بودند با بچه‌ها جور بودند... تو همین محلات با بچه‌ها بودند...»

تراکم مسکونی پایین در محله باعث بالا بودن شناخت افراد از یکدیگر در محله بوده است. شناخت افراد از یکدیگر منجر به راحت‌تر شدن نظارت بر محیط محله می‌شده است.

«ساغر بسازان به خاطر قدمتی که داشت اکثر افرادی هم که اونجا ساکن بودند قدیمی بودند... تو طول کوچه ۱۰۰ متر... ۳ یا ۴ تا خونه بیشتر نبود به خاطر این تمام خونه‌ها یک طبقه بود... و شاید بگم ۱۰۰ درصد افراد همدیگر رو کاملاً می‌شناختند...»

در این دوره محله ساغر بسازان صحنه‌ای برای زندگی اجتماعی بود. گذر اصلی محله یکی از عرصه‌های مهم برای این زندگی اجتماعی بوده است. این گذر به شکل بازاری بوده که نیازهای روزمره ساکنین را به وسیله محصولات محلی تأمین می‌کرده است. تنوع خدمات موجود در این بازار سبب می‌گشته ساکنین علاوه بر تأمین نیازهای روزمره خود در این مکان، قادر به تعامل اجتماعی روزانه با کسبه و سایر ساکنین باشند. محله محیطی امن و مناسب برای حضور پیاده‌عابرین داشته و ساکنین در اوقات مختلف روز در فضای محله حضور داشته و بر آن ناظر بوده‌اند. چنین محیطی تعاملات ساکنین با یکدیگر را تسهیل نموده و باعث بالا رفتن شناخت، اعتماد و تعمیق روابط همسایگی میان آنها بوده است. توصیفات مصاحبه‌شوندگان از محیط محله نشان می‌دهد که کودکان و بزرگسالان بیشتر وقت‌ها بیرون از خانه و در محله حضور داشتند. بچه‌ها در کوچه بازی می‌کردند، بزرگسالان در جلوی دکان‌ها یا خانه‌ها می‌ایستادند و یا می‌نشستند و با یکدیگر صحبت می‌کردند. حضور مداوم افراد در فضا باعث شناخت کامل از محیط اجتماعی و کالبدی و ریتم زندگی در آن می‌شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان نحوه حضور خود در محله را چنین شرح می‌دهد:

«از صبح که می‌اومدیم پای ثابت اینجا توی ساغر بسازان بودیم... تا ۱۰ شب... مثلاً این طوری بود یکی از پشتم رد می‌شد می‌گفتیم آقا فلانی داره رد میشه... این قدر اینجا بودیم که دیگه کاملاً رو آدما شناخت داشتیم...»

حضور مداوم در محله منجر به شکل‌گیری حس تعلق عمیق به کوچه، محله، همسایگان و دوستان هم محلی می‌شده است.

مسجد به عنوان مرکز اجتماعی

مسجد در محله ساغر بسازان و سایر محله‌های ایرانی اسلامی یکی از مهمترین عناصر محیطی تأثیرگذار بر روابط همسایگی بوده است. محله ساغر بسازان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر دارای دو مسجد به نام‌های مسجد گلداسته و مسجد بادی الله بوده است. غالب ساکنین و کسبه در اوقات نماز در مساجد و یا بقعه حضور پیدا می‌کردند. به این ترتیب انجام فرایض و امور مذهبی به شکلی اجتماعی، مسجد محله را به مهمترین پایگاه اجتماعی در محله تبدیل می‌کرده و علاوه بر تعمیق روابط همسایگی موجب حس تعلق و تعهد به مسجد محله می‌شده است. نکته جالب توجه این است که برای بسیاری از ساکنین بخش عمده‌ای از حس تعلق و تعهد به مسجد محله ناشی از روابط اجتماعی است که در محیط آن شکل می‌گیرد. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان که از دوران کودکی تا کنون فقط به مسجد محله خودش رفته است دلایل چنین رفتاری را این گونه شرح می‌دهد:

«هرچقدر شما بگید (محله) چهار برادران دستش وزین تره تدارکاتش بیشتره ولی من حاضرم اون مسجد خمیران زاهدان (ساغر بسازان) برم با اینکه ضعیف تره از لحاظ تجملات... من با اون خوشم چون بچه محلم هستن با اونا میرم عزاداری...»

سبک سکونت

سبک سکونت یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر روابط همسایگی است. سبک سکونت عمدتاً تحت تأثیر نوع مسکن و همچنین فرهنگ سکونتی ساکنین است. سکونت تعداد بالایی از خانواده‌ها در خانه‌هایی با حیاط مشترک که ساکنین اصطلاحاً از آن به عنوان خانه‌های «چندکوچی» نام می‌برند باعث تجربه روابط همسایگی در نزدیکترین فاصله و در قالب زندگی روزمره می‌شده است. معمولاً کودکانی که در این محیط بزرگ می‌شده‌اند از ابتدای زندگی روحیه‌ای اجتماعی پیدا کرده و روابط خود با دوستان هم محله‌ای را در دوره‌های بعدی زندگی نیز تداوم و گسترش می‌دادند.

«خونه ما خیلی جالب بود ما یازده تا خانوار یه خونه بودیم... فکر کن هی بغل هم بغل هم اتاق بود... ولی خیلی جالب بود حیاطش هم سنگ‌فرش بود... (برای بازی)

می‌ومدیم سر کوچه... یازده تا خانوار هر کدوم یکی دوتا بچه داشتن... حالا همسایه‌هایی هم که تو اون کوچه بودن اونام بچه داشتن دیگه یه پرورشگاه درست می‌شد دیگه...»

سکونت در خانه‌های ویلایی تأثیرات دیگری نیز داشته است. زندگی در این خانه‌ها به مردم امکان می‌داد جشن‌ها، عروسی‌ها و عزاداری‌های خود را درون خانه‌ها برگزار نمایند و به این ترتیب اتفاقات مهم زندگی هر فرد درون مرزهای محله رقم می‌خورد. در تمام این اتفاقات نیز همسایگان و هم محله‌ای‌ها به یکدیگر کمک کرده و امور مربوطه را به صورت اشتراکی انجام می‌دادند. نقش و تأثیر نوع مسکن در شکل‌گیری زمینه‌های روابط همسایگی را می‌توان در توصیف یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد نحوه برگزاری مراسم عروسی یا عزاداری ملاحظه نمود:

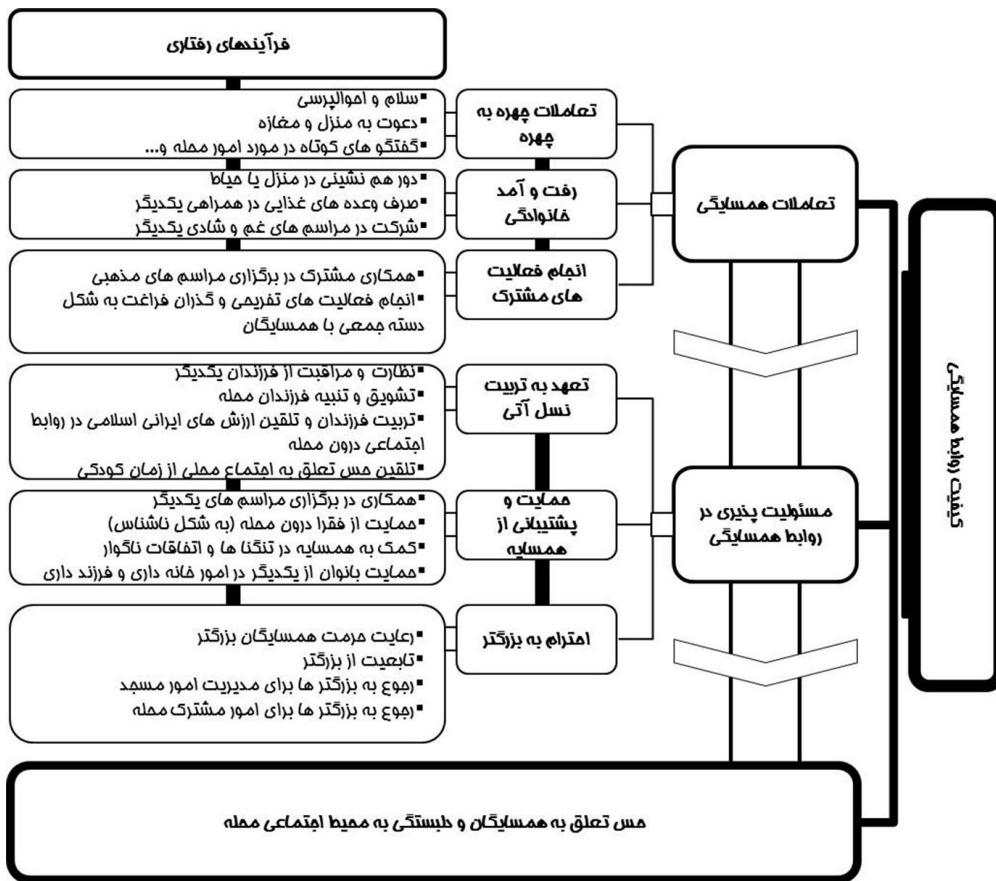
«مثلاً اون زمان مثلاً فکر کن یکی از بچه‌ها عروسیش بود یکی از موردها این بود همه بهش کمک می‌کردن... (عروسیا رو کجا می‌گرفتن؟) بیشتر توی خونه‌ها بود تالار نبود اون موقع یا نهایتش یه باغ بود مثلاً یه خونه بزرگ مال دوست یا آشنا می‌گرفتن بدون اینکه پولی بهش بدن... بعد همه هم می‌ریختن و کمک می‌کردن... (اگه عزا هم برای کسی پیش می‌اومد اینجوری بود؟) بله عزا و عروسی... هیچ فرقی نمی‌کرد... هنوز بچه‌هایی که قدیمی هستن هنوز اون حال و هوا رو دارن...»

به صورت خلاصه می‌توان گفت محیط کالبدی و اجتماعی محله سنتی در مجموع مشوق و تسهیل‌کننده حضور ساکنین در کنار یکدیگر و تبدیل محله به مکانی برای سکونت اجتماعی بوده است. غالب فعالیت‌های ساکنین در محله در همراهی با دیگران بوده و مصاحبه‌شوندگان کمتر به یاد دارند که در محله به تنهایی به رفت و آمد، گردش یا گذران اوقات فراغت پرداخته باشند.

سطح و کیفیت روابط همسایگی

در این قسمت به سطوح مختلف تعاملات همسایگی و کیفیت و عمق آن پرداخته می‌شود. تصویر ۳ نشان‌دهنده ساختار روابط همسایگی در محله سنتی ساغریسازان و فرایندهای رفتاری منبث از آن است که از تحلیل محتوای روایت‌های ساکنین از زندگی در محله سنتی به دست آمده است. این ساختار را می‌توان الگوی روابط همسایگی در محله سنتی ایرانی اسلامی نامید. در ادامه بخش‌های مختلفی از ابعاد این ساختار با کمک روایت‌های مرتبط با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین سطح در روابط همسایگی شامل ارتباطات چهره به چهره و اصطلاحاً «سلام و علیک» و احوال‌پرسی با یکدیگر است. حضور مداوم و ارتباط دائمی ساکنین با یکدیگر سبب می‌شد تقریباً تمام ساکنین با یکدیگر آشنا باشند و این آشنایی را در رویارویی روزانه با یکدیگر ابزار و تقویت نمایند. تعامل اجتماعی با همسایگان و دوستان برای ساکنین قدیمی ساغریسازان بسیار



تصویر شماره ۳: ساختار روابط همسایگی در محله سنتی ساغریسازان

مهم بوده و یکی از عوامل اساسی دبستگی آنها به محله‌شان است. برای مثال فردی که مدت ۸ سال است محله را ترک نموده نیز همچنان به دنبال تداوم و حفظ آن بوده و رفتار خود در این زمینه را بدین شکل توصیف می‌کند:

«... شاهراه من به تمام خیابونای سطح رشت ساغریسازانه... شاهراه من اینه از سمت ساغریسازان باید رد بشم اصلاً مثلاً دارویی بخرم باید پیام ساغریسازان بعد برم گلزار... باید پیام ساغریسازان بعد برم سعدی... اصلاً نمی‌تونم فرمون رو برعکس جهت بگیرم. به خاطر اینکه میام شاید دو نفر رو ببینم... زیباست آدم احساس آرامش می‌کنه آدم میاد تو این محیط آقا میلادو میبینه آقا سیاوش رو میبینه...»

روابط همسایگی در محله سنتی محدود به سلام و علیک و تعامل اجتماعی روزانه در محله نبوده و بسیاری از همسایگان با یکدیگر رفت و آمد خانوادگی داشته‌اند. برای غالب مصاحبه شونده‌گان این دورهم نشینی‌ها جزء بهترین خاطرات از زندگی در محله است:

«تقریباً میشه گفت ۷ یا ۸ تا همسایه هم بود که با هم رفت و آمد هم داشتیم... یه چند تاشون هم اسمشون یادمه... آقای رهبر و محبوب... گرم بودن همه دور هم بودن رفت و آمدها زیاد بود هنوزم که هنوز جز خاطرات خوشه که اون زمان با هم بودیم...»

بررسی روایت‌های ساکنین از زندگی‌شان در محله نشان می‌دهد ماهیت روابط همسایگی در محله ایرانی اسلامی دارای ابعاد بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر دیگری نیز هست که اساساً با مفهوم روابط همسایگی در محله‌های مدرن متفاوت بوده است. در محله سنتی روابط همسایگی تنها به معنای وجود تعامل اجتماعی میان افراد با همسایگان نیست، بلکه، ساختار عرفی و اجتماعی موجود در فرهنگ ایرانی اسلامی، همسایگی را تبدیل به نقش اجتماعی مشخص و مهمی می‌نموده است که بر اساس آن فرد عرفاً متعهد به انجام وظایف خاصی می‌شده است. در ادامه به بررسی زمینه‌های اصلی بروز این تعهد و مسئولیت‌پذیری در محله ساغریسازان می‌پردازیم.

یکی از تعهدات اجتماعی اصلی در محله ساغریسازان عبارت است از تعهد ساکنین به آینده فرزندان یکدیگر و «تعلیم و تربیت» کودکان و نوجوانان بر اساس فرهنگ ایرانی اسلامی. به این ترتیب فرزند همسایه مانند فرزند هر فرد برایش اهمیت داشته و رابطه بزرگسالان با کودکان و نوجوانان در محله بر اساس دو فرایند اصلی «نظارت» و «حمایت» شکل می‌گرفته است. در قالب فرایند نظارتی بزرگسالان همواره مراقب کودکان بودند. همسایه‌ها مانند والدین کودکان بوده و برای مراقبت و نظارت بر آنها دارای مشروعیت بوده‌اند. به علت نظارت بالای اجتماعی کودکان نمی‌توانستند

انحراف داشته باشند، در صورتی که همسایه‌ای آنها را می‌دید به آنها تذکر می‌داد. اصلاح و تربیت کودکان مأموریت مشترک همه آنها بوده است. اگر کودکی خطایی می‌کرد دو بار مورد تذکر و سرزنش قرار می‌گرفت. یک‌بار از طرف همسایه و بار دیگر از طرف والدین.

در عین نظارت، کوچک‌ترها همواره از حمایت بزرگ‌ترها برخوردار بوده‌اند. به طور معمول همسایگانی که دارای خانه‌های حیاط‌دار بزرگ بودند آن را در اختیار کودکان قرار داده تا به طور جمعی بازی کنند. این حمایت در برخوردهای اتفاقی نیز ملاحظه می‌شود؛ بزرگسالان شیطنت‌های کودکان در محله را تحمل کرده و با آنها برخوردی مهربانانه داشتند. یکی از مصاحبه‌شونده‌گان در توصیف واکنش بزرگسالان به بازی کودکان در محله اینگونه شرح می‌دهد:

تقریباً مردم ریلکس بودن... عصبی کسی نبود... به خدا وقتی ما در زمان دوییدن می‌خوردیم به اون خانوم یا آقا اصلاً تو فضای دیگر بودیم نه تو فضای برخورد با اون شخص... ما با ما با مهربانی برخورد می‌کردن...

تعهد و مسئولیت همسایگان نسبت به یکدیگر در توجه به آینده نسل‌های بعدی خلاصه نمی‌شده است. بلکه بر اساس توصیف مصاحبه شونده‌گان می‌توان گفت همسایگان در محله سنتی در تمام امور دارای نوعی مسئولیت‌پذیری عمیق نسبت به یکدیگر بوده و «حمایت و پشتیبانی از همسایه» برای آنها یکی از مهمترین تعهدهای اجتماعی بوده است. این تعهدات در متن زندگی مردم ساغریسازان حضورداشته و فرد در مراحل مختلف زندگی خود و نقاط عطف آن مانند ازدواج، فوت نزدیکان، تولد فرزندان یا وقوع مشکلات و بحران‌های بزرگ در زندگی از حمایت و پشتیبانی همسایگان برخوردار بوده است. این تداوم همراهی در پستی و بلندی‌های زندگی منجر به شدیدترین حس تعلق به اجتماع محلی ساکن در مرزهای محله می‌شده است. حس مسئولیت‌پذیری نسبت به همسایه و روحیه حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در محله باعث می‌گردد همسایگان درست مانند اعضای یک خانواده بزرگ‌تر در مشکلات و بحران‌ها همراه یکدیگر بوده و داوطلبانه، قبل از آن که از آنها درخواست شود به کمک همسایه بشتابند. یکی از ساکنین این روحیه حمایت و پشتیبانی داوطلبانه از همسایه را به این شکل توصیف می‌نماید.

«قدیم خیلی بهتر بود مردم مشکلات خودشون رو بیشتر باهم ارتباط داشتن به همدیگه می‌گفتن یعنی یه مشکلی پیش می‌ومد یارو بدون این که کسی صدایش بزنه خودش داوطلب می‌شد... یه نفر بچش آگه تو رانندگی تصادف می‌کرد می‌رفت بازداشت همسایه مطلع می‌شد اون خودش می‌رفت دنبال اون آقا که چی شده بچت کلاترینه چی شده چیه آقا سند می‌خواد... این یه مستأجره... بیا آقا من سندم رو می‌ذارم... خودش پیشنهاد

می‌کرد... الان نه... یارو راغب نیست به یه نفر کمک بکنه
اگه دستش هم برسه (نمی‌کنه)... نمی‌دونم چرا»

نقش روابط همسایگی در کیفیت دلبستگی به محله

همان‌گونه که ملاحظه شد در محله سنتی ساغریسازان دوستان و همسایگان از هنگام کودکی، در راه مدرسه، هنگام ازدواج و یا سختی‌های زندگی مانند فوت نزدیکان در کنار یکدیگر ایستاده و با مشارکت همدیگر امور زندگی خود را جلو می‌بردند. چنین موضوعی سبب می‌گردد ساکنین در هنگام توصیف تغییرات محله از گذشته تا حال، بیشترین تأکید را بر تضعیف روابط اجتماعی و همسایگی درون محله داشته و از آن با افسوس زیادی یاد کنند. این موضوع همچنین سبب می‌گردد حس مکان در محله ساغریسازان تا حدود زیادی مبتنی بر حس تعلق به اجتماع محلی باشد. به این ترتیب محیط محله و مکان‌های مختلف درون آن هر یک یادآور خاطرات مشترک با دوستان و همسایگان است. بنابراین، عمق این روابط اجتماعی است که به مکان معنا بخشیده و باعث دلبستگی عمیق به محله می‌گردد. هنوز هم بسیاری از ساکنین دلیل عدم ترک ساغریسازان را شبکه دوستان و همسایگان توصیف می‌کنند. توصیف یکی از مشارکت‌کنندگان از دلبستگی عاطفی‌اش نشان‌دهنده تأثیر حس تعلق به جامعه محلی در افزایش دلبستگی به مکان است:

«من تقریباً ۴ سال پیش مغازه پدریمون رو فروختیم بنا به دلایل شخصی... به خاطر اون حسی که به مغازه بابا داشتم به اون محیط داشتم دلم نمی‌خواست بیام بیرون... شاید باورت نشه من ۶ یا ۷ ماه مثل آدمای افسرده بودم دلم نمی‌خواست این مکان رو از دست بدم... شرایط دوست داشتم بجوری باشه این مکان رو برای خودم نگه دارم... فقط هم به این دلیل که همسایه‌هایی دور و بر من باشن... افراد باشن اون رابطه باشه دلم می‌خواست صمیمیت اونجا رو می‌دیدم یه ارتباط خاصی داشتیم... اصلاً نمی‌تونم دل بکنم از این محیط... من برای خودم جای دیگه مغازه داشتم می‌خواستم برم باز نمی‌تونستم... باز یه طرف دلم می‌خواست که تو این بافت باشم... انقدر این محیط رو دوست دارم...»

می‌توان این‌گونه استدلال نمود که دلبستگی ساکنین ساغریسازان تا حد زیاد متکی به زندگی اجتماعی آنها در محله بوده و کیفیت محیط کالبدی نیز به اشکال مختلف در خدمت شکل‌گیری زندگی اجتماعی در محله بوده است. وجود پایه‌های اجتماعی قوی در دلبستگی به محله آن را به‌عنوان مبنایی برای تربیت و اجتماعی نمودن نسل‌های بعدی در محله قرار می‌دهد. بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در محله سنتی حس تعلق به جامعه محلی شامل همسایگان و دوستان و همچنین دلبستگی به مکان‌های درون محله مانند مسجد، گذر و محیط محله از طریق نسل‌های قبلی به فرزندانشان

تلقین می‌شده است. یادگیری آداب معاشرت، احترام به بزرگ‌تر، رعایت حرمت همسایه و حقوق او، کمک به همسایه و حمایت از هم محله‌ای، احترام به مسجد و حضور روزانه در آن، مشارکت در امور مذهبی مانند عزاداری‌ها و جشن‌ها همه و همه اموری هستند که فرد از کودکی آنها را به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم با زندگی در محله فرا می‌گیرد. فردی که از کودکی در محله سنتی و در ارتباط با همسایگان و دوستان در محیط محله زندگی کرده و به آن دلبسته می‌شود علاوه بر این که به محله خود دلبسته است (دلبستگی معمول^۴ یا غیر فعال)، بلکه نوعی از دلبستگی در او ایجاد شده است که اسکنل و گیفورد از آن اصطلاحاً به عنوان دلبستگی فعال^۵ یاد می‌کنند. افرادی که از کودکی و نوجوانی رابطه با مردم و مکان‌ها را تجربه کرده و فرصت اکتشاف و تجربه در محیط را به دست می‌آوردند در بزرگسالی قابلیت‌های بیشتری برای ایجاد پیوند مابین خود و مکان‌های مختلف و همچنین مردم حاضر در آن مکان‌ها خواهند داشت (Scannell and Gifford, 2014: 31). برای این افراد معانی اجتماعی نقش پررنگ‌تری از کیفیت محیطی در ایجاد دلبستگی ایجاد می‌کند. این به معنای کمرنگ شدن اهمیت محیط و ساختار کالبدی نیست، بلکه بدان معناست که شرایط کالبدی محله باید در تطابق با نیازهای اجتماعی ساکنین شکل یافته و تعامل آنها با یکدیگر را تسهیل نماید.

محله سنتی تربیت‌کننده چنین انسان‌هایی بوده است که علاوه بر این که محله و هم محله‌ای‌های خود را دوست دارند، بلکه ذاتاً انسان‌هایی هستند که به شهر، منطقه و کشور خود نیز بیشتر علاقه مند بوده و توانایی بیشتری در ایجاد پیوندهای جدید میان خود و دیگر مکان‌ها و انسان‌ها دارند. شایان ذکر است که دلبستگی فعال همه نتایج دلبستگی غیرفعال را نیز در برمی‌گیرد و علاوه بر آن دارای اثراتی بیشتر در سایر حوزه‌هاست که در تصویر ۴ ملاحظه می‌گردد.



تصویر شماره ۴: اثرات دلبستگی فعال به محله سنتی

نتیجه گیری

در این قسمت تلاش می‌گردد پاسخ سؤالات طرح شده در این پژوهش بیان گردد. در نهایت نیز پیشنهادهای لازم برای معماران و شهرسازان ارائه می‌شود.

پاسخ سوال اول: عمق و کیفیت روابط همسایگی در محله سنتی را می‌توان از طریق بیان معانی جاری در آن و مقایسه‌اش با محله‌های معاصر درک نمود. این معانی از متن زندگی ساکنین و روایت‌های آنها استخراج شده‌اند. در محله سنتی روابط همسایگی یک «نیاز و ضرورت اجتماعی» است نه امری صرفاً وابسته به «انتخاب فردی». محیط محله «ادامه محیط خانه» است و مفهوم آن به شدت با مفهوم خانه آمیخته و یکی می‌شود. همین امر سبب می‌گردد که همسایه‌ها «ادامه خانواده» محسوب شوند و مانند افراد خانواده با آنها برخورد می‌شود، نه «غریبه‌هایی در مجاورت محل سکونت خانواده». در نتیجه «اعتماد»، «حمایت» و «احترام» مبنای روابط همسایگی در محله سنتی است و همسایه بیش از هر چیز معنای «حامی و پشتیبان» دارد، نه «تهدید و مزاحمت». در نهایت اینکه «همسایه بودن» برای هر فرد «نقش اجتماعی» مهمی محسوب می‌شده که مانند سایر نقش‌های اجتماعی (پدر بودن، همسر بودن، معلم بودن و...) حاوی معانی مشخصی است و به عنوان «هویت نقشی» بخشی از ساختار «هویت فردی» او را تشکیل می‌دهد. بنابراین، «تعهد و مسئولیت‌پذیری» نسبت به همسایگان و تلاش فعالانه (و حتی گاهی ناخودآگاهانه) برای همسایه خوب بودن، در واقع کوششی برای برآورده‌سازی «هویت همسایگی» است که بخشی از ساختار «هویت انسان مسلمان ایرانی» است. تفاوت‌های عمده کیفی در روابط همسایگی نیز از همین تفاوت حاصل می‌شوند. در حالی که محله سنتی هویت همسایگی و معانی پیوسته با آن را از کودکی به فرزندان خود تلقین می‌نماید، محله‌های معاصر مجموعه شرایطی را به وجود می‌آورند که «بی تفاوتی به همسایه» یا حتی «همسایه‌گریزی» را پرورش می‌دهند.

پاسخ سوال دوم: همانگونه که اشاره شد محله بعد از خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در شهر ایرانی اسلامی بوده است. در این شرایط کودکان بخش مهمی از فرایند اجتماعی شدن خود را درون محیط محله طی می‌کرده‌اند. محله مناسب‌ترین محیط برای «دوستیابی» بوده و غالباً نزدیک‌ترین دوستان هر فرد هم محلی‌هایش هستند. بزرگسالان نیز بر رفتارهای آنان ناظر بوده و محله را به «محیطی امن» برای تربیت آنها مطابق با الگوی عرفی جامعه ایرانی اسلامی تبدیل می‌نمودند. به این ترتیب محیط اجتماعی محله دربردارنده «روابط اجتماعی متنوع و چند سطحی» است که به «بازتولید ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی» خود می‌پردازد. از طرف دیگر تداوم سکونت در یک محله منجر به تعمیق پیوندهای دوستی و شکل‌گیری «پیوندهای عمیق و طولانی»

میان افراد می‌شده است. به این ترتیب افراد در مراحل مهم زندگی یکدیگر از کودکی تا بزرگسالی شریک بوده و به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی هم بدل می‌گردند. همین روابط عمیق و ریشه دار اجتماعی است که سبب می‌گردد ساکنین اغلب فعالیت‌های خود را به صورت اشتراکی انجام دهند. زندگی اجتماعی و اشتراکی در محله چنان پررنگ است که ساکنین حتی در امور شخصی و روزمره شامل «غذا پختن»، «مراقبت از کودکان»، «خرید کردن» و... نیز از همسایگان خود کمک می‌گرفتند و کوچک‌ترین فعالیت‌های زندگی روزمره نیز رنگ و بوی اجتماعی می‌گرفته است. جدا از این امور، برخی فعالیت‌ها ذاتاً جنبه اشتراکی داشته و گستره‌ای وسیعی شامل «برگزاری مراسم عزای و عروسی»، «عبادت کردن و برگزاری مراسم‌های مذهبی» تا «دور هم نشینی»، «تفریح و گذران اوقات فراغت» و حتی «مسافرت دسته جمعی» را در بر می‌گرفته است. به طور خلاصه، محیط اجتماعی امن و با ثبات محله سنتی که منجر به روابط دوستی عمیق شده و کلیه وجوه زندگی ساکنین را تبدیل به اموری اجتماعی و اشتراکی می‌نماید، بی‌شک مناسب‌ترین محیط برای تعمیق روابط همسایگی است. محیط کالبدی محله نیز در همه ابعاد تسهیل‌کننده این سبک زندگی اجتماعی بوده است. اولین عامل محیطی الگوی مسکن در محله‌های سنتی بوده است. خانه‌های ویلایی که معمولاً محل زندگی چند خانوار در کنار هم دیگر بوده‌اند به همراه «حیاط‌های مشترک» زمینه لازم را برای تعامل و رابطه همسایگان با یکدیگر فراهم می‌کرده‌اند. حتی در مواردی که مسکن به شکل چند خانواری نبوده است، وجود حیاط وسیع قابلیت انجام فعالیت‌های متعددی را ایجاد می‌کرده است که مالک آنها را به شکل اشتراکی با سایر همسایگان انجام می‌داده است. گذر محله‌های سنتی که بسیاری از آنها مانند محله ساغریسازان دربردارنده بازارچه و دکان‌هایی برای تامین نیازهای ساکنین هستند، تنوع فعالیت‌های مناسبی را ایجاد می‌نموده‌اند که موجب سرزندگی اجتماعی محله بوده است. کمیود ترافیک سواره در گذرهای محله آن را تبدیل به مکان بازی کودکان، عبور عابرین و پاتوق جوانان می‌کرد. مساجد نیز به عنوان مرکز محله نقش کلیدی در تنظیم روابط اجتماعی میان ساکنین داشته‌اند.

پاسخ سوال سوم: همانگونه که ملاحظه شد محله‌های مسکونی از کودکی تا بزرگسالی به فرد اجازه مکاشفه و تعامل اجتماعی می‌دهند و می‌توانند تربیت‌کننده افرادی باشند که در محیط‌های جدید یا مکان‌هایی با مقیاس‌های بزرگ‌تر مانند شهر، منطقه و کشور نیز فعالانه چیزهایی برای دوست داشتن پیدا نمایند. این افراد غالباً افرادی خونگرم با روحیه اجتماعی بالا، اهل تجربه و مکاشفه، مشارکت‌جو و دارای روحیه فداکاری و حمایت از دیگران هستند. همین ویژگی‌هاست که دوست داشتن را برای آنها آسان‌تر کرده و میزان دلبستگی مکانی و هم‌هویتی با شهر محله را در میان آنها

افزایش می‌دهد. غالب افرادی که زندگی خود را در محلات سنتی مانند ساغریسازان گذرانده‌اند دارای چنین ویژگی‌هایی هستند.

این ویژگی زمانی در فرد نهادینه می‌شود که او از زمان کودکی و زندگی در محله اصول و قواعد زندگی اجتماعی را بر مبنای ارزش‌های ایرانی اسلامی فرا گرفته باشد. در محلات سنتی مانند ساغریسازان علاوه بر خانواده این همسایگان و سایر بزرگ‌ترهای محله بوده‌اند که مسئولیت تلقین حس تعلق به محله، اجتماع محلی و امور مذهبی را داشته‌اند. روابط همسایگی بالا در محلات سنتی مانند ساغریسازان علاوه بر این که میزان دلبستگی به محله را هم در بعد دلبستگی به مکان‌های محله و هم در بعد احساس دلبستگی به اجتماع محلی ارتقا می‌دهد، خود عاملی است برای نهادینه نمودن دلبستگی فعال در میان ساکنین محله. به این ترتیب مکان‌های درون محله با معانی اجتماعی مشترک غنی شده و دلبستگی به ویژگی‌های کالبدی نیز هم راستا با معانی اجتماعی می‌گردد.

همان گونه که ملاحظه شد دلبستگی فعال وابسته به تلاش فعالانه و خودآگاهانه فرد برای مکاشفه و ایجاد پیوند با مکان‌ها و مردمان است. زندگی در عصر مدرن دربردارنده نقل مکان و جابه‌جایی‌های مختلفی در طول دوره زندگی است و نقش محله‌های شهری در ایجاد و ترویج دلبستگی فعال در این دوران باید بسیار جدی‌تر لحاظ گردد. زیرا محله‌های شهری مکان‌هایی هستند که اولین روابط اجتماعی کودکان و نوجوانان خارج از خانواده در آنها شکل می‌گیرد. محله‌های شهری باید در پی ایجاد فرصت‌هایی برای درگیری فعالانه ساکنین با محیط اجتماعی و کالبدی محله باشند. محله سنتی با ترویج سکونت اجتماعی و ایجاد پیوندهای مکانی بر مبنای روابط همسایگی در این زمینه بسیار موفق بوده‌اند. بررسی الگوی محله سنتی در ایجاد روابط همسایگی و نقش آن در ایجاد دلبستگی فعال می‌تواند علاوه بر این که به حفظ هویت ایرانی اسلامی در شهرها کمک می‌کند، خود می‌تواند اهرمی برای مقابله با تأثیر جابه‌جایی بر میزان دلبستگی به سکونتگاه‌های انسانی باشد.

برای دستیابی به چنین هدفی برنامه‌ریزان، طراحان و شهرسازان باید از کالبدی‌نگری صرف در حوزه طراحی محله‌های شهری دست بردارند. ارائه طرحواره‌های قطعی و معین از شکل ایده آل محله ایرانی اسلامی در نهایت منجر به عدم توجه بیشتر به معانی اجتماعی نهفته در محیط کالبدی محله‌های شهری می‌شود. به جای آن، باید به دنبال بازتولید الگوهای فرهنگی اجتماعی در رابطه فرد با محله بود و محیط کالبدی را در جهت آن طراحی نمود. با این نگاه، گاه تحولات کالبدی و گاه تحولات ماهوی و معنایی می‌تواند به باززنده سازی مفهوم محله ایرانی اسلامی کمک نماید. برای مثال، قرار دادن مسجد در مرکز الگوی فضایی محله ایرانی اسلامی بدون توجه به دلایل معنایی و اجتماعی تضعیف جایگاه آن در میان مردم نمی‌تواند کمک کننده باشد. از طرف دیگر، در بسیاری موارد نیز راهکارهای طراحی خلاقانه می‌تواند

به بازتولید این الگوهای فرهنگی کمک نماید. برای مثال، با توجه به الزامات کنونی در توسعه مسکن آپارتمانی باید با طراحی خلاقانه به دنبال ایجاد فضاهایی بود که حکم حیاط مشترک و نیمه خصوصی برای ساکنین محله داشته باشد و زمینه تعامل آنها بر اساس سبک زندگی ایرانی اسلامی را فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Lack of Conceptual Clarity
2. Mapping narrative
۳. به دلیل ارتفاع بلند گلدسته این مسجد، نام آن را «مسجد گلدسته» نهادند.
4. Traditional Attachment
5. Active Attachment

فهرست منابع و مراجع

۱. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲ (۱۱-۱).
۲. پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر (۱۳۹۱) «الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی- اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۰، ۱۵-۲۴.
۳. دانشپور، سید عبدالهادی و علی اکبر سالاری پور (۱۳۹۶) «اولویت بندی راهبردهای ارتقاء دلبستگی کودکان به محله گل‌سار شهر رشت با استفاده از QFD»، *مجله مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۱)، ۱۱۹-۱۳۷.
۴. دانشپور، سیدعبدالهادی؛ منصور سپهری مقدم و مریم چرخچیان (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱(۳۸)، ۳۷-۴۸.
۵. رحیمی، لیلا؛ مجتبی رفیعیان و محمد باقری (۱۳۹۵)، «تبیین مؤلفه‌های دلبستگی به مکان در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن؛ نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز»، *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۹(۱۷)، ۲۲۵-۲۳۶.
۶. زمانی، بهادر و محسن هنرور (۱۳۹۶) «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی در محله‌های شهری، نمونه موردی: محله‌های دردشت، چهارسوقی‌ها، ملاصدرا و دوطرفان شهر اصفهان» *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۰(۲۱)، ۱۶۱-۱۷۲.
۷. سجاذزاده، حسن (۱۳۹۲) «نقش دلبستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان)»، *ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۱۰(۲۵)، ۶۹-۷۸.
۸. *طرح جامع شهر رشت* (۱۳۸۵) شرکت مهندسی طرح و کاوش، اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
۹. قاضی‌زاده، سیده ندا (۱۳۹۰)، *تأثیر طراحی فضای باز مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان*، رساله دکتری دانشگاه تهران.
۱۰. نقره کار، عبدالحمید و مهران علی‌الحسابی (۱۳۹۰) *تحقق‌پذیری معماری ایرانی - اسلامی با تأکید بر هویت در شهرهای جدید*، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۱. هشام، مرتضی (۱۳۸۷)، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*، ترجمه مشکینی ابوالفضل و حبیبی، کیومرث، انتشارات مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

31. Tracy, S. J. (2012), **Qualitative research methods: Collecting evidence**, crafting analysis, communicating impact. John Wiley & Sons.
32. Weijs-Perrée, M., Van den Berg, P., Arentze, T., & Kemperman, A. (2017), "Social networks, social satisfaction and place attachment in the neighborhood." **REGION**, 4(3), 133-151.
33. Yin, R. K. (2015), **Qualitative research from start to finish**, Guilford Publications.
12. Burley, D., Jenkins, P., Laska, S., & Davis, T. (2007), "Place attachment and environmental change in coastal Louisiana." **Organization & Environment**, 20(3), 347-366.
13. Gifford, R. (2007), "**Environmental psychology: Principles and practice**", (p. 372). Colville, WA: Optimal books.
14. Golafshani, N. (2003), "Understanding reliability and validity in qualitative research.", **The qualitative report**, 8 (4), 597- 606.
15. Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). "Place attachment: Conceptual and empirical questions." **Journal of environmental psychology**, 21(3), 273-281.
16. Hummon, D. M. (1992). **Community attachment. In Place attachment** (pp. 253-278). Springer, Boston, MA.
17. Kyle, G., Graefe, A., & Manning, R. (2005), "Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings." **Environment and behavior**, 37(2), 153-177.
18. Lewicka, M. (2011a), Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. **Journal of environmental psychology**, 31(3), 207-230.
19. Lewicka, M. (2011b), "On the varieties of people's relationships with places: Hummon's typology revisited.", **Environment and Behavior**, 43(5), 676-709.
20. Lewicka, M.(2005). " Ways to make people active: The role of place attachment, cultural capital, and neighborhood ties. "**Journal of environmental psychology**, 25(4), 381-395.
21. Low, S. M., & Altman, I. (1992). "Place attachment.", **In Place attachment** (pp. 1-12), Springer, Boston, MA.
22. Luborsky, M.R. and Rubinstein, R.L. (1995), "Sampling in qualitative research rationale, issues, and methods.", **Research on aging**, 17 (1), 89- 113.
23. Marshall, M.N. (1996), "Sampling for qualitative research.", **Family practice**, 13(6), 522-526.
24. Mihaylov, N. and Perkins, D.D.(2014). " Community place attachment and its role in social capital development.", **Place Attachment, Advances in Theory, methods and applications**, 61-73.
25. Patterson, M. E., & Williams, D. R. (2005). "Maintaining research traditions on place: Diversity of thought and scientific progress.", **Journal of environmental psychology**, 25(4), 361-380.
26. Savage, M., Allen, C., Atkinson, R., Burrows, R., Méndez, M.L., Watt, P., & Savage, M. (2010). "Focus article.", **Housing, Theory and Society**, 27(2), 115-161.
27. Scannell, L. and Gifford, R.(2014). "Comparing the theories of interpersonal and place attachment.", **Place attachment: Advances in theory, methods and applications**, 23-36.
28. Seamon, D. and Gill, H.K.(2016). "Qualitative Approaches to Environment-Behavior Research." **Research Methods for Environmental Psychology**, 115.
29. Simms, E.M.(2008). "Children's lived spaces in the Inner City: Historical and political aspects of the psychology of place." **The Humanistic Psychologist**, 36 (1), 72-89.
30. Tavassoli, M.(2016), "**Urban Structure in Islamic Territories**.", In **Urban Structure in Hot Arid Environments** (11-18). Springer International Publishing.

تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی

ایمان قلندریان^۱، مجتبی رفیعیان^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
^۲ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۷)

چکیده

نوسازی بافت‌های فرسوده با هدف ارتقاء کیفیت محیط با رویکردهای مختلف انجام شده است. امروزه بازآفرینی به عنوان پارادایم غالب نوسازی، ابعاد گسترده‌تری را برای بهبود کیفیت محیط، ملحوظ می‌دارد. از طرفی کیفیت محیط نیز با در نظر گرفتن ابعاد مختلف به بررسی ویژگی‌های محیط زندگی می‌پردازد. این پژوهش با هدف مطالعه ابعاد و شاخص‌های کیفیت محیط در بازآفرینی بافت‌های فرسوده در شهرهای ایرانی اسلامی، با روش کیفی (از نوع توصیفی تحلیلی) و با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA به عنوان ابزار پژوهش انجام شده است. رویکرد حاکم بر مقاله، بر تعاضد (سازگاری علم و دین) تاکید دارد و با ترکیب مفاهیم کیفیت محیط، بازآفرینی و شهر ایرانی اسلامی مدل مناسب، استخراج می‌شود. مدل مستخرج از پژوهش مبتنی بر ابعاد و سطوح است. از انطباق شاخص‌های کمی و کیفی کیفیت محیط با ابعاد پنجگانه بازآفرینی، ابعاد و از ساحات وجودی انسان (برآمده از مطالعات اسلامی) سطوح مدل (جسمی، ذهنی و معنوی) به دست آمده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد کیفیت محیط در بازآفرینی شهرهای ایرانی اسلامی تنها بر کالبد متمرکز نخواهد بود و ابعاد اجتماعی، مدیریتی، عملکردی، اقتصادی، ادراکی و محیطی را نیز در برمی‌گیرد. فرایند بازآفرینی و محیط باید در هر کدام از ابعاد ذکر شده به نیازهای جسمانی، نفسانی و عقلائی انسان پاسخگو باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت محیط، بازآفرینی شهری، شهر ایرانی اسلامی، انسان.

مقدمه

با افزایش شهرنشینی و رشد افقی شهرها، بخش‌های قدیمی، کارایی خود را طی فرایندی (با تغییر کالبد یا فعالیت و یا هر دو) از دست داده و کیفیت محیط در این بخش‌ها افول می‌یابد، به گونه‌ای که این بافت‌ها ارزش گریز شده و تعادل زیستی آنها برهم خورده و به عنوان بخش مسئله‌دار و بافت نابسامان نمود پیدا می‌کند. لذا مداخله در بافت با هدف ارتقاء کیفیت محیط انجام می‌گیرد؛ اما گاهی در زمینه تحقق ابعاد مختلف کیفیت، موفق نبوده و این بافت‌ها را با مشکلات جدیدی مواجه نموده و باعث نارضایتی طیف گسترده‌ای از ساکنان و کاربران می‌شود.

با گذشت زمان و استمرار سکونت، بافت‌های فرسوده وسعت بیشتری می‌یابند. بنابراین بررسی نتایج مداخلات صورت گرفته از منظر کیفیت محیط ضروری است. برای این امر، به یک مدل نظری متناسب با زمینه نیاز است. هرچند بازآفرینی به عنوان پارادایم غالب نوسازی، صورت تکامل یافته‌ای از رویکردهای پیشین است؛ اما بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌های گذشته، با رویکرد کیفیت سنجی به بررسی شرایط ذهنی و عینی نمونه‌ها با توجه به چارچوب‌های تدوین شده نظریات غیربومی پرداخته‌اند و چارچوب مناسبی برای بررسی کیفیت محیط در بازآفرینی شهرهای ایرانی اسلامی وجود ندارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و توسعه‌ای است؛ زیرا از طرفی به دنبال پاسخگویی به «چگونگی بازتعریف مفهوم کیفیت محیط در شهرهای ایرانی اسلامی» است و به مفهوم‌سازی و تبیین ویژگی‌ها و صفات آن می‌پردازد، لذا از نوع بنیادی است (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۵۸). از طرف دیگر در پی تدوین چارچوب سنجش کیفیت محیط در بازآفرینی شهرهای ایرانی اسلامی است؛ به همین دلیل از نوع توسعه‌ای هم محسوب می‌شود. از نظر روش، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ در این پژوهش با استفاده از منابع گوناگون، توصیفی از مفهوم کیفیت محیط و بازآفرینی ارائه شده و با کمک شیوه استدلال منطقی^۱ به تجزیه و تحلیل آن و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود. برای دقت بیشتر در ترکیب مفاهیم کیفیت محیط و بازآفرینی از روش کدگذاری باز و محوری^۲ و نرم افزار MaxQDA استفاده شده است. در این پژوهش بر اساس روش کدگذاری باز^۳ و محوری^۴ مورد اشاره استراوس و کوربین به ادغام شاخص‌های کیفیت محیط و بازآفرینی و شهر اسلامی پرداخته و پس از بررسی‌های مجدد مدل نهایی استخراج شده است. برای استخراج شاخص‌ها از منابع داخلی و خارجی بهره برده شده و شاخص‌های مورد استفاده در هر مقاله در محیط MaxQDA وارد شده و بر اساس مفاهیم اولیه و دسته‌بندی آنها و تشکیل مفهوم محوری، ساختار نهایی شکل یافته است.

مبانی نظری

واژه «کیفیت» در بسیاری از علوم کاربرد داشته و به همین علت، موضوع گسترده‌ای است. کیفیت در حوزه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. در رشته‌های شهرسازی و معماری معمولاً به کیفیت زندگی توجه می‌شود تا ضمن بررسی شاخص‌های زیست مناسب، شرایط شهرها و کشورها از این منظر مورد بررسی قرار گیرد. می‌توان گفت مفهوم کیفیت محیط از اشتراک مباحث کیفیت زندگی و دانش معماری و شهرسازی ظهور پیدا کرده است. اسمیت و لورمور معتقدند توجه به محیط فیزیکی شهر از سوی طراحان و برنامه‌ریزان و حفظ و مدیریت آن نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد (Smith and Levermor, 2008: 4560).

کیفیت محیط

در محیط شهری این مفهوم به واسطه تنوع اندیشه‌ها و اینکه هر فرد تعریف خاصی از مطلوبیت محیطی و رفاه در نظر دارد، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. کیفیت محیط شهری یک مفهوم چندمشخصه، سلسله مراتبی و چندبعدی است (Marans, 2015)، به گونه‌ای که به پیازی تشبیه می‌شود که از بیرون ساده به نظر می‌رسد، اما به خاطر داشتن لایه‌های زیاد، پیچیده (Moore, 2000) و از جمع اجزایش بالاتر است (Van Kamp, 2003).

از طرفی کیفیت محیط مفهومی ثابت نبوده و به صورت مداوم در حال تحول است. مثلاً «در طول نیم قرن گذشته، به ابعاد ذهنی آن نیز توجه شده است» (Marans, 2015). با توجه به سیالیت و پیچیدگی کیفیت محیط، یک رویکرد واحد برای ارزیابی آن در جنبه‌ها و مقیاس‌های متعدد هنوز در دسترس نیست (Hayeka et al, 2015) (Pacione, 2003) و رویکردهای مختلف انسان‌شناسی، معماری، اقتصاد، طراحی محیطی، جغرافیا، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به دسته‌بندی آن از حوزه‌های متفاوت پرداخته‌اند (Ge & Hokao, 2006). آنچه در بین تمامی حوزه‌های ذکر شده یکسان است؛ استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی برای ارزیابی‌های محیطی است (Ban-zhafa, et al: 2014). از نظر اعتبار، شواهدی برای برتری یکی از انواع شاخص‌ها بر دیگری وجود ندارد (Pacione, 2003). بر اساس این شاخص‌ها، سه نوع رویکرد در مطالعات کیفیت محیط وجود دارد (جدول شماره ۱).

بنابراین کیفیت محیط مانند ظرفی است که در موضوعات و مکان‌های مختلف، محتوای گوناگونی دارد. از آنجا که این پژوهش درصدد بررسی ابعاد و شاخص‌های کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی است؛ در ادامه به بررسی این دو مفهوم و ارتباط و ترکیب آنها پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱: دسته‌بندی مطالعات کیفیت محیط

رویکرد	تلفی از محیط	نوع شاخص	نمونه	روش انجام	ملاحظات
عینی‌گرا	مفهومی فیزیکی و سخت	کمی و عددی	آلودگی صوتی، آلودگی هوا، تعداد تصادفات و ...	کارشناس محور	در نظر نگرفتن خصوصیات فردی و اجتماعی که بر ارزیابی افراد از کیفیت محیط موثر است.
ذهنی‌گرا	بر ساخته ذهن کاربران	کیفی	رضایتمندی از محیط سکونتی، میزان آزدگی، تصویر ذهنی و ...	مردم محور (ادراک محیطی مردم، بررسی رضایتمندی)	مبدل به یک تفسیر بسیار انفرادی از مفهوم می‌شود که عوامل مختلفی بر آن تاثیر گذار است.
ترکیبی (عینی-ذهنی)	مفهومی کالبدی و ذهنی	کمی و کیفی	بررسی توامان رضایتمندی مردم و نظر کارشناس	کارشناس محور و مردم محور	به دلیل تفاوت رسالت شاخص عینی و ذهنی لازم است با هم انجام شود. اعتبار بیشتری دارد

مأخذ نگارندگان، اقتباس از: (Hayeka et al, 2015) (Marans, 2015) (Pacione, 2003) (RIVM report, 2002).

کیفیت محیط در بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری دارای مفهوم و ابعاد گسترده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و محیطی است که متناسب با هر بعد اهدافی را مد نظر قرار می‌دهد. برای تحقق برنامه بازآفرینی، الزاماتی نیاز است، نظیر حکمروایی خوب شهری، وجود قوانین مناسب، مشارکت گروه‌ها و ترسیم فرایندهای مناسب.

بر اساس نتایج تحقیق استور و لیچفیلد^۵ بازآفرینی شهری تکامل رویکردهای پیشین است. اهداف آن فراتر از آرمان‌ها و دست‌یافته‌های بازسازی‌های کلان مقیاس دهه پنجاه^۶، باز زنده‌سازی و بهسازی‌های دهه هفتاد^۷ و توسعه‌های مجدد دهه هشتاد میلادی است (Roberts, 2000: 111). اوزلم اصول برنامه بازآفرینی موثر و کارآمد را به این شرح می‌داند: ارائه تصویری جامع تر از راهبردها، تاکید بیشتر بر رویکردهای یکپارچه، دگرگونی کالبدی همراه با بهبود تمامی ابعاد بازآفرینی در کنار دو هدف اصلی کارآمدی اقتصادی و عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی با تاکید بر نقش جوامع محلی، معرفی مجدد یک چشم‌انداز راهبردی دراز مدت، تعادل میان سرمایه‌گذاری دولتی خصوصی و داوطلبانه، معرفی ایده جامع‌تری از پایداری زیست محیطی (Ozlem, 2009: 32). ان جی نیز معتقد است اصول بازآفرینی شهری عبارت است از: تشویق به مشارکت، ساخت شخصیت اجتماعی، پیشرفت و عدالت، ارتقاء محیط، حیات-بخشی و تقویت رشد اقتصادی (Ng, 2005: 452). همچنین سازمان ملل متحد، مشارکت عمومی و همیاری‌ها، تامین مالی، نظارت و ارزیابی، بازاریابی شهر، حکمروایی و مشارکت و پایداری پروژه را از عناصر مدیریت مداخله در بازآفرینی شهری می‌داند (UNEP, 2004: 18-21).

یکی از ویژگی‌های بارز این نوع برنامه‌ها، تعدد ذی‌نفعان (نظیر دولت محلی، توسعه‌دهندگان خصوصی، سازمان‌های دولتی و جوامع محلی) و سطوح مختلف اجرایی پروژه‌هاست که تحت تأثیر نیازهای مختلف است (محبی فر و دیگران، ۱۳۹۶: ۶) و هرچه مشارکت مردم و شراکت‌های خصوصی-عمومی (PPPs)^۸ افزایش یابند، بازآفرینی پایدارتری محقق می‌گردد (Bevilacqua et al. 2013). بازآفرینی در بافت ای شهری باید در ابعاد کالبدی،

عملکردی، اقتصادی و اجتماعی همراه باشد تا پایداری نیز حاصل شود (حسن-زاده و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۲). جدول شماره ۲ ابعاد و اهداف بازآفرینی شهری را نشان می‌دهد.

با مطالعه منابع و فراترکیب مطالعات کیفیت محیط و بازآفرینی، شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش‌ها احصا می‌گردد. کیفیت محیط، مفهومی محصول گرا و دارای دو سطح عینی و ذهنی است. بنابراین کیفیت محیط قابل تقسیم به شاخص‌های محصول گرای عینی و ذهنی است. از طرفی مفهوم بازآفرینی دارای ابعاد مختلف و مبتنی بر فرایند است. در کدگذاری‌های انجام شده شاخص‌های هر دو موضوع تعارضی با هم نداشته‌اند و می‌توان آن‌ها را ذیل ابعاد هفتگانه مدیریت، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی، عملکردی فعالیت، کالبدی-فضایی و معنایی-ادراکی دسته‌بندی نمود. تمامی شاخص‌ها بر اساس سطح عینی یا ذهنی و فرایندگرایی یا محصول‌گرایی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. در جدول شماره ۳ دسته‌بندی شاخص‌های کیفیت محیط در بازآفرینی شهری ارائه شده است.

کیفیت محیط فارغ از نوع شاخص‌ها و دسته‌بندی مطالعات، متأثر از نوع رابطه انسان با محیط است. لذا با توجه به جهت‌گیری پژوهش و سنجش کیفیت محیط در شهرهای ایرانی اسلامی لازم است به تعریف انسان و رابطه‌اش با محیط از منظر اسلام پرداخته شود؛ زیرا «زمانی که انسان و ساحت‌های وجودی‌اش شناخته شوند، امکان تعریف زندگی و تعاریف بعدی (کیفیت محیط) روشن تر می‌شود» (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۰).

انسان

انسان موجودی تک‌ساحتی نیست بلکه حیات انسانی در حوزه‌ها و ساحات متفاوت معنا می‌یابد (زمانیها، ۱۳۹۵: ۲۶۶). اغلب تعابیر، حکایت از چهار ساحت جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی برای موجودات در هستی دارند. با توجه به آراء مختلف می‌توان سه ساحت اصلی برای حیات انسان قائل شد: ساحت طبیعی (مادی یا جسمانی)، ساحت نفسانی (روانی یا ذهنی) و ساحت عقلانی (معنوی یا الهی)^۹ (سامه و صداقت، ۱۳۹۲: ۴۵).

جدول شماره ۲: ابعاد و اهداف بازآفرینی شهری با رویکرد ارتقاء کیفیت محیط

ابعاد	هدف کلی	اهداف عملیاتی
اقتصادی	رشد و پیشرفت اقتصادی و افزایش سرمایه گذاری	جذب سرمایه های بخش خصوصی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل های موقت و پاره-وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت های حرفه ای و کاهش هزینه های زندگی، ایجاد اشتغال، احیا کردن اقتصاد شهری، توزیع برابر و عادلانه سود و هزینه برای ذی نفعان، خانه های ارزان قیمت، نو شدن اقتصاد شهر، بهبود توزیع ثروت. شراکت به عنوان رویکرد غالب
اجتماعی	بهبود شرایط اجتماعی با توجه به ارزش های همه گروه های اجتماعی	به حداقل رساندن جرایم و خشونت، فراهم کردن خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، اجتماعات خرد، تأکید بر توانمندسازی اجتماعات، توجه به نیازهای گروه های مختلف، سازماندهی مجدد سازوکارهای انطباق تصمیم با مردم سالاری، افزایش میزان فضای همکاری و مشارکت، توجه به تعاملات میان سازمان ها و نهادها و روابط درونی آنها، عرضه مسکن شهری، مشارکت تمام ذی نفعان، توجه به سرمایه اجتماعی و امنیت. غلبه بر بدنام سازی و محرومیت اجتماعی.
فرهنگی	توجه به حفظ ارزش های فرهنگی و حفاظت از ثروت های بومی	افزایش میراث معماری (هسته تاریخی)، گردشگری شهری و یا جذب موسسات تحقیقاتی و علمی، ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و گذران اوقات فراغت، تأکید بر هویت و حس مکان و فرهنگ، حفظ شخصیت محلی- بومی، حفظ و نگهداشت تحصیل کردگان و هنرمندان در محل، اشاعه گردشگری فرهنگی.
محیطی	ارتقاء توسعه متوازن و مدیریت اقتصاد و محیط زیست	بهبود شرایط زیستی، مبارزه با آلودگی مطابق با اولویت ها و ارزش های هر جامعه، توسعه مدیریت متعادل اقتصادی، اجتماعی و محیطی، حمایت از نسل های آینده، توزیع متعادل هزینه و منافع و ارتقاء فعالیت های اقتصادی به منظور افزایش کیفیت محیطی، محیطی امن و پاک، ایجاد تعادل بین توسعه اقتصادی و محیطی، کاهش حجم سفرهای شهری.
کالبدی	پاسخ به مشکلات فرسودگی فضاها	هماهنگی کالبد شهر با دگرگونی های سریع اقتصادی و اجتماعی، حل مشکل فرسودگی کالبدی، گسترش امکانات سکونت در شهر و توسعه زیرساخت های محلی، ارتقای میراث معماری (در هسته های تاریخی) و گردشگری شهر، بالا بردن سطح کمی و کیفی تاسیسات، تجهیزات و زیرساخت های شهری، بهبود شرایط حمل و نقل، خدمات و کیفیت خوب و قابل دسترس، محیط زندگی سرزنده، کاربری های متنوع، مکان های سبز، هماهنگی با طبیعت، اجتماعات سالم، عدالت در تأمین مسکن، قابل دسترس بودن فضاهای باز شهری، ارتقاء تصویر شهر، کاستن از حجم صدمه رسانی به محیط شهری.

مآخذ: (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱: ۱۸)، (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸)، (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۷ و ۱۱۸)، (Sasaki, 2010: 27), (UNEP, 2004: 8), (Roberts & Sykes, 2000:38), (Roberts,2000)

جدول شماره ۳: تجمیع شاخص های کیفیت محیط و بازآفرینی بر اساس مطالعات مختلف

ابعاد	شاخص ها	محصول گرا		فرایند گرا
		کمی	کیفی	
معنایی ادراکی	زیبایی و غنای حسی		***	
	آرامش		***	***
	مقیاس انسانی		***	
	خاطره انگیزی، هویت و حس قوی محلی		***	***
	(رنگ تعلق (دخل و تصرف در فضا		***	
	خوانایی و حس جهت یابی		***	***
کالبدی فضایی	مطلوبیت واحد مسکونی و تنوع مسکن		***	***
	تأمین سرانه کاربری ها		***	
	توجه به میراث و تاریخ محلی		***	***
	تناسبات بصری و نظم و هماهنگی ساختمان ها		***	
	محرمیت و هماهنگی محیط با فرهنگ ساکنان		***	***
	پیوستگی فضایی		***	***
	همه شمول بودن		***	***
	نشانه های نمایان		***	
	تراکم ساختمانی متعادل		***	
	کیفیت پیاده راه ها		***	
	انعطاف پذیری		***	
	نفوذپذیری		***	
	ایمنی فضا و استفاده از مصالح بادوام		***	***
	دید و منظر مناسب		***	

ابعاد	شاخص‌ها	محصول‌گرا		فرایندگرا	
		کمی	کیفی	کمی	کیفی
مدیریتی	قانون‌مداری، شفافیت و عدالت محوری			***	***
	ظرفیت پذیرش، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی			***	***
	ایجاد سازوکار مشارکت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ و تهیه و ارائه برنامه با اطلاع ذی‌نفعان			***	***
	استفاده از نیروهای بومی در عمران و آبادی محله			***	***
	نظارت بر اقدامات اجرایی توسط انجمن بازآفرینی محله			***	***
	توسعه شراکت بخش خصوصی و دولتی و ایجاد منابع جدید مالی			***	***
عملکردی و فعالیت	حمل و نقل مناسب شخصی و عمومی	***	***		
	(بسترهای مشوق حمل و نقل پاک (عمومی، پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری	***	***		
	ارائه تسهیلات کالبدی خدماتی	***	***	***	***
	بالا بردن سطح کمی و کیفی تاسیسات، تجهیزات و زیرساخت‌های شهری	***	***	***	***
	اختلاط کاربری	***	***	***	***
	سازگاری کاربری‌ها	***	***	***	***
زیست محیطی	سرزندگی و فعالیت‌های جاذب جمعیت	***	***		
	تنوع فعالیت	***	***		
	آسایش اقلیمی و پوشش گیاهی	***	***		
	(کاهش آلودگی (آلودگی صوتی، هوا، خاک، بصری، آب	***	***	***	***
	کارایی و شدت مصرف انرژی	***	***	***	***
	دفع بهداشتی زباله، دفع بهداشتی فاضلاب	***	***	***	***
اقتصادی	ارتقاء سرانه فضای سبز	***	***		
	کاهش حجم سفرهای شهری	***	***	***	***
	قیمت و هزینه مسکن (عرضه خانه‌های ارزان قیمت) و رفت و آمد	***	***		
	شراکت و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی	***	***	***	***
	کمک‌های بخش دولتی برای بازآفرینی	***	***	***	***
	توزیع برابر و عادلانه سود و هزینه برای ذی‌نفعان	***	***	***	***
اجتماعی و فرهنگی	حضور ساکنان با سطوح درآمدی مختلف	***	***		
	درآمد مناسب و کاهش فقر و اختلاف طبقاتی	***	***	***	***
	هزینه مراقبت از تاسیسات و تجهیزات	***	***	***	***
	حمایت از کارآفرینی و اقتصاد محلی و اشتغال ساکنان در داخل محله	***	***	***	***
	بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای	***	***	***	***
	جذب گردشگران خارجی	***	***	***	***
اجتماعی و فرهنگی	عدالت، حمایت اجتماعی و توجه به ارزش‌های گروه‌های مختلف	***	***	***	***
	شلوغی و ازدحام جمعیت	***	***		
	مشارکت و همیاری افراد محله و تعامل و توافق با هم	***	***	***	***
	احساس امنیت و نظارت اجتماعی ساکنان	***	***	***	***
	ایجاد فضای اعتماد آفرین برای مشارکت گروه‌ها	***	***	***	***
	حس غرور و تعلق خاطر	***	***	***	***
اجتماعی و فرهنگی	بالا بودن مدت اقامت ساکنان	***	***		
	سرمایه اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی بالا	***	***	***	***
	آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم و تشکیل گروه‌های بحث	***	***	***	***
	حفظ شخصیت محلی - بومی و غلبه بر بدنام‌سازی	***	***	***	***
	اشاعه گردشگری فرهنگی و ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و گذران اوقات فراغت و مراکز آموزشی	***	***	***	***
	حفظ و نگهداشت تحصیل کردگان و هنرمندان در محل	***	***	***	***

مأخذ نگارندگان: اقتباس از: Nichol and Sing Wong, 2005; Hayeka et al, 2015; Talavera-Garcia and Soria Lara, 2015; Han et al, 2016; Wanga et al, 2011; Francois et al, 2017; Koltsova et al, 2012; Gao et al, 2016

جدول شماره ۴ ساحات وجودی انسان و ویژگی های هر مرتبه را بر اساس نظر ملاصدرا^۱ توضیح می دهد.

جدول شماره ۴: ساحات وجودی انسان از نظر ملاصدرا

عالم وجود	مراتب نفس	نوع انسان	ویژگی	بازه زمانی
عالم اجسام (طبیعی)	حسی	انسان اول (طبیعی)	درک محسوسات / ابزار: چشم، گوش و ... بالفعل حساس و بالقوه متخیل و متعقل	از زمان تولد تا زمانی که بدن به ضعف نگراییده
عالم مثال (نفس)	عقلی	انسان ثانی (نفسانی)	دارای قدرت تخیل / به طور کامل قادر به درک محسوسات و نیز ادراک کننده مخیلات است. بالفعل حساس و متخیل و بالقوه متعقل	پس از تلطیف و صفای وجود طبیعی
عالم مجردات (عقول)	عقلی	انسان ثالث (عقلانی)	علاوه بر دو توانایی قبلی، علوم حقیقی و الهی را درک می کند. حیات طیبه و حیات معنوی	با عروج در مسیر توحید

مأخذ: نگارندگان با اقتباس از ارشد ریاحی و اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۳۰، شجاری و محمد علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۶، طالبی، ۱۳۹۵: ۱۹۱، حاجی صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳: ۱۷۲.

به این ترتیب انسان متشکل از سه ساحت وجودی طبیعی، نفسانی و عقلانی است. هر یک از این ساحات، حیات و ویژگی های خود را دارند که در همه برنامه های مربوط به انسان و از جمله در بازآفرینی شهری، باید به طور متناسب مورد توجه جدی قرار گیرند. محیط می تواند در تناظر با سه ساحت حیات انسانی پاسخگویی نیازهای طبیعی (به گونه ای که آسایش جسمی داشته باشد و دچار اختلالات طبیعی نشود)، نفسانی (به گونه ای که آرامش روانی داشته باشد) و روحانی (انسان دچار تزلزل روحی نشود و ارتباطش با عالم غیب برقرار باشد) او باشد. مغفول نهادن هر یک از این ساحات و موضوعات مربوط به آنها، قابلیت محیط را در پاسخگویی جامع به نیازهای انسان تقلیل خواهد داد. جدول شماره ۵ ویژگی های محیط را برای پاسخگویی به نیازهای انسان بر اساس ساحات وجودی او بیان می کند.

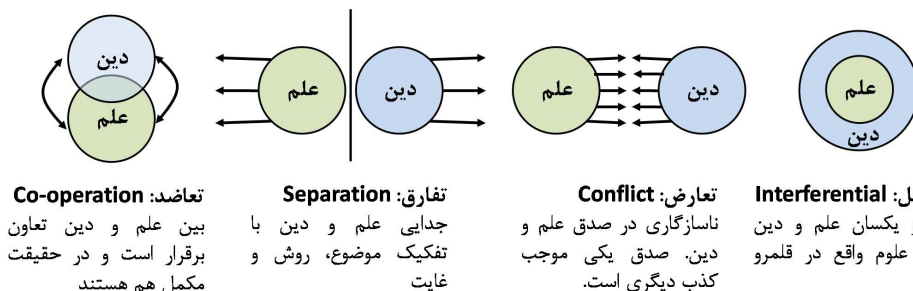
الگوی پیشنهادی

چهار رویکرد درباره نسبت میان علم و دین وجود دارد (نمودار شماره ۱). با توجه به اینکه پژوهش، از مفاهیم علمی و دینی در کنار هم استفاده می نماید، بر تعاضد (سازگاری و همراهی) علم و دین تاکید دارد و به دنبال برقراری ارتباط بین مفاهیم بازآفرینی، کیفیت محیط و مبانی اسلامی است.

جدول شماره ۵: مولفه های کیفیت بخش محیط شهر اسلامی بر اساس ساحات وجودی انسان

معنوی و روحی	ذهنی و کیفی	عینی و کمی
تجلی توحید (حضور الهی، معنویت، تسبیح و عبودیت و عبادت، تقوا). هدایت گری (به سمت تعالی معنوی، وحدت جامعه) مذکر بودن، امر به معروف و نهی از منکر، توجه دهنده به ارزش کانونی و معنوی مکان مقدس. حفظ حدود الهی	هویت، آشنایی، درون گرایی، امنیت، آرامش، انسان گرایی، تعادل، قانونمندی، اخلاق-گرایی، عدالت، جمال و زیبایی، حقیقت جویی و کمال یابی، وحدت (تعادل، ترکیب)، نظم، هماهنگی، تفکر برانگیزی، خاطره انگیزی	قلمرو (حد، اندازه، لبه و حریم)، تناسب، هماهنگی با هم و با بستر طبیعی، تاریخی، فرهنگی، سادگی، مقیاس انسانی، حضور طبیعت، پاک، مرکز گرایی، موسیقی (صوت)، توجه به عمران و آبادانی، محله-گرایی همپوندی (ارتباط و پیوستگی)، نفوذپذیری (دسترسی)، تداوم (بصری)، گوناگونی (تباين، تنوع)، ایمنی، حفظ رابطه انسان با طبیعت، حفظ محیط زیست، محیط زیستی سالم و پایدار، هوای تمیز، جلوگیری از آفات و بلاها

مأخذ: نقی زاده، ۱۳۹۴، نقی زاده، ۱۳۸۹، نقره کار و ریسی، ۱۳۹۱، سجاذزاده و موسوی، ۱۳۹۳، جهانبخش و دل زنده، ۱۳۹۳، بیات، ۱۳۹۳، لیتکوهمی و سنجرى، ۱۳۹۳، عظیمی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۱، پور احمد و موسوی، ۱۳۸۹

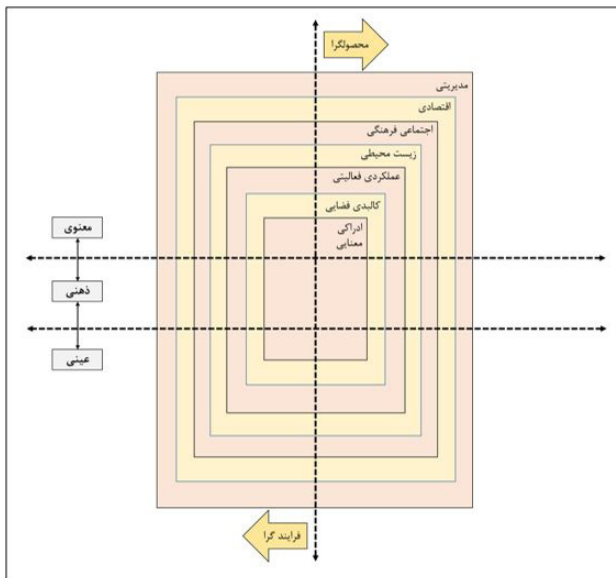


نمودار شماره ۱: نگرش های مختلف درباره ارتباط میان علم و دین

مأخذ: نگارندگان، اقتباس از اصغری، ۱۳۸۱. مهدوی نژاد، ۱۳۸۱

به گونه ای که کیفیت محیط از منظر اسلام، تعریف و مختصات متفاوتی با سایر نگرش ها دارد. نمودار شماره ۲ مفاهیم استخراج شده از اتصال مباحث سه گانه را نشان می دهد.

مفهوم کیفیت محیط موضوعی چندمشخصه و سلسله مراتبی و متغیر است که حول دو نوع شاخص عینی و ذهنی محوریندی می شود. کیفیت محیط با توجه به نوع نگرش (موضوعی) و نوع فضا (مکانی) چارچوب های گوناگونی به خود می گیرد؛



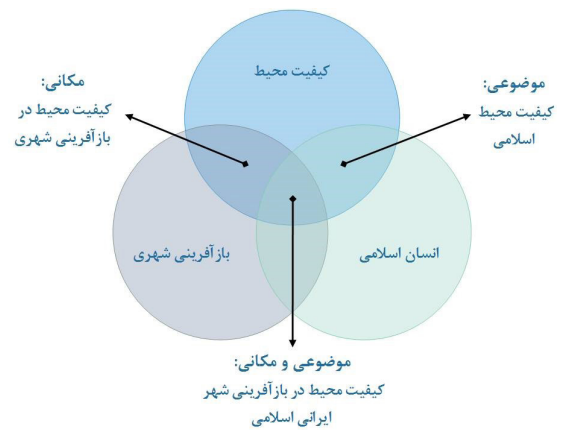
نمودار شماره ۳: کیفیت محیط در نوسازی بافت فرسوده شهرهای ایرانی اسلامی

ترکیب مطالعات کیفیت محیط به سه سطح جسمانی، نفسانی و عقلانی دسته بندی شده اند.

از آنجا که اصالت در بررسی کیفیت محیط پاسخگویی به نیازها خواهد بود؛ محیط در ابعاد هفت گانه باید به سه سطح نیاز انسان پاسخگو باشد. بنابراین کیفیت محیط شهری عبارت است از پاسخگویی محیط به نیازهای طبیعی (جسمی)، نفسانی (ذهنی) و عقلانی (معنوی) کاربران از فضای شهری. چنانچه در یک بعد یا بیشتر چنین پاسخگویی صورت نگیرد محیط، کیفیت قابل قبولی نخواهد داشت.

پی نوشت ها

- این شیوه مبتنی است بر بسنده کردن به مقولات ذهنی و عدم اتکا به مشاهدات عینی به دلیل غیر قابل تجربه بودن مفهوم «کیفیت» در تبیین نظری. این راهبرد در تبیین نظری به جای اثبات نمودن به دنبال اقتناع است (مظفر و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰).
- کدگذاری باز و محوری بر اساس نظریات استراوس و کوربین (۱۳۹۵) انجام گرفته است.
- کدگذاری باز: فرایندی تحلیلی است که با آن مفاهیم شناسایی و ویژگی ها و ابعاد آنها در داده ها کشف می شوند. استراوس و کوربین (۱۹۹۰) معتقدند نخستین گام در نظریه پردازی مفهوم سازی است. مفهوم، پدیده برجسته خورده است و به عبارتی بازنمایی انتزاعی یک رویداد، شیء (فضا و محیط) یا عمل است که پژوهشگر حضور آن را در داده ها مهم یافته است. هدف از نام گذاردن بر پدیده ها آن است که پژوهشگر بتواند رویدادها و اتفاق ها و اشیاء مشابه را تحت یک عنوان یا رده قرار دهد. رویدادها و اتفاق ها عناصر معجز و ناپیوسته اند، ولی ویژگی های مشترک یا معانی مرتبط موجود در آنها گروه بندی نشان را ممکن می سازد. تحلیل گر برای نام گذاری مفاهیم می تواند از تصویر یا معنایی استفاده نماید که آن مفهوم مرتب بر آن است یا نام را از کلماتی اخذ نماید که پاسخگویان بر زبان می آورند؛ به طوری که اگر رویداد دیگری با ویژگی های مشترک یافت شود، همان نام (کد) را بر آن قرار دهند.

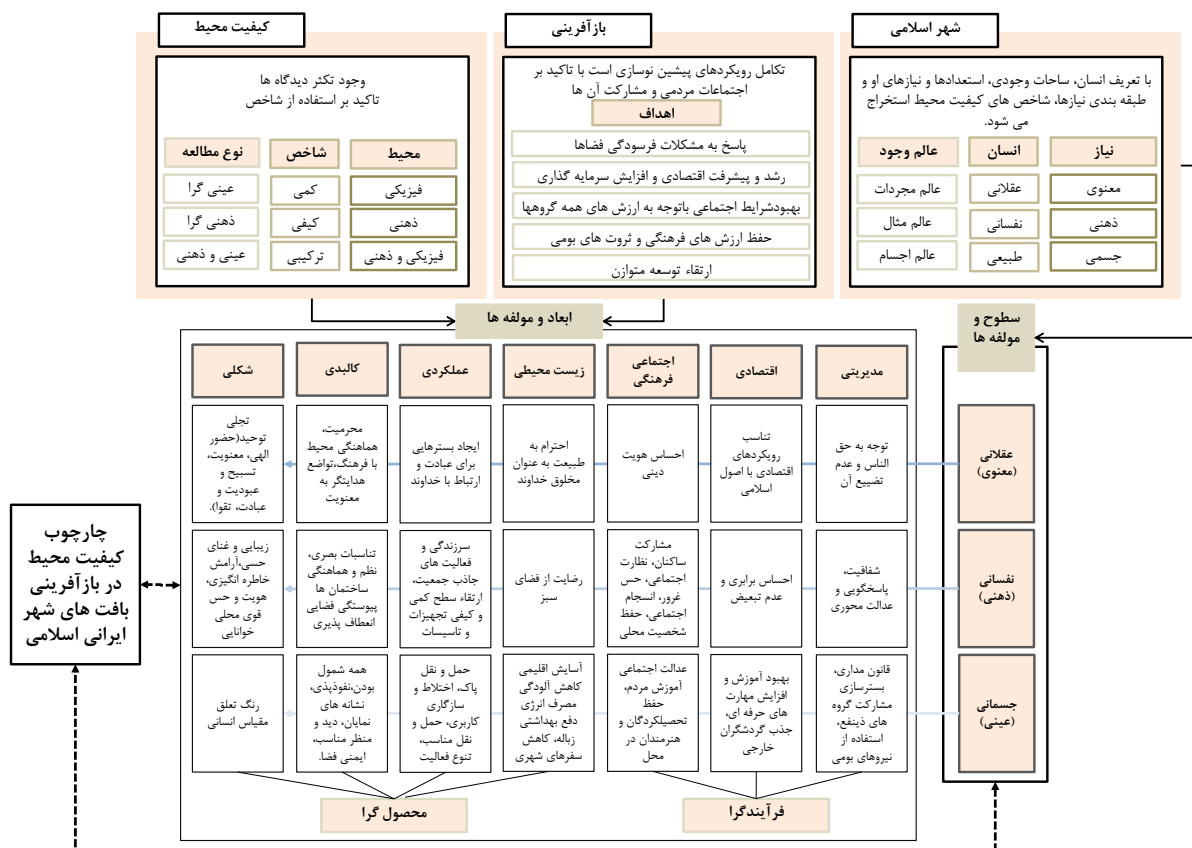


نمودار شماره ۲: مفاهیم مستخرج از اتصال مباحث سه گانه پژوهش

با توجه به نمودار فوق و تعریف انسان از منظر اسلام (در سه ساحت طبیعی، نفسانی و عقلانی)، سطح سومی به جدول شماره ۳ اضافه می شود که باید در بازآفرینی شهری مدنظر قرار گیرد. بنابراین با توجه به مطالعات قبلی می توان ادعا نمود کیفیت محیط در بازآفرینی بافت های فرسوده شهر ایرانی اسلامی مبتنی است بر ابعاد هفت گانه مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی، عملکردی فعالیتی، کالبدی فضایی و معنایی ادراکی که هر کدام دارای شاخص هایی هستند. البته سطح شاخص ها متناسب با ساحت و نیازهای هر ساحت به صورت عینی، ذهنی و معنوی خواهد بود. با توجه به اضافه شدن سطح معنوی، نمودار شماره ۳ ارائه می گردد. همان طور که در این تصویر ملاحظه می گردد لایه های هفت گانه کیفیت محیط در سه سطح عینی، ذهنی و معنوی و دو محور محصول گرایی و فرایند گرایی قابل بررسی هستند.

نتیجه گیری

بازآفرینی شهری به عنوان پارادایم متاخر و جامع تر نوسازی، با اصول و ابعاد گسترده تر و ارائه شاخص هایی چند، به کیفیت بخشی بافت های مسئله دار می پردازد. بازآفرینی شهری در منابع به پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست-محیطی و کالبدی تقسیم می شود؛ اما بر اساس مطالعات انجام شده، کیفیت محیط در بازآفرینی مبتنی بر هفت بعد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی، عملکردی فعالیتی، کالبدی فضایی و معنایی ادراکی دسته بندی شده است. از آنجا که انسان در تعریف اسلامی دارای سه ساحت طبیعی، نفسانی و عقلانی است، محیط باید پاسخگوی نیازهای هر سه ساحت باشد. بر اساس مقایسه بازآفرینی و کیفیت محیط این نتیجه حاصل می شود که مولفه ها و ابعاد بازآفرینی و کیفیت محیط در پاسخگویی به نیازهای کاربران تنها به نیازهای دو سطح اول یعنی نیازهای جسمی و ذهنی (جدول شماره ۳) می پردازد و شاخص های معنوی و روحانی را نادیده گرفته اند. در نمودار شماره ۴ نتیجه گیری این پژوهش آورده شده است. شاخص ها بر اساس



نمودار شماره ۴: جمع بندی پژوهش

۱. این مراتب متعدد به واسطه حرکت جوهری و به تدریج برای نفس حاصل می شود؛ لذا یافتن مراتب عالی به معنای از دست دادن مراتب مادی و کمالات مربوط به آنها نیست؛ بلکه هر مرتبه، متمم مرتبه قبلی است.

فهرست منابع و مراجع

۱. ارشد ریاحی، علی و حمیدرضا اسکندری (۱۳۸۹)، «مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا»، فصلنامه انسان پژوهی دینی، سال هفتم، شماره ۲۴.
۲. اصغری، محمود (۱۳۸۱)، «جستاری پیرامون ادعای تعارض علم و دین»، فصلنامه اندیشه حوزه، شماره ۳۴.
۳. استراوس، انسلم و جولیت کورین (۱۳۹۵)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
۴. آیینی، محمد و زهرا سادات اردستانی (۱۳۸۸)، «هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درونزای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون سازماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری)»، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵.
۵. بیات، بهرام (۱۳۹۳)، «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی های شهر اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، شماره اول.
۶. پوراحمد، احمد؛ کیومرث حبیبی و مهناز کشاورز (۱۳۸۹)، «سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول.

۴. فرایند مرتبط کردن مقوله ها به مقوله های فرعی، کدگذاری محوری نامیده می شود؛ زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می گیرد و مقوله ها را در سطح ویژگی ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می کند. غرض از کدگذاری محوری آغاز کردن فرایند از نو کنار هم گذاشتن داده هایی است که در جریان کدگذاری باز، آنها را خرد کرده ایم. در کدگذاری محوری، مقوله ها به مقوله های فرعی متصل می شوند تا توضیح های دقیق و کامل تری از پدیده ها شکل گیرد. لازمه کدگذاری محوری آن است که تحلیل گر به تعدادی مقوله رسیده باشد. در کدگذاری محوری خردمقوله ها از آنچه الگوواره نامیده می شود به مقوله ها ارتباط می یابند. به عبارتی مقوله هایی که در ذات خود دارای شدت و ضعف در یک بعد مشخص هستند به الگوهایی دسته بندی می شوند. با کدگذاری محوری روابط و نسبت های میان مقوله ها آشکار می شود. تحلیل گر می خواهد ساخت را با فرایند مربوط کند، زیرا ساخت (شرایط) صحنه را می بیند. اگر ساختارها را مطالعه کنیم چرایی انجام پدیده ها را درمی یابیم. اگر فرایند مطالعه شود به چگونگی پرداخته شده است. لازم است ساختار و فرایند با هم مطالعه گردد.

5. Stohr, 1989 and Lichfield, 1992 cited in Roberts, 2000, p 14
6. large-scale urban reconstruction (clearance, comprehensive redevelopment)
7. urban revitalisation and area improvement
8. Public Private Partnerships
۹. علامه طباطبایی درباره مراتب ادراک زیبایی می گوید: حسن یا زیبایی عبارت است از هر چیزی که بهجت آورد و انسان به سوی آن رغبت کند و این حالت سه قسم است: ۱- چیزی مستحسن از جهت عقل باشد، یعنی عقل آن را نیکو بداند ۲- از نظر هوای نفس نیکو باشد ۳- از نظر حسی زیبا و نیکو باشد. البته این تقسیمی است برای زیبایی از نظر ادراکات سه گانه انسان (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۰).

۲۴. نقی زاده، محمد (۱۳۹۴)، **شهر زیبا، مبانی، عوامل، معیارها**، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۲۵. نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، «حس حضور، مطلوب ترین برآیند ارتباطات انسان با محیط»، **دو فصلنامه مطالعات معماری ایران**، شماره ۲.
۲۶. نوریان، فرشاد و اندیشه آریانا (۱۳۹۱)، «تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان»، **نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی**، دوره ۱۷، شماره ۲.
۲۷. Banzhafa, E. Barrerab, F. Kindler, A. Reyes, S. Paec, U. Welza, J. Kabischa, S. 2014, a conceptual framework for integrated analysis of environmental quality and quality of life, *Ecological Indicators* (45). pp 664-668.
۲۸. Bevilacqua, C. Calabrò, J. Maione, C. 2013, The Role of Community in Urban Regeneration: Mixed Use Areas Approach in USA Proceedings REAL CORP 2013 Tagungsband and 20-23 May 2013, Rome, Italy.
۲۹. Francois, C. Gondran, N. Nicolas, J. Parsons, D. 2017, Environmental assessment of urban mobility: Combining life cycle assessment with land-use and transport interaction modelling—Application to Lyon (France), *Ecological Indicators* 72, pp 597-604.
۳۰. Gao, M. Ahern, J. Koshland, C. 2016, Perceived built environment and health-related quality of life in four types of neighborhoods in Xi'an, China, *Health & Place* 39 pp 110-115.
۳۱. Ge, J. Kazunori, H. Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction, *Landscape and Urban Planning*, Vol. 78, No. 3, pp 65-78.
۳۲. Han, J. Liang, H. Hara, K. Uwasu, M. Dong, L. 2018, Quality of life in China's largest city, Shanghai: A 20-year subjective and objective composite assessment. *Journal of Cleaner Production*, (173), pp 135-142.
۳۳. Koltsova, A. Kunze, A. Schmitt, G. 2012, Design of Urban Space at Pedestrian Scale: A Method for Parameterization of Urban Qualities. 16th International Conference on Information Visualisation.
۳۴. Marans, R. W. 2015, Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities. *Habitat International* (45), pp 47-52.
۳۵. Moore, J. 2000, Placing Home in Context, *Journal of Environmental Psychology* 20(3), pp 207-217.
۳۶. Ng, M.K. 2005, Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong Social Indicator Research 71, pp 441-465.
۳۷. Nichol, J. Sing Wong, M. 2005, Modeling urban environmental quality in a tropical city, *Landscape and Urban Planning* 73, pp 49-58.
۳۸. Ozlem, G. 2009, Urban regeneration and increased competitive power: Ankara in an era of globalization, Volume 26, Issue 1, pp 27-37.
۳۹. Pacione, M. 2003, Urban environmental quality and human wellbeing—a social geographical perspective. *Landscape and Urban Planning* (65). pp 19-30.
۷. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲.
۸. جهانبخش، حیدر و علی دل زنده (۱۳۹۳)، «بازشناسی اصول، مولفه ها و شاخص های فطری سازمان بندی شهر اسلامی با رویکرد اجتماعی کالبدی»، **پژوهش های معماری اسلامی**، شماره چهارم.
۹. حاجی صادقی، عبدالله و ابوالقاسم بخشیان (۱۳۹۳)، «مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن»، **دو فصلنامه علمی پژوهشی انسان پژوهی دینی**، سال ۱۱، شماره ۳۱.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، **مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران.
۱۱. حسن زاده، مهرانوش و حسین سلطان زاده (۱۳۹۶)، «تدوین مدل مفهومی تحقق پایداری بافت های تاریخی با رویکرد راهبردی برنامه ریزی بازآفرینی»، **باغ نظر**، سال ۱۴، شماره ۵۶.
۱۲. زمانیها، حسین (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل نسبت بین کمال انسانی و ساخت های طولی و عرضی حیات در فلسفه ملاصدرا»، **دو فصلنامه پژوهش های فلسفی**، سال ۱۰، شماره ۱۸.
۱۳. سامه، رضا و علی صداقت (۱۳۹۲)، «مرتب بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه های قرآن و حکمت اسلامی»، **دو فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم**، سال چهارم، شماره اول.
۱۴. سجاذزاده، حسن و سیده الهام موسوی (۱۳۹۳)، «ابعاد چيستی شناسی و هستی شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۶.
۱۵. شجاری، مرتضی و جعفر محمدعلیزاده (۱۳۹۱)، «ارتباط مراتب انسان با مراتب هستی از دیدگاه ملاصدرا»، **انسان-پژوهی دینی**، سال نهم، شماره ۲۷.
۱۶. طالبی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «حقیقت انسان از منظر عقل و وحی»، **دو فصلنامه علمی پژوهشی انسان پژوهی دینی**، سال ۱۳، شماره ۳۶.
۱۷. عظیمی هاشمی، مژگان؛ سعید شریعتی مزینانی و فائزه اعظم کاری (۱۳۹۱)، «مولفه های اجتماعی-فرهنگی شهر زیارتی پایدار، مورد مطالعه شهر مشهد»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره ششم، شماره ۳ و ۴.
۱۸. لیتکوهی، ساناز و سپیده سنجر (۱۳۹۳)، «مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری»، **پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۲.
۱۹. محبی فر، امیرحسین؛ محمدحسین صبحیه؛ مجتبی رفیعیان؛ یحیی حساس یگانه و شعبان الهی (۱۳۹۶)، «حاکمیت برنامه بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر تهران با رویکرد شبکه»، **باغ نظر**، سال چهاردهم، شماره ۵۳.
۲۰. مظفر، فرهنگ؛ عبدالحمید نقره کار؛ مهدی حمزه نژاد و صدیقه معین فر (۱۳۹۶)، «معناشناسی حیات و سرزندگی در آموزه های اسلامی و بررسی تاثیر آن در محله»، **فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۱۴.
۲۱. مهدوی نژاد، محمدحسین (۱۳۸۱)، «ارتباط علم و دین با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری»، **فصلنامه اندیشه صادق**، شماره ۶.
۲۲. نقره کار، عبدالحمید و محمدمنان رئیس (۱۳۹۱)، «تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷.
۲۳. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱.

40. RIVM Report, Environmental Quality and Human Well-being. Outcomes of a Workshop, 2002. Utrecht, April 28 and 29.
41. Roberts, P. 2000, The evolution, definition and purpose of urban regeneration, in P. Roberts and H. Syke(eds.). Urban Regeneration, A Handbook. British Urban Regeneration Association, SAGE Publications, London
42. Roberts, P. Sykes, H. 2000, Urban Regeneration: A Handbook, London: Sage
43. Sasaki, M. 2010, Urban regeneration through cultural creativity and social inclusion: Rethinking creative city theory through a Japanese case study. Cities 27. pp3-9.
44. Smith, C. Levermore, G. 2008, Designing Urban Spaces and Buildings to Improve Sustainability and Quality of Life in a Warmer World, Energy Policy 36 . pp 4558-4562.
45. Strauss, A. Corbin, J. 1990, Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Sage Publications, Inc.
46. Talavera-Garcia, R. Soria-Lara, J. 2015, Q-PLOS, developing an alternative walking index. A method based on urban design quality. Cities 45, pp 7-17.
47. UNEP (2004), Guidelines for Urban Regeneration in the Mediterranean Region, Priority Actions Programme Regional Activity Centre, Split.
48. Van Kamp, L. Leidelmeijer, K. Marsman, G. Hollander A. 2003, Urban Environmental Quality and Human Well-being, towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts, a literature study, pp 5-18.
49. Wanga, H. Sua, X. Wanga, C. Dong, R. 2011, Fractal analysis of urban form as a tool for improving environmental quality, International Journal of Sustainable Development & World Ecology, Vol. 18, No. 6, pp 548-552.
50. Hayeka, U. Efthymioub, D. Farooqc, B. von Wirthd, T. Teiche, M. Neuenschwandera, N. Grêt-Regameya, A. 2015, Quality of urban patterns: Spatially explicit evidence for multiple scales. Landscape and Urban Planning (142), pp 47-62.

تحلیل نقش بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در توسعه گردشگری شهری

علی شمعی^۱ * (نویسنده مسئول)، حسن رضاپور میر صالح^۲، علی موحد^۳

^۱ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران

^۲ دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران

^۳ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۵)

چکیده

بازآفرینی پایدار شهری برخلاف رویکردهای پیشین برنامه‌ریزی شهری که توجه صرف به جنبه‌های کالبدی می‌شد و مانع از تحقق اهداف معاصر سازی می‌گشت؛ توسعه و تجدید ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کارکردی شهر به عنوان نقشی مهم و تفکیک‌ناپذیر از جریان توسعه شهری مورد توجه قرار می‌دهد. یکی از روش‌های پیاده‌سازی بازآفرینی شهری، برنامه‌ریزی گردشگری بافت‌های قدیم شهری است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در صدد است تا با شناخت الگوهای بهینه توزیع عناصر زیرساختی شهر در راستای توسعه گردشگری انجام گرفته است. از این رو دیدگاه غالب پژوهش بازآفرینی پایدار شهری است. این پژوهش از لحاظ روش، اکتشافی-تحلیلی بوده است. محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، بافت قدیم شهر اردکان به میزان ۴۷ هکتار و ترکیب یافته از سه محله بوده است. نمونه مورد مطالعه به تعداد ۳۰ نفر از کارشناسان شهرداری، میراث فرهنگی و نخبگان شهری است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل SWOT و QSPM بوده و نرم‌افزارهای مورد استفاده برای تحلیل، نرم‌های اکسل GIS و SPSS بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین هفت استراتژی مهم نقش بازآفرینی در توسعه گردشگری شهر اردکان، استراتژی هفتم یعنی «هدایت گرایش مردم به گذران اوقات فراغت در بافت‌های تاریخی با تبلیغات و معرفی عناصر و جاذبه‌های بافت» می‌تواند بیشترین نقش بازآفرینی در این بافت‌ها را داشته باشد. این گرایش می‌تواند با ایجاد کاربری‌هایی برای مقاصد خرید، آموزش، تفریح و سرگرمی و یا اهداف دیگر عملی شده و سایر عناصر تاریخی نیز در کنار چنین عواملی مورد توجه قرار گیرد. همچنین از لحاظ کیفیت اقدامات بازآفرینی در راستای توسعه گردشگری بر اساس روش تحلیل فضایی و مدل SWOT مشخص شد که محله چرخاب و بخش‌هایی از جنوب محله بازار نو دارای بیشترین پراکندگی کاربری‌های مخروبه و بایر است و ضرورت دارد توجه بیشتری به این بخش‌ها شود.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، پایداری شهری، گردشگری شهری، بافت قدیم شهر اردکان.

بافت قدیمی شهرها، گنجینه‌ای ارزشمند از تاریخ و تمدن جوامع بشری است. این بافت از مزیت‌های مهمی برخوردار بوده و می‌تواند در ابعاد گوناگون در رونق اقتصادی و اجتماعی شهر تأثیرگذار باشد. در کنار قدمت تاریخی و وجود عناصر باارزش در آن، موقعیت مناسب ارتباطی، قرارگیری بازار اصلی شهر و قلب تپنده اقتصادی در آن، ارزش و جایگاه منحصر به فردی در ساختار و کارکرد فضایی شهر بر عهده دارد؛ در حالی که این گونه بافت‌ها علی‌رغم دارا بودن پتانسیل‌ها و نقاط قوت، در طول زمان با تحولات متعددی مواجه شده و به تدریج دچار نارسایی و اختلال در ابعاد مختلف کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ارتباطی و زیست‌محیطی گردیده‌اند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴)؛ بنابراین توجه به حفظ و نگهداری بافت‌های قدیمی و تاریخی شهر در قالب بازآفرینی، می‌تواند نقش کلیدی در اقتصاد و کیفیت اجتماعی ساکنان شهر داشته باشد.

در ادبیات اخیر دنیا، واژه بازآفرینی به‌عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی را در برمی‌گیرد، به کار می‌رود. در بازآفرینی شهری، فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضای (کالبدی و فعالیتی) منجر به افزایش کارایی آن می‌شود (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵). در نتیجه با افزایش کارایی و کیفیت فضای، جاذبه‌های فضایی نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر در بازآفرینی شهری بالأخص در بافت‌های قدیمی، سازمان فضایی جدیدی منطبق با شرایط تازه با ویژگی‌های نو خلق می‌شود (زنگی آبادی و مؤیدفر، ۱۳۹۱: ۲۹۸). در این شرایط، ارزش‌های فرهنگی و ثروت‌های بومی و تاریخی حفظ می‌شود، اما کیفیت محیط برای شهروندان و سایر افراد غیربومی افزایش پیدا می‌کند. بدین صورت در چنین شرایطی، محدوده بافت تاریخی شهر، به فضاهای مستعدی برای استفاده در مقاصد گوناگون از جمله اوقات فراغت و فضایی برای استفاده گردشگران تبدیل شده و می‌تواند فرصت‌های زیادی در راستای رشد و توسعه اقتصاد شهر به دنبال داشته باشد؛ از جمله این فرصت‌ها ایجاد اشتغال و ارزش افزوده زمین و املاک در بافت‌های قدیمی، افزایش تنوع اقتصادی، رشد کارگاه‌های کوچک تولیدی در این بافت‌ها و عرضه تولیدات آنهاست. علاوه بر این، ساکنان محلی ممکن است به مجموعه وسیع از فعالیت‌های خدماتی دسترسی پیدا کنند و این فرصت به افزایش کیفیت اجتماعی و درآمد ساکنان منجر می‌شود.

نظریات مختلفی در خصوص بازآفرینی بافت قدیمی شهر با تکیه بر اقتصاد پایدار و ارتباط آن با گردشگری پایدار ارائه شده است. ابتدا بازآفرینی با پشتیبانی طلابه‌داران تئوری انتقادی و جامعه‌گرایان مشهوری نظیر جیکوبز مطرح شد و بعدها با تقویت دیدگاه تعاملی به‌عنوان یکی از ارکان مرمت شهری اعتبار خود را حفظ نمود. بعدها بازآفرینی شهری به دنبال توسعه اقتصادی و وجود جریان نوسازی در قالب تجدید نسل شهری مورد توجه قرار گرفت. امروزه در

بازآفرینی و مداخله در بافت‌های تاریخی شهر، تحقق «پایداری» مد نظر متخصصان و مدیران شهری است؛ اما این مداخله باید با توجه به مسئله موجود و نوع بافت تاریخی صورت پذیرد. هدف از این اقدامات در بافت‌های تاریخی حفظ ساختار و عملکرد آثار، بناها و فضاهای تاریخی در عین انطباق آن با جامعه مدرن است. از این منظر اقدامات بازآفرینی و حفاظتی بافت‌های تاریخی با دو رویکرد متفاوت همراه است: رویکرد ایستا و رویکرد پویا (Salama, 2000). در رویکرد ایستا، بناها و کالبد موجود که حائز ارزش‌های تاریخی هستند حفاظت و در صورت امکان برای آیندگان تجهیز می‌شوند. در رویکرد پویا، بافت تاریخی توسعه می‌یابد و بازسازی می‌شود و به‌عنوان بخشی از فرایند بازآفرینی یکپارچه محسوب می‌گردد (حسن زاده و سلطان زاده، ۱۳۹۵: ۲۰). پژوهش حاضر تلاش دارد تا با استفاده از رویکرد پویا به بازآفرینی بافت تاریخی در شهر اردکان بپردازد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده طی دهه‌های اخیر مشخص شد که در خصوص بازآفرینی شهری و بالأخص بازآفرینی بافت قدیم در شهر اردکان، نگرش ترکیبی بازآفرینی با رویکرد گردشگری شهری کمتر مورد توجه واقع شده است؛ و بخصوص در شهر اردکان پژوهش‌های اخیر تنها از بعد راهبردهای توسعه گردشگری و یا توجه به برنامه‌ریزی و احیاء بافت قدیم به اجرا درآمده‌اند؛ اما با توجه به نظریات اخیر در حوزه بازآفرینی و توسعه پایدار شهرها، مشخص شده است که یکی از نیروهای محرک در توسعه شهرهای پایدار توجه به گردشگری شهر است. بدین منظور تحلیل فرایند بازآفرینی شهری با رویکرد گردشگری شهری می‌تواند روند توسعه شهر را در مسیر پایداری قرار دهد.

شهر اردکان یکی از شهرهای استان یزد با دارا بودن پهنه وسیعی از بافت تاریخی ارزشمند، فضای مستعدی برای توسعه پایدار اقتصاد شهری و همچنین توسعه گردشگری است؛ اما چنین قابلیت‌هایی هنوز در حالت بالقوه به سر می‌برند. از طرفی بافت قدیمی این شهر با قدمت تاریخی فراوان که سیمایی از میراث گذشتگان و هویت تاریخی مردمان قدیم را به نمایش می‌گذارد با مصادیق زندگی شهری و نیازهای ساکنان آن در تضاد است. از طرف دیگر تحمیل شهرسازی جدید بر بدنه آن می‌تواند آثار زیان‌باری به بار آورده و چه‌بسا کارایی این بافت و معنا و مفهوم هویت تاریخی آن از بین برود؛ بنابراین مطالعه چگونگی مداخله و استفاده مجدد از این بافت ضرورت دارد. بازآفرینی شهری در این بافت‌ها با رویکرد پویا می‌تواند بسیاری از ویژگی‌ها و مشخصه‌های آنها را به نمایش بگذارد. در نتیجه می‌توان راهبردها و اقدامات متناسب و بهینه‌ای برای استفاده مجدد به‌خصوص در حوزه گردشگری در پیش گرفت. برای این منظور در پژوهش حاضر به تحلیل بازآفرینی بافت قدیمی شهر اردکان با رویکرد پویا به‌منظور توسعه گردشگری شهری پرداخته شده است.

سؤال‌های پژوهش

پراکندگی فضایی عناصر بازآفرینی در بافت قدیم شهر اردکان چگونه است؟ و تا چه میزان بازآفرینی بافت قدیمی در توسعه گردشگری مؤثر بوده است؟

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

بررسی سیر تحول سیاست‌های بازآفرینی شهری به‌ویژه از قرن نوزدهم تا به امروز، نشانگر این است که در هر دوره‌ای بر اساس شرایط زمانه، رویکرد و نوع نگاه خاصی در امر مداخله در بافت‌های قدیمی و تاریخی غلبه داشته است. متصدیان نیز در هر مقطع زمانی با وقوف بر نقاط ضعف هر رویکرد، سعی در اصلاح آن داشته و بدون رد کامل رویکرد قبلی در جهت تکمیل آن تلاش کرده‌اند. به این ترتیب، رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد و عرصه، تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۵)؛ بنابراین حاصل تکامل نگرش‌های فوق، ظهور نگرش بازآفرینی شهری در دهه ۱۹۹۰ بود. نوعی رویکرد مداخله‌ای که با نگاه به گذشته و بدون پاکسازی هویت‌های تاریخی دوره‌های مختلف، به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی مردمان عصر حاضر می‌انديشد (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۱۸).

در این میان کوین لینچ و جین جیکوبز از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم بودند که در زمینه بهسازی و نوسازی شهری بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهار نظر کرده‌اند. به اعتقاد لینچ باید در جریان بهسازی و نوسازی شهری، برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر صورت گیرد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۹۵). بافت‌های فرسوده و قدیمی و در اصطلاح «بافت‌های مسئله‌دار مزمن» به اصل روابط انسانی، همسایگی، موضوع خودترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تأکید دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۸). همچنین ساماندهی فضاهای شهری درصدد زنده کردن بافت‌های کهن شهری است و تزئین شهری یکی از راه‌حل‌های آن است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۶). بنابراین نباید میراث و یادگارهای گذشته را با ویژگی‌های والایی که داشته‌اند به‌سادگی رها کرد، بلکه باید از آنها الهام گرفت و مبانی آن را شناخت (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در پژوهشی در انگلستان، دلایل زوال شهری پرداخته شده است و اصولی را برای ارتقاء کیفیت شهری در انگلستان ارائه داده‌اند. حاصل کار گزارشی است به نام «به سوی نوزایی شهری» که در آن گزارش، طیف گسترده‌ای از پیشنهادهاى آینده‌نگرانه ارائه شده

است. گزارش کار حاوی بیش از ۱۰۰ راهکار در زمینه‌های طراحی شهری، مدیریت، ترابری، بازآفرینی مراکز تاریخی و قدیمی و... است (فرخ زنسوزی، ۱۳۸۰: ۹). رمز انعطاف‌پذیری در طرح‌ها و پایداری آنها، ارتباط با محیط پیرامون است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۵۳). از دیگر راهکار شناخت بهتر بافت‌های تاریخی و فرسوده شهر، توجه به نظم ارگانیک و اندام‌واره یا سازماند آن است (پورجعفر، ۱۳۸۸: ۱۵). همچنین به اصولی از قبیل مشارکت مردمی، نظم ارگانیک، تعادل پایدار با معاصرسازی عناصر فرعی می‌توان به تعادل پایدار رسید (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۵۰).

موارد مطروحه نشان دادند که بازآفرینی بافت‌های قدیمی شهر، از ابعاد مختلف به توسعه پایدار شهر کمک می‌کند. یکی از ابعاد توسعه شهر، توجه به گردشگری شهری است. بازآفرینی بافت‌های تاریخی در قالب گردشگری شهری نیازمند راهبردها و اقداماتی است تا ملزومات و نیازمندی‌ها گردشگران نادیده گرفته نشود و قابلیت‌ها و جاذبه‌های این بافت‌ها در جهت رونق گردشگری به کار گرفته شود. از جمله دیدگاه‌های بازآفرینی بافت‌های تاریخی، دیدگاه راهبردی و یکپارچه است. دیدگاه راهبردی، فرایندی با چرخه‌ای مداوم است که با مسائل، نیازها و اولویت‌های طراحی به تعیین اهداف و انتخاب عرصه‌های تصمیم‌گیری می‌پردازد. برنامه‌ریزی راهبردی، رویکردی نوین از برنامه‌ریزی است که شیوه نظام یافته‌ای برای اخذ تصمیم‌ها و اجرای فعالیت‌ها در خصوص شکل‌دهی و رهنمود هر سیستم، کارکرد و شناخت علل آن است (زنگی آبادی و دیگران، ۱۳۹۱). در حوزه بافت‌های تاریخی نیز رویکرد راهبردی با بررسی چگونگی افزایش عملکردهای بافت و استفاده از فرصت‌های آن به هدف گذاری و اتخاذ تصمیم اشاره دارد. با توجه به فرایند بازآفرینی، این نکته شایان ذکر است که اقدامات صورت گرفته برای بهسازی بافت قدیمی شهرها، خود ممکن است به زوال و از بین رفتن بافت‌های تاریخی منجر شود. در بسیاری از موارد بافت تاریخی، ظاهری مناسب دارد، اما عدم تطابق میان خدمات قابل ارائه در محدوده با نیازهای دوران معاصر باعث انزوا، عقب‌ماندگی و افول کیفیت زندگی می‌گردد (Lichfield, 1988).

فرایند نوین برگرفته از رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی و روش‌های مداخله در بافت، خوانشی دیگر از نوع رویکردهای مواجهه با بافت‌های تاریخی را روشن می‌سازد که شامل سه مرحله اصلی شناخت و تحلیل مسائل و فرصت‌ها، تحلیل فرایند زوال بافت تاریخی و ارائه راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی است. این فرایند تلاش دارد که بر مبنای شناخت وضع موجود به تحلیل بافت و از آن دریچه به ارائه راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی در حوزه گردشگری اقدام نماید (Tiesdell et al, 1996). در عین حال فرصت‌های موجود در بافت تاریخی با مفهوم «پویایی توسعه» و «توسعه پایدار» معنا می‌یابد که اغلب رابطه دو طرفه‌ای میان

این نظرات با ویژگی‌های بافت قدیمی شهر اردکان که از اسناد و منابع موجود به دست آمده بود، ترکیب شد و در نهایت ماتریس اولیه سوات به دست آمد. در مرحله دوم از پژوهش میدانی، از آزمودنی‌های مورد هدف خواسته شد با روش مقایسه زوجی به مشخصه‌های به دست آمده برای بافت قدیمی شهر اردکان رتبه بدهند. در کنار این مقایسه زوجی، همچنین در یک پرسشنامه جداگانه از آزمودنی‌ها خواسته شد که در قالب طیف ۴ گزینه‌ای میزان قابلیت هرکدام از مشخصه‌های بافت قدیمی شهر را امتیازدهی کنند. ترکیب دو امتیاز فوق، نمره نهایی تحلیل سوات را تشکیل داده است. در این ماتریس سوات، امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد متفاوت فراهم آمد. در واقع بر حسب وضعیت سیستم، چهار دسته راهبرد که از نظر درجه کنشگری متفاوت بودند، مورد شناسایی قرار گرفت (جدول شماره ۱). این چهار دسته راهبرد هر کدام نمایانگر استراتژی متفاوتی است که در تحلیل‌های راهبردی از آن استفاده می‌شود (ضرابی و محبوب‌فر، ۱۳۹۲: ۴۲).

جدول شماره ۱: ماتریس SWOT

عوامل درونی عوامل بیرونی	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	ناحیه ۱ (SO) - استراتژی‌های تهاجمی	ناحیه ۳ (WO) - استراتژی‌های محافظه کارانه
فهرست تهدیدها (T)	ناحیه ۲ (ST) - استراتژی‌های رقابتی	ناحیه ۴ (WT) - استراتژی‌های تدافعی

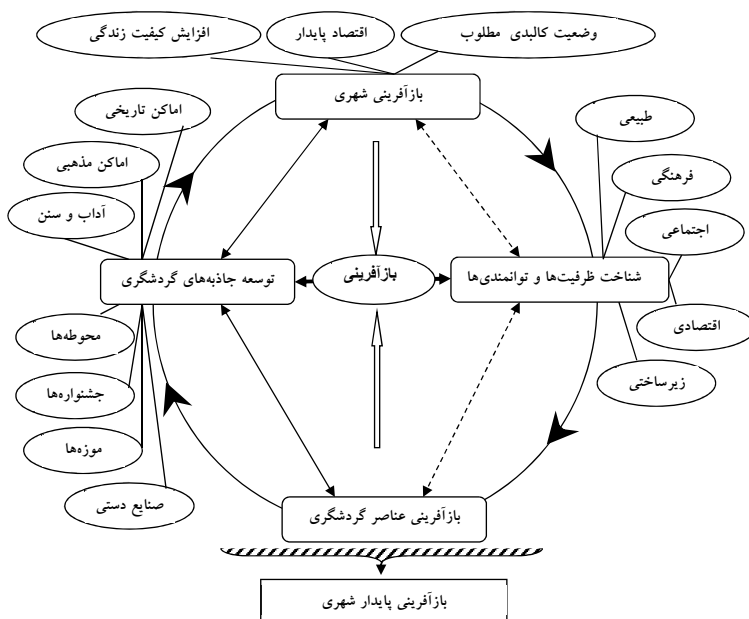
مأخذ: الماسی و دورفرد، ۱۳۹۰: ۱۰۴

راهبرد تهاجمی: در این ناحیه هدف اصلی آن است که با راهبرد حداکثر-حداکثر تمام عوامل مشخص در یک سیستم، همزمان به حداکثر قوت و فرصت‌های خود دست پیدا کند.
راهبرد رقابتی: این راهبرد که استراتژی حداکثر-حداقل است بدین معنی است که از قوت‌های سیستم برای مقابله با تهدیدات آن استفاده می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدات است.
راهبرد محافظه کارانه: این راهبرد که از آن راهبرد حداقل-حداکثر نام می‌برند، تلاش دارد با کاستن از ضعف‌ها، حداکثر استفاده را از فرصت‌های موجود ببرد.
راهبرد دفاعی: هدف کلی راهبرد دفاعی یا حداقل-حداقل که می‌توان آن را راهبرد بقا نیز نامید، کاهش ضعف‌های سیستم برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدهاست (گلکار، ۱۳۸۴: ۵۳).

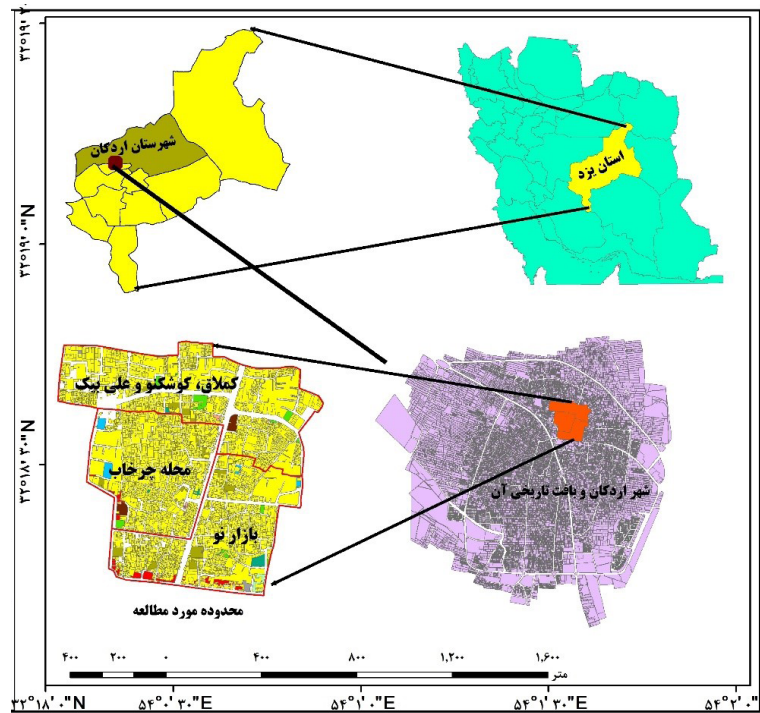
نوع بازآفرینی بافت تاریخی برای جلوگیری از زوال و استفاده از قابلیت‌ها و پویایی توسعه آن مکان از سویی دیگر وجود دارد. این مفهوم با وجود ظرفیت‌ها و شرایط متفاوت برای رشد و توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی سروکار دارد (حسن زاده و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲). بسته به میزان فشارهای توسعه اقتصادی در مکان مورد نظر، بافت تاریخی می‌تواند با روندهای متفاوت «پویایی توسعه» مواجه شود: توسعه صعودی، ثابت و یا نزولی (Oktay, 2005). براساس نتایج تحلیل‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و ارزش‌ها، می‌توان نوع و سطح بازآفرینی برای گردشگری شهری را شناسایی و متناسب با آن رویکردهای راهبردی برای بازآفرینی اتخاذ نمود (شکل شماره ۱).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، اکتشافی-تحلیلی بوده است. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت پیمایشی و اسنادی-کتابخانه‌ای بوده است. محدوده مورد مطالعه پژوهش، بافت قدیمی شهر اردکان بوده است. جامعه آماری پژوهش افراد آگاه و با تحصیلات عالیه و ساکن در بافت قدیم شهر اردکان بوده است. از این افراد، با روش گلوله برفی به تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. نوع فرد (افراد مورد انتخاب) با تکنیک گلوله برفی انتخاب شد و تعداد آنها نیز با توجه به اشیاع نظرات آنها در خصوص انتخاب مؤلفه‌های چهارگانه سوات در وهله اول و یکسان شدن نظرات در مقایسه زوجی در وهله دوم به تعداد ۳۰ نفر انتخاب شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش استفاده شد. در روش اول ابتدا از افراد مورد مطالعه، مصاحبه‌ای نیمه ساختار یافته به عمل آمد و نظرات آنها در خصوص ویژگی‌های چهارگانه سوات پرسیده شد.



شکل شماره ۱. چارچوب تعیین راهبردهای بازآفرینی بافت‌های تاریخی در توسعه گردشگری شهری



شکل شماره ۲: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

و بخشی از آن در حاشیه شهر قرار دارد. محدوده تاریخی شهر اردکان در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۲۱۱ واحد مسکونی، ۱۲۴۳ خانوار و ۴۵۳۸ نفر جمعیت بوده است (کلاتری و آقاصفیری، ۱۳۸۷: ۷). با توجه به جمعیت مذکور، می‌توان نتیجه گرفت بافت قدیمی شهر اردکان حدود ۶/۰۲ درصد جمعیت کل شهر را داراست.

یافته‌های پژوهش

بافت تاریخی شهر اردکان از کاربری‌های مختلفی تشکیل شده است. این کاربری‌ها شامل کاربری‌های مسکونی، حسینیه و تکیه، مسجد، مدرسه، حمام، تجاری، فضای سبز، باغات، اداری، فرهنگی، درمانی و بهداشتی، کاروانسرا، آب انبار، خدماتی، و فضاهای تخریب شده است. ابنیه موجود در بافت قدیمی این شهر راه از نظر کیفیت می‌توان به سه دسته: سالم، نیمه مخروبه و مخروبه، از نظر بهره‌برداری ابنیه به سه دسته: فعال، نیمه فعال و غیرفعال، از نظر اصالت ابنیه به چهار دسته نوساز، بازسازی شده، اصیل و نیمه اصیل و از نظر ارزش ابنیه به صورت باارزش، باارزش متوسط و فاقد ارزش دسته‌بندی نمود. پروژه‌های انجام شده در بافت تاریخی شهر اردکان برای بازآفرینی شامل طرح پردیسان، طرح احیای بازار قدیم اردکان و طرح دستیابی به الگوی احیای بافت‌های باارزش با مشارکت کلیه ذی‌نفعان با توجه ویژه به ساکنان بافت بوده است. هر کدام از این پروژه‌ها و طرح‌ها در محدوده محلات موجود در این بافت تأثیراتی در راستای بازآفرینی شهری بر جای گذاشته‌اند. به منظور شناسایی وضع موجود این محلات با توجه به اقدامات انجام شده از تحلیل‌های فضایی در نقشه‌های جغرافیایی محدوده استفاده شده است (شکل شماره ۳).

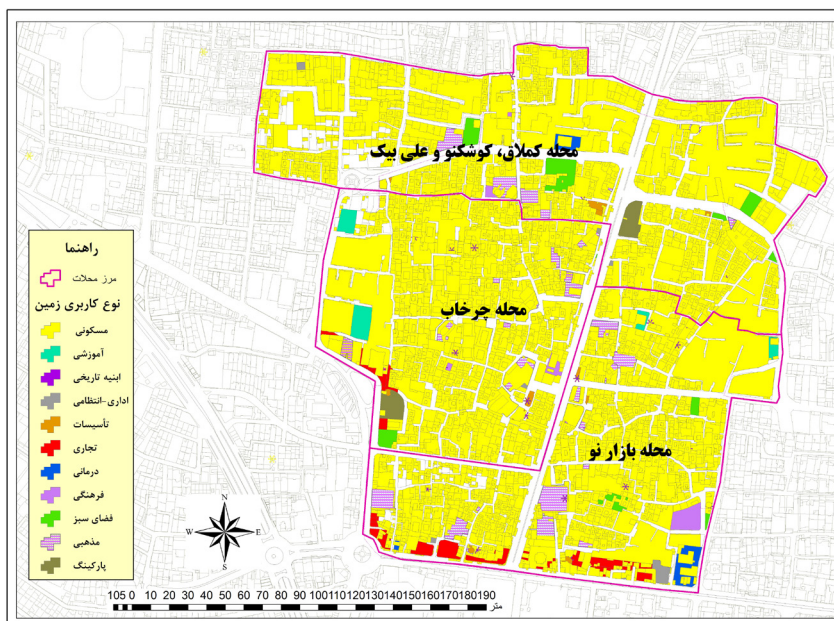
برای تحلیل داده‌های جغرافیایی و شناسایی نحوه پراکندگی عناصر موجود در محله‌های بافت تاریخی شهر اردکان از تحلیل GIS استفاده شده است. برای این منظور ابتدا موقعیت تاریخی بافت قدیمی شهر اردکان شناسایی و سپس محلات موجود در آن مشخص شد. در نهایت عناصر و مشخصه‌های مرتبط با گردشگری و توانمندی‌های آن برای استفاده در تحلیل‌های SOWT مورد بررسی قرار گرفت.

معرفی و شناخت محدوده مورد مطالعه

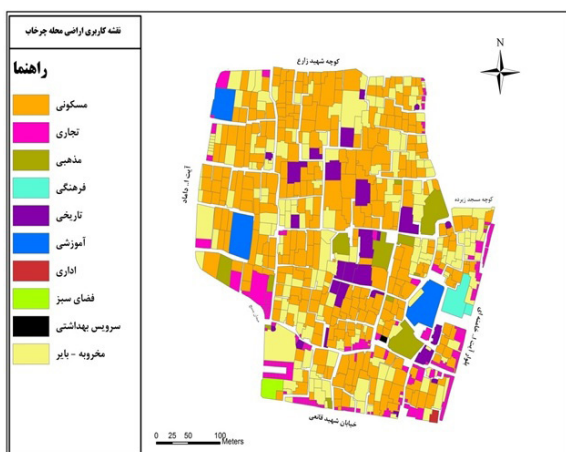
شهر اردکان در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۴۸ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه شمالی واقع شده است. این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی به عنوان بخش مرکزی شهرستان اردکان در استان یزد و در جنوبی‌ترین بخش این شهرستان قرار دارد (شکل شماره ۲).

شهر اردکان به دلیل اینکه بزرگ‌ترین کانون زیستی در سطح شهرستان و با زیر پوشش داشتن ۷۱/۸ درصد کل جمعیت شهرستان، کنترل و هدایت حیات اجتماعی در سطح شهرستان را بر عهده دارد (خدایی، ۱۳۹۲: ۷۵). جمعیت شهر در سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۰۹۵۸ نفر بود و بعد از شهر یزد، از بزرگ‌ترین شهرهای استان یزد به شمار می‌رود. مساحت شهر اردکان ۲۸۶۸ هکتار است. ارتفاع شهر از سطح آب‌های آزاد ۱۰۳۵ متر است.

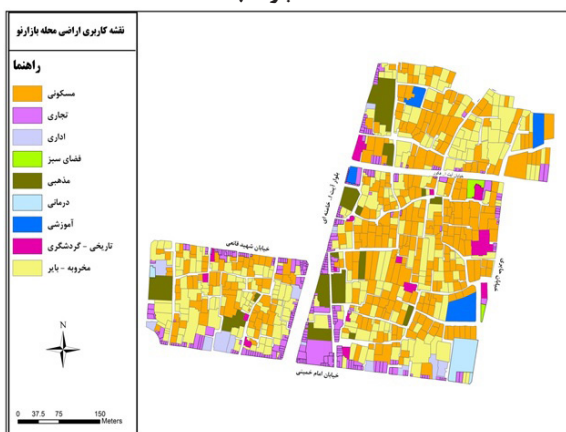
محدوده تاریخی شهر اردکان با ۴۷ هکتار شامل دوازده محله است که نظام تفکیک محلات با توجه به نوع فرهنگ، معیشت، طبقه اجتماعی و نیز نظام کالبدی هر محله به لحاظ دسترسی‌ها صورت گرفته است. بیشترین محدوده بافت تاریخی در مرکز شهر



شکل شماره ۳: کاربری اراضی محدوده قدیمی شهر اردکان



محلله چرخاب



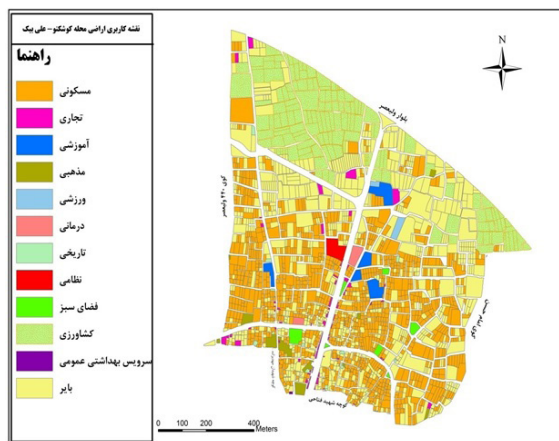
محلله بازار نو

شکل شماره ۴: ابنیه‌های موجود در بافت قدیمی شهر اردکان؛ مأخذ: امیری اردکانی و اسماعیلی، ۱۳۸۷

نتایج به دست آمده از شکل شماره ۴ نشان داد که کاربری‌های غالب در سه محلله فوق، کاربری‌های مسکونی و بافت‌های مخروبه و بایر است. کاربری گردشگری و مذهبی در محلله

پراکندگی فضایی کاربری‌ها در بافت قدیمی شهر اردکان نشان می‌دهد که کاربری غالب در این بافت، کاربری مسکونی بوده است. کاربری‌های تجاری تنها در بخش جنوب شهر پراکنده شده‌اند و بخش‌های مرکزی این محدوده فاقد کاربری‌های تجاری بوده است. همچنین دسترسی به بخش‌های مرکزی تنها با یک محور اصلی امکان پذیر بوده است. ابنیه‌های تاریخی و کاربری‌های مذهبی و فرهنگی در همه جای بافت تاریخی پراکنده شده‌اند. کاربری فضای سبز و کاربری‌های اداری و تأسیساتی نیز در بافت مورد نظر کم بوده و می‌توان نتیجه گرفت که الگوی پراکندگی کاربری‌ها به صورت الگوی کاربری‌های ترکیبی نیست.

بررسی کاربری زمین به تفکیک محلات در بافت قدیمی شهر
در این بخش به چگونگی پراکندگی کاربری‌های اراضی در بخش تاریخی شهر به تفکیک محلات پرداخته شده است. نتایج به دست آمده در شکل شماره ۴ نشان داده شده است:



محلله کمالق، کوشکنو-علی بیگ

چرخاب و بازار نو نسبت به محله کملاق، کوشکنو- علی بیگ دارای پراکندگی بیشتری بوده است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که این دو محله دارای توان های بالاتری نسبت به محله های دیگرند. تعداد و مساحت این کاربری ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

نتایج به دست آمده از جدول شماره ۲ نشان داد که در محله کملاق، کوشکنو-علی بیگ کاربری مذهبی، فضای سبز و نظامی و انتظامی بعد از کاربری مسکونی دارای بیشترین درصد از میزان کاربری این محله را به خود اختصاص داده است. در محله چرخاب اراضی بایر، تجاری و تاریخی بعد از کاربری مسکونی دارای بیشترین فراوانی بوده است؛ اما در محله بازار نو کاربری مخروبه، تجاری و مذهبی از میزان بیشتری برخوردارند. این نشان می دهد که در بازآفرینی این محلات و محدوده بافت تاریخی شهر اردکان، احیاء اراضی بایر و افزایش فضای سبز و کاربری های اداری و زیرساختی اهمیت بیشتری دارد.

پس از بررسی کامل وضع موجود بر اساس اسناد فرادستی، مشاهدات میدانی و شناخت از محدوده، به منظور ارائه شناختی راهبردی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار در تحلیل بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان و تأثیر آن بر توسعه گردشگری این شهر، در قالب SWOT نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها با تمرکز بر توسعه گردشگری جمع بندی شده است. پس از مشخص شدن تمامی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت ها، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و سپس ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) تشکیل شد؛ بنابراین پس از تدوین جدول SWOT به منظور بهره گیری از نظرات کارشناسی برای تعیین میزان اهمیت

عوامل و میزان تأثیرگذاری آنها بر رشد بخش گردشگری، این عوامل لیست شده و در اختیار یک گروه ۳۰ نفره از کارشناسان محلی شاغل در ارگان های دولتی شهر اردکان، پژوهشگران حوزه گردشگری و تحصیل کرده های آگاه ساکن در بافت قرار گرفت تا به این عوامل وزن دهند. فرایند وزن دهی در قالب دو شیوه وزن دهی عوامل درونی و عوامل بیرونی انجام شده است.

بررسی عوامل داخلی در بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان در توسعه گردشگری

بافت تاریخی شهر اردکان دارای عناصر زیاد باارزشی است که هرکدام می توانند، نقاط قوت محدوده به حساب آیند. این عناصر شامل تنوع محلات، آب انبار، مساجد سنتی، حمام ها، تکایا و میدان ها، بازار، بادگیر، معابر، ساباط ها و غیره هستند. در کنار نقاط قوت، نقاط ضعفی وجود دارد که شامل مصالح ناپایدار بناها، کوچه های پرپیچ و خم و ساکنانی با موقعیت های اجتماعی پایین تر بوده است. این عوامل در فرایند مشاهده، جست و جوی اسنادی و مصاحبه و تکمیل پرسشنامه مشخص شده و به صورت ماتریس عوامل داخلی نشان داده شده است (جدول شماره ۳).

در بررسی ویژگی ها و مشخصه های داخلی، یافته های پژوهش در دو سطح مورد بررسی قرار گرفت. در سطح نقاط قوت، نتایج به دست آمده از تحلیل های اسنادی و مصاحبه ای نشان داد که ۱۴ نقطه قوت در بازآفرینی بافت های قدیمی این شهر تأثیر به سزایی دارند. از بین این عوامل، «ویژگی های باارزش تاریخی، فعال بودن مساجد و تکایا»، «وجود بناهایی که کاربری اقامتی برای توریسم دارند»، «معماری منحصر به فرد بناها»، «قابلیت نگهداری بیشتر بناها» و «قابلیت محورها برای پیاده روی توریسم» با وزن ۰/۰۴

جدول شماره ۲: پراکندگی نوع کاربری اراضی بر حسب تعداد و مساحت به تفکیک محلات در بافت تاریخی

محله کملاق، کوشکنو- علی بیگ				محله چرخاب				محله بازار نو			
کاربری اصلی	تعداد	مساحت	درصد	کاربری اصلی	تعداد	مساحت	درصد	کاربری اصلی	تعداد	مساحت	درصد
مسکونی	۱۱۷۸	۳۴۷۶۲۱	۸/۲۸	مسکونی	۳۲۳	۷۷۰۰۰	۴۲/۵	مسکونی	۳۵۰	۷۳۴۶۵	۳۱/۸
مذهبی	۱۱	۱۰۷۶۰	۹/۰	بایر- مخروبه	۱۹۶	۳۹۷۶۸	۲۲	مخروبه - بایر	۲۹۴	۵۹۶۹۸	۲۵/۸
فضای سبز	۷	۶۹۹۵	۶/۰	تجاری	۲۱۵	۹۵۷۹	۵/۳	تجاری	۳۴۵	۱۶۰۱۲	۶/۹
نظامی-انتظامی	۱	۵۰۸۳	۴/۰	تاریخی	۲۶	۸۹۵۱	۴/۹	مذهبی	۱۶	۱۲۷۹۶	۵/۵
بایر- مخروبه	۸۳۵	۳۶۶۰۶۶	۳/۳۰	مذهبی	۱۳	۶۹۳۳	۳/۸	آموزشی	۴	۴۵۵۰	۲
آموزشی	۵	۱۵۴۶۶	۳/۱	آموزشی	۳	۵۷۲۸	۳/۲	اداری	۱۴	۴۵۳۳	۲
ورزشی	۲	۳۲۶۵	۳/۰	فرهنگی	۲	۱۷۰۰	۰/۹	تاریخی	۱۶	۴۱۵۰	۱/۸
درمانی	۲	۴۱۳۶	۳/۰	فضای سبز	۱	۸۳۶	۰/۵	درمانی	۳	۳۰۲۰	۱/۳
تاریخی	۱۲	۲۷۴۸	۲/۰	سرویس بهداشتی	۱	۹۰	۰/۰۵	فضای سبز	۲	۷۸۷	۰/۳
کشاورزی	۱۴۹	۱۹۴۷۷۳	۱/۱۶	اداری	۱	۲۱۳	۰/۱	فرهنگی	۰	۰	۰
تجاری	۱۴۹	۱۲۱۳۸	۰/۱	درمانی	۰	۰	۰	معابر	-	۵۲۰۲۷	۲۲/۵
سرویس بهداشتی	۱	۱۳۲	۰/۰۱	گردشگری (هتل)	۰	۰	۰				
فرهنگی	۰	۰	۰	معابر	-	۳۰۲۹۶	۱۶/۷				

مأخذ: امیری اردکانی و اسماعیلی، ۱۳۸۷

جدول شماره ۳: ماتریس ارزیابی عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف)

نوع ماتریس	کد عوامل	نقاط قوت و ضعف	وزن	امتیاز	امتیاز موزون
نقاط قوت	1S	وجود محورهای تجاری متعدد در ستون فقرات بافت	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	2S	وجود عناصر متعدد و باارزش برای جذب گردشگر	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	3S	قیمت پایین زمین و مستغلات برای توسعه عناصر گردشگری	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	4S	وجود بادگیرها و آب‌انبارها و حمام‌ها	۰/۰۸	۱	۰/۰۸
	5S	وجود محلات متعدد از جمله محله زرتشتی‌ها	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	6S	فعال بودن مساجد و تکایا	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	7S	صنایع دستی کارگاهی زیاد	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	8S	وجود بناهایی که کاربری اقامتی برای توریسم دارند.	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	9S	معماری منحصر به فرد بناها	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	10S	قابلیت نگهداری بیشتر بناها	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	11S	قابلیت پندآموزی از تاریخ و فرهنگ به توریسم	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	12S	وجود تنوع در هر محور با باززنده‌سازی هر دوره تاریخی	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	13S	قابلیت محورها برای پیاده‌روی توریسم	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	14S	قابلیت ایجاد محورهای فرهنگی و تاریخی	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
		جمع کل	۰/۴۶	۳۸	۱/۲۶
نقاط ضعف	1W	نرخ رشد منفی جمعیت	۰/۰۱	۲	۰/۰۲
	2W	بافت جمعیتی مسن	۰/۰۷	۱	۰/۰۷
	3W	کمبود فضاهای آموزشی، رفاه عمومی و پایین بودن کیفیت خدمات ارائه شده	۰/۰۵	۴	۰/۲
	4W	بیشترین گروه سنی ۱۰-۱۴	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	5W	نسبت باسواد پایین	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	6W	امکانات و تسهیلات پایین	۰/۰۵	۴	۰/۲
	7W	میزان بالای بیکاری	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	8W	عدم رونق کارگاه‌های سنتی در بافت	۰/۰۵	۴	۰/۲
	9W	مهاجرت افراد فعال	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	10W	عدم توجه اقتصادی برای فعالیت‌های خدماتی	۰/۰۲	۱	۰/۰۲
	11W	درآمد پایین ساکنان	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	12W	نرخ رشد کم واحدهای مسکونی	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	13W	نسبت بالای مساحت زیربنا به کل ساختمان	۰/۰۲	۱	۰/۰۲
	14W	پوسیدگی و عدم مقاومت مصالح	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	15W	فرسودگی بناها	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	16W	نایبوستگی فضاها در بناهای قدیمی با حیاط	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	17W	کاربرد مصالح کم دوام و سست در ابنیه بافت	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	18W	وجود معابر ناکارآمد	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	19W	ناهمگونی سیمای بافت	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	20W	میزان بالای واحدهای یک طبقه	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	21W	کمبود سرانه‌های خدماتی و عمومی شهر	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	22W	نبود تأسیسات زیربنایی مناسب و کارآمد	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	23W	سکونت افراد غیربومی با فرهنگ‌های متفاوت	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
		جمع کل	۰/۷۲	۵۳	۱/۷۴

حاکمی از اهمیت و ارزش بالای این عناصر کالبدی-فضایی هستند. در بازآفرینی محدوده تاریخی این شهر، اولویت اول حفظ و نگهداری این بافت‌ها و افزایش کارایی آنها برای افزایش جاذبه‌های گردشگری است. به عبارتی یکی از عناصر بازآفرینی این بافت‌ها توجه به ارزش و اهمیت این عناصر و برنامه‌ریزی استفاده بهینه از آنهاست. همچنین عواملی چون «وجود محورهای تجاری متعدد در ستون فقرات بافت»، «قابلیت ایجاد محورهای فرهنگی و تاریخی» با اهمیت ۰/۰۳ از اولویت بعدی برخوردار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت راهبرد دیگر در بازآفرینی بافت قدیمی شهر، ارتقاء نقش فرهنگی و برجسته کردن نقش تاریخی آن بوده است. سایر عوامل و نقاط قوتی نیز وجود دارند که نشان می‌دهند بافت تاریخی شهر توان بالایی برای توسعه گردشگری شهری دارد.

بررسی عوامل و نقاط ضعف بازآفرینی محدوده قدیمی شهر اردکان با ۲۳ عامل مشخص شده است. از بین نقاط ضعف اشاره شده در جهت بازآفرینی این محدوده عواملی چون «کمبود فضاهای آموزشی، رفاه عمومی و پایین بودن کیفیت خدمات ارائه شده»، «امکانات و تسهیلات پایین» و «عدم رونق کارگاه‌های سنتی در محدوده بافت» با وزن ۰/۰۵ بوده است. همان‌طور که از ماهیت و نوع ضعف‌های موجود در جهت بازآفرینی بافت تاریخی این شهر مشخص می‌شود، این ضعف‌ها حاصل مدیریت ناکارآمد در این بافت‌ها در راستای ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان این محدوده است. از آنجا که نظریات بازآفرینی شهری نشان دادند که برنامه‌ریزی برای بازآفرینی شهرها تنها در حوزه کالبدی نمی‌تواند به افزایش کیفیت کارکرد بناهای شهری منجر شود، در بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان نیز توجه به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان از ضرورت‌های اصلی است.

نتایج کل ارزیابی بازآفرینی بافت قدیمی شهر اردکان از حوزه عوامل داخلی در جدول شماره ۲ نشان داد که جمع کل امتیاز وزن‌های عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) ۳/۰۱ بوده است. از آنجا که این میزان بالاتر از ۲/۵ است می‌توان نتیجه گرفت که بافت تاریخی شهر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالایی نسبت به نقاط ضعف آن برای توسعه گردشگری شهری برخوردار است.

بررسی عوامل خارجی مؤثر در بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان در توسعه گردشگری

در بازآفرینی بافت قدیمی شهر اردکان مشخص شد که در کنار عوامل داخلی، یک سری از عوامل و مشخصه‌های خارجی نیز تأثیرگذار هستند. این عوامل خارجی، فرصت‌هایی با منشأ بیرونی بوده و می‌توانند به نقاط قوت و ضعف و همچنین موفقیت یا شکست برنامه‌های بازآفرینی شهری کمک کنند؛ برای این منظور، عوامل خارجی دخیل در بازآفرینی شهر اردکان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

عوامل داخلی در بررسی نقاط قوت با ۱۳ ویژگی نشان داده شده است. از بین این ویژگی‌ها، برخی دارای وزن‌های بالاتری بوده و حاکمی از فرصت مناسب برای بازآفرینی محدوده قدیمی شهر است. ویژگی‌هایی همچون «موقعیت مناسب بافت قدیمی در شهر اردکان» با وزن ۰/۰۴ دارای اهمیت زیادی بوده و نشان می‌دهد که در صورت احیاء این محدوده، دسترسی مردم و سایر امکانات حمل‌ونقل به آن به راحتی انجام خواهد گرفت. همچنین فرصت‌های دیگری وجود دارند که می‌توان در جهت بازآفرینی این محدوده از آنها استفاده کرد. عواملی همچون «قدمت زیاد بناها و گرایش مردم به آنها»، «وجود فضاهای مسقف و مناسب برای گردشگری تمام فصول» و «نزدیکی به شریان‌های اصلی شهر» با وزن ۰/۰۳ می‌توانند محرک مناسبی برای بازآفرینی این محدوده‌ها به شمار آیند.

بررسی عوامل تهدیدزا در ۲۲ ویژگی مورد بررسی قرار گرفت. از میان ویژگی‌ها و تهدیدهای مورد نظر «نبود پژوهش جامع» و «نبود قوانین و مقررات خاص بافت» با وزن ۰/۰۵ و دارای بیشترین ارزش و اهمیت، می‌تواند کیفیت و نوع بازآفرینی این بافت را مورد تهدید قرار دهد؛ چراکه تنها با این ویژگی می‌توان به اجماع نظر و مسیر مشخص توسعه و بازآفرینی دست یافت. همچنین عوامل دیگری نیز وجود دارند که با وزن ۰/۰۴ گویای اولویت دوم تهدیدات بازآفرینی این بافت‌ها هستند. این عوامل شامل «بی‌توجهی و بی‌علاقگی مدیران به سنت دیرینه مرمت»، «نبود بودجه کافی برای مرمت» و «وجود اتاق‌ها و فضاهای کوچک و ناکارآمد» است.

مجموع بررسی‌های حاصل از مدل سوات نشان داد که ارزش امتیاز کل ماتریس ۲/۹۴ است. این عدد نشان می‌دهد که بافت قدیمی شهر اردکان دارای فرصت بیشتری برای بازآفرینی و توسعه گردشگری است.

تعیین موقعیت راهبردی بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان در توسعه گردشگری

برای تعیین موقعیت راهبردی بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان در توسعه گردشگری از نمودار راهبردی استفاده شده است. این نمودار از چهار قسمت جداگانه تشکیل شده و این چهار قسمت با استفاده از دو بعد اصلی داده‌ها به صورت زیر طراحی می‌شود (پژوهان و پورمقدم، ۱۳۹۶: ۶۰).

۱. جمع امتیاز نهایی جدول ارزیابی عوامل درونی روی محور X ها نشان داده می‌شود.

۲. جمع امتیاز نهایی جدول عوامل ارزیابی بیرونی روی محور Y ها نشان داده می‌شود.

در ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی، این نمرات در یک طیف دو بخشی قوی (۲/۵ تا ۴) و ضعیف (۱ تا ۲/۵) طبقه‌بندی می‌شود. در این ماتریس چنانچه موقعیت مورد مطالعه

جدول شماره ۴: ماتریس عوامل خارجی مؤثر در بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان

نوع ماتریس	کد عوامل	نقاط فرصت و تهدید	وزن	امتیاز	امتیاز موزون
نقاط فرصت	10	موقعیت مناسب در شهر	۰/۰۴	۲	۰/۱۶
	20	دسترسی مناسب از کل شهر	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	30	دارای دوازده محله	۰/۰۲	۱	۰/۰۲
	40	قدمت زیاد بناها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	50	بافت‌هایی با دوره‌های مختلف تاریخی	۰/۰۲	۱	۰/۰۲
	60	عدم تفکیک ابنیه فرسوده و باارزش	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	70	اجماع نظر ارگان‌ها در تعیین محدوده بافت	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	80	مطالعات پژوهشی انجام شده زیاد	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	90	حمایت شهرداری و شورای اسلامی شهر از برنامه‌های بهسازی بافت	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	100	حمایت عاملان بخش دولتی، نیمه دولتی و خصوصی	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
	110	تمرکز و توجه نظام برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری به بناهای تاریخی	۰/۰۱	۱	۰/۰۱
	120	وجود فضاهای مسقف برای راحتی مغازه‌داران و گردشگران و مردم	۰/۰۳	۱	۰/۰۹
	130	جذب گردشگران به بازار برای بازدید از نوع معماری و بازار و خرید کالاهای موجود	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
جمع کل			۰/۳۰	۲۵	۰/۶۵
نقاط تهدید	1T	بازدهی پایین اقتصادی، نوسازی و بهسازی برخی از بناها و ساختمان‌ها در داخل بافت تاریخی	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	2T	باد و توفان همراه ذرات شن	۰/۰۱	۳	۰/۰۱
	3T	اختلاف دمای زیاد شب و روز	۰/۰۲	۴	۰/۰۴
	4T	پایین بودن مطلوبیت اجتماعی	۰/۰۱	۴	۰/۰۴
	5T	بی توجهی و بی علاقه‌گی به سنت دیرینه مرمت	۰/۰۴	۳	۰/۰۸
	6T	تغییر فرهنگ عمومی و عدم مطلوبیت منازل قدیمی	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	7T	کاهش مقبولیت اجتماعی زندگی در این بافت	۰/۰۵	۴	۰/۰۲
	8T	نبود بودجه کافی برای مرمت	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	9T	عدم سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی	۰/۰۵	۴	۰/۰۲
	10T	همپوشانی بافت تاریخی با فرسوده	۰/۰۲	۳	۰/۰۴
	11T	عدم دسترسی مناسب	۰/۰۲	۳	۰/۰۲
	12T	وجود اتاق‌ها و فضاهای کوچک و ناکارآمد	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	13T	نبود قوانین و مقررات خاص بافت	۰/۰۵	۴	۰/۰۲
	14T	تعدد متولی	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	15T	مشخص نبودن حد و مرز اختیارات	۰/۰۵	۴	۰/۰۲
	16T	نبود پژوهش جامع	۰/۰۴	۴	۰/۰۲
	17T	ضعف مدیریت شهری	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	18T	نبود نیروی متخصص در سازمان‌های ذی‌ربط	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	19T	عدم سکونت هیچ‌یک از مسئولان مدیریت شهری و میراث فرهنگی در محدوده بافت قدیم	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	20T	عدم اقتدار سازمان بهسازی و نوسازی	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	21T	فقدان سیاست‌های مشخص برخورد	۰/۰۱	۳	۰/۰۱
	22T	عدم تجانس فضای مسکونی قدیمی با زندگی امروزی	۰/۰۲	۳	۰/۰۴
جمع کل			۰/۷	۶۵	۲/۳۱

جدول شماره ۵: راهبردهای بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در توسعه گردشگری

راهربد نخست	احیا و نگهداری عناصر باارزش تاریخی برای افزایش جاذبه‌های گردشگری با استفاده از برنامه‌ها و طرح‌های پژوهشی سازمان‌های دولتی و غیردولتی
راهربد دوم	ایجاد و ساماندهی فعالیت‌های تجاری و خدماتی متناسب با موقعیت مناسب آن در مرکز شهر
راهربد سوم	اولویت‌بخشی به حرکت پیاده با احیای محورهای فرهنگی در قالب برنامه‌های شهرداری و سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی
راهربد چهارم	استفاده از کارشناسان و مردم بومی برای برنامه‌ریزی توسعه گردشگری فرهنگی
راهربد پنجم	تمرکز و توجه نظام برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری به بناهای تاریخی با کارکرد مذهبی، فرهنگی و تجاری
راهربد ششم	استفاده از اجماع نظر ارگان‌ها در جهت احیاء بافت تاریخی با مشخص کردن حوزه عملکرد هر کدام
راهربد هفتم	هدایت گرایش مردم به گذران اوقات فراغت در بافت‌های تاریخی با تبلیغات و معرفی عناصر و جاذبه‌های بافت

مأخذ: نگارندگان

حال در جدول شماره ۶، استراتژی‌های انتخاب شده بر اساس ماتریس SWOT و نتایج جدول QSPM با توجه به جمع نمره جذابیت و اولویت هر کدام از آنها طبقه‌بندی می‌شود.

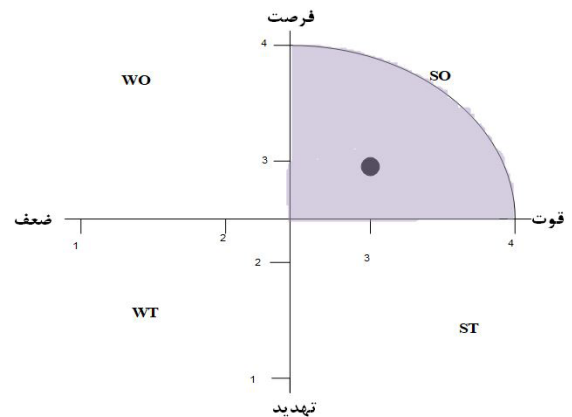
جدول شماره ۶: اولویت‌بندی استراتژی‌های انتخاب شده

اولویت	نمره جذابیت	استراتژی‌های انتخاب شده
۱	۷,۸۱۷	استراتژی سوم
۲	۷,۵۳۳	استراتژی دوم
۳	۷,۲۰۷	استراتژی هفتم
۴	۷,۱۱۲	استراتژی پنجم
۵	۷,۰۲۲	استراتژی چهارم
۶	۶,۷۰۱	استراتژی اول
۷	۶,۵۱۹	استراتژی ششم

مأخذ: نگارندگان

نتایج به دست آمده از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که از بین هفت استراتژی مهم نقش بازآفرینی در توسعه گردشگری شهر اردکان، استراتژی هفتم یعنی «هدایت گرایش مردم به گذران اوقات فراغت در بافت‌های تاریخی با تبلیغات و معرفی عناصر و جاذبه‌های بافت» می‌تواند دارای بیشترین نقش بازآفرینی در این بافت‌ها باشد. این گرایش می‌تواند با ایجاد کاربری‌هایی برای مقاصد خرید، آموزش، تفریح و سرگرمی و یا اهداف دیگر عملی شده و سایر عناصر تاریخی نیز در کنار چنین عواملی مورد توجه قرار گیرد.

از نظر نمرات عوامل درونی و بیرونی در ناحیه نخست نمودار باشد، استراتژی توسعه‌ای (SO)، اگر در ناحیه دوم باشد، استراتژی رقابتی (ST)، چنانچه در ناحیه سوم باشد استراتژی محافظه کارانه (OW) و سرانجام اگر در ناحیه چهارم باشد، استراتژی تدافعی (WT) پیشنهاد می‌گردد. در شکل شماره ۵ با توجه به امتیاز نهایی عوامل درونی و بیرونی در بازآفرینی بافت تاریخی شهر اردکان، موقعیت راهبردی محدوده در ناحیه نخست نمودار تعیین می‌گردد که متناسب با آن راهبردهای توسعه‌ای SO انتخاب شده است.



شکل شماره ۵: نمودار راهبردهای چهارگانه حاصل از تحلیل سوات

مجموعه راهبردی SO از تقابل نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی به وجود آمده و عناصر راهبردی منتج از آن، بر اساس این فرض است که هر پدیده‌ای از نقاط قوت خویش در راستای بهره‌مندی از فرصت‌های موجود استفاده می‌نماید. بدین ترتیب این مجموعه راهبردی کمک می‌نماید تا پدیده مورد مطالعه از نقاط قوت خود به‌منظور بهره‌مندی هرچه بیشتر از فرصت‌های موجود از سوی محیط خارجی استفاده نماید و به این شکل توانمندی‌ها و فرصت‌هایش را به حداکثر برساند. در این مجموعه از مفهوم حداکثر، حداکثرسازی هر دو عمل مدنظر است و عمدتاً شامل استراتژی‌های رقابتی یا تهاجمی است. بر این اساس هفت راهبرد از در کنار هم قرار دادن مجموعه نقاط قوت و فرصت‌های فراروی بافت تاریخی شهر اردکان تدوین و به شرح جدول شماره ۵ ارائه شده است.

اولویت‌بندی راهبردهای پژوهش با روش QSPM

اکنون برای اولویت‌بندی استراتژی‌های انتخاب شده در مراحل قبل، از ماتریس برنامه‌ریزی کمی QSPM استفاده می‌شود. تصمیم‌گیری درباره استراتژی‌های قابل قبول در برنامه‌ریزی‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل عاملی و قضاوت شهودی صورت می‌گیرد. در این مرحله در ارتباط با استراتژی‌های قابل قبول، تصمیم‌گیری می‌شود. جذابیت هر استراتژی با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی کمی مشخص شده و استراتژی‌های دارای جذابیت بالا به عنوان استراتژی‌های مورد تأکید و اولویت‌دار در برنامه‌ریزی‌ها تعیین می‌گردد (با توجه به اینکه فرایند محاسبه نمره جذابیت هر استراتژی طولانی بوده، در اینجا تنها به نتایج این استراتژی اشاره می‌شود).

نتیجه‌گیری

مورد تهدید قرار دهد؛ زیرا تنها با این ویژگی می‌توان به اجماع نظر و مسیر مشخص توسعه و بازآفرینی دست یافت. همچنین عوامل دیگری نیز وجود دارند که با وزن ۰/۴ گویای اولویت دوم تهدیدات بازآفرینی این بافت‌ها هستند. این عوامل شامل «بی‌توجهی و بی‌علاقگی مدیران به سنت دیرینه مرمت»، «نبود بودجه کافی برای مرمت» و «وجود اتاق‌ها و فضاهای کوچک و ناکارآمد» است. سرجمع بررسی نتایج به دست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل خارجی نشان داد که ارزش امتیاز کل ماتریس سوات ۲/۹۴ به دست آمده است. این عدد نشان می‌دهد که بافت قدیمی شهر اردکان دارای فرصت بیشتری برای بازآفرینی و توسعه گردشگری است.

با توجه به نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش مشخص شد که بازآفرینی در کنار احیاء کارکرد بافت قدیم و توسعه پایدار و درونزای شهری، می‌تواند به روش‌های مختلف باعث توسعه گردشگری شهری شود. بازآفرینی در یک فرایند به هم پیوسته و منسجم، مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و کالبدی را با هم و برای هم می‌بیند و تلاش می‌کند که ضمن تحلیل ویژگی‌ها و اثرات الگوهای توسعه در بافت، پیوندی میان آنها برقرار کند و در نهایت برنامه‌ای جامع و یکپارچه در راستای توسعه گردشگری در این محدوده‌ها ارائه نماید. در بافت قدیم شهر اردکان تجربه نشان داده است که روش‌های ابتدایی و برنامه‌های تک‌بعدی و یک‌جانبه ضمن آنکه مشکلات را برطرف نکرده، بلکه خللی جدی در سیستم حیات شهری ناحیه قدیم به دنبال داشته است. بدین منظور توجه به جوانب مختلف موضوع و برنامه‌ریزی منسجم و جامع بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی تضمین‌کننده تحول و تکامل و منطبق ساختن فضاها با استانداردهای قابل قبول برای سکونت و گردشگری خواهد بود. در نتیجه فرایند ایجاد شده باعث توسعه پایدار شده و در نتیجه شهر پایدار را به دنبال خواهد داشت.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱. مرمت و نگهداری عناصر باارزش تاریخی برای افزایش جاذبه‌های گردشگری شهری در بافت؛
۲. ایجاد و ساماندهی فعالیت‌های تجاری و خدماتی متناسب با موقعیت مناسب بافت مرکزی و تاریخی شهر در جهت توسعه گردشگری شهری؛
۳. اولویت‌بخشی به حرکت پیاده با احیای محورهای فرهنگی، اقتصادی و تفریحی؛
۴. استفاده از دانش بومی برای بازآفرینی کارکردهای اصلی و احیای هویت بافت تاریخی برای ایجاد جاذبه‌های گردشگری شهری.

توسعه گردشگری شهری و پایدار ضامن حفظ و صیانت از بافت‌های تاریخی به شمار می‌رود. ساماندهی و احیای این بافت‌های شهری علاوه بر تحقق هدف حفاظتی این بافت‌ها به دلیل ارتقای کیفی فضاهای مربوطه، چرخه توسعه گردشگری در این بافت‌ها را فعال می‌کند. این امر نه تنها موجب افزایش هویت اجتماعی و فرهنگی مجموعه بافت می‌شود، بلکه راهکاری مؤثر و تجربه شده برای ایجاد و بازتولید عرصه‌های عمومی و هویت از دست رفته و خطرات زدوده شده از بافت‌های تاریخی شهری است؛ چراکه شهرهای امروزی به دلیل تأثیرپذیری از دیدگاه بالا به پایین و مدرنیستی، در حال از دست دادن هویت خویش اند و از لحاظ سیما و کالبد، ادامه دهنده شیوه‌های شهرسازی مدرنیسم اند؛ چیزی که در مکاتب مدرنیستی از آن با عنوان نوسازی شهری فن گسرا نام برده می‌شود. با توجه به این روند در پژوهش حاضر نیز تلاش بر آن بوده که بازآفرینی بافت‌های قدیمی شهر اردکان به عنوان پتانسیل‌هایی برای ایجاد کارکرد گردشگری مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه این فضاها، فضاهایی پویا و ارگانیک هستند که با توجه به حضور انسان‌ها و بر حسب ارزش‌های فرهنگی در این شهر شکل گرفته‌اند. برای این منظور ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بافت قدیمی اردکان مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله‌مراتبی بوده، ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده است.

نتایج به دست آمده از تحلیل‌های GIS نشان داد که بافت تاریخی شهر اردکان سه درصد از کل شهر به میزان ۲۵ هکتار را در بر گرفته است و این بافت اغلب مسکونی و یا به بهانه نوسازی بافت فرسوده اطراف آن، تخریب شده است، بنابراین لازم است با حفظ ویژگی‌های کالبدی اصیل، سنتی و سبک معماری و شهرسازی حاکم بر آن، کاربری‌هایی همچون موزه یا مراکز هنری، فرهنگی و یا آموزشی در راستای سیاست‌های جاذب گردشگری شهری برای آنها در نظر گرفته شود. از سویی دیگر وجود این مکان‌ها خود مشارکت مدنی، و بروز خلاقیت و توانایی، در زمانی فارغ از تعهدات و الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. همچنین از سه محله مورد مطالعه مشخص شد که محله چرخاب دارای بیشترین توجه در زمینه بازآفرینی و مرمت و احیا توسط مدیران و مسئولان شهری بوده است و پراکندگی نوع کاربری‌ها هم گویای این واقعیت است؛ اما دو محله دیگر یعنی بازار نو و کملاق دارای بیشترین کاربری‌های مخروبه و بلااستفاده بوده است. همچنین بررسی عوامل تهدیدزا در شهر اردکان نشان داد که از میان ویژگی‌ها و تهدیدهای مورد نظر «نبود پژوهش جامع» و «نبود قوانین و مقررات خاص بافت» با وزن ۰/۰۵ و دارای بیشترین ارزش و اهمیت، می‌تواند کیفیت و نوع بازآفرینی این بافت را

فهرست منابع و مراجع

۱۷. کلاتری، حسین و عارف آقاصفیری (۱۳۸۷)، «راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر اردکان با استفاده از تکنیک AHP»، **فصلنامه فرهنگ و هنر**، شماره ۱، تهران.
۱۸. گلکاره، کورش (۱۳۸۴)، «مناسب‌سازی تکنیک تحلیل سوات برای کاربرد در طراحی شهری»، **مجله صفا**، شماره ۴۱، سال پانزدهم، تهران.
19. Lichfield, N. (1988), "Economics in Urban Conservation". Cambridge University Press, Cambridge.
20. Oktay, B. (2005), "A model for measuring the level of sustainability of historical urban quarters: Comparative case studies of Kyrenia and Famagusta in North Cyprus". PhD thesis, Eastern Mediterranean University, Famagusta, North Cyprus.
21. Salama, A. M. A. (2000). "Cultural sustainability of historic cities: Notes on conservation projects in Old Cairo." IAPS-16, IAPS 2000 Conference, METROPOLIS 21st Century, Cities, Social Life, and Sustainable Development.
22. Tiesdell, S, O Taner, and H Tim. (1996), **Revitalizing Historic Urban Quarters**, Architectural Press, London.
۱. امیری اردکانی، علی و الهام اسماعیلی (۱۳۸۹)، **مستندسازی بافت فرهنگی-تاریخی اردکان**، مهندسان مشاور معماری و مرمت، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد.
۲. الماس، حسن دورفرد و مرجان سادات (۱۳۹۰)، «تدوین استراتژی گردشگری کشور بر اساس تحلیل ماتریس SOWT؛ مطالعه موردی: سازمان فرهنگی و گردشگری استان تهران»، **فصلنامه گردشگری و توسعه**، شماره اول.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، **سیر اندیشه‌ها در شهرسازی**، انتشارات شهرهای جدید، تهران.
۴. پژوهان، موسی و زهرا پورمقدم (۱۳۹۶)، «برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری شهری با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت‌های تاریخی؛ مطالعه موردی: بافت قدیم شهر رشت»، **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری**، شماره بیست و هفتم، کردستان.
۵. پوراحمد، احمد؛ کیومرث حبیبی و مهناز کشاورز (۱۳۸۹)، «سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره اول، تهران.
۶. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، **مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها**، انتشارات پیام، چاپ اول، تهران.
۷. حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۶)، «مقدمه‌ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری (دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم)»، **اندیشه ایران‌شهر**، فصلنامه‌ای در زمینه شهرشناسی، سال دوم، شماره نهم و دهم، تهران.
۸. حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۶)، **مرمت شهری**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.
۹. حبیبی، کیومرث؛ احمد پوراحمد و ابوالفضل مشکینی (۱۳۸۶)، **بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری**، انتشارات دانشگاه کردستان، کردستان.
۱۰. حسن زاده، مهنوش و حسین سلطان‌زاده (۱۳۹۵)، «طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی براساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره بیست و سوم، تهران.
۱۱. خدایی، زهرا (۱۳۹۲)، **راهبردهای توسعه گردشگری شهری؛ مطالعه موردی: شهر اردکان**، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم اجتماعی، شهر اردکان.
۱۲. زنگی‌آبادی، علی؛ جابر علیزاده و بهزاد رنجبرنیا (۱۳۹۱)، «برنامه‌ریزی راهبردی برای ساماندهی بازارهای سنتی ایران»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۷، تهران.
۱۳. زنگی‌آبادی، علی و سعیده مؤیدفر (۱۳۹۱)، «رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش‌بادگیری شهر یزد»، **فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شماره ۹، تهران.
۱۴. شمعی، علی و احمد پوراحمد (۱۳۸۴)، **بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. ضرابی، اصغر و محمدرضا محبوب‌فر (۱۳۹۲)، «کاربرد مدل QSPM-SWOT در تدوین استراتژی توسعه گردشگری شهر کاشان»، **مجله علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)**، سال سوم، شماره چهارم، اصفهان.
۱۶. فرخ‌زنوزی، عباس (۱۳۸۰)، «ضرورت نوزایی شهری»، **فصلنامه هفت شهر**، سال دوم، شماره چهارم، تهران.

تحلیل تاریخ ساخت، کاربری و ساختار معماری دروازه توپخانه در گستره تحولات میدان نقش جهان در دوره قاجار

نیما ولی بیگ^۱ * (نویسنده مسئول)، نگار کورنگی^۲

^۱ استادیار دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد (مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی)، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۲)

چکیده

میدان نقش جهان از جمله شاخص‌ترین فضاهای شهری در معماری ایران محسوب می‌شود. با توجه به تعاملی که این میدان با فضاهای شهری اطراف خود داشته، دارای تعداد قابل توجهی ورودی در دوره‌های مختلف بوده است. از جمله این ورودی‌ها دروازه‌ای در ضلع غربی و در نزدیکی عالی قاپو است که کاربری، زمان ساخت و ویژگی‌های معماری آن تاکنون گمنام مانده است. با بررسی این دروازه به طور کلی می‌توان بخشی از تحولات عملکردی و کالبدی میدان را آشکار ساخت و نیز به طور خاص تاریخ ساخت، کاربری و ویژگی‌های معماری این دروازه را مشخص نمود. تاکنون تعدادی از پژوهشگران، پژوهش‌هایی را روی سیر تحولات میدان نقش جهان صورت داده‌اند. این پژوهش برای نخستین بار به مشخص کردن تاریخ ساخت، کاربری و ویژگی‌های معماری دروازه غربی میدان نقش جهان می‌پردازد. داده‌های این پژوهش ترکیبی از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. در این پژوهش با بررسی اسناد توصیفی و تصویری دوره‌های مختلف تاریخی و بررسی میدانی وضع موجود، موقعیت کنونی دروازه و کاربری گذشته آن مشخص شد. پژوهش پیش روی تلاش دارد تا به اثبات دوره ساخت و کاربری دروازه مذکور و همچنین چرایی ساخت آن بپردازد. بررسی‌ها آشکار کرد که در دوران صفویه به جای این دروازه، ورودی بدون سردر مشخص قرار داشته است. در دوره قاجار که بخش عمده‌ای از کاربری میدان به فعالیتهای نظامی اختصاص داشته، در فضاهای متصل به دروازه در ضلع غربی میدان، سربازخانه‌ای در میدان چهارحوض و فضاهای اطراف آن شکل گرفته بود. دروازه مذکور مسیر ارتباطی سربازخانه‌های این قسمت با میدان نقش جهان بوده است. از سوی دیگر مطالعات مقایسه‌ای دروازه‌های دوره قاجار با این سردر نیز آشکار ساخت که این سردر متعلق به زمان قاجار است. این دروازه در دوره پهلوی اول از میان رفته و این قسمت از میدان به شکل پیش از ساخت این سردر بازگشته است.

واژگان کلیدی: دروازه، توپخانه، میدان نقش جهان، اسناد تاریخی و تصویری، سربازخانه.

روش تحقیق

پژوهش پیش روی تحقیقات خود را در رابطه با تحولات ورودی‌های میدان نقش جهان به طور عام و شناخت دروازه ضلع غربی آن به طور خاص انجام می‌دهد. این دروازه از لحاظ شکلی با دروازه‌های قاجار هم سان به نظر می‌رسد، لذا بازه‌ی در نظر گرفته شده برای مطالعه این دروازه، دوره تاریخی قاجار است. غیر از اسناد تصویری این دوره، اسناد قدیمی تری منوط بر وجود این دروازه یافت نشد، مبنای بررسی‌های صورت گرفته تحولات این دوره است. از سویی دیگر با توجه به تحولات رخ داده در فضاهای پیرامون ضلع غربی میدان نقش جهان و تغییرات زیاد آنها نسبت به دوره صفویه و جانمایی این دروازه در کنار این فضاها، به نظر می‌رسد رابطه عملکردی خاصی بین این فضاها و دروازه وجود داشته است؛ زیرا رسالت دروازه‌ها برقراری دسترسی است و این دروازه هم به طور مشخص برای برقراری ارتباط بناهای شاخص پیرامون میدان نقش جهان ساخته شده است. پس شناخت این دروازه وابسته به شناخت فضاهای قرارگرفته در ضلع غربی میدان و تحولات آنهاست. با توجه به تلاش‌های صورت گرفته در راستای بازگرداندن میدان به وضعیت گذشته آن در دوره پهلوی و تحولات شهرسازی در این دوره، اقداماتی که در دوره قاجار انجام شده بود، به تدریج از میان رفت. شناخت اقدامات صورت گرفته در دوره قاجار علی‌رغم نامناسب بودن اغلب آنها، می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر تحولات تاریخی گذشته بر میدان نقش جهان موثر واقع شود.

در این پژوهش به دلیل اینکه تنها اسنادی که تصویر دروازه را نشان می‌داد، نگاره‌هایی متعلق به دوره قاجار و پهلوی اول بودند، در درجه اول مشخص کردن دوره تاریخی و کاربری این دروازه، حائز اهمیت بود. برای تعیین کاربری دروازه، ابتدا کاربری فضاهای مجاور آن بررسی شد. با بررسی‌های صورت گرفته روی تحولات رخ داده در دوره قاجار، کاربری این فضاها مشخص شدند و این مسئله به تعیین کاربری دروازه که در اصل دروازه تویخانه بوده است، کمک کرد. علاوه بر بررسی تحولات تاریخی، ویژگی‌های خاص معماری این دروازه نیز می‌توانست در تعیین دوره ساخت آن موثر باشد. با مقایسه برخی ویژگی‌های مشترک این دروازه با دروازه‌های شاخص قاجاری، اجزای معماری مشترکی مشخص شدند که تقریباً در تمام آنها تکرار شده بود.

در فرایند پژوهش، ابتدا اسناد توصیفی و تصویری مربوط به دوره صفویه تا پهلوی، بررسی شدند. سپس اسنادی که به ورودی‌های میدان اشاره کرده بودند تفکیک شدند. به دلیل اینکه در هیچ یک از اسناد توصیفی، تاریخی و تصویری مربوط به دوره‌های پیش از قاجار، اشاره‌ای به دروازه مذکور نشده بود، اسناد مربوط به دوره قاجار بررسی موشکافانه شدند. به دلیل کیفیت پایین تصاویر به جای مانده از دروازه، با استفاده از نرم افزارهای مدل‌سازی^۱، دروازه

میدان نقش جهان از جمله با ارزش‌ترین مجموعه‌های معماری در دوران پس از اسلام ایران محسوب می‌شود. این میدان مجموعه‌ای از فعالیت‌های حکومتی، مذهبی و تجاری را طی سالیانی که از شکل‌گیری آن می‌گذرد در خود جای داده است؛ از این روی ورود به این مکان نیز تحت تاثیر عملکردهای متفاوت پیرامونی آن به چند دسته تقسیم می‌شده است. شاخص‌ترین ورودی که برای اتصال بازار و بافت مسکونی به میدان مورد استفاده قرار می‌گیرد، سردر قیصریه در ضلع شمالی میدان است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۳)، (اوبن، ۱۳۹۱: ۲۹۶)، (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۳۹)، (افضل‌الملک، ۱۳۷۹: ۲۸). در ضلع غربی میدان نیز که روزگاری در آن دولتخانه صفوی قرار داشته، شاخص‌ترین ورودی، سردر کاخ عالی‌قاپو محسوب می‌شود (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۵۳)، (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۲)، (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۶۱). علاوه بر این دو ورودی، دسترسی به میدان از طریق ورودی‌های دیگری نیز امکان‌پذیر بوده است. با توجه به قرارگیری دولتخانه صفوی در ضلع غربی میدان، دسترسی‌های این ضلع، قابل استفاده عموم نبوده و فقط مخصوص افراد وابسته به حکومت بوده است. در دوره قاجار در نتیجه عدم توجه حاکمان، این میدان دچار افول شده، به گونه‌ای که بیشتر سیاحانی که از آن دیدن کرده‌اند، وضعیت آن را نابسامان توصیف می‌کنند (لوتی، ۱۳۷۰: ۱۹۸)، (اوبن، ۱۳۹۱: ۲۸۹). به تدریج کاربری‌های میدان محدود و در دوره‌ای (حکومت ظل‌السلطان) کاربری غالب آن نظامی می‌شود (رجایی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). در کنار تخریب‌های تدریجی در میدان، ساماندهی و مرمت‌هایی نیز در میدان و فضاهای اطراف صورت گرفته است. بیشتر این تغییرات در راستای مناسب‌سازی فضاها برای کاربری جدید، یعنی سربازخانه‌ها بوده است. از جمله تغییرات قابل توجه این دوره اضافه شدن دروازه‌ای در ضلع غربی میدان در نزدیکی کاخ عالی‌قاپو است. با توجه به از میان رفتن این دروازه و سایر الحاقات دوره قاجار (از جمله سربازخانه‌ها)، بررسی آن می‌تواند بخشی از تاریخ تحولات میدان نقش جهان را مشخص سازد. از طرفی به دلیل عدم وجود مستندات کافی در رابطه با ساخت این بنا، بررسی‌ها می‌توانند به اثبات برخی ویژگی‌های آن از جمله دوره ساخت و کاربری آن کمک کنند.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا ارتباط عملکردی خاصی بین دروازه غربی میدان و فضاهای قرار گرفته در مجاور آن وجود دارد؟
۲. با توجه به اسناد توصیفی و تصویری موجود و شناخت بناهای مشابه، دروازه مذکور را به چه بازه زمانی می‌توان نسبت داد؟
۳. ویژگی‌های بارز معماری به کار رفته در این دروازه چیست؟ این پژوهش بر آن است تا با بررسی اسناد توصیفی و تصویری، به بررسی سیر تحولات تاریخی میدان نقش جهان، کاربری‌های میدان و بناهای پیرامون و دوره ساخت و ویژگی‌های معماری دروازه مورد نظر بپردازد.

از روی اسناد بازسازی شد تا درک بهتری از کالبد معماری آن و وضعیت این قسمت میدان ایجاد شود. ابتدا سیر تحول ورودی‌های میدان از دوره صفوی تاکنون به طور مختصر بررسی شدند. سپس آن گروه از ورودی‌هایی که به طور مشخص دارای سردر بوده‌اند و امروزه از بین رفته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته شدند. با توجه به مشخص شدن کاربری نظامی فضاهای غرب میدان در دوره قاجار، نگاهی اجمالی به سربازخانه‌های محدوده میدان شد و با آشکار شدن ارتباط دروازه با این فضاها، ویژگی‌های کالبدی معماری آن از طریق مقایسه با نمونه‌های مشابه مورد ارزیابی قرار گرفت. در این میان برای مشخص شدن جایگاه فعلی دروازه و مشخصات آن، از ضلع غربی میدان تصویربرداری شد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران زیادی به معرفی میدان نقش جهان پرداخته‌اند، که در این میان تعداد قابل توجهی از آنها در خلال معرفی شهر اصفهان، به شناخت و توصیف این میدان به عنوان شاخص‌ترین بنای شهر پرداخته‌اند. بخش قابل توجهی از پژوهش، اسناد توصیفی هستند که اکثر آنها شامل سفرنامه‌ها می‌شود (تاورنیه، ۱۳۸۲؛ شاردن، ۱۳۹۳؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ کمپفر، ۱۳۶۳؛ فلاندن، ۱۳۵۶؛ ریچاردز، ۱۳۷۹؛ رنه دالمانی، ۱۳۹۴؛ کلود، ۱۳۷۰). بخش دیگری از پژوهش‌ها شامل اسناد تاریخی می‌شود (تحویلدار اصفهانی، ۱۳۴۲؛ جابری انصاری، ۱۳۷۸؛ ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸). محققان دیگر به طور خاص این میدان را به عنوان یک فضای شهری از منظرهای مختلف بررسی کرده‌اند (شهابی نژاد و دیگران (ب)، ۱۳۹۳؛ آقابزرگ، ۱۳۹۴؛ Hayaty & et al, 2016; Khodabakhshi, 2014). بخشی از پژوهشگران نیز دقیق‌تر به بررسی سیر تحولات تاریخی میدان در بستر زمان پرداخته‌اند (شهابی نژاد و دیگران (الف)، ۱۳۹۳). در این میان تنها تعداد محدودی از پژوهشگران به بررسی اسناد تصویری و تحولات رخ داده در میدان پرداخته‌اند (راد احمدی و دیگران، ۱۳۹۰). از میان پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون هیچ یک به وجود این دروازه در میدان نقش جهان اشاره نکرده و به همین دلیل تاریخ ساخت دروازه به همراه تاریخ تخریب و ویژگی‌های معماری آن مجهول مانده است. در میان اسناد موجود تنها یک پژوهشگر به نام این دروازه اشاره‌ای کرده (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸) و از همین روی نام دروازه نیز در این مقاله بر طبق سند نام برده، توپخانه نامیده می‌شود.

سیر تحول دسترسی به میدان نقش جهان از دوره صفویه تا امروز

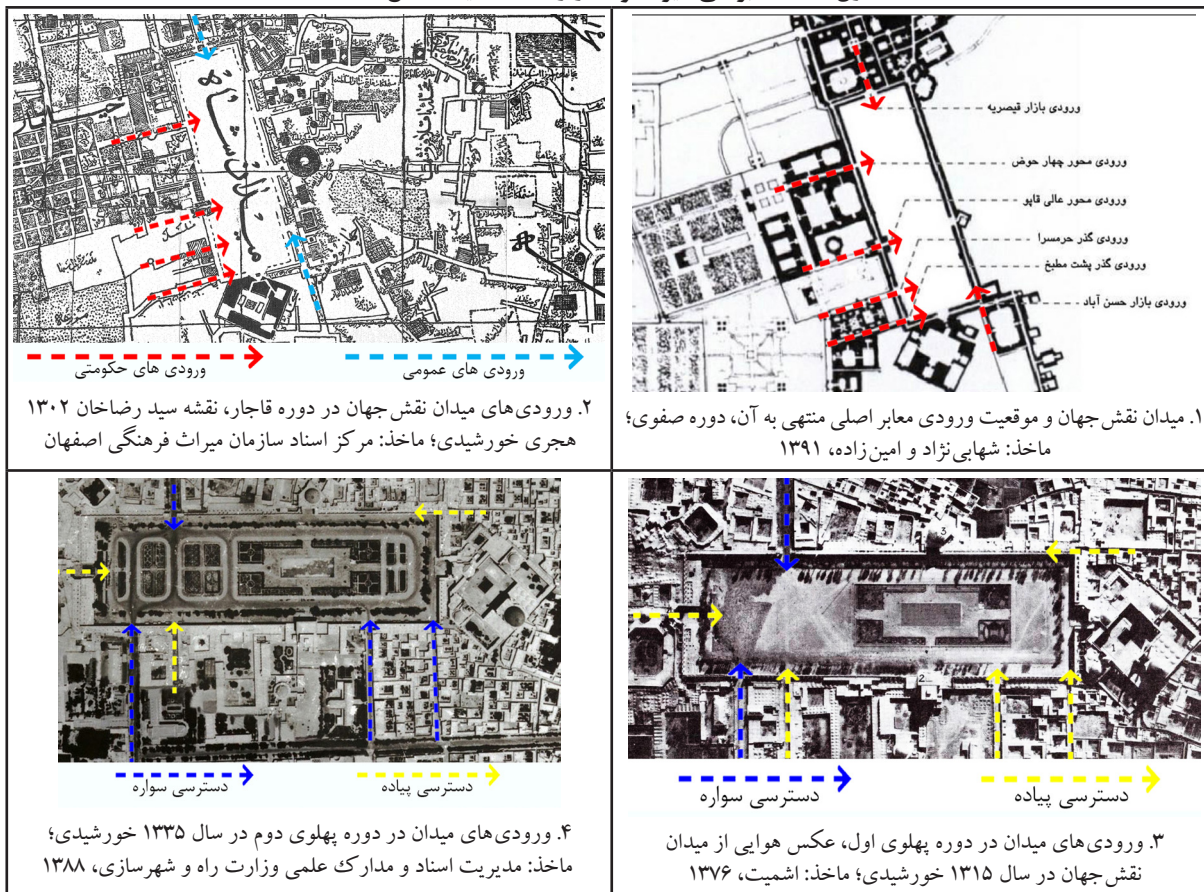
ورودی‌های میدان نقش جهان در دوران صفوی به دو دسته از لحاظ کارکردی تقسیم می‌شده، که این ورودی‌ها شامل ورودی‌های عمومی و حکومتی هستند. ورودی‌های حکومتی شامل چهار ورودی بوده است که تمامی در ضلع غربی واقع شده

بوده‌اند و میدان را به مجموعه دولتخانه صفوی متصل می‌کرده است. در این میان میدان به وسیله تعدادی ورودی نیز به محلات مسکونی و بازار بزرگ متصل می‌شده است که در ضلع شرقی و شمالی میدان واقع شده بود. شاخص‌ترین ورودی عمومی سردر قیصریه در شمال و شاخص‌ترین سردر حکومتی ورودی عالی قاپو بوده است. از دیگر ورودی‌های حکومتی می‌توان به محل اتصال گذرهای پشت مطبخ، حرمسرا و گذر متصل به میدان چهار حوض اشاره کرد (شهابی نژاد و امین زاده، ۱۳۹۱) (جدول ۱، نقشه شماره ۱). در دوره قاجار با توجه به نقشه سیدرضاخان (۱۳۰۲ خ) در ضلع شمالی دسترسی از طریق سردر قیصریه و بازار بزرگ میسر می‌شده است. از چهار ورودی حکومتی یاد شده نیز، ورودی متصل به گذر پشت مطبخ، ورودی متصل به میدان چهار حوض و عمارت سردر حرمسرا وجود داشته‌اند (جدول ۱، نقشه شماره ۲). در دوران پهلوی اول و با احداث دو خیابان حافظ و سپه تغییرات اساسی در دسترسی به میدان رخ می‌دهد (جدول ۱، نقشه شماره ۳). در دوره پهلوی دوم احداث خیابان استانداری و بانک ملی در غرب میدان موجب تخریب بخشی از دولتخانه صفوی به‌ویژه گذر متصل از میدان چهارحوض به نقش جهان می‌شود. خیابان‌های پشت مطبخ و سعدی (گذر حرمسرا) نیز به خیابان‌های سواره تبدیل می‌شوند (جدول شماره ۱، نقشه شماره ۴). از جمله تحولات رخ داده در دوران جمهوری اسلامی تبدیل مسیرهای سواره موجود به مسیرهای پیاده محور است. ابتدا دو خیابان سعدی و پشت مطبخ در دهه هفتاد خورشیدی و سپس خیابان‌های حافظ و سپه در دهه نود خورشیدی به مسیرهای پیاده محور تبدیل شدند.

ورودی‌های تخریب شده میدان نقش جهان

بررسی اسناد تصویری و همچنین اسناد توصیفی - که عمدتاً سفرنامه‌ها هستند - آشکار کرد که سردرهای گوناگونی در میدان وجود داشته‌اند که از این میان دو سردر خورشید و دروازه توپخانه ویران شده‌اند (ولی بیگ و کورنگی، ۱۳۹۸). سیاح فرانسوی به پنج سردر عالی قاپو، در حرم سلطنتی، در چهارحوض، در شاهی و در مطبخ به عنوان ورودی‌های کاخ شاهی اشاره کرده است (شاردن، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۲). در بین سردرهای بیان شده سردر چهارحوض و سردر موسوم به درشاهی امروزه برجای نیستند. در مورد سردر چهار حوض بنا بر موقعیت ثابت شده میدان چهارحوض (واقع در غرب میدان نقش جهان و روبه روی تالار تیموری) در اسناد تصویری و توصیفی و مشخص بودن خیابان اتصال دهنده این میدان به میدان نقش جهان (نقشه سیدرضاخان و نقشه چریکف) (جدول ۲)، می‌توان جایگاه احتمالی این سردر را تشخیص داد. مکان قرارگیری سردر چهارحوض در شمال عالی قاپو و کمی پایین‌تر از جایگاه فعلی خیابان سپه بوده است؛ اما جایگاه سردر شاهی به درستی توسط این سیاح بیان نشده است. برخی نیز این دروازه را ورودی کاخ شاه (شاه عباس) یا شاه‌آباد دانسته‌اند (راد

جدول شماره ۱: بررسی سیر تحولات ورودی‌های میدان نقش جهان



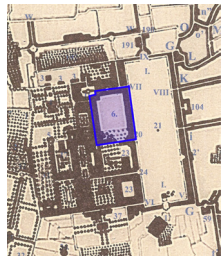
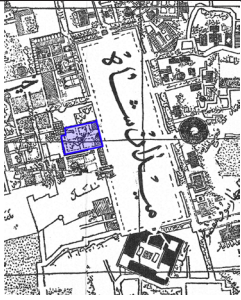

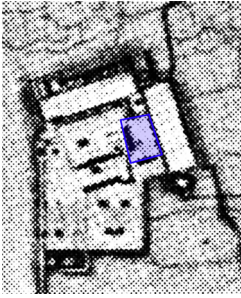
مدارس نظامی نیز پدید آمد (سیفی، ۱۳۶۲: ۲۶۱). اهمیت بناهای نظامی در این دوره به اندازه‌ای بوده که اداره‌ای با مسئولیت حفظ و نگهداری این بناها تحت عنوان نظارت‌خانه شکل گرفت (مدرس، ۱۳۸۰: ۵۹۱). بنابر نوشته برخی از سفرنامه‌های دوره قاجار مشخص می‌شود که حجره‌های میدان نیز در این زمان به سربازخانه تغییر کاربری داده بوده‌اند (نوردن، ۱۳۵۶: ۱۱۹؛ رنه دالمانی، ۱۳۹۴: ۹۲۶؛ فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۵۷). از این روی در این دوره، نام میدان به سربازخانه نقش جهان تغییر پیدا کرده بوده (رجایی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). یکی دیگر از سربازخانه‌های ساخته شده در این دوره، سربازخانه ناصری است که در زمان ظل‌السلطان و به دستور مستقیم او ساخته می‌شود (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۸). این بنا روی خرابه‌های کاروانسرای نقش جهان ساخته شده که در دوره صفویه محل داد و ستد ارمنیان بوده است (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱۲۴). محل این میدان بنا بر توضیحات یکی از مورخان اصفهان در غرب میدان نقش جهان بوده است (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۸) اما مکان دقیق آن در، طبق نوشته روزنامه فرهنگ (شماره ۲۸۱، سال ۱۳۰۳ ه.ق) بدین قرار است: «... سربازخانه مذکور از سمت شمال محدود به باغ و بازار صباغان و از سمت جنوب به میدان چهارحوض و بازار مسگران و از جهت شرقی به سربازخانه نقش جهان و از جهت غربی به شارع عام که مقابله می‌کند با باغ جدیدی که در جنب شمالی عمارت چهلستون طرح شده است» (رجایی، ۱۳۸۳: ۷۴). مکان توصیف شده در این سند، در

احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۶) (هیأت نویسندگان و محققین، ۱۳۷۶: ۹۹) یکی از دلایل رد این نظر، عدم وجود این دروازه در اسناد تصویری پیش از قاجار است. اگر این ورودی متعلق به یکی از کاخ‌های دولتخانه صفوی در غرب میدان بود، چه بسا که در آن دوره و در زمان شکوه بیشتر این کاخ‌ها دارای اهمیت بوده و همانند سردر خورشید (ورودی حرمسرا) به تصویر کشیده می‌شد. علاوه بر مطالب ذکر شده، مورخ دیگری نیز از وجود دروازه‌ای جدید به نام دروازه توپخانه یاد می‌کند، که نشان از معاصر بودن این دروازه با نگاشتن کتاب (۱۳۰۲-۱۳۰۸ ه.ق) توسط وی یعنی دوره قاجار دارد (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۸). مسئله‌ای که در تعیین کاربری احتمالی این دروازه کمک می‌کند، مشخص بودن کاربری فضای پشت این دروازه در نقشه‌های چریکف (۱۳۳۰ خ) و سیدرضاخان (۱۳۰۲ خ) است. در نقشه سیدرضاخان این مکان به عنوان توپخانه و در نقشه چریکف به عنوان میدان سربازها معرفی شده است (جدول ۲، ردیف ۱ و ۳). در دوره قاجار بخش عمده‌ای از میدان نقش جهان به سربازخانه تبدیل شد. برای بررسی ارتباط دروازه توپخانه با فضاهای نظامی دوره قاجار، سربازخانه‌های پیرامون این فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سربازخانه‌های حدود میدان نقش جهان در دوره قاجار

نظمیه اصفهان در دوره حکومت ظل‌السلطان (۱۲۸۳-۱۲۸۹ و ۱۲۹۱-۱۳۲۵ ه.ق) ایجاد شده است. همزمان با آن در اصفهان

جدول شماره ۲: بررسی دروازه مورد نظر در نقشه‌های تاریخی

توسیم کننده	نقشه	توضیحات	توسیم کننده	نقشه	توضیحات
سرهنگ چریکف (۱۸۵۱م)	 <p>ماخذ: مهریار و دیگران، ۱۳۷۸</p>	<p>در این نقشه فضای مورد نظر به عنوان میدان سربازها معرفی شده است. ورودی این فضا از سمت میدان مشخص نشده است.</p>	سید رضاخان (۱۹۲۳م)		<p>در این نقشه فضای مورد نظر به عنوان توپخانه نامیده شده است. ورودی این فضا از سمت میدان تا حدودی مشخص شده است.</p>
پاسکال کوست (۱۸۶۷م)	 <p>ماخذ: شفقی، ۱۳۸۱</p>	<p>در این نقشه تنها سه ورودی در سمت غربی میدان ترسیم شده که تنها ورودی بازار مسگران است که در حوالی سردر مورد نظر جای گرفته است.</p>	بدون (۱۹۳۲م)		<p>به دلیل عدم توجه به جزئیات در این نقشه، تفکیک فضاها به گونه‌ای نیست که بشود در این قسمت فضایی را متصور شد. تنها ورودی‌های ترسیم شده در ضلع غربی ورودی چهارحوض و پشت مطبخ است.</p>

شمال میدان چهارحوض قرار داشته، ولی فضای پشت دروازه توپخانه در جنوب میدان جای داشته است، لذا این سربازخانه نمی‌تواند همان فضای پشت دروازه توپخانه باشد (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: سربازخانه‌های شاخص اصفهان در دوره قاجار

ردیف	فوج	صنف	مکان سربازخانه
۱	فتح ناصری یا فتح آباد	سواره نظام	چهارباغ عباسی (عتیق با کهنه)
۲	جلالی	پیاده نظام	میدان نقش جهان
۳	چهارمحل	؟	سربازخانه جدید (کنار میدان نقش جهان و سربازخانه چهارحوض)
۴	جلالی	؟	سربازخانه چهارحوض

ماخذ: برگرفته از رجایی ۱۳۸۱

یکی دیگر از سربازخانه‌هایی که در این دوره شکل گرفته، سربازخانه چهارحوض بوده است. این مکان به منزله جلوخان عمارات سلطنتی بوده که در این دوره (قاجار) به سربازخانه تبدیل شده است (تحویلدار اصفهانی، ۱۳۴۲: ۲۳). این میدان در دوره پهلوی با احداث خیابان استانداری تخریب شده و بخشی از آن به خیابان و بخشی به بانک تبدیل شده است (بهشتیان، ۱۳۴۳: ۲۷). در گزارش مرمت میدان چهارحوض و تبدیل آن به سربازخانه از فضاهای اطراف این میدان که خرابه بوده‌اند و سپس مرمت شده و تبدیل به سربازخانه شده‌اند نیز یاد می‌شود (رجایی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). با توجه به اینکه در تصاویر باقیمانده از دوره قاجار و اوایل پهلوی (جدول شماره ۴)، در ورودی گذر چهارحوض در ضلع غربی میدان

نقش جهان هیچ سردری قرار ندارد و با توجه به اهمیت سربازخانه چهارحوض و بناهای وابسته به آن، به نظر می‌رسد دروازه مذکور در ارتباط با این سربازخانه و بناهای وابسته به آن بوده است. یکی از بناهای وابسته به سربازخانه چهارحوض که از طریق گزارش روزنامه فرهنگ وجود آن اثبات گردید، مکانی است که در پشت سردر مورد نظر قرار گرفته که در نقشه چریکف میدان سربازها و در نقشه سیدرضاخان توپخانه نامیده شده است. با توجه به نامگذاری دروازه‌ای به نام توپخانه توسط ارباب اصفهانی و مطابقت این دروازه با فضاهای نظامی غرب میدان، می‌توان این دروازه را دروازه توپخانه نامید که به منظور ارتباط فضاهای نظامی با میدان نقش جهان ساخته شده بوده. البته لازم به ذکر است که مرمت میدان چهارحوض و تبدیل آن به سربازخانه با توجه به گزارش روزنامه فرهنگ، ۳۱ سال بعد از ترسیم نقشه چریکف اتفاق افتاده است. در این نقشه فضای شمالی کاخ عالی قاپو به عنوان میدان سربازها نامیده شده است. این فضا با مکانی که در پشت سردر مورد نظر قرار گرفته، مطابقت می‌کند. پس می‌توان نوشت قبل از تشکیل سربازخانه چهارحوض این مکان به سربازها و تشکیلات نظامی مربوط بوده است؛ اما با توجه به اینکه در گزارش‌های روزنامه فرهنگ از وجود میدان دیگری در نزدیکی چهارحوض به عنوان میدان سربازها یاد نشده و از طرفی فضاهای اطراف چهارحوض را خرابه توصیف کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که این فضا تا حدودی کاربری خود را در هنگام تشکیل سربازخانه چهارحوض از دست داده بوده. با ساماندهی میدان چهارحوض به عنوان سربازخانه احتمالاً مکان مورد

نظر نیز به عنوان توپخانه مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین مدارک موجود مشخص می‌گردد که سردر مورد نظر، ورودی یکی از میدان‌های سربازخانه چهارحوض بوده است. در رابطه با تاریخ و چگونگی ساخت این سردر اطلاعات دقیقی به دست نیامده، اما در یکی از گزارش‌های روزنامه فرهنگ (شماره ۸۸، سال ۱۲۹۸ ه.ق.) به نصب درهای محکم در ورودی‌های میدان اشاره شده است (رجایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). با توجه به نظامی شدن کاربری بیشتر قسمت‌های غربی میدان و قرارگیری انبار تجهیزات در نزدیکی سربازخانه‌ها (رجایی، ۱۳۸۳: ۷۰)، تعبیه سردری مستحکم برای کنترل ورود و خروج به این فضاها امری اجتناب‌ناپذیر بوده است. البته هنوز نمی‌توان زمان دقیق ساخت دروازه را اثبات کرد؛ زیرا این مکان قبل از تشکیل حکومت ظل‌السلطان و اختصاص یافتن بخش بزرگی از میدان و فضاهای اطراف آن به سربازخانه، کاربری نظامی داشته است و چه بسا در همان زمان برای محافظت میدان سربازها، دروازه مذکور احداث شده باشد. اما فارغ از تعیین سال ساخت دروازه با توجه به موارد ذکر شده ضرورت ساخت و کاربری سردر مورد نظر مشخص می‌شود.

موقعیت دروازه توپخانه پیش از دوره قاجار

در طرحی که شاردن در دوره صفویه از ضلع غربی میدان تهیه کرده، دو ورودی در سمت راست کاخ عالی‌قاپو دیده می‌شود که مکان ورودی اول می‌تواند با مکانی که در دوره قاجار دروازه توپخانه را ایجاد کرده‌اند، برابری کند. این دو ورودی هیچ کدام سردر مشخصی نداشته و احتمالاً راه ورود به بازار اطراف میدان و یا یکی از فضاهای دولتخانه صفویه بوده است (نگاره ۱ و ۲). طرح دیگری از هفستد متعلق به اوایل قرن ۱۸ میلادی وجود دارد که در آن به نظر می‌رسد در فاصله مشخصی از کاخ عالی‌قاپو ورودی قرار داشته است، ولی سردر مشخصی در این طرح دیده نمی‌شود (نگاره ۳).

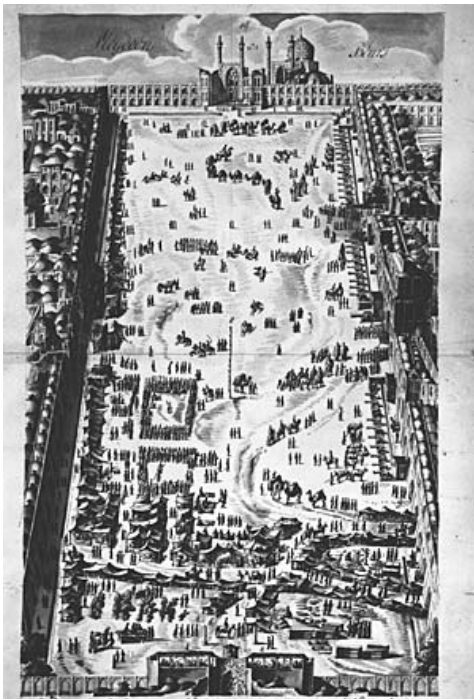
بررسی سیر تحول موقعیت سردر مورد نظر بر اساس اسناد تاریخی و تصویری

در بین اسناد توصیفی و تاریخی تنها ارباب اصفهانی در کتاب خود از دروازه‌ای به نام توپخانه در غرب میدان نقش جهان یاد می‌کند. تاریخ پایان اولیه کتاب وی ۱۳۰۰ ه.ق (۱۸۸۲م) و تصحیح آن ۱۳۰۸ ه.ق (۱۸۹۱م) است. با توجه به اینکه وی از این دروازه به عنوان یک بنای جدید یاد می‌کند، می‌توان تاریخ ساخت آن را به قبل از سال ۱۸۸۲ و یا ۱۸۹۱ میلادی نسبت داد. اسناد تصویری

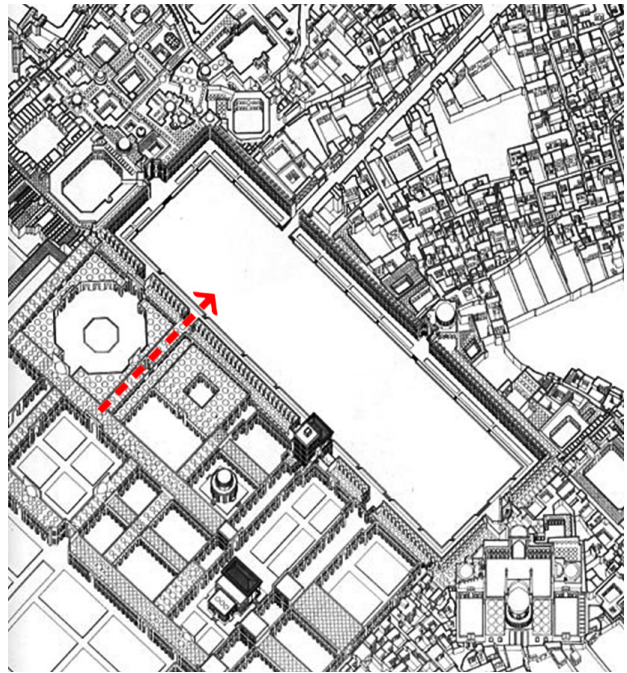
که نشان دهنده این ورودی و یا فضای پشت آن هستند به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل آن گروه از طرح‌ها و عکس‌هایی می‌شود که در آن دروازه و یا موقعیت آن مشخص شده و دسته دوم نقشه‌هایی هستند که از دوره قاجار بر جای مانده و موقعیت فضای پشت دروازه در آنها مشخص است. با توجه به طرح‌های بررسی شده از دوره صفویه در بخش قبل، این مطلب حاصل شد که در جایگاه دروازه توپخانه در دوره صفویه نیز ورودی وجود داشته و در دوره قاجار سردری به آن افزوده شده است؛ اما در تمام اسناد دوره قاجار نیز این دروازه وجود ندارد. قدیمی‌ترین اسناد، تصویر هولتسر مربوط به سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۹۷م، (جدول شماره ۴، نگاره ۳) و نقشه سرهنگ چریکف در سال ۱۸۵۱ است (جدول شماره ۲). در طرحی که مادام دیولافوا از این قسمت از میدان کشیده سردر مورد نظر دیده نمی‌شود (جدول شماره ۴، نگاره ۴). در تصاویر بعدی که اغلب مربوط به اوایل قرن ۲۰ میلادی می‌شود، دروازه مورد نظر وجود دارد. جدیدترین اسنادی که در آنها این دروازه قابل مشاهده است، طرحی متعلق به ریچاردز و نگاره‌ای متعلق به سال ۱۹۳۰ است (جدول شماره ۴، نگاره ۸). در اسناد تصویری مربوط به بعد از این تاریخ که شناخته شده‌ترین آنها عکس هوایی اشمیت (۱۹۳۵ میلادی) است، این دروازه دیگر وجود ندارد. از بررسی و مقایسه اسناد تصویری موجود به طور واضح نمی‌توان به تاریخ ساخت دروازه پی برد؛ زیرا در قدیمی‌ترین سند (نقشه چریکف) تنها فضای میدان سربازها وجود دارد و از ورودی آن اثری نیست. در رابطه با تصویر هولتسر که احتمالاً قدیمی‌ترین عکس دروازه است نیز تاریخ دقیق عکسبرداری مجهول است. در نگاره طراحی شده توسط دیولافوا نیز دروازه مورد نظر دیده نمی‌شود. با توجه به اینکه ارباب اصفهانی به وجود این دروازه در تاریخی قبل از ۱۸۸۲ و یا ۱۸۹۱ میلادی اشاره می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که یا دیولافوا این دروازه را نکشیده و یا دروازه در تاریخی بعد از حضور او ساخته شده است. با تطبیق اسناد تصویری و تاریخی موجود می‌توان بازه زمانی بین سال‌های ۱۸۵۱ تا ۱۸۸۲ را برای احداث و بازه زمانی ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ میلادی را برای تخریب این دروازه در نظر گرفت. در حال حاضر در جایگاه این دروازه ورودی بوستان هنر قرار دارد که فاقد سردر مشخص بوده و تنها دسترسی از میدان به بوستان را تأمین می‌کند (نگاره ۴).



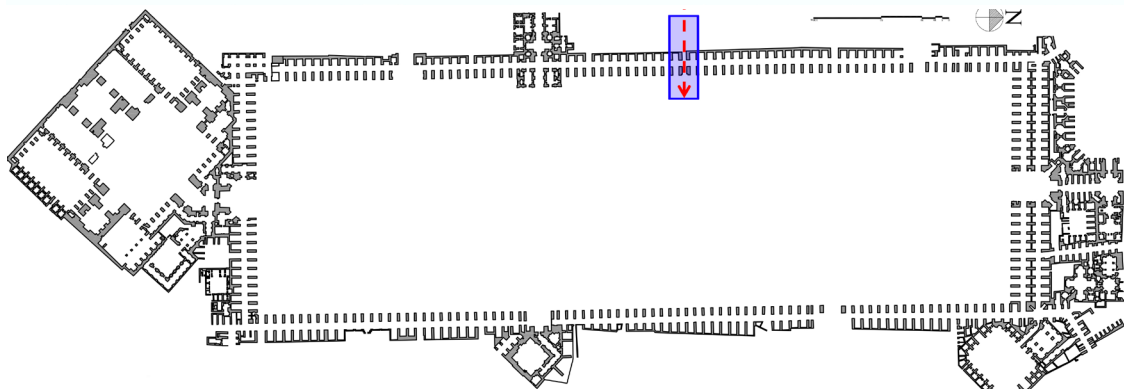
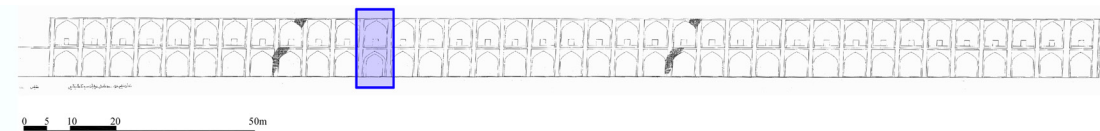
نگاره شماره ۱: موقعیت احتمالی دروازه توپخانه در دوره صفویه؛ ماخذ: شاردن، ۱۲۹۳



نگاره شماره ۳: موقعیت احتمالی دروازه توپخانه در دوره صفویه. طرح از هفشتاد متعلق به سال ۱۷۰۳ میلادی؛ ماخذ: راد احمدی و دیگران، ۱۳۹۰



نگاره شماره ۲: موقعیت احتمالی دروازه توپخانه در دولتخانه صفویه. این بخش احتمالاً در آن زمان ورودی یکی از فضاهای دولتخانه بوده است؛ ماخذ: هرذگ، ۱۳۷۶



نگاره ۴: موقعیت فعلی دروازه توپخانه. این ورودی در زمان حاضر دارای سردر مشخص نبوده و تنها ورودی بوستان هنر است. ماخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان

بررسی ویژگی‌های معماری دروازه توپخانه

یکی از دلایلی که می‌تواند به تشخیص دوره ساخت این سردر کمک کند، ویژگی‌های معماری آن است. شاید شاخص‌ترین بخش این سردر دو برج قطور آن هستند که در دو طرف آن واقع شده و در بالای آنها کنگره‌هایی دیده می‌شود. برج‌های مذکور یادآور برج‌های واقع در قلعه‌هایند که اصلی‌ترین کاربری آنها دیدبانی است و این خود یکی دیگر از دلایل اثبات کاربری نظامی این دروازه است. در بدنه برج‌های مذکور تزئینات آجرکاری همچون گل انداز و هره‌چینی آجری دیده می‌شود. یکی از قابل توجه‌ترین عناصر روی بدنه برج‌ها، سه عدد حفره به شکل لوزی است که در پایین برج‌ها قرار گرفته و در وسط یکی از آنها (برج

سمت راست) روزنه‌ای دیده می‌شود. یکی از عناصر دیگر روی بدنه برج‌ها، تعدادی مشتبو^۲ است که در فاصله‌های مشخصی قرار گرفته‌اند. در حد فاصل بین برج‌ها و دهانه ورودی، دو ستون قرار دارد. این ستون‌ها دارای پایه‌های مکعبی و سرستون‌هایی به شکل نیم مخروط ناقص هستند. ساقه ستون‌ها نیز دارای سطح مقطع دایره‌ای و بدنه‌ای صاف است. دهانه ورودی دارای چفد تیزه‌دار مشابه سایر چفدهای تکرار شده در بدنه میدان است و در بالای آن فضایی به پیروی از بالای حجره‌ها تعبیه شده، اما تفاوتش با آنها در شکل چفد است که به صورت مازهدار است. در بالای سردر و در مرکز آن تاجی نیم‌دایره قرار گرفته و پرچمی نیز در کنار آن تعبیه شده است (جدول شماره ۴). مصالح اصلی بنا آجر است و

جدول شماره ۴: بررسی دروازه سربازخانه در اسناد تصویری

عکاس / طراح	عکس / طراحی	توضیحات	عکاس / طراح	عکس / طراحی	توضیحات
هارولد اف. وستون (۱۹۱۹م)	 <p>ماخذ: URL5</p>	مشخص بودن برخی از ویژگی‌های معماری سردر از جمله تزئینات موجود در بدنه برج‌ها و اجزای ستون‌ها.	هارولد اف. وستون (۱۹۱۹م)	 <p>ماخذ: هیات نویسندگان و محققین، ۱۳۷۶</p>	در این تصویر سردر میدان سربازها دیده می‌شود. در بالای سردر پرچمی قرار دارد که احتمالاً بر کاربری این بنا تاکید داشته است.
ارنست هولتسر (۱۸۹۷-۱۸۶۳م)	 <p>ماخذ: دیولافوا ۱۳۷۱</p>	تاریخ دقیق این عکس مشخص نیست ولی قطعاً بین سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۹۷ میلادی گرفته شده است. در بین این سال‌ها سردر مورد نظر وجود داشته است.	ارنست هولتسر (۱۸۹۷-۱۸۶۳م)	 <p>ماخذ: هولتسر ۱۳۵۵</p>	در سال ۱۸۸۱ میلادی با توجه به طرح باقیمانده سردر مورد نظر دیده نمی‌شود.
۵	 <p>ماخذ: URL1</p>	این تصویر سربازخانه میدان چهارحوض را نشان می‌دهد که در انتهای تصویر سردر مورد نظر نیز مشخص است.	والتر میتل هولتزر (۱۹۲۵م)	 <p>ماخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان</p>	این تصویر از جنوب سردر گرفته شده است. در این تصویر کنگره‌های بالای دو برج و قسمتی از فضاهای میدان سربازها دیده می‌شود.
والتر میتل هولتزر (۱۹۲۵م)	 <p>ماخذ: ریچاردز، ۱۳۷۹</p>	در این تصویر علاوه بر سردر سربازخانه سایر فضاهایی که در غرب میدان و پشت این سردر هستند نیز قابل تشخیص‌اند.	والتر میتل هولتزر (۱۹۲۵م)	 <p>ماخذ: URL1</p>	در این طرح که متعلق به دوره پهلوی اول است اجزای سردر و قسمتی از سربازخانه مشخص هستند.

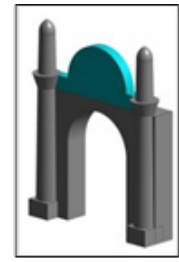
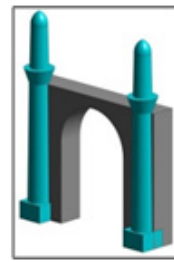
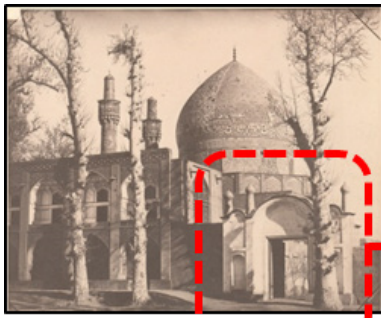


نگاره شماره ۵: مقایسه سردر سربازخانه چهارحوض با سایر دروازه‌های مشابه دوره قاجار. وجود اجزایی نظیر تاج نیم‌دایره، ستون‌های طرفین ورودی و چفدهای نیم‌دایره حاکی از شباهت دروازه توپخانه با دروازه‌های قاجاری است؛ ماخذ نگاره‌های ۲ و ۳: URL3؛ ماخذ نگاره ۱: URL2

بازسازی دروازه توپخانه

به دلیل گویا نبودن تصاویر باقیمانده از این دروازه و به منظور درک بهتر ویژگی‌های معماری دروازه و این قسمت میدان در دوره قاجار، بر اساس اسناد موجود دروازه، مدل سه بعدی بنا بازسازی شد (نگاره‌های ۶ و ۷).

قسمت‌هایی هم به نظر می‌رسد از پوشش گچ استفاده شده و در بالای سر ستون‌ها نیز از کاشی استفاده شده است. با بررسی مختصر ویژگی‌های معماری این سردر و مقایسه آن با دروازه‌هایی که مشخصاً مربوط به دوره قاجار هستند (نگاره‌های ۵ و ۷) می‌توان به این نتیجه رسید که این بنا متعلق به دوره قاجار است. از عناصر شاخص این دروازه‌ها می‌توان به وجود تاج نیم‌دایره در بالای ورودی و دو ستون در طرفین درگاه اشاره کرد (نگاره ۶).



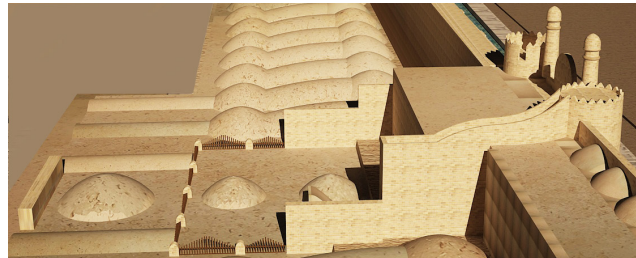
وجود دایمی به شکل نیم دایره در بالای درگاه. وجود دو ستون در طرفین درگاه ورودی در اغلب اینگونه دروازه‌ها.

نگاره شماره ۷: ورودی باغ مجاور مدرسه چهارباغ در زمان قاجار این سردر که دارای فرم مشابهی با سردر سربازخانه است نیز در دوره قاجار ایجاد شده و امروزه از میان رفته است؛ ماخذ: هولتسر، ۱۳۵۵

نگاره شماره ۶: عناصر تکرار شونده در دروازه‌ها و سردرهای دوره قاجار



نگاره شماره ۶: مقایسه جایگاه دروازه توپخانه در گذشته و زمان حال. بازسازی این دروازه بر اساس اسناد موجود



نگاره شماره ۷: بازسازی دروازه توپخانه بر اساس اسناد موجود

سربازخانه چهارحوض بوده که در جایگاه میدان چهارحوض سابق شکل گرفته است. علاوه بر میدان چهارحوض فضاهای اطراف آن نیز در این دوران مرمت شده و در خدمت سربازخانه قرار گرفته‌اند. احتمالاً این میدان که در پشت دروازه قرار داشته و مدت‌ها قبل از سربازخانه چهارحوض فعالیت می‌کرده، به مرور کاربری خود را از دست داده و با ساماندهی میدان چهارحوض، مجدداً به عنوان توپخانه مورد استفاده قرار گرفته است. از این روی می‌توان این دروازه را محل اتصال فضاهای نظامی غرب میدان نقش جهان با میدان دانست و بنا بر توصیف ارباب اصفهانی آن را دروازه توپخانه نامید. با بررسی اسناد تصویری دوره صفویه مشخص شد که قبل از دوره قاجار چنین دروازه‌ای وجود نداشته است؛ اما اینکه دروازه مذکور چه سالی به بدنه غربی میدان اضافه شده است، هنوز کاملاً مشخص نیست. در قدیمی‌ترین سند که همان نقشه چیریکف است فضای پشت دروازه به عنوان میدان سربازها معرفی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت گرفته آشکار گردید که در جایگاه دروازه مورد نظر، در دوره صفویه یک ورودی قرار داشته که دارای سردری شاخص نبوده است (بند ۵) (نگاره‌های ۱ تا ۳). در اواسط دوره قاجار قسمت عمده‌ای از میدان و بخش‌های غربی آن، در خدمت فعالیت‌های نظامی قرار می‌گیرند (بند ۳) (جدول ۳). در نقشه چیریکف فضای قرار گرفته در ضلع شمالی کاخ عالی‌قاپو که در واقع فضای پشت دروازه مورد نظر هست، به عنوان میدان سربازها معرفی شده است. این نقشه حاکی از این مطلب است که در اوایل دوره قاجار نیز بخشی از ضلع غربی میدان به کاربری سربازخانه اختصاص داشته است. از طرفی ارباب اصفهانی نیز از وجود دروازه‌های موسوم به توپخانه در غرب میدان نقش جهان یاد می‌کند که تقریباً نزدیک به دوران نگارش کتاب وی (۱۸۸۲ یا ۱۸۹۱م) احداث شده بوده است. یکی از بناهای نظامی این دوره

شده است، اما خود دروازه در نقشه دیده نمی‌شود. تصویر گرفته شده توسط هولتسر نیز بین سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۹۷ میلادی گرفته شده است، که تاریخ دقیق عکسبرداری آن مجهول است. در نگاره طراحی شده توسط دیولافوا در سال ۱۸۸۱ میلادی نیز دروازه مورد نظر دیده نمی‌شود که به نظر می‌رسد طراحی با دقت انجام نشده و همه اجزای میدان به تصویر کشیده نشده است. جدیدترین اسنادی که در آن این دروازه دیده می‌شود طرحی متعلق به ریچاردز و نگاره‌ای مربوط به سال ۱۹۳۰ میلادی است. در اسناد تصویری مربوط به بعد از این تاریخ که شناخته شده‌ترین آنها عکس هوایی اشمیت (۱۹۳۵ میلادی) است. این دروازه دیگر وجود ندارد. از این روی با تطبیق اسناد تاریخی و تصویری می‌توان گفت که دروازه مذکور در بین سال‌های ۱۸۵۱ تا ۱۸۸۲ میلادی، احداث و در بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ میلادی تخریب شده است. یکی دیگر از راهکارها برای تعیین دوره ساخت دروازه، مقایسه ویژگی‌های معماری آن با سایر دروازه‌های قاجاری بود. (نگاره‌های ۲ تا ۴). به دلیل تشابهات معنادار بین کالبد معماری این دروازه با دروازه‌های قاجاری می‌توان زمان ساخت آن را دوره قاجار در نظر گرفت. به طور کلی ویژگی‌های بارز معماری این دروازه وجود دو ستون طرفین دهانه ورودی و یک تاج نیم‌دایره در بالای درگاه آن است. در کنار هر یک از ستون‌های طرفین ورودی یک برج کنگره‌دار وجود دارد. وجود این برج‌ها که اصلی‌ترین نقش آن‌ها در معماری ایرانی دیدبانی و دفاع از فضاهای پشت برج است نیز دلیل دیگری برای اثبات کاربری نظامی این دروازه است (نگاره ۶)

پی‌نوشت‌ها

۱. مدل‌سازی در نرم‌افزارهای Revit Architecture 2017 و 3ds Max توسط نگارندگان صورت گرفت.
۲. روزنه‌هایی در دیوار برای قرار دادن تیرهای چوب بست (رفیعی سرشکی و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۱۱).

فهرست منابع و مراجع

۱. آقابزرگ، نرگس و حشمت‌الله متدین (۱۳۹۴)، «خاستگاه نظری میدان نقش جهان»، *باغ، نظر*، شماره ۳۳، تابستان.
۲. آلبوم خانه کاخ گلستان.
۳. ارباب اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، امیرکبیر، تهران.
۴. اشمیت، اریش فردریش (۱۳۷۶)، *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۵. افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۷۹)، *سفرنامه اصفهان*، مصحح: ناصر افشارفره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۶. انه، کلود (۱۳۷۰)، *گل‌های سرخ اصفهان*، ایران با اتومبیل، ت: فضل‌الله جلوه، روایت، تهران.
۷. اوبن، اوژن (۱۳۹۱)، *ایران امروز*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، نقش جهان، تهران.
۸. بدوان (۱۳۷۹)، *اصفهان در قرن هفدهم*، ترجمه: اصغر کریمی، اثر، دوره ۲۱، شماره ۳۱ و ۳۲.

۹. بهشتیان، عباس (۱۳۴۳)، *بخشی از گنجینه آثار ملی*، چاپخانه حبل‌المتین، اصفهان.
۱۰. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: حمید ارباب شیرانی، نیلوفر، تهران.
۱۱. تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان (۱۳۴۲)، *جغرافیای اصفهان؛ جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*، ترجمه: منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. جابری انصاری، حسن (۱۳۷۸)، *تاریخ اصفهان*، تصحیح و تعلیق: جمشید مظاهری، مشعل با همکاری شرکت بهی، اصفهان.
۱۳. دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای اصفهان*، ترجمه: لئون میناسیان و موسوی فریدنی، نشرزنده رود، اصفهان.
۱۴. دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۱۵. دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۱)، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه: علی محمد فره‌وشی و بهرام فره‌وشی، دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. راداحمدی، مینا؛ فرهاد تهرانی و رضا ابوبی (۱۳۹۰)، «معرفی و نقد بر چند سند تصویری تاریخی تازه یافته در مورد میدان نقش جهان»، *باغ نظر*، شماره ۱۷، تابستان.
۱۷. رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان*، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۱۸. رفیعی سرشکی، بیژن؛ ندا رفیع زاده و علی محمد زنجیر کرمانی (۱۳۸۲)، *فرهنگ مهرازی (معماری) ایران*، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۱۹. زهدالمانسی، هانری (۱۳۹۴)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه: همایون فره‌وشی، امیرکبیر، تهران.
۲۰. ریچاردز، فردر (۱۳۷۹)، *سفرنامه فردر ریچاردز*، ترجمه: مهین دخت صبا، علمی فرهنگی، تهران.
۲۱. سیفی قمینفرشی، مرتضی (۱۳۶۲)، *نظم و نظمی در دوره قاجار*، یساولی فرهنگسرا، تهران.
۲۲. شاردن، ژان (۱۳۹۳)، *دایرة المعارف تمدن ایران*، *ساحتنامه شاردن*، ترجمه: محمد عباسی، امیرکبیر، تهران.
۲۳. شفقی، سیروس (۱۳۸۱)، *جغرافیای اصفهان*، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۲۴. شهابی نژاد، علی و بهناز امین زاده، (۱۳۹۱)، «منظر ورودی میدان نقش جهان اصفهان؛ ارزش‌ها و مسئله‌ها»، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار.
۲۵. شهابی نژاد، علی؛ رضا ابوبی، محمود قلعه‌نوئی، و سید محمد امامی (۱۳۹۳-الف)، «شکل‌گیری و دگرگونی تاریخی میدان نقش جهان اصفهان»، *دانش مرمت و میراث فرهنگی*، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان.
۲۶. شهابی نژاد، علی؛ رضا ابوبی، محمود قلعه‌نوئی، و فرهنگ مظفر (۱۳۹۳-ب)، «مقیاس انسانی در میدان نقش جهان اصفهان»، *مرمت و معماری ایران*، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان.
۲۷. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه: حسین نورصادقی، اشراقی، تهران.
۲۸. فوروکاوا، نوبیوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه: هاشم رجب‌زاده و کینیجی نه‌اورا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۲۹. کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۶)، *سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف*، محمد صادق همایون‌فرد، کتابخانه ملی ایران، تهران.
۳۰. کمپفر، انگلیبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه: کیکاووس جهاناداری، خوارزمی، تهران.

۳۱. لوتی، پیر (۱۳۷۰)، به سوی اصفهان، ترجمه: بدرالدین کتابی، اقبال، تهران.
۳۲. مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان.
۳۳. هیأت نویسندگان و محققین (۱۳۷۶)، ایران در آستانه قرن بیستم: سفرنامه هیأت نویسندگان و محققین ماهنامه نشنال جئوگرافیک از ایران در سال ۱۹۲۱ - ۱۳۰۰ ه.ش ... و ۶۳ تصویر از کاروانهای ایرانی - به ضمیمه آلبومی از تصاویر ایران در دهه ۱۳۰۵ - ۱۲۹۵ ه.ش، ترجمه: میترا معتضد، البرز، تهران.
۳۴. مدرس، یحیی (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۳۵. مهریار، محمد؛ شامیل فتح الله یف؛ فرهاد فخار تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۸)، اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۶. نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، زیر آسمان ایران، ترجمه: سیمین سمیعی، دانشگاه تهران، تهران.
۳۷. مدیریت اسناد و مدارک علمی وزارت راه و شهرسازی، مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
۳۸. ولی بیگ، نیما و نگار کورنگی (۱۳۹۸)، «بازخوانی سردر خورشید در میدان نقش جهان بر اساس اسناد توصیفی - تاریخی و تصویری»، باغ نظر، در دست چاپ.
۳۹. هردگ، کلاوسی (۱۳۷۶)، ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و توکستان، ت: محمد تقی زاده مطلق، بوم، تهران.
۴۰. هولستر، ارنست (۱۳۵۵)، ایران در یکصد و سی و پنج سال پیش، ترجمه: محمد عاصمی، وزارت فرهنگ و هنر، تهران.

41. Hayaty, Hamed, Zahra Fazeli, and Nima Alipoor(2016), "a review on the identity in Iranian architecture(case study: Naqsh-e Jahan square in Esfahan)." **The Turkish Online Journal of Design, Art and Communication**, August.
42. Khodabakhshi, Zahra,(2014), "Structural Elements of Urban Squares from Tradition to Modernity in Iran: A Comparative Study of Isfahan's Naghsh-e-Jahan Square and Tehran's Toop-khaneh Square." **Civil Engineering and Urbanism**, 5 .
43. دسترسی در [http:// e-pics.ethz.ch/ 10/9/1396](http://e-pics.ethz.ch/10/9/1396)
44. دسترسی در [http://www.mirrasemnan.ir/ 12/10/1396](http://www.mirrasemnan.ir/12/10/1396)
45. دسترسی در [http://www.qchto.ir/ 12/10/1396](http://www.qchto.ir/12/10/1396)
46. دسترسی در [https://commons.wikimedia.org/ 7/9/1396](https://commons.wikimedia.org/7/9/1396)
47. دسترسی در [http://terrediran.com/ 7/9/1396](http://terrediran.com/7/9/1396)

Analysis of construction history, architectural form and function of the Topkhaneh gate in the course of developments of Naghshe Jahan Square during Qajar period

Nima Valibeig *

Assistant Professor, Architectural & Urban Department Conservation & Restoration Faculty, Art University of Isfahan. Isfahan, Iran.

* n.valibeig@au.ac.ir

Negar Kourangi

M.A in. Architectural & Urban Conservation, Conservation & Restoration Faculty, Art University of Isfahan. Isfahan, Iran.

Abstract:

Naghshe Jahan Square is one of the most important urban spaces in Iranian architecture. Considering the interactivity of this square with the surrounding urban spaces, there has been a significant number of entries in different periods. Among these entrances is a gateway to the western side and near the Ali Qapu that its use, construction and architectural features have remained so far unknown. By examining this gateway, in general, it is possible to reveal some of the formal and functional changes of the square, and in particular, the construction history, architecture, and architectural features of the gate. So far, a number of scholars have done some research on the developments in the square. This research first explains the construction history, function and form of the western gateway architecture. The data from this research is a combination of documentary and field data. In this study, by examining descriptive and visual documents of various historical periods and checking the present status, the current position of the gateway and its past usage were determined. The purpose of this research is to demonstrate the form and function of this gateway as well as the reason for its construction. Investigations revealed that during the Safavid period, the entrance to this gate was the entrance without a specific door. In the Qajar era, where a large part of the square use is devoted to military operations, in spaces connected to the gate on the western side, a military barrack is organized in the square of Chaharhouze and surrounding areas. This gate has been the pass way between the military barracks and Naghshe Jahan Square. In addition, by comparing the architectural features of this gate with other gates belonging to the Qajar period, the time of construction can be considered this period. This gate was destroyed during the first Pahlavi era and this part of the square has returned to its former shape.

Keywords: Gate, Topkhaneh, Naghshe Jahan Square, Historical and Visual documents, Military barrack.

Analysis of the role of ancient Ardakan texture recreation in urban tourism development

Ali Shamaii *

Associate Professor, Department of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

* shamai@khu.ac.ir

Hasan Rezapuor Mirsaleh

PhD in Geography and Urban Planning, Department of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

Ali Movahhed

Associate Professor, Department of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract:

The purpose of this research is to analyze the ancient structure of Ardakan city for the development of urban tourism and to achieve sustainable development and sustainable city. The purpose of this research is to analyze the ancient structure of Ardakan city for the development of urban tourism and to achieve to sustainable development and sustainable city. Since the old tissue of Ardakan city is associated with inefficiencies in various dimensions, its consequences are accompanied by an increase in social anomalies, economic downturn and instability of the old age, the microorganism of the tissue, the lack of investment incentives, the desire for migration and the continuous changes of the native social fabric, and There is a substitute for poor social groups; the most important approach to managing and revitalizing it is the urban regeneration approach. In urban regeneration, unlike previous urban planning processes that focused solely on physical aspects and prevented the realization of the goals of modernization, the development and rehabilitation of the economic, social, cultural and functional dimensions of the city played an important role and The inseparable part of the urban development process is discussed. Urban regeneration is one of the methods for urban tourism planning. The purpose of this study is to investigate the role of recreation of the old textures in Ardakan city to help develop urban tourism by recognizing the optimal patterns of city development and development. Hence the dominant perspectives for sustainable urban regeneration. This research has been exploratory-analytic in terms of method. The study area in the present study was the old tissue of Ardakan city, which was 47 hectares and was composed of three neighborhoods. The sample consists of 30 experts from the municipality, cultural heritage and urban elites. The data analysis method was using SWOT and GIS and SPSS softwares. The findings of this study showed that recreational measures in Ardakan's old context in physical, economic, social and environmental dimensions were obtained at 3.4 strength points and 1.47 in weaknesses. The above dimensions of the external factors and the points of opportunity were equal to 3.47 and at 1.60 points of threat. Regarding the quality of recreational activities for tourism development based on the spatial analysis and SWOT model, it was found that the Charkhab neighborhood and parts of the southern neighborhood of the new market have the most dispersed dilapidated and inactive parts, and it is necessary to pay more attention to these parts To be Strategies for the rehabilitation and maintenance of historically valuable elements, the creation and organization of business and service activities, prioritizing the pedestrian movement, the use of consensus of organs to revive the historical context in the recreation of the old city of Ardakan were introduced as the main suggestions of the research.

Keywords: Urban regeneration, Old Town of Ardakan, Urban Tourism, Urban Sustainability.

Explanation Of Environmental Quality Model In The Iranian Islamic City Regeneration

Iman Ghalandarian

PhD in Urban Planning and Design at Tarbiat Modares University

Mojtaba Rafiyan *

Associate Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University

* *Rafiei_m@modares.ac.ir*

Abstract:

Renovation of deteriorated areas has been carried out with different approaches to improve the quality of the environment. Today, rehabilitation as the predominant paradigm of renovation, considers wider dimensions to improve the quality of the environment. On the other hand, the quality of the environment also takes into account different dimensions by examining the characteristics of the living environment. The present research has been conducted with the aim of studying the dimensions and indices of environmental quality in the rehabilitation of deteriorated areas in Iranian-Islamic cities through a qualitative (descriptive-analytic) method using MaxQDA software as a research instrument. The prevailing approach to the paper emphasizes the consistency (science and religion) and the model is extracted by combining the concepts of the quality of the environment, rehabilitation, and Islamic-Iranian city. The model of research is based on dimensions and levels. The dimensions were obtained by the adaptation of qualitative and quantitative characteristics of the environmental quality with five dimensions of rehabilitation. The levels (physical, mental and spiritual) of the model were also extracted from the existential areas of mankind (derived from Islamic studies) are derived from the conformance of the levels of the model. The research results show that the quality of the environment in the rehabilitation of Iranian-Islamic cities will not be focused solely on the physical dimension, but also encompasses social, managerial, functional, economic, perceptual and environmental dimensions. The process of rehabilitation and the environment must respond to the physical, emotional and rational needs of man in any of the dimensions mentioned above.

Keywords: Quality Of Environment, Urban Regeneration, Iranian Islamic City, Human.

Exploring the quality of neighboring ties in Iranian Islamic neighborhood and its role in the place attachment; Case Study: Sagharisazan neighborhood, Rasht

Aliakbar Salaripour *

Assistant Prof., Department of Urban Planning and Design, University of Guilan.

* *salaripourali@gmail.com*

Hamidreza Ramezani

Faculty member of Department of Architecture and Landscape Architecture, Jihad Daneshgahi Research Center for Culture, Art and Architecture

Nader Zali

Associate Prof., Department of Urban Planning and Design, University of Guilan

Maryam Safaye Karpour

Lecturer, Department of Urban Planning and Design, University of Guilan

Abstract:

The broadness and complexity of dimensions of urban life, especially in metropolises, have diminished the role of urban neighborhoods in shaping social ties and place attachment. Though many researchers have focused on quantitative measurement of the impact of the neighboring tie on place attachment, a smaller number of studies are dedicated to the description of the quality and depth of neighboring relations in Iranian-Islamic communities. This article tries to describe the quality of neighboring ties and its interactions with place attachment through a holistic and qualitative approach. With this aim, neighboring and place attachment is studied in Sagharisazan neighborhood, which is one of the traditional and historical neighborhoods of the Rasht city. This neighborhood is located in the central part of the city and despite many changes, it almost has maintained the social and structural features of a traditional community. Resident's memories and everyday life experiences in the neighborhood should be analyzed to reach a comprehensive picture of the quality of neighboring ties and place attachment in a traditional neighborhood. For this purpose, 17 in-depth interviews with long-term residents of the neighborhood have been done by applying narrative mapping method. Drawing a hand sketch of neighborhood map in past and showing places on it, and their changes through time, was very helpful for interviewees to remember memories from a long time ago, in some cases more than half-century. In next step, qualitative content analysis of information obtained from interviews have been done. Being a neighbor in this community is an important certain social role that brings a certain sense of commitment and responsibility with itself. High neighboring ties and social residence in neighborhood boundaries enrich different places around it with social meaning and shared memories of the community residents. Therefore, it can be concluded that place attachment in traditional Iranian neighborhood is mostly affected by the social meaning of neighborhood places. Furthermore, place attachment among residents of the traditional neighborhood is classified as an active attachment which is much more valuable than traditional or inactive attachment to an urban neighborhood.

Keywords: Iranian Islamic neighborhood, neighboring relations, place attachment, active attachment, Sagharisazan.

Comparative Comparison of New and Old Neighborhoods of Isfahan in terms of Adaptability to Iranian-Islamic Indicators

Case Study: Isfahan Juybareh neighborhoods and Negin town

Jamal Mohammadi *(Corresponding Author)

Associate Professor in Geography and urban planning, faculty of geographical science and planning, university of Isfahan

* j.mohammadi@geo.ui.ac.ir

Seyed Reza Azadeh

Ph. D student in Geography and urban planning, faculty of geographical science and planning, university of Isfahan

Abstract:

Today, in the literature of planning and urban design, Focus on small-scale urban in the military hierarchy of Urban divisions as the most important residential scale has been Special attention. In this case, attention to the Iranian and Islamic values had a decisive role in the type of elements, attributes, quality of relationships, the way formation and the identity of the neighborhood and the city. In this case, present research evaluates the features designed in the neighborhoods with the help of indexes that derived from the principles of the Islamic religion. To achieve this aim, two neighborhoods (Juybareh as an old neighborhoods and Negin town as a new neighborhoods) was selected in Isfahan. Then the residential neighborhood design indicators based on the principles of Islam religion was extracted. In this regard, 25 indicators in the three aspects (Physical, Social and Economical) were selected. In the next step, using the questionnaire technique and field studies, the research data were collected. In the next step, the collected data was entered into SPSS software. Finally, the Situation of two neighborhoods, according to the Islamic community design indicators through using two-sample t-test were compared. The results of statistical analyzes indicate that the mean of the two groups in the two neighborhoods studied has a significant difference in 20 indexes and also the average of the indicators in the neighborhood of Juybareh is much higher than Negin town. Respectively, the largest difference between the two studied areas is in the social, physical and economic sectors. The important point is that in the economic sector have very little difference between the two neighborhoods.

Keywords: Design, residential neighborhood, Islamic city, Indicator, Juybareh, Negin town, Isfahan.

Analyzing environmental justice in Islamic utopian ideology to apply in Islamic urban planning;^{*}

Case study: Rural foundation neighborhood of Safein-Kish

Mohammad Mehdi Azizi ^{**}(Corresponding Author)

Professor, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran

^{**}E-Mail: mmazizi@ut.ac.ir

Esfandiar Zebardast

Professor, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran

Reza Akbari

Ph.D. student in Urban Planning, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

Abstract:

Reviewing Islamic city literature, it is assured that justice is one of the certain principle of Islamic urban planning along with others principle as unity, respect of properties and some others principle. The subject of environmental justice in Islamic utopia is a practical issues as respond to some current needs of urban planning of country, is one of the basic issues of Islam in Islamic society and city. Such approach can be sought in the neighborhood with rural foundation that take the role as problematic neighborhood in the result of failure to properly merging to the city and gradually develop into a variety of environmental inequalities. In this regard, the old Sefein neighbourhood of Kish Island was investigated as the case of urban area exposing injustice in order to applying Shia principle of justice in the urban planning system of Iran. The research method of this article is descriptive- analytical base on documentary studies. Applying surveying method and the questionnaire tool to explore more accurate the subject in the case study, Sefein- Kish. Based on theoretical and empirical studies, the common factors of environmental justice in Islamic utopia and urban planning theories are socio-economic equality, environmental equality and procedural equality. Due to the Evidence derived from the results of the questionnaire with Cronbach's alpha coefficient 0.928 in field studies, the most inequities is in socioeconomic factor from the perspective of the opportunity- cost distribution with a standard score 2.45. Finally, considering the special emphasis of Islamic utopia on social equity, the factors of environmental justice are reviewed and introduced from the perspective of Islamic utopia. These are: justice in opportunity- cost distribution; justice in regard to capacities and abilities of individual; justice in recognition of individual; and finally injustice in political process public participation in all stages of preparation and implementation of plans, decisions and urban polices taking.

Keywords: Islamic city, Islamic urban planning, justice, environmental justice, Safein- Kish.

* This article is a part of the third author's thesis entitled "Explanation the process of merging villages to city with Environmental justice approach" under the supervision of the first author and co-supervision of the second author done in the School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

Contents

Analyzing environmental justice in Islamic utopian ideology to apply in Islamic urban planning; Case Study: Rural Foundation Neighborhood of Safein-Kish	5
Mohammad Mehdi Azizi, Esfandiar Zebardast, Reza Akbari	
Comparative Comparison of New and Old Neighborhoods of Isfahan in terms of Adaptability to Iranian-Islamic Indicators; Case Study: Isfahan Juybareh neighborhoods and Negin town	23
Jamal Mohammadi, Seyed Reza Azadeh	
Exploring the quality of neighboring ties in Iranian Islamic neighborhood and its role in the place attachment; Case Study: Sagharisazan neighborhood, Rasht	35
Aliakbar Salaripour, Hamidreza Ramezani, Nader Zali, Maryam Safaye Karpour	
Explanation Of Environmental Quality Model In The Iranian Islamic City Regeneration	49
Iman Ghalandarian, Mojtaba Rafiyan	
Analysis of the role of ancient Ardakan texture recreation in urban tourism development	59
Ali Shamaei, Hassan Rezapour Mirsalah, Ali Movahed	
Analysis of construction history, architectural form and function of the Topkhaneh gate in the course of developments of Naghshe Jahan Square during the Qajar period	73
Nima Valibeig, Negar Kourangi	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 9, No. 34, Winter 2019

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad Pourahmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|-----------------------------------|---|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Karamat alah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Preparation, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

